

کیمپان ۴۶۰

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده
جمعه ۱۴ تا ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۳ خورشیدی
سال چهارم - شماره ۱۹۲۶

جمهوری اسلامی با جامعه ایران چه کرد؟

خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنجاه) پوند
تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند
تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما، کیهان لندن

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG
Tel: 0044 (0)20 3633 3684
e-mail:
info@kayhan.london
ads@kayhan.london
editorial@kayhan.london
www.kayhan.london
www.kayhanlife.com

سال چهلم

کیهان شماره ۱۹۲۶ (۴۶۰)

جمعه ۱۴ تا ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۳
۳ تا ۹ مه ۲۰۲۴



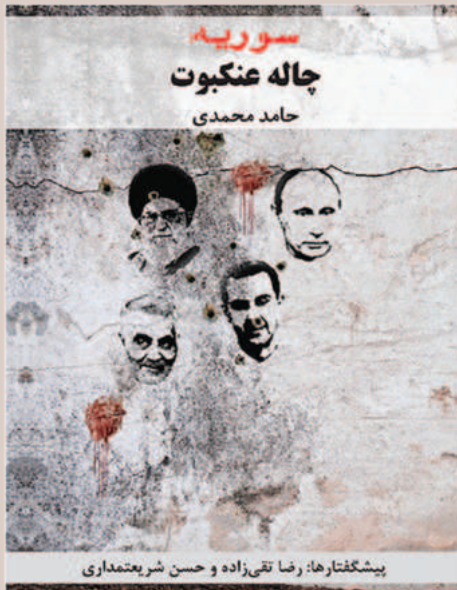
آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:
www.kayhan.london
روابط عمومی:
info@kayhan.london
آگهی و تبلیغات:
ads@kayhan.london
سر دبیری:
editorial@kayhan.london

وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
www.kayhanlife.com

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت»
به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

- Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com
www.satrap.co.uk
- Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
- Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
- Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
- UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
- Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

پیشگفتارها: رضا تقی‌زاده و حسن شریعتمداری

کیهان

** فهرست مطالب **

۴	سر مقاله - واقعیتی که خود را تحمیل می کند: آلترناتیو برای آزادی و آبادی ایران / الاهه بقراط.....
۴-۵	تیر هفته - جمهوری اسلامی با جامعه ایران چه کرد؟! /.....
۶-۷	نیویورک پست: جرج سوروس میلیون هادار خرج تظاهرات ضد اسرائیلی چپ ها /.....
۷	مؤسسه نظر سنجی «هاروارد - هریس»: اکثریت مردم آمریکامدا کرده و «توافق» /.....
۸-۹	هزینه های میلیاردی برای سرکوب زنان و تحمیل حجاب اجباری ... / روشنگر آسترکی.....
۹	سخنرانی نازنین انصاری در رابطه نقش کیهان لندن و رسانه در ... /.....
۱۰-۱۱	گزارش تکاندهنده بی بی سی جهانی از قتل نیکاشا کر می ... /.....
۱۱	و بدین گونه سفره مردم از پول نفت رنگین می شود ... / خیراندیش (احمد احرار).....
۱۲-۱۴	سیاست و سیاستگذاری در ایران - خاطرات علینقی عالیخانی (بخش ۱۳) ... /.....
۱۴	نمایش مجموعه خصوصی هنری شهبانو فرح پهلوی در پاریس ... / کتابیون شاهنده.....
۱۵	اعتصاب طلاب و شان در تهران، تبریز، اصفهان، همدان و چند شهر ... /.....
۱۶-۱۷	واکنش ها به گزارش تکاندهنده جزئیات قتل نیکاشا کر می ... /.....
۱۷	نگرانی کارشناسان سازمان ملل از صدور حکم اعدام علیه توماج صالحی ... /.....
۱۸	شرکت های صوری ملایان در آلمان؛ «مپنا یورپ» هم با تأسیسات صنعتی تجارت ... /.....
۱۹	عملیات تروریستی «هفت اکتبر» و «وعده صادق» نتیجه نادیده گرفتن تحریم های ... /.....
۲۰	دیوید کامرون: تروریستی خواندن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به نفع بریتانیاییست ... /.....
۲۰-۲۱	خودداری شهر دار تهران از ارائه اطلاعات درباره «قرار داد ۲/۷ میلیارد یورویی» ... /.....
۲۱	اردوغان استفاده از رادارهای ترکیه در مقابله با موشک پرانی سپاه پاسداران ... /.....
۲۲	گزارش «اسکای نیوز» درباره «طرح سراسری نور» ... /.....
۲۳	عفو بین الملل خواستار لغو حکم اعدام رضارسایی شد ... /.....
۲۴-۲۵	حسین شریعتمداری: شورای نگهبان لایحه «عفاف و حجاب» را کنار بگذارد ... /.....
۲۵	محمد اسلامی: ۱۳۰۰ بازرس آژانس مجاز به حضور در ایران هستند ... /.....
۲۶-۲۷	بحران مهاجران افغانستانی در ایران ... /.....
۲۷-۲۸	تجاوز چهار مرد افغان به یک پسر ۱۶ ساله ... /.....
۲۸-۲۹	دختر کیومرث پورا احمد: پدرم خودکشی نکرد؛ خطر را حس کرده و می دانست ... /.....
۳۰-۳۱	فرقه شهادت: میراث ننگین جمهوری اسلامی و حماس ... / امیلی کیت جلالی.....
۳۱	جایگاه الپیک برای حفظ کرامت انسانی بی نظیر است ... / فرزاد یوشانو.....
۳۲-۳۳	خط و نشان علیه زنان در خطبه های نماز جمعه ... /.....
۳۳	طراحی و ساختن هواپیمای جت ۱۰۰ نفره به دستور رئیسی! ... /.....
۳۴	نان قرض دادن نمایندگان مجلس و فرمانده نیروی انتظامی به یکدیگر برای ... /.....
۳۵	تحریم ۲۵ نهاد و فرد آمریکایی و انگلیسی توسط جمهوری اسلامی به اتهام «نقض» ... /.....
۳۶	حمایت مکارم شیرازی از رادان برای سرکوب زنان: «سست نشوید و محکم» ... /.....
۳۶	گزارش هادر مورد تور «رامین یکتا پرست» از عوامل سپاه پاسداران ... /.....
۳۷	حکم اعدام بابک زنجانی با موافقت علی خامنه ای لغو شد ... /.....
۳۸-۳۹	شاهنامه فر دوسی، خیال یا واقعیت؟! ... /.....
۳۹	کتابیون شاهنده در گفتگو با کیهان لندن از بر نامه های دانشگاه سواس برای ... /.....
۴۰	فروش شش رقمی دواثر از بهمن محمص نقاش و مجسمه ساز مشهور به «پیکاسوی» ... /.....
۴۱	آغاز تحقیقات دادستانی لهستان در مورد ارتباط احتمالی میان مدبر عامل سابق ... /.....
۴۱	دوشهر وند ایرانی در حمله پهبادی ترکیه به مناطق مرزی عراق کشته شدند ... /.....
۴۳-۴۲	ثبت ۱۰ هزار و ۲۶۴ مورد مالاریای وارداتی در سال گذشته و افزایش ابتلا ... /.....
۴۳	ابر از خرسندی امیر عبداللهیان از پیشرفت روابط ایران و بوری کینافاسو! ... /.....
۴۴	موج خودکشی و مهاجرت کادر درمان، بیمارستان های فرسوده ... /.....
۴۵	نرخ فرونشست زمین در اصفهان ۴۵ برابرنرخ جهانی ... /.....
۴۶-۴۷	۱۶ سال پس از تولید «قلیان اکسیژن»: اظهارات ضد و نقیض مسئولان و ... /.....
۴۷	منشی زن ممنوع! ... / بهنام محمدی.....
۴۸-۴۹	۱۱۳ استان گرفتار سیل؛ مردم جور مسئولان رامی کشند ... /.....
۴۹	تجارت نیوز: ربح اجاره ای در ایران ۴۰۰ تا ۹۰۰ میلیون تومان ... /.....
۵۰-۵۱	خبرهای کوتاه ... /.....
۵۲	پشت جلد - عکس هفته / آخرین لحظات نیکانخستین لحظات جاودانگی دختر قهرمان ایران.....

بازنشر
بازنشر



جمهوری اسلامی با جامعه ایران چه کرد؟

واقعیتی که خود را تحمیل می‌کند: آلترناتیو برای آزادی و آبادی ایران

تغییر و تحول تاریخی و فرهنگی، و نه صرفاً سیاسی، که با روی کار آمدن جمهوری اسلامی در ایران جریان دارد دو مرحله را از سر گذرانده: ده سال انقلاب و آزمون خونین و دردناک جمهوری اسلامی همراه با جنگ (۵۷ تا ۶۷)؛ بیست سال استحاله و اصلاحات و آزمون خونین و ویرانگر ناکارآمدی جمهوری اسلامی (۶۸ تا ۸۸).

پس از این دو مرحله است که توهم جامعه هم نسبت به

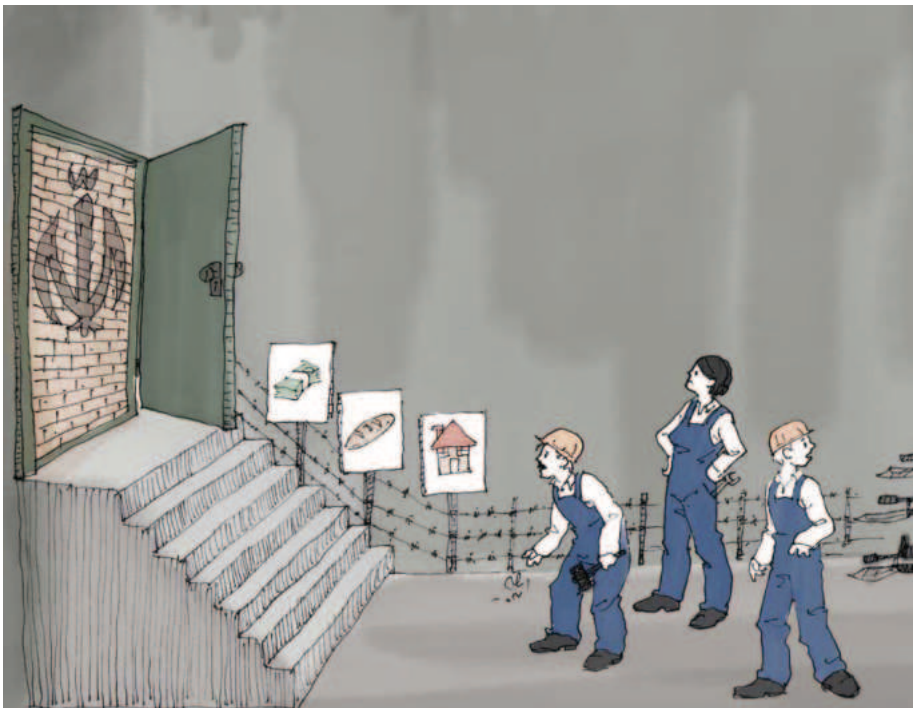


انقلاب اسلامی و جمهوری‌اش و هم اصلاح آن به تدریج در هم شکست. در یک روند خونین و دردناک دیگر (۸۹ به بعد) تمام تلاش‌ها و تبلیغات بر اساس «برجام» و توافق با غرب نیز جهت «علاج» ناکارآمدی ذاتی رژیم ناکام ماند.

حاملان اعتراضات دهه نود به بعد که سرانجام به جنبش ملی ۴۰۱ منجر شد، نسل‌های تازه‌نفس، عاصی و آزادیخواه و امیدوار اما دست خالی در برابر دستگاه پیر و فرسوده‌ی رژیم اما تا دندان مسلح هستند. شواهد عینی نشان می‌دهد که همبستگی ملی و آزادیخواهانه بین آنها، بین مردم، وجود دارد. مهم‌ترین نیاز جامعه نه فقط اکنون بلکه از سال‌های گذشته، تکیه‌گاه و چتری است که آن را از خارج تا داخل در پناه خود بگیرد. این آلترناتیو در مقابل رژیم، همانطور که پادشاه می‌بایست پادشاه همه ملت باشد از جمله مخالفانش، و همانطور که رئیس جمهوری می‌بایست رئیس همه جمهور باشد از جمله مخالفانش، می‌بایست بتواند همه‌ی ایرانیان را فارغ از تعلقات طبیعی (جنسیت و رنگ) و اجتماعی (قوم و مذهب و غیره) و تفاوت عقاید سیاسی، علیه جمهوری اسلامی و برای ایران آزاد و آباد نمایندگی کند.

در این میان، نقش شاهزاده رضا پهلوی نه به این دلیل که «مردم به او اقبال دارند» و یا «کسی غیر از او نداریم» بلکه به این علت است که ایرانیان برای نخستین بار در جمهوری اسلامی مجبور نیستند بین بد و بدتر انتخاب کنند بلکه می‌توانند بین بد (جمهوری اسلامی و مشایهانش) و خوب (مدافعان ایران آزاد و آباد) دست به انتخاب بزنند.

نمایندگان این بد و خوب هم کاملاً مشخص هستند: رژیم اسلامی و وابستگان و مشایهانش با کارنامه‌ای از جنگ و جنایت و ویرانی، و جریانی فردی که از آغاز برای ایران و علیه این رژیم تلاش کرده با پیشینه‌ای از «ایران نوین» (در دوران رضاشاه)، تکمیل شده با رشد اقتصادی و آزادی‌های مدنی و اجتماعی (در دوران محمدرضاشاه) و تلاش برای هدایت ایران به سوی دموکراسی بر اساس مسئولیت فردی و اجتماعی خود ایرانیان که شاهزاده در تمام سال‌های گذشته در یک روند آزمون و خطا جز این نکرده است. بدون این عناصر، وی مورد اقبال مردم قرار نمی‌گرفت و به فردی به عنوان «سرمایه ملی» تبدیل نمی‌شد. ایران و ایرانیان آماده‌ی آزادی و آبادی‌اند و شرایط جذب حداکثری در داخل از جمله پیوستن پایگاه اجتماعی رژیم به جنبش ملی، و حمایت حداکثری خارج از این جنبش بیش از پیش فراهم می‌شود. در چنین شرایطی دیگر به برخی نیروهای سیاسی و وابستگان نظام مربوط است که به این آلترناتیو و جنبش ملی برای ایران آزاد و آباد پیوندند یا در عمل کنار اقلیت حاکم بر کشور قرار بگیرند و صبر کنند تا واقعیت خود را به آنها تحمیل کند.



● **جمهوری اسلامی حقوق صنفی را هم با «اقدامات امنیتی» پیوند زده و با توسل به اتهامات واهی از جمله «اقدام علیه امنیت ملی» فعالان صنفی را با سرکوب شدید امنیتی و قضایی روبرو کرده است.**

«جمهوری اسلامی» پیوند زده و با توسل به اتهامات واهی از جمله «اقدام علیه امنیت ملی» فعالان صنفی را با سرکوب شدید امنیتی و قضایی روبرو کرده و ده‌ها تن از کارگران و آموزگاران را با صدور احکام قضایی راهی زندان کرده است. درست در روزهایی که کارگران و آموزگاران با فرا رسیدن روزهایی به نام آنها، بجای شادی و جشن و شرکت در مراسم بزرگداشت، بیش از دیگر روزها با فشارهای حکومت روبرو هستند، جمهوری اسلامی به بهانه «حجاب» در شهرهای مختلف شرایط نیمه‌جنگی علیه زنان به راه انداخته است.

«روز جهانی کار و کارگر» و «روز معلم» در ایران در حالی فرا رسید که حقوق‌بگیران از جمله کارگران و آموزگاران با مشکلات شدید مالی و معیشتی روبرو هستند و زیر شدیدترین فشارهای امنیتی، حق برگزاری تجمعات اعتراضی نیز از آنها سلب شده است. گزارش‌ها نشان می‌دهد اکثر جمعیت کشور زیر خط فقر قرار گرفته و حتی تأمین حداقل‌هایی مانند اجاره خانه و خوراک کافی نیز بحرانی حل‌نشده‌ی برای میلیون‌ها خانوار ایرانی است.

روزهای سرکوب بجای جشن و شادی

اول ماه مه برابر با ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۳ در غالب کشورهای جهان به عنوان «روز جهانی کارکنان» شناخته می‌شود و در این روز با ارج نهادن بر حقوق و ارزش فعالیت کارکنان بخش‌های مختلف در پیشبرد اهداف اقتصادی، جشن گرفته می‌شود. در ایران اما حقوق‌بگیران زیر فشارهای سنگین اقتصادی و امنیتی تلاش می‌کنند حداقل‌های یک زندگی زیر خط فقر را تأمین کنند و برای «حفظ حیات» می‌کوشند. در تقویم جمهوری اسلامی یک روز پس از روز کارگر و دوازدهم اردیبهشت به عنوان «روز معلم» نامگذاری شده اما در روزهایی که به «روز معلم» ختم می‌شود فشارهای امنیتی و تهدید و احضار آموزگاران افزایش می‌یابد تا مبادا تجمعات صنفی از سوی آموزگاران در اعتراض به شرایط حقرت‌باری که جمهوری اسلامی به آنها تحمیل کرده برگزار نشود.

کارگران و آموزگاران در کنار بازنشستگان از جمله اقشاری هستند که در سال‌های گذشته بارها تجمعات اعتراضی برگزار کرده و خواستار پاسخگویی حکومت به حقوق صنفی خود از جمله افزایش دستمزد شده‌اند. جمهوری اسلامی اما حقوق صنفی را هم با «اقدامات

جنگ حکومت علیه زنان

مأموران رسمی و غیررسمی حکومت از ۲۵ فروردین ۱۴۰۳ در معابر و اماکن عمومی مستقر شده‌اند تا اعلان جنگ حکومت علیه زنان را پیش ببرند. اجرای «طرح سراسری نور» در سه هفته گذشته خشونت بی‌سابقه‌ای علیه زنان در خیابان‌های ایران را به نمایش گذاشته است. زنانی که از پوشش آزاد استفاده می‌کنند یا حجاب اجباری اسلامی را آنطور که مورد رضایت حکومت است رعایت نمی‌کنند با ضرب و جرح، آدم‌ربایی و بازداشت، تشکیل پرونده قضایی، توقیف اتموبیل و جریمه نقدی روبرو می‌شوند. گزارش‌ها حاکی از آن است که بخش گسترده‌ای از زنان ایران همچنان به مبارزه مدنی خود علیه حکومت ادامه می‌دهند و بخشی نیز که حاضر نیستند تسلیم حجاب اجباری شوند، عبور و مرور خود در بیرون از خانه را به حداقل رسانده‌اند.

استفاده از پوشش آزاد و اختیاری به عنوان مبارزه‌ای مدنی از سوی زنان، پس از قتل حکومتی مهسا امینی به دست مأموران گشت ارشاد در شهریور ۱۴۰۱ و اعتراضات جنبش ملی که ماه‌ها ادامه داشت، آغاز شد. هرچند موج ←

اعراضات خیابانی پس از ماه‌ها سرکوب مسلحانه حکومت آرام گرفت اما جنبش ملی با هدف انقلابی برای براندازی جمهوری اسلامی ادامه دارد و یکی از آثار زنده بودن شعله‌های این جنبش، مبارزه مدنی زنان در استفاده از پوشش آزاد است.

جمهوری اسلامی پس از روی کار آمدن تحمیل حجاب اجباری به زنان ایران را برای ساختن ویترونی از جامعه اسلامی مورد نظرش در دستور کار قرار داد آنهم در حالی که از همان روزهای نخست از جمله در تظاهرات معروف ۱۷ اسفند ۵۷ زنان علیه حجاب اجباری مقاومت کردند.

گسترش فقر و فلاکت

حکومت در کنار سرکوب‌های آشکار امنیتی، انتظامی و قضایی، با گسترش فقر و فلاکت و سرخوردگی هم فشار مضاعفی بر مردم وارد کرده است. برخی معتقدند گسترش فقر و تشدید گرفتاری‌های مالی شاید به صورت عامدانه در دستور کار حکومت است تا مردمی که درگیر فلاکت و دلسردی و ناامیدی هستند، رمق اعتراضات گسترده نداشته باشند.

در شرایطی که آمارهای شفاف و قابل اتکایی از سوی جمهوری اسلامی منتشر نمی‌شود اما همان اندک آمارهای ارائه شده نیز نشان می‌دهد جامعه ایران در وضعیت التهاب و بحران است. برای نمونه آمارهایی که از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی منتشر شده نشان می‌دهد نرخ فقر در سال ۹۶ با افزایش ۱۰ واحد درصد روبرو شده و از سطح ۲۰ درصدی به ۳۰ درصد صعود کرده است. افزایش ۱۰ واحد درصدی نرخ فقر در ایران به این معناست که ۱۰ درصد از جمعیت ایران به جمعیت فقر افزوده شدند که با توجه به جمعیت ۸۰ میلیون نفری کشور در آن سال، این رقم به معنای اضافه شدن ۸ میلیون نفر به تعداد فقرا است؛ به عبارت دیگر، بعد از سال ۹۶ حدود ۵۰ درصد نسبت به گذشته به جمعیت فقرای کشور اضافه شده است.

این رقم در سال ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ افزایش یافته به این معنی که در سال ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ فقرا ۷۳ درصد خط فقر درآمد داشته و نسبت به نیمه اول دهه ۹۰ وضعیت معیشتی بدتری را تحمل کرده‌اند.

مقامات و کارشناسان حکومتی معتقدند دو سوم جمعیت کشور در حال حاضر زیر خط فقر قرار دارند. نگاهی به رقم دستمزدها و مقایسه آن با رقم سید معیشت که شامل هزینه‌های ضروری یک خانوار در طول یک ماه است نیز گویای سقوط اکثر جمعیت کشور به زیر خط فقر است.

بر اساس برآوردها، رقم سید معیشت برای یک خانوار چهار نفره بطور متوسط ۳۲ میلیون تومان در ماه است. رقم حداقل دستمزد که مبنای پرداخت حقوق کارگران، بازنشستگان و مستمری‌گیران تأمین اجتماعی و بخشی از کارکنان بخش خصوصی است امسال حدود ۷ میلیون تومان است و در صورتی که نیروی کار همه مزایای شغلی از حق مسکن تا حق تاهل و حق اولاد را دریافت کند، در نهایت دستمزد او به حدود ۱۱ میلیون می‌رسد. در این شرایط حتی اگر یک زوج هر دو کار کنند باز هم زیر خط فقر قرار دارند و نمی‌توانند هزینه‌های ضروری زندگی را تأمین کنند.

رقم دستمزد اکثر کارکنان دولت از جمله آموزگاران و کارمندان شاغل در بخش خصوصی نیز کمتر از ۱۵ میلیون تومان در ماه است که بیانگر دستمزدهای کمتر از رقم سید معیشت است.

مرکز آمار ایران نیز در گزارشی اشاره کرده که ۸۹ درصد از افرادی که در دسته «جمعیت فقیر» قرار می‌گیرند شاغل

هستند. به بیان دیگر ۸۹ درصد از فقرا شغل دارند اما درآمد آنها برای تأمین حداقل نیازها پاسخگو نیست و آنها را به زیر خط فقر رانده است.

گرستگی و سوء تغذیه و سرقت

درآمدهای بی‌ارزش در کنار عدم حمایت کارآمد دولت از اقشار کم‌درآمد سبب بروز پدیده‌های بی‌سابقه در ایران شده است. «کالاقاپی» و «دزدی سوپرمارکتی» از جمله این پدیده‌هاست؛ در ماه‌های گذشته گزارش‌های زیادی درباره ربایش کیسه‌های خرید شهروندان از دستشان و یا دزدیده شدن یکی دو قلم کالای نه چندان قیمتی مانند شیر، ماست، تخم‌مرغ، یک کیسه کوچک برنج یا نوشابه از سوپرمارکت‌ها منتشر شده است.

کارشناسان معتقدند ریشه سرقت‌های خرد و پدیده‌هایی چون کالاقاپی بطور مستقیم به گسترش فقر در کشور باز می‌گردد.

آمارها نشان می‌دهد سرانه مصرف مواد خوراکی در کشور به شدت کاهش یافته است. در حالی که برخی مواد خوراکی مانند آجیل از سید خرید بسیاری از خانوارها کاملاً حذف شده، مصرف مواد خوراکی ضروری نیز به شدت کاهش یافته است.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در گزارشی درباره وضعیت معیشتی شهروندان در سال ۱۴۰۱ نوشته میزان مصرف کالری نیمی از جمعیت ایرانی‌ها در این سال کمتر از حد استاندارد یعنی ۲۱۰۰ کالری در روز بوده است. از سوی دیگر، همه دهک‌ها از میزان کالری خود نسبت به سال ۱۴۰۰ کم کرده‌اند.

مهدی سروی، کارشناس «انديشكده اقتصاد مقاومتی» زمستان گذشته اعلام کرده بود که میانگین مصرف گوشت خانواده‌ها در کشور ۸ کیلوگرم در سال و سرانه مصرف گوشت فرمز برای هر نفر در ۳ دهک* پایین جامعه، حدود ۷۰۰ گرم در سال است. استاندارد مصرف گوشت در سال ۱۲ کیلوگرم اعلام شده است!

آمارها نشان می‌دهد سرانه مصرف لبنیات در سال ۸۹ بالای ۱۸۰ کیلو در سال بوده است اما علی احسان ظفری مدیر عامل اتحادیه تعاونی‌های لبنی اعلام کرده که سرانه مصرف لبنیات به دلیل کاهش قدرت خرید خانوار به ۵۵ تا ۶۰ کیلو در سال رسیده است.

گسترش بی‌خانمانی و خودکشی

افزایش نجومی قیمت اجاره خانه نیز یکی از مشکلات اساسی خانوارهای حقوق‌بگیر و مستأجر است. آمارها از افزایش حدود ۵۰ درصدی اجاره‌بهای مسکن در یک سال حکایت دارد اما گزارش‌های میدانی بر دو برابر شدن رقم اجاره خانه در محلات مختلف کلانشهرها تأکید دارد.

مقامات حکومتی اعتراف می‌کنند چهار دهک پایین درآمدی ایران نه تنها در شرایط فعلی هیچ وقت امکان خرید یک خانه بسیار کوچک را هم تا آخر عمر ندارند بلکه حتی توان پرداخت اجاره‌خانه را هم ندارند.

موج گسترده مهاجرت از شهرها به محلات حاشیه‌ای و پدیده‌هایی چون اجاره پشت‌بام (پشت‌بام خوابی) یا سکونت دو خانوار در یک واحد مسکونی کوچک از جمله پیامدهای ناتوانی خانوارهای کم‌درآمد در پرداخت اجاره خانه است.

آنسوی توسعه فقر و فلاکت توسط جمهوری اسلامی ایجاد موجی از ناامیدی نسبت به آینده‌ای است که بدون شک با تداوم جمهوری اسلامی سیاه‌تر از امروز خواهد بود. از آثار موج ناامیدی در میان شهروندان می‌توان به آمار افزایش

خودکشی در کشور اشاره کرد.

آمارهای ثبت و گزارش شده نشان می‌دهد از هر ۱۰۰ هزار نفر در ایران، ۱۲۶ نفر اقدام به خودکشی می‌کنند و دست‌کم ۶ نفر جان خود را بر اثر خودکشی از دست می‌دهند. این در حالیست که موارد زیادی از خودکشی گزارش نمی‌شود و در دقیق بودن آمارهای ارائه شده تردید وجود دارد.

آمارها همچنین نشان می‌دهد استان‌های ایلام، لرستان، کرمانشاه و خوزستان به یکی از کانون خودکشی در جهان تبدیل شده‌اند. در حالی که در مرکز ایران و در استان تهران نیز هشت شهر با آمار بالای خودکشی دست و پنجه نرم می‌کنند.

خودکشی حتی در اقشار تحصیلکرده نیز روندی افزایشی یافته بطوری که آمار خودکشی رزیدنت‌ها و دستیاران تخصصی پزشکی ۱۰ برابر خودکشی جمعیت عمومی است. از سوی دیگر سن خودکشی در ایران نیز با کاهش تکانه‌دهی روبرو شده و به کودکان ۸ تا ۹ ساله رسیده است.

بر اساس گزارشی که به تازگی از سوی روزنامه «اعتماد» چاپ تهران منتشر شده در پنج سال گذشته، یعنی از ابتدای فروردین سال ۱۳۹۸ تا نیمه اسفند ماه ۱۴۰۲، خبر خودکشی حداقل ۱۹۶ کودک (زیر ۱۸ سال) در رسانه‌های رسمی کشور منعکس شده است.

بر اساس این آمارها از ۱۹۶ خودکشی انجام شده در بازه زمانی پنج سال گذشته، ۱۳۰ مورد مربوط به کودکان دختر، ۴۷ مورد مربوط به کودکان پسر و در ۱۹ مورد نیز جنسیت کودکانی که به خودکشی اقدام کرده‌اند ذکر نشده است.

همچنین از ۱۹۶ مورد خودکشی کودکان زیر ۱۸ سال که از سال ۱۳۹۸ تاکنون رسانه‌ای شده، ۱۳۳ مورد به مرگ منجر شده است و ۶۳ مورد هم نجات پیدا کرده‌اند. گرچه ادامه زندگی برخی از آنها علیرغم آسیب روحی با آسیب‌های جدی جسمی هم همراه بوده است.

مهاجرت و آینده کشور

در شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ناشی از حکومت جمهوری اسلامی شمار دیگری از شهروندان که امکان مالی و شرایط مهاجرت دارند ترجیح می‌دهند به کشورهای دیگر، حتی کشورهای همسایه، مهاجرت کنند تا از شرایط دشوار زندگی در ایران نجات پیدا کنند و شاید آینده بهتری برای فرزندان خود بسازند.

فقر و فلاکت و ناامیدی گسترده در کشوری که در آنسو با کاهش جمعیت پویای اقتصادی و تحصیلکرده به دلیل مهاجرت روبروست، تصویری دلخراش از جامعه ایران به نمایش می‌گذارد.

با اینهمه مقاومت و پایداری مردم برای روشن نگه داشتن شعله جنبش ملی و تداوم مبارزات مدنی و سیاسی، نشان می‌دهند «امید» به تغییر شرایط با براندازی جمهوری اسلامی و استقرار یک حکومت دموکراتیک و توسعه‌گرا همچنان در قلب مردم زنده است.

* جامعه بیش از هشتاد میلیونی ایران به ۱۰ دهک تقسیم شده است. دهک اول، همان دهکی است که در ۱۰ درصد پایین جامعه از نظر درآمدی قرار دارد و نسبت به سایرین کمترین درآمد را کسب می‌کند. دهک دهم اما ثروتمندترین و پردرآمدترین دهک هستند. با توجه به ثابت نبودن درآمدها در هر دهک تقسیم‌بندی شده از روی جمعیت، در سال‌های گذشته نقدهایی به شیوه دهک‌بندی صورت گرفته است.

نیویورک پست: جرج سوروس میلیون‌ها دلار خرج تظاهرات ضداسرائیلی چپ‌ها کرده است

● در شرایطی که گفته می‌شود عملیات ارتش اسرائیل برای فتح رفح در جنوب غزه به عنوان آخرین سنگر شهری تروریست‌های حماس به زودی آغاز می‌شود، دانشجویان چپ‌گرا و مسلمان برای حمایت از فلسطین در شماری از دانشگاه‌های آمریکا و همچنین اروپا کارزار ضداسرائیلی به راه انداخته‌اند.

● روزنامه «نیویورک پست» در گزارشی می‌نویسد جرج سوروس و همفکران چپ‌گرای افراطی او به همراه غول‌های وال‌استریت (شرکت‌های مالی) اعتراضات خشونت‌بار ضداسرائیلی را در دانشگاه‌های آمریکا تأمین مالی می‌کنند. ● «انجمن دانشجویی عدالت برای فلسطین» (USCPR) در ازای هشت ساعت در هفته برای سازماندهی کمپین‌هایی که توسط سازمان‌های فلسطینی رهبری می‌شوند، تا ۷۸۰۰ دلار برای همکاران خود و بین ۲۸۸۰ تا ۳۶۶۰ دلار برای «همراهان» مستقر در دانشگاه پرداخت می‌کند. ● روزنامه «نیویورک پست» در یک گزارش دیگر به بررسی «رژیم غذایی دانشجویان معترضان در دانشگاه «کلمبیا» و چند دانشگاه دیگر پرداخته و می‌نویسد، با مخارج هنگفت، انواع ساندویچ‌ها، آجیل‌های گران قیمت، انواع نوشیدنی و قهوه، پیتزا، شکلات در اختیار آنها قرار می‌گیرد تا آنها که در محوطه دانشگاه چادر زده‌اند بتوانند به عملیات خود ادامه دهند.

● در بعضی دانشگاه‌ها دانشجویان «چادر همبستگی با غزه» برپا کرده‌اند. نیویورک پست گزارش داده ظاهراً چادرها را از «آمازون» سفارش داده‌اند. این روزنامه تأکید کرده است در مدت زمانی که این دانشجویان در آنجا مستقر هستند انواع پیتزا، قهوه و ساندویچ‌های رایگان به ارزش ۱۲/۵ دلار، چپیس‌های تورتیلیا ارگانیک تحویل می‌گیرند و از خوردن جوجه سوخاری و کبابی نیز لذت می‌برند.

در شرایطی که گفته می‌شود عملیات ارتش اسرائیل برای فتح رفح در جنوب غزه به عنوان آخرین سنگر شهری تروریست‌های حماس به زودی آغاز می‌شود، دانشجویان چپ‌گرا و مسلمان برای حمایت از فلسطین در شماری از دانشگاه‌های آمریکا و همچنین اروپا کارزار ضداسرائیلی به راه انداخته‌اند. روزنامه «نیویورک پست» در گزارشی می‌نویسد جرج سوروس و همفکران چپ‌گرای افراطی او به همراه غول‌های وال‌استریت (شرکت‌های مالی) اعتراضات خشونت‌بار ضداسرائیلی در دانشگاه‌های آمریکا را تأمین مالی می‌کنند. اعتراضات با تسخیر زمین چمن محوطه دانشگاه کلمبیا توسط دانشجویان آغاز شد و در سراسر آمریکا چارچ‌گونه گسترش یافت و به دانشگاه‌های هاروارد، ییل، برکلی در کالیفرنیا، دانشگاه ایالتی اوهایو و اموری در جورجیا و چند دانشگاه دیگر سرایت کرد. سرخ این اعتراضات در دست شاخه‌های مختلف گروه «دانشجویان برای عدالت در فلسطین» (SJP) است که با بودجه سوروس سازماندهی شده‌اند. آنها در چند مورد با پلیس نیز درگیر شده‌اند.

این در حالیست که اعتراضات دانشجویان چپ‌گرا در دانشگاه‌ها به کانون نفرت‌پراکنی علیه اسرائیل تبدیل شده و سوروس که به عنوان یک چپ‌گرای میلیاردر شناخته می‌شود آنها را تأمین مالی می‌کند. دست‌کم در سه کالج تندرورها توسط گروه «fellows»



صدها دانشجوی مدافع فلسطین در دانشگاه‌های آمریکا علیه اسرائیل دست به اعتراض زدند

پیتزا، شکلات در اختیار آنها قرار می‌گیرد تا آنها که در محوطه دانشگاه چادر زده‌اند بتوانند به عملیات خود ادامه دهند. در بعضی دانشگاه‌ها دانشجویان «چادر همبستگی با غزه» برپا کرده‌اند. نیویورک پست گزارش داده ظاهراً چادرها را از «آمازون» سفارش داده‌اند. این روزنامه تأکید کرده است در مدت زمانی که این دانشجویان در آنجا مستقر هستند انواع پیتزا، قهوه و ساندویچ‌های رایگان به ارزش ۱۲/۵ دلار، چپیس‌های تورتیلیا ارگانیک تحویل می‌گیرند و از خوردن جوجه سوخاری و کبابی نیز لذت می‌برند.

(همراهان) حمایت مالی شدند تا کمپین «آمریکا برای عدالت در فلسطین» را تقویت کنند. این گروه با بنیاد سوروس در ارتباط است. در این گزارش همچنین آمده، «انجمن دانشجویی عدالت برای فلسطین» (USCPR) در ازای هشت ساعت در هفته برای سازماندهی کمپین‌هایی که توسط سازمان‌های فلسطینی رهبری می‌شوند، تا ۷۸۰۰ دلار برای همکاران خود و بین ۲۸۸۰ تا ۳۶۶۰ دلار برای «همراهان» مستقر در دانشگاه پرداخت می‌کند.



دانشجویان روزانه صدها ساندویچ و انواع غذا سفارش می‌دهند تا پراکنده نشده و در محوطه دانشگاه‌ها بماند و به اعتراض خود ادامه دهند



ده‌ها دانشجوی تصمیم گرفتند فعلاً ۲۴ ساعته در دانشگاه‌ها مستقر شوند و از فلسطین حمایت کنند؛ در حالی که با انواع امکانات و خوراکی‌ها تأمین می‌شوند تا بتوانند به این عملیات ادامه دهند!

گیلعاد اردان سفیر اسرائیل در سازمان ملل آذرماه ۱۴۰۲ به «فاکس نیوز» گفته بود، «کمک‌های سوروس به سازمان‌هایی که به دنبال نابودی کشور اسرائیل به عنوان یک کشور یهودی هستند شرم‌آور است اما از این کمک‌ها تعجب نمی‌کنم.» سوروس در طول هفت سال گذشته بیش از ۱۵ میلیون دلار به ده‌ها گروه طرفدار فلسطین که اعتراضات علیه اسرائیل

این گروه تندرور از سال ۲۰۱۷ حداقل ۳۰۰ هزار دلار از «بنیاد جامعه باز» سوروس و همچنین از سال ۲۰۱۹ مبلغ ۳۵۵ هزار دلار از صندوق «برادران راکفلر» دریافت کرده است. روزنامه «نیویورک پست» در یک گزارش دیگر به بررسی «رژیم غذایی دانشجویان معترضان در دانشگاه «کلمبیا» و چند دانشگاه دیگر پرداخته و می‌نویسد، با مخارج هنگفت، انواع ساندویچ‌ها، آجیل‌های گران قیمت، انواع نوشیدنی و قهوه،

مؤسسه نظرسنجی «هاروارد-هریس»: اکثریت مردم آمریکا مذاکره و «توافق اتمی» با جمهوری اسلامی را بی‌فایده می‌دانند



تهران، خیابان «انقلاب»

مقابل حملات جمهوری اسلامی حمایت کنند. طبق این نظرسنجی، ۶۷ درصد از رأی‌دهندگان موافق هستند که ناتو باید از اسرائیل در مقابل حملات جمهوری اسلامی پشتیبانی کند. از هر چهار رأی‌دهنده سه نفر فکر می‌کنند که جمهوری اسلامی ایران مسئول حملات مرگبار «هفت اکتبر» حماس به اسرائیل است و اکثریت می‌گویند که حکومت ایران مقصر تشدید درگیری‌هاست. (صفحه ۶۰)

اکثریت قوی رأی‌دهندگان (۸۰ درصد) با نگرانی از تهدیدات جمهوری اسلامی آن را یک خطر در سطح جهانی می‌بینند و تأیید می‌کنند که باید از دستیابی رژیم ایران به سلاح اتمی جلوگیری کرد. (صفحه ۶۱)

از هر سه رأی‌دهنده دو نفر موافق‌اند که مذاکره با جمهوری اسلامی کارساز نیست و بهترین راه برای جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای را تحریم و انزوای بین‌المللی این رژیم می‌دانند.

طبق این نظرسنجی ۶۵ درصد رأی‌دهندگان معتقدند مذاکره و رسیدن به یک توافق برای مقابله با دستیابی رژیم به سلاح اتمی بی‌فایده است و ۶۷ درصد رأی‌دهندگان نیز موافق تحریم‌ها و انزوای بین‌المللی جمهوری اسلامی‌اند.

اکثریت قوی رأی‌دهندگان (۷۱ درصد) می‌گویند که ایالات متحده باید نفت ایران را تحریم و مانع فروش و ورود آن به بازار شود.

طبق نظرسنجی مؤسسه «هاروارد-هریس» اکثر رأی‌دهندگان طرفدار ناتو هستند و از هر پنج نفر سه نفر می‌گویند که این ائتلاف در جلوگیری از حملات دشمنان از جمله جمهوری اسلامی و روسیه مؤثر است.

● بر اساس نتایج نظرسنجی مرکز مطالعات سیاسی آمریکا در دانشگاه هاروارد و مؤسسه افکارسنجی هریس (مؤسسه هاروارد-هریس) که ۲۹ آوریل ۲۰۲۴ (دهم اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۳) منتشر شد اکثریت رأی‌دهندگان آمریکایی معتقدند جمهوری اسلامی مسئول حمله تروریستی «هفت اکتبر» حماس به اسرائیل است و بر این باورند که کشورهای عضو پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) مسئولیت دارند از اسرائیل در مقابل حملات جمهوری اسلامی حمایت کنند.

● اکثریت قوی رأی‌دهندگان (۸۰ درصد) با نگرانی از تهدیدات جمهوری اسلامی آن را یک خطر در سطح جهانی می‌بینند و تأیید می‌کنند که باید از دستیابی رژیم ایران به سلاح اتمی جلوگیری کرد.

● طبق این نظرسنجی ۶۵ درصد رأی‌دهندگان معتقدند مذاکره با جمهوری اسلامی و رسیدن به یک توافق برای مقابله با دستیابی رژیم به سلاح اتمی بی‌فایده است و ۶۷ درصد رأی‌دهندگان موافق تحریم‌ها و انزوای بین‌المللی جمهوری اسلامی‌اند.

● اکثریت قوی رأی‌دهندگان (۷۱ درصد) می‌گویند که ایالات متحده باید نفت ایران را تحریم و مانع فروش و ورود آن به بازار شود.

بر اساس نتایج نظرسنجی مرکز مطالعات سیاسی آمریکا در دانشگاه هاروارد و مؤسسه افکارسنجی هریس (مؤسسه هاروارد-هریس) که ۲۹ آوریل ۲۰۲۴ (دهم اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۳) منتشر شد، اکثریت رأی‌دهندگان آمریکایی معتقدند جمهوری اسلامی مسئول حمله تروریستی «هفت اکتبر» حماس به اسرائیل است و بر این باورند که کشورهای عضو پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) مسئولیت دارند از اسرائیل در

را در آمریکا سازماندهی می‌کنند کمک کرده است. سوابق «بنیاد جامعه باز» (وابسته به سوروس) نشان می‌دهد که ۲۰ میلیون دلار برای تأمین گروه‌های طرفدار فلسطین از طریق «Tides» که یک گروه چپ‌گراست خرج کرده است. این گروه از چندین سازمان غیرانتفاعی حمایت می‌کند که تظاهرات علیه اسرائیل را هدایت می‌کنند. خیرگزاری‌های حکومتی در ایران و روزنامه‌های اصلاح‌طلب استقبال فوق‌العاده زیادی از تظاهرات ضداسرائیلی دانشجویان در دانشگاه‌های آمریکا کرده‌اند. خیرگزاری تسنیم وابسته به سپاه پاسداران از آغاز این اعتراضات تا روز دوشنبه ۱۰ اردیبهشت روزانه دست‌کم دو تا سه گزارش مرتبط با آن را پوشش داده است. دستگاه‌های تبلیغاتی و همچنین شماری مقامات نظام تلاش می‌کنند جمهوری اسلامی را منشاء این کارزار ضداسرائیلی معرفی کنند. پلیس آمریکا در چند دانشگاه تعدادی از معترضان را بازداشت کرده است. برخی از آنها متهم به «توهین‌های تند و زننده ضدیهودی» هستند. رسانه‌های داخل ایران از جمله منابع نزدیک به سپاه پاسداران از بازداشت دانشجویان آمریکا ابراز نگرانی کرده‌اند. برخی منابع گزارش داده‌اند دست‌کم ۹۰۰ نفر در این اعتراضات بازداشت شده‌اند. صادق زیباکلام از چهره‌های اصلاح‌طلب، هشتم اردیبهشت در شبکه اجتماعی «ایکس» در انتقادی نرم از رژیم جمهوری اسلامی نوشت، «امروز رسانه‌های انقلابیون تندرو از جمله فارس و روزنامه جوان خواهان گفتگو پیرامون برخورد خشن مقامات آمریکایی با دانشجویانی که علیه اسرائیل تظاهرات کرده‌اند مصاحبه کنند. گفتم شما اول این آمار را به من بدهید؛ چه تعدادی از معترضین کشته شده یا چشم‌انشان مورد اصابت گلوله ساخته‌ای قرار گرفته؟» همزمان با این رویدادها با افزایش نگرانی‌ها مبنی بر حمله احتمالی اسرائیل به رفح، جان کربی سخنگوی شورای امنیت ملی کاخ سفید گفت که اسرائیل اطمینان داده که پیش از حمله به رفح، به «دیدگاه‌ها و نگرانی‌های» واشنگتن توجه کند. وی در گفتگو با «ای‌بی‌سی نیوز» توضیح داد، «آنان به



دانشجویان حامی آرمان‌های فلسطین با انواع نوشیدنی و قهوه پذیرایی می‌شوند

ما اطمینان داده‌اند تا زمانی که فرصتی نداشته باشیم تا دیدگاه‌ها و نگرانی‌هایمان را با هم به شراکت بگذاریم، وارد رفح نخواهند شد.» مشخص نیست آیا اسرائیل عملیات فتح رفح را آغاز خواهد کرد یا بنیامین نتانیاهو تسلیم فشارهای بین‌المللی خواهد شد اما فشارهای زیادی به دولت اسرائیل وارد می‌شود که از این تصمیم منصرف شود.

هزینه‌های میلیاردي برای سرکوب زنان و تحمیل حجاب اجباری؛ سرمایه‌ای که می‌بایست صرف رفاه جامعه شود



و وظایف تعریف شده‌ی خودشان، به موضوع حجاب و سرکوب زنان در محیط کار در راستای اهداف ایدئولوژیک نظام اختصاص دهند!

«داده‌های باز ایران» یک سال پیش تلاش کرده بود برآوردی از بودجه برپادرفته در این بخش را ارزیابی کند. در گزارش «داده‌های باز ایران» آمده بود هزینه استخدام پرسنل برای نظارت و تذکر حجاب، تهیه دستورالعمل، تبلیغات و «مناسب‌سازی» محیط کار برای زنان، از محل بودجه و منابع مالی تامین می‌شود که دولت به نمایندگی از مردم در اختیار این نهادها قرار داده است.

این گزارش افزوده بود «اگر فرض کنیم دستگاه‌های بودجه‌بگیر و بانک‌ها و موسسات انتفاعی وابسته به دولت، برای تامین نظر شورای عالی انقلاب فرهنگی، یک هزارم کل بودجه‌ای که صرف حجاب می‌شود در سال ۱۴۰۲ بالغ بر ۵ هزار میلیارد تومان خواهد شد.»

مدتی پس از انتشار این گزارش نیز خبر به کار گرفتن زنانی با عنوان «حجاب‌بان» از سوی شهرداری تهران منتشر شد. علیرضا زاکانی شهردار تهران از استخدام ۴۰۰ نیروی یگان حفاظت شهرداری با عنوان «حجاب‌بان» خبر داد که در معابر عمومی و به ویژه متروها مستقر شده‌اند تا با «تذکر لسانی» با زنانی که پوشش اختیاری دارند برخورد کنند.

محمدحسین طاهری آکردی دبیر ستاد امر به معروف و نهی از منکر هم تعداد حجاب‌بان‌ها در پایتخت را ۲۸۵۰ اعلام کرد. بر اساس گزارش‌ها حقوق ماهانه هر یک از این افراد ۱۲ میلیون تومان است و مزایای شغلی از جمله بُن خرید کالا هم دریافت می‌کنند.

اگر بطور متوسط دریافتی هر «حجاب‌بان» با مزایای شغلی و بیمه را ۱۴ میلیون در نظر بگیریم فقط مأمورانی که به گفته دبیر ستاد امر به معروف در خیابان‌ها برای زنان مزاحمت ایجاد می‌کنند که به اصطلاح «تذکر لسانی» بدهند در مجموع ماهانه ۴۰ میلیارد تومان به عنوان حقوق دریافت می‌کنند؛ این البته در صورتی است که

«حجاب‌بان»ها بیش از تعداد ۲۸۵۰ مورد ادعای دبیر

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت بازرگانی، سازمان صداوسیما رژیم، نیروی انتظامی، سازمان ملی جوانان، سازمان تبلیغات اسلامی، وزارت آموزش و پرورش، وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت علوم، مرکز امور زنان و خانواده، وزارت ارتباطات، سازمان تربیت بدنی، شهرداری، وزارت بهداشت، ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر، سازمان بهزیستی، وزارت امور خارجه، وزارت کار و امور اجتماعی، مجلس شورای اسلامی، وزارت کشور، سازمان مدیریت و برنامه ریزی، قوه قضاییه، وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، نیروی مقاومت بسیج و وزارت راه و ترابری، ۲۶ دستگاهی هستند که در پیشرده اهداف ایدئولوژیک حجاب اجباری مسئولیت دارند. سالانه بخشی از بودجه این سازمان‌ها و نهادها که در یک ساختار کارآمد می‌بایست برای پیشبرد توسعه و پیشرفت کشور هزینه شود به مصوبات مرتبط با حجاب اجباری اختصاص می‌یابد. این در حالیست که شفافیتی نیز در اینباره وجود ندارد و ارقام دقیق هزینه‌های سازمان‌ها و نهادهای حکومتی در اینباره بطور عمومی اعلام نمی‌شود. همچنین در مصوبه جلسه شماره ۸۲۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۱۲ شهریور ۱۳۹۸، چهار وظیفه برای تمام دستگاه‌های اجرایی، نهادهای عمومی، نهادهای حکومتی و واحدهایی که به نوعی از بودجه دولتی استفاده می‌کنند، تعریف شده است:

۱- نظارت بر رعایت حجاب و عفاف
۲- اصلاح و تهیه آئین‌نامه و دستورالعمل برای پیشگیری

از بدحجابی

۳- آگاهی‌دهی درباره مزایا و پیامدهای عفاف و حجاب

۴- مناسب‌سازی محیط کار برای زنان

این مصوبات نشان می‌دهد سازمان‌های دولتی و غیردولتی که به ظاهر باید در بخش‌های مختلفی غیر از حوزه تبلیغاتی و اجرایی ایدئولوژیک حکومت فعال باشند، مانند وزارت اقتصاد و وزارت بهداشت و حتی سازمان‌هایی مانند بورس و بهزیستی نیز به عنوانی مختلف باید بخشی از بودجه سالانه خود را بجای هزینه شدن در راستای اهداف

● اگر بطور متوسط دریافتی هر «حجاب‌بان» با مزایای شغلی و بیمه ۱۴ میلیون باشد، فقط مأمورانی که در خیابان‌ها برای زنان مزاحمت ایجاد می‌کنند تا به اصطلاح «تذکر لسانی» بدهند، در مجموع ماهانه ۴۰ میلیارد تومان از بودجه کشور را به باد می‌دهند.

● در لایحه بودجه ۱۴۰۲ دولت بودجه ۷۶ میلیارد تومانی برای ستاد امر به معروف و نهی از منکر پیشنهاد داده بود اما نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۵۰ هزار میلیارد تومان هم به آن افزودند و در نهایت این ستاد سرکوب ۱۲۴ هزار میلیارد تومان بودجه گرفت.

● هزینه‌ای که هر خانوار برای رعایت حجاب اجباری باید بپردازد که شامل هزینه مانتو، روسری و چادر و مقنعه می‌شود رقمی معادل ۳۵ هزار میلیارد تومان در سال ارزیابی شده است.

● «حجاب‌بان»ها، «سفیران مهر» و کلیه «آتش به اختیاران» که ماهانه بخش قابل توجهی از بودجه کشور و منابعی را که می‌بایست برای شهروندان هزینه شوند به جیب می‌زنند افرادی هستند که به جمهوری اسلامی و ایدئولوژی آن اعتقاد دارند یا دست کم برای یافتن به منابع مالی با آن همراهی می‌کنند.

● جمهوری اسلامی بخشی از شهروندان نیازمند را نیز به عنوان «آتش به اختیاران» سازماندهی کرده تا با پرداخت مبالغ و مزایایی هم در روند سرکوب شهروندان از آنها بهره برد و هم آنها را به عنوان نیروهای هوادار و یا وفادار و همچنین سیاهی‌لشکر در مناسبت‌های مختلف در خدمت خود داشته باشد.

روشنک آسترکی - سرکوب زنان بر اساس «طرح سراسری نور» که از ۲۵ فروردین‌ماه آغاز شده و دومین هفته خود را پشت سر گذاشته، هزاران مأمور رسمی و غیررسمی جمهوری اسلامی را در سراسر کشور به کار گرفته است. این طرح تنها یکی از طرح‌های مرتبط با حجاب در جمهوری اسلامی است که همزمان با «طرح حجاب و عفاف» که به صورت آزمایشی در حال اجرا است، مأموران رژیم را به جان زنان و دختران در کوچه و خیابان انداخته است. تحمیل حجاب اجباری به زنان ایران هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم هنگفتی ایجاد کرده و بودجه قابل توجهی را به باد می‌دهد که می‌توانست و می‌بایست برای توسعه و آبادانی کشور و رفاه شهروندان هزینه شود.

شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۷۶ و در دولت محمد خاتمی چارچوب اصول و مبانی روش‌های اجرایی گسترش «فرهنگ عفاف» را تصویب کرد و در امرداد سال ۸۴ نیز راهبردها و روش‌های اجرایی گسترش «فرهنگ عفاف» توسط این شورا به تصویب رسید.

ارتقای سطح آگاهی و ایجاد حساسیت در مدیران نسبت به توسعه «فرهنگ عفاف» و حاکمیت ارزش‌های اخلاقی مبتنی بر شریعت و آموزه‌های اسلامی در مجموعه‌های تحت مسئولیت آنها، احیاء «سنت امر به معروف و نهی از منکر» در مورد حجاب و عفاف، طراحی و اجرای فعالیت‌های فرهنگی در مراکز تبلیغی، آموزشی و فرهنگی در راستای توسعه امر عفاف و حجاب از جمله محورهای «راهبردهای گسترش فرهنگ عفاف و حجاب» است. ۲۶ نهاد حکومتی نیز مسئول پیشبرد این اهداف شدند.

سخنرانی نازنین انصاری در رابطه نقش کیهان لندن و رسانه در دنیای مجازی



در این نشست «کانون فرهنگی پارس» یادی هم از یکی از اعضای قدیمی و بسیار فعال آن، سیمین آجودانی شد که در آستانه نوروز چشم از جهان فرو بست. در خاتمه برنامه نیز نازنین علیپور شاعر جوانی که کتاب دوم خود را با عنوان «اسپرسو مارتینی» که اخیراً توسط «انتشارات ساتراپ» منتشر شده معرفی کرد.

کیهان لندن گزارشی از این نشست تهیه کرده است.

سخنران جلسه ماه آوریل «کانون فرهنگی پارس» (کانون ایران سابق) ۲۶ آوریل ۲۰۲۴ نازنین انصاری مدیرمسئول کیهان لندن و کیهان لایف بود. نازنین انصاری در این کنفرانس از ورود خود به جهان رسانه، پیوستن به خانواده کیهان پس از ملاقاتی با مصطفی مصباح‌زاده بنیانگذار این نشریه مهم در تاریخ رسانه‌های ایران و سپس گذار این رسانه به جهان مجازی و بالاخره تغییرات در جهان روزنامه‌نگاری در عصر شبکه‌های اجتماعی گفت.

نظامی آنها در دیگر کشورها کم‌رنگ شده و برای اینکه در خدمت نظام بمانند، مأموریت سرکوب یافته‌اند.

همچنین طلاب و دانش‌آموختگان حوزه‌های علمیه نیز که در عمل روی دست نظام مانده‌اند و «شغلی» برای آنها وجود ندارد با جاسازی شدن در بخش‌های مختلفی از آموزش و پرورش یا به عنوان نیروهای «جهادی» یا در روند امر به معروف و نهی از منکر، در حال ارتزاق از بودجه عمومی کشور هستند. در همین رابطه اعلام شده که امسال از بودجه عمومی کشور رقمی برابر با هزار میلیارد و ۲۲۷ میلیون تومان صرف کمک هزینه معیشت روحانیون خواهد شد!

آنچه مشخص است اینکه «حجاب‌بان»ها، «سفیران مهر» و کلیه «آتش به اختیاران» که ماهانه بخش قابل توجهی از بودجه کشور و منابعی را که باید برای شهروندان هزینه شود، به جیب می‌زنند افرادی هستند که به جمهوری اسلامی و ایدئولوژی آن اعتقاد دارند یا دست‌کم برای به دست آوردن منابع مالی با آن همراهی می‌کنند.

به نظر می‌رسد داشتن منافع و درآمدزا بودن سرکوب برای جذب این افراد عامل مهمی به شمار می‌رود؛ آنهم در شرایط کنونی اقتصاد ایران که با تورم و پیامدهای آن از جمله اخراج و بیکاری و گرانی روزافزون نیازمندی‌های زندگی همراه است. جمهوری اسلامی هم به خوبی این موضوع را دریافته و جدا از کارکنان رسمی نیروی انتظامی و سپاه و دیگر نهادهای سرکوب، و یا حوزه‌های علمیه، بخشی از شهروندان نیازمند را نیز به عنوان «آتش به اختیاران» سازماندهی کرده تا با پرداخت مبالغ و مزایایی هم در روند سرکوب شهروندان از آنها بهره‌برد و هم آنها را به عنوان نیروهای هادوار و یاقادار و همچنین سپاهی‌لشکر در مناسبت‌های مختلف در خدمت خود داشته باشد.

مقنعه می‌شود نیز بر اساس محاسبات «داده‌های باز ایران» رقمی معادل ۳۵ هزار میلیارد تومان در سال است.

سازمان‌های بودجه‌خوار و بی‌خاصیتی نیز هستند که بخش زیادی از بودجه‌های کلان دریافتی خود را به موضوع حجاب اختصاص می‌دهند. برای نمونه در سال جدید خورشیدی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم ۸۳۱ میلیارد تومان یا سازمان تبلیغات اسلامی ۸۷۳۱ میلیارد تومان بودجه دریافت می‌کنند. اینهمه در حالیست که بجز «حجاب‌بان»ها یا مأموران نیروی انتظامی که بطور رسمی تحت استخدام بخش سرکوب زنان هستند، شمار زیادی هم نیروهای بسیجی و لباس‌شخصی که به «آتش به اختیاران» معروف هستند در این سرکوب‌ها مشارکت داشته و فعال هستند.

بودجه‌نهادهایی چون سپاه و بسیج که آتش به اختیاران را سازماندهی می‌کنند همواره در سال‌های گذشته افزایش یافته است. برای نمونه دولت ۲۱۳ میلیارد تومان برای تقویت بنیه دفاعی و امنیتی بسیج طی یک سال در نظر گرفته اما سازمان بسیج در ردیف دیگری هم بودجه‌ای هنگفت دریافت کرده است. بودجه نیروی انتظامی هم با ۲۸ درصد افزایش نسبت به سال گذشته به ۸۶ هزار میلیارد تومان رسید.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هم به تازگی از حضور خود در خیابان‌ها به بهانه «حجاب» خبر داده و گفته از نیروهایی با عنوان «سفیران مهر» در این طرح استفاده خواهد کرد. همچنین تصاویر منتشر شده از ایران نشان می‌دهد بخشی از نیروهای گروه‌های وابسته به جمهوری اسلامی از جمله «فاطمیون» که اصالتاً افغانستانی هستند نیز اکنون در خیابان‌های ایران به سرکوب شهروندان مشغول‌اند؛ نیروهایی که به نظر می‌رسد مأموریت‌های

ستاد امر به معروف و نهی از منکر نباشند!

همزمان گزارش‌هایی از حضور «حجاب‌بان»ها در دیگر کلانشهرهای کشور نیز منتشر شده اما جزئیات آن رسانه‌ای نشده است. محمدحسین طاهری آکردی دبیر ستاد امر به معروف و نهی از منکر، درباره «طرح نور» گفته این طرح با دستور ابراهیم رئیسی آغاز شده و ریاست ستاد اجرایی این طرح هم با وزارت کشور است.

وی افزوده «اردیبهشت ماه ۱۴۰۲ به دستور رئیس جمهور، ستاد عفاف و حجاب به ریاست احمد وحیدی وزیر کشور تشکیل شد و ستاد امر به معروف و نهی از منکر در کنار دیگر نهادها یکی از اعضای این ستاد است.»

او تأکید کرده که «مسئولیت‌های ستاد ما در حوزه حجاب بعد از تأسیس ستاد عفاف و حجاب به این نهاد واگذار شد و تا الان درخواستی از سوی این نهاد برای ورود ما به طرح نور صورت نگرفته است.»

این توضیحات نشان می‌دهد که هزینه طرح جدید سرکوب زنان با نامگذاری بی‌مسمای «نور» ارتباطی به بودجه ستاد امر به معروف و نهی از منکر ندارد.

در لایحه بودجه ۱۴۰۲ دولت بودجه ۷۶ میلیارد تومانی برای ستاد امر به معروف و نهی از منکر پیشنهاد داده بود اما نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۵۰ هزار میلیارد تومان نیز به آن افزودند و در نهایت این ستاد سرکوب ۱۲۶ هزار میلیارد تومان بودجه گرفت. در لایحه امسال هم رقم پیشنهادی برای این ستاد نسبت به سال گذشته دو برابر شد و به ۲۵۶ میلیارد تومان رسید.

از سوی دیگر طرح «حجاب و عفاف» بیش از یک سال است که از سوی قوه قضاییه تدوین و پس از تصویب در هیئت دولت به مجلس شورای اسلامی ارسال شده است. مجلس شورای اسلامی هرچند این طرح را به صورت ویژه مورد بررسی قرار داده اما چند ماه است ایرادهای شورای نگهبان سبب رفت و برگشت طرح میان این دو نهاد حکومتی شده است. نمایندگان مجلس شورای اسلامی تابستان گذشته به اجرای آزمایشی طرح «حجاب و عفاف» به مدت سه سال رأی مثبت دادند.

مجلس شورای اسلامی برای تأمین منابع مالی اجرای این طرح سازمان برنامه و بودجه را مسئول کرده و در عمل منابع آن در سال جاری از ردیف‌های درآمدی لایحه‌ای برداشت خواهد شد که دست‌کم ۳۰۰ هزار میلیارد تومان کسری عملیاتی دارد و همچنین هزینه‌های آن بیش از درآمدهایی است که معلوم نیست اصلاً قابل تحقق هستند یا نه!

در حالی که همچنان رقم دقیق هزینه‌های اجرای طرح «حجاب و عفاف» مبهم است اما اقدامی نمایی در این طرح در نظر گرفته شده که گویا درآمدهای حاصل از این طرح که با جریمه نقدی افراد داری پوشش اختیاری به دست می‌آید باید «به حساب خزانه‌داری کل کشور واریز و صرفاً بر اساس قانون بودجه سالانه جهت رفع آسیب‌های اجتماعی از جمله طلاق، ساماندهی کودکان کار و زنان سرپرست خانوار نیازمند و همچنین تأمین تجهیزات و سامانه‌های مربوط اختصاص یابد.»

تحمیل حجاب اجباری به زنان اما هزینه‌های دیگری نیز به بار می‌آورد. «داده‌های باز ایران» در اینبار گزارش داده که اگر ۱۰ درصد بودجه جاری نهادهای تبلیغاتی، ۵ درصد بودجه نیروی انتظامی و یک دویستم بودجه جاری نهادهای آموزشی، اجرایی و خدماتی برای اجرای مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در زمینه حجاب هزینه شود، هزینه ۲۷ دستگاه مسئول در اجرای مصوبه «حجاب و عفاف»، به مرز ۸/۹۶۶ میلیارد تومان خواهد رسید.

از سوی دیگر هزینه‌ای که هر خانوار برای رعایت حجاب اجباری باید بپردازد که شامل هزینه مانتو، روسری و چادر و

گزارش تکاندهنده بی‌بی‌سی جهانی از قتل نیکا شاکرمی تعرض جنسی و ضربات شدیدی با سه باتوم و سه شوکر برقی



می‌شود آغاز می‌شود.

بهر روز صادقی گفته «نیکا پس از اینکه بازداشتگاه او را پذیرفت و او را به داخل وانت برگرداندند، شروع به فحاشی و داد و فریاد کرد. آرش کلهر با جورابش دهان وی را بست. اما همچنان به سمت ما لگد می‌زد. آخر صادق [منجری] او را کف یخچال خواباند و رویش نشست. جو کمی آرام شد. اما چند دقیقه بعد نمی‌دانم چه شد که او شروع کرد به دست و پا زدن و فحاشی. واقعا من نمی‌دیدم؛ فقط صدای زد و خورد می‌شنیدم.» آرش کلهر مأمور دیگری که در قسمت یخچال ون بوده گفته برای چند لحظه چراغ موبایلش را روشن کرده و به سمت نیکا و صادق منجری گرفته و دیده صادق منجری همانطور که روی نیکا نشست، دستش در شلوار نیکا است.

آرش کلهر گفته پس از این لحظه بوده که اوضاع از دست همه ما خارج شد. او گفته نمی‌داند کدامیک از همکارانش اما صدای خوردن ضربات باتوم به نیکا و دیواره‌های ون را شنیده است. آرش کلهر گفته خودش هم در حال زدن مشت و لگد بوده اما نمی‌دانسته ضربات او به نیکا می‌خورده یا به دو مأمور همکارش.

صادق منجری که بر اساس این گزارش تعرض جنسی به نیکا را او مرتکب می‌شد، اتهام بردن دستش در شلوار نیکا را رد کرده و ناشی از «حسادت» همکارانش دانسته است. با اینهمه می‌گوید: «اما منکر می‌شوم که وقتی روی او نشسته بودم تحریک شدم و یکبار به باسن او دست زدم.»

در حالی که گفته شده دستان نیکا پشتش با دستبند بسته شده بود و در نتیجه او قادر به حرکت دستانش نبوده، اما صادق منجری ادعا کرده نیکا او را چنگ زده و منجری تعادلش بهم خورده و افتاده و نیکا شروع کرده به لگد زدن به او. منجری گفته «ناچار» شده از خودش دفاع کند. آرش کلهر اما گفته حاضر به سوگند خوردن درباره مشاهداتش است. این در حالیست که بر اساس اسنادی که در دست بی‌بی‌سی جهانی است در ضرب و جرح نیکا «از سه باتون و سه شوکر استفاده شده» و البته مشخص نیست «کدام ضربه باعث مرگ شده است.» بر اساس این گزارش، پس از سر و صدای ضرب و جرحی که از پشت ون آمده، مرتضی جلیل به راننده گفته ون را متوقف کند. مرتضی جلیل از ون پیاده شده و بعد از

سپتامبر ۲۰۲۲ برابر ۲۹ شهریور ۱۴۰۱ نیکا از سوی «تیم ۱۲» تحت نظر بوده است.

گزارش بی‌بی‌سی جهانی نوشته نیکا در این لحظات بطور مکرر تماس تلفنی داشته و «رفتارهای جسورانه» او در اعتراضات مأموران «تیم ۱۲» را مشکوک می‌کند که ممکن است او از «لیدرهای اعتراضات» باشد.

«تیم ۱۲» یکی از نیروهای خود را در پوشش معترض به میان جمعیت می‌فرستد تا نیکا را زیر نظر بگیرد و در نهایت دستور بازداشت نیکا صادر اما موفق به فرار از دست مأموران می‌شود. یک ساعت بعد اما نیکا دوباره شناسایی و بازداشت می‌شود. نیکا پس از بازداشت به یک ون یخچال‌دار بدون آرم که تحت اختیار «تیم ۱۲» بود منتقل می‌شود. در گزارش بی‌بی‌سی جهانی نقشه محل بازداشت نیکا و مسیرهایی که او پس از بازداشت برده شد منتشر شده است.

بر اساس این گزارش، نیکا در محدوده پارک لاله بازداشت شد. او با سه عضو «تیم ۱۲» به نام‌های آرش کلهر، صادق منجری و بهروز صادقی در قسمت عقب و بخش یخچال این ون در حال انتقال به یک بازداشتگاه بود. مرتضی جلیل سرپرست «تیم ۱۲» با راننده در قسمت جلوی ون نشسته بودند. او بعد به یک پایگاه موقت پلیس برده می‌شود. ظرفیت این ایستگاه اما تکمیل بوده و در نتیجه نیکا ۳۵ دقیقه بعد به یک مرکز دیگر که بازداشتی‌ها را به آنجا منتقل می‌کردند برده شد. اما رئیس این پایگاه نیز چند دقیقه پس از قبول پذیرش نیکا، از این تصمیم منصرف شد.

بر اساس اسنادی که در اختیار بی‌بی‌سی جهانی قرار گرفته، رئیس این ایستگاه پلیس به بازپرس پرونده نیکا گفته «متهم [نیکا] مدام فحش می‌داد و شعار می‌داد. در آن زمان ۱۴ زن بازداشتی دیگر در بازداشت بودند و تصور من این بود که او ممکن است بقیه را تحریک کند و نگران بودم باعث شورش شود.» پس از عدم پذیرش نیکا در دومین بازداشتگاه، مرتضی جلیل سرپرست «تیم ۱۲» با ستاد فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تماس گرفته و به او گفته می‌شود که نیکا را به زندان اوین منتقل کنند.

سه مأمور بار دیگر نیکا را به پشت ون منتقل می‌کنند و اصل ماجرای تکاندهنده‌ای که به قتل سازمانیافته نیکا منتهی

● نیکا پس از بازداشت با سه عضو «تیم ۱۲» به نام‌های آرش کلهر، صادق منجری و بهروز صادقی در قسمت عقب و بخش یخچال این ون بود. مرتضی جلیل سرپرست «تیم ۱۲» با راننده در قسمت جلوی ون نشسته بودند.

● آرش کلهر یکی از مأمورانی که در قسمت یخچال ون بوده گفته برای چند لحظه چراغ موبایلش را روشن کرده و دیده صادق منجری همانطور که روی نیکا نشست، دستش در شلوار نیکا است. منجری این موضوع را رد کرده ولی گفته: اما منکر می‌شوم که وقتی روی او نشسته بودم تحریک شدم و یکبار به باسن او دست زدم.

● در ضرب و جرح نیکا «از سه باتون و سه شوکر استفاده شده» و البته مشخص نیست «کدام ضربه باعث مرگ شده است.»

● در این گزارش آمده با اینکه دستان نیکا با دستبند بسته شده تا مهار شود و نتواند حرکت کند اما این دختر نوجوان همچنان با لگد و دادن فحش به مأموران تلاش در دفاع از خود داشته است.

● پس از سر و صدای ضرب و جرحی که از پشت ون آمده، مرتضی جلیل به راننده گفته ون را متوقف کند. وی از ون پیاده شده و بعد از باز کردن در عقب، با پیکر خون‌آلود و بی‌جان نیکا روبرو می‌شود.

● «نعیم ۱۶» نام مستعار ارتباطی برای سروان محمد زمانی است که در سپاه خدمت می‌کند.

سرویس جهانی بی‌بی‌سی در گزارشی اختصاصی و بر پایه اسنادی که در دست دارد اعلام کرده نیکا شاکرمی نوجوان ۱۶ ساله جانیخته در اعتراضات ۱۴۰۱ پس از دستگیری مورد تعرض جنسی و ضرب و جرح قرار گرفته و بر اثر ضربات سه مأمور امنیتی کشته شده است.

بر اساس این گزارش که توسط برترام هیل، آیدا میلر و مایکل سیمکین تهیه شده، اسناد قتل نیکا شاکرمی با مهر «بسیار محرمانه» و حاوی اسامی مأموران قاتل نیکا شاکرمی و فرماندهان ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است که تلاش کردند تعرض جنسی به نیکا شاکرمی و چگونگی قتل او را مخفی کردند. این اسناد جزئیات تکاندهنده‌ای نیز از آزار و تعرض جنسی به نیکا شاکرمی پشت یک وانت یخچال‌دار بدون آرم توسط مأموران قاتل او را شرح داده است. بی‌بی‌سی جهانی تأکید کرده ماه‌ها برای این اسناد راست‌آزمایی کرده و از دولت و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی توضیح خواسته که این درخواست بی‌پاسخ مانده است.

بخشی از این اسناد توضیح داده پس از آنکه نیکا شاکرمی در شامگاه ۲۹ شهریور ۱۴۰۱ بازداشت شد، سه مأمور او را به پشت یک وانت یخچال‌دار انتقال داده و یکی از مأموران روی نیکا نشست و او را مورد آزار و اذیت جنسی قرار داد.

در ادامه آمده با اینکه دستان نیکا با دستبند بسته شده بود تا مهار شود و نتواند حرکت کند اما این دختر نوجوان همچنان با لگد و دادن فحش به مأموران تلاش در دفاع از خود داشته است.

پیش از این بازداشت ویدئویی از اعتراضات در دسترس است که نیکا در آن ویدئو و در نزدیکی پارک لاله بر روی سطل زباله شهرداری ایستاده و روسریش را آتش می‌زند و شهروندان معترض در اطراف او شعار «مرگ بر دیکتاتور» می‌دهند. گزارش بی‌بی‌سی جهانی نوشته در این لحظات در عصر بیستم

و بدین گونه سفره مردم از پول نفت رنگین می شود

بازنش

خبراندیش (احمد احرار)

(کیهان لندن شماره ۱۰۷۱) شهریور ماه ۱۳۸۴



علی سعیدلو و محمود احمدی نژاد

به این وعده رئیس جمهوری است. اتفاقاً آقای سعیدلو، خود را در انجام این وظیفه مسؤول و متعهد دانسته و به خبرنگاران گفته بود: «شعار آوردن پول نفت بر سر سفره‌های مردم قطعاً تحقق خواهد یافت چون شعار يك رئیس جمهوری محبوب، انقلابی، معتقد، کارآمد و در نتیجه خواست مردم است»

پرسیده شد:
 - خوب، به مبارکی و میمنت کی و چگونه؟
 آقای سعیدلو جواب داد:

«در این مورد برنامه‌های خاصی داریم. بعضیها تصور می‌کنند وقتی می‌گوییم پول نفت، یعنی همین فردا که نفت را فروختیم پول آن را نقداً در میان مردم توزیع می‌کنیم. خیر آقا! در نظام جمهوری اسلامی چشم‌انداز بیست‌ساله مشخص شده، اگر بتوانیم اولویت‌بندی کنیم در يك منطقه‌ای که از نظر اقتصادی جواب می‌دهد يك پالایشگاه و تأسیسات نفتی ایجاد کنیم و با تأسیسات صنعتی به پشتوانه نفت که این خود اشتغال ایجاد می‌کند و فرزندان مردم سر کار می‌روند و فرهنگ جامعه عوض می‌شود، مردم با نشاط می‌شوند و امید به آینده و اشتغال افزایش می‌یابد و شیرینی آینده آنها یعنی به گفته رئیس جمهور محبوب شیرینی آثار فروش نفت در سفره مردم.»

بزرگ نمیر بهار میاد - کمبوزه و خیار میاد

ملا نصرالدین پولی به قرض گرفته بود اما توان بازپرداختش را نداشت. امروز و فردا می‌کرد و خودش را کمتر به طلبکار نشان می‌داد. طلبکار خشمگین روزی پاشنه‌ها را ورکشید و جهت مطالبه طلبش روانه خانه ملا شد. ملا را دید که جلو منزل مشغول شخم زدن زمین است. گفت آمل در چه کاری؟ گفت می‌خواهم در این زمین خار بکارم. پرسید خار بکاری به چه کار؟ گفت هر روز چند گله گوسفند از اینجا عبور می‌کنند. خارها که رشد کرد گوسفندها مجبور می‌شوند از روی آنها بپرند و در نتیجه مقداری از پشمشان کنده می‌شود. آن پشمها را جمع می‌کنم می‌دهم به عیال که بریسد. وقتی رشته شد می‌برم به بازار می‌فروشم به جولاه و با پولی که عاید می‌شود بدهی تو را می‌پردازم. طلبکار با همه تلخکامی خنده‌اش گرفت. ملا گفت باید هم بخندی چون داری به طلبت می‌رسی!

«رئیس جمهور منتخب» می‌گوید من جاروکش خیابانها هستم. آمده‌ام تا زیر پای لیبرالها و اصلاح‌طلبان پر مدعا را جارو کنم، چنان که بروند و هرگز برنگردند.

آن دسته از وکلای مجلس که سرشان در تقسیم وزارتخانه‌ها بی کلاه مانده و سهمی را که انتظار داشته‌اند دریافت نکرده‌اند می‌گویند خودتان قبول، اما این وزرای یا جوج و مأجوج را در قوطی کدام عطار پیدا کرده‌اید. با اینها که نمی‌شود در این عصر و زمانه مملکت اداره کرد.

آقای خوش‌چهره که خواب خوش وزارت، آنهم وزارت نفت دیده بود اما استخاره آقای احمدی‌نژاد راه نداد و دیگری به این سمت معرفی شد ادعا کرده است که «ترکیب کابینه می‌توانست بهتر از این باشد که معرفی شده» و افزوده است «کانوهای قدرت و ثروت در همه جا تأثیر می‌گذارند.»

یعنی آنها بودند که موجب شدند استخاره بد بیاید!

دیگری ایراد گرفته است که وزارت نفت حیاتی‌ترین و پر اهمیت‌ترین حوزه اجرائی و اقتصادی مملکت است و اداره این وزارتخانه به برترین تخصص‌ها و تجربه‌ها نیاز دارد. سپردن این وزارتخانه به کسی که کمترین سابقه‌ای در کار نفت و مدیریت صنایع نفتی ندارد نگران‌کننده است.

اتفاقاً وزیري که «رئیس جمهور منتخب» برگزیده و پیشنهاد کرده بود، برای وزارت نفت مناسبترین کس به‌شمار می‌رفت. حیف و صد حیف که وکلای محترم قدرش را ندانستند و با وجود اصرار رئیس جمهور منتخب، به وزیر پیشنهادی او رأی اعتماد ندادند. آقای احمدی‌نژاد گفته بود من می‌خواستم وزارت نفت را چون وزارتخانه با اهمیتی است، خودم سرپرستی کنم. بعد که مطالعه کردم دیدم آقای سعیدلو مثل خود من است. بی جهت نبود که وقتی لازم شد برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری از شهرداری تهران استعفا کنم جای خودم را به آقای سعیدلو سپردم.

یادمان نرود که یکی از وعده‌های مهم، بلکه مهمترین وعده انتخاباتی آقای احمدی‌نژاد این بوده است که اگر بر رفسنجانی فائق آمد پول نفت را به جای آن که با خانواده‌اش تقسیم کند با مردم قسمت می‌کند و کاری خواهد کرد که هر خانواده ایرانی سهم خود را از پول نفت بر سر سفره‌اش ببیند. مهمترین وظیفه وزیر نفت در کابینه جدید، تحقق بخشیدن

باز کردن در عقب، با پیکر خون‌آلود و بی‌جان نیکا روبرو می‌شود.

مرتضی جلیل با اعتراف اینکه نیکا «وضعیت خوبی نداشته» گفته خون را از سر و صورت نیکا پاک کرده اما تلاش نکرده از جزییات قتل دلخراش این دختر نوجوان چیزی بپرسد. او مدعی شده که در آن لحظات فقط به این فکر می‌کرده نیکا زنده است یا نه و چطور و به کجا باید او را منتقل کند. او از مأمورانش پرسیده آیا نیکا زنده است و نفس می‌کشد که بهروز صادقی گفته که نیکا مرده است.

مرتضی جلیل بار دیگر با ستاد فرماندهی سپاه تماس می‌گیرد و اینبار با فرمانده ارشدی با نام سازمانی «نعیم ۱۶» صحبت می‌کند و دستور می‌گیرد که پیکر بی‌جان نیکا را در خیابان بیاندازد.

«نعیم ۱۶» در بازپرسی درباره علت صدور چنین دستوری گفته «ما قبلاً هم در پایگاه کشته داشتیم و من نمی‌خواستم تعداد اینها به ۲۰ نفر برسد. آوردن او (نیکا) به پایگاه مشکلی را حل نمی‌کرد.»

مرتضی جلیل مدعی شده که پیکر نیکا را در خیابان خلوتی در بزرگراه «یادگار امام» گذاشته است.

گزارش بی‌بی‌سی جهانی همچنین توضیح داده که برای راست‌آزمایی این اسناد با یک مأمور سابق اطلاعاتی ایران در تماس بوده تا درباره درستی اسنادی که در اختیار این رسانه قرار گرفته اطمینان حاصل شود. از طریق همین مأمور امنیتی نیز هویت «نعیم ۱۶» مشخص شده است. «نعیم ۱۶» نام مستعار ارتباطی برای سروان محمد زمانی است که در سپاه پاسداران خدمت می‌کند.

در بخش دیگری از این گزارش آمده که در اسنادی که در اختیار بی‌بی‌سی جهانی است در کنار نام همه اعضای «تیم ۱۲» عنوان «حزب الله» قید شده است.

بی‌بی‌سی نوشته اشاره به این گروه برای توصیف کسانی به کار رفته که توسط سپاه مورد استفاده قرار گرفته‌اند ولی گاه خارج از حوزه قضایی این نهاد فعالیت می‌کنند.

در گزارش همچنین آمده «از آنجا که افراد فوق متعلق به نیروهای حزب الله بوده‌اند، پیگیری این پرونده فراتر از اخذ تعهد و ضمانت امنیتی لازم امکان‌پذیر نبوده است.»

همچنین سروان محمد زمانی با نام سازمانی «نعیم ۱۶» که عضو سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است به صورت کتبی توییح شده است. پیکر بی‌جان نیکا شاکرمی دختر نوجوانی که در اعتراضات روز سه‌شنبه ۲۹ شهریور ۱۴۰۱ در بلوار کشاورز تهران کشته شد، روز دوشنبه ۱۱ مهرماه در روستای «حیات‌الغیب» در آرامستانی به همین نام به خاک سپرده شد. خاکسپاری او با حضور دست‌کم ۷۰ تا ۸۰ مأمور امنیتی مسلح و بدون حضور اعضای خانواده انجام شد.

نسرین شاکرمی مادر نیکا طی یک سال و نیمه گذشته دادخواه خون فرزندش بوده است. آیدا شاکرمی خواهر نیکا نیز طی روزهای گذشته در روند سرکوب زنان به بهانه حجاب که با عنوان «طرح سراسری نور» از ۲۵ فروردین در حال اجراست بازداشت شد. نسرین شاکرمی گفته قاضی کشیک آیدا را با «انواع توهین، تهدید و تحقیر» به «کشف حجاب، ترویج فساد و فحشا و تمرد از دستور مأمور» متهم کرده است. در ارتباط با جنایات جمهوری اسلامی، وبسایت «ایران اینترنشنال» نیز در گزارشی اطلاعات جدید از پرونده مجیدرضا رهنورد از دیگر جانباختگان اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ که به دار آویخته شد منتشر کرده است.

بر اساس این گزارش مقامات قضایی برای اجرای حکم اعدام این معترض ۲۳ ساله از خانواده شاکریان نظر نخواستند و «حدود ۳۰ دقیقه پیکر بی‌جان مجیدرضا را روی چوبه دار نگه داشتند و زمانی که بدن او را پایین آوردند، هوا روشن شده بود.»



نگاهی به روابط اقتصادی ایران و آمریکا

آمریکاییها با اجرای برنامه اصل ۴ خدمات مهمی به ایران کردند ولی رفتارشان در سالهای بعد از ۲۸ مرداد آمرانه بود ما به آمریکا احتیاج داشتیم چه از لحاظ تکنولوژی و چه از نظر سیاسی و دفاعی

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از بهمن ماه ۱۳۸۰ تا مهرماه ۱۳۸۱ - از شماره ۸۹۲ تا ۹۲۳)

مقدمه

«بنیاد مطالعات ایران» هفتمین مجلد از مجموعه «توسعه و عمران ایران» را چاپ و منتشر کرد. این مجلد به خاطرات و ملاحظات دکتر علینقی عالیخانی وزیر بازرگانی و رئیس دانشگاه تهران در دوران قبل از انقلاب اختصاص دارد. ازین مجموعه، قبلاً گفتگو با عبدالرضا انصاری (آب و برق خوزستان) گفتگو با اکبر اعتماد (برنامه انرژی اتمی ایران) گفتگو با پرویز مینا (تحول صنعت نفت ایران) گفتگو با منوچهر گودرزی و خداداد فرمانفرمائیان و عبدالمجید مجیدی (برنامه ریزی عمرانی و تصمیم گیری سیاسی) گفتگو با محسن شیرازی (صنعت گاز ایران) گفتگو با باقر مستوفی (صنعت پتروشیمی ایران) انتشار یافته که گزیده‌هایی از هرکدام را خوانندگان ما در صفحه «خاطرات و تاریخ» ملاحظه کرده‌اند. غلامرضا افخمی که آرشيو تاریخ شفاهی بنیاد مطالعات زیر نظر او قرار دارد در مقدمه‌ای بر «سیاست و سیاستگذاری اقتصادی در ایران» می‌نویسد:

«علینقی عالیخانی از ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۸ یعنی بیشترین سالهای دهه چهل شمسی، مسئولیت سیاستگذاری و اجرای سیاستهای اقتصادی کشور را به عهده داشته است. رابطه او با علم صمیمی، با منصور رسمی و با هویدا، اقلاً در سالهای اول، دوستانه بود... شاه همواره پشتیبان عالیخانی و نظرات او بود اما در همان حال، شاه و هویدا هر دو معتقد به اولویت رسالت دولت در توسعه اقتصادی بودند... تضاد میان نیازهای اقتصاد آزاد و الزامات سیاسی حکومت، تنش می‌آفرید و بر جو سیاسی اثر می‌گذاشت. این تنشها متدرجاً رابطه عالیخانی و هویدا را مشکل کرد و در نهایت منجر به استعفاي عالیخانی شد.»

ازین کتاب بخشهایی را برگزیده‌ایم که به تدریج می‌خوانید. طبق معمول کوشیده‌ایم مطالب را طوری تنظیم و تقسیم بندی کنیم که هر شماره تا حدود امکان مطلب مستقلى باشد.

● دوره‌ای که شما وزیر اقتصاد بودید همچنین جالب هست از جهت شیوه تحول روابط خارجی اقتصادی ایران با غرب، با شوروی و اقمار شوروی، در هند، در خلیج فارس، و با ژاپن و آسیای جنوب شرقی. ممکن است از روابط اقتصادی ایران و آمریکا شروع کنیم از این جهت که تا قبل از این دوره و شاید در یک زمانی در همین دوره، بخصوص در دهه ۵۰ میلادی، روابط ایران با آمریکا دارای اهمیت عمده بود. مثلاً اصل ۴ در ایران نقش عمده‌ای نه فقط از نقطه نظر اقتصادی بلکه از نقطه نظر جای دادن افراد در مشاغل مختلف ایفا کرد. منظورم این نیست که آنها مستقیماً این کار را می‌کردند، ولی افراد مختلفی که از اصل ۴ کارشان را شروع کردند بعداً در مقامهای مختلف قرار گرفتند که در سیاست آینده ایران دارای اهمیت است. شاید بد نباشد که از آمریکا شروع بکنید؟

– در مورد آمریکا اتفاقاً می‌توانیم از همین اصل ۴ شروع بکنیم. پیش از این اشاره کردم اگر کمبودی در کار بود من مسئولش را خودمان می‌دانم، نه خارجیها. یعنی هم از نظر صلاحیت اخلاقی و هم صلاحیت فنی شرط این است که شما بتوانید از کم فنی بیگانه درست استفاده بکنید. با توجه به این امر، اصل ۴ به عقیده من در کشور خدمت کرد، هم از راه چیزهایی که یاد داد در سطح روستا، شهرهای کوچک و حرفه‌های مختلف، و هم در سطح تربیت کادر. مثلاً برنامه مبارزه با مالاریا کاری بود که آنها شروع کردند، برنامه تهیه آب سالم در شهرها را اول آنها شروع کردند، یا مساله سوادآموزی، آموزش عشایری را آنها شروع کردند. وارن، رئیس اصل چهار در ایران، کتابی درباره فعالیت اصل چهار در ایران نوشته و خوب نشان می‌دهد که آنها تا چه اندازه در این کارها فعال و موفق بودند. شاید کسی به این نکته التفات نمی‌کند که در زمان ملی شدن نفت، که دولت دکتر مصدق از نظر مالی فوق‌العاده زیر فشار بود، دکتر مصدق روی دستگاهی که خیلی حساب می‌کرد و از آنها فوق‌العاده

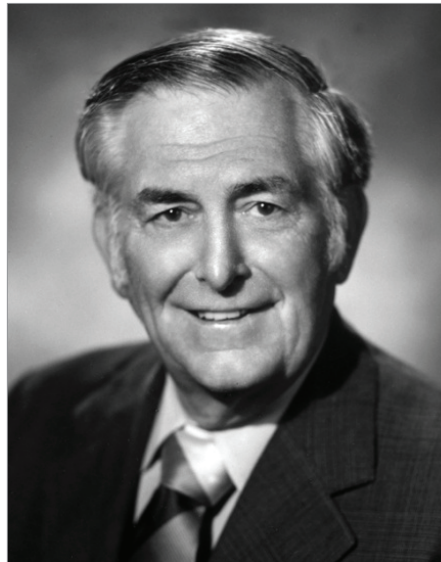


سیاست و سیاستگذاری اقتصادی در ایران
(بخش ۱۳)
خاطرات علینقی عالیخانی
ویراستار - دکتر غلامرضا افخمی

و هیچ احتیاجی نداشتند که دستگاه بسته بندی گران قیمتی را از آلمان یا ایتالیا وارد بکنند. یا برای دست‌باغان یزد که دستگاه بافندگی را با دست حرکت می‌دادند دستگاه‌هایی آوردند که با پا کار می‌کرد، بنابراین مثل دوچرخه یا می‌زدند، هم راندمان خیلی بیشتر بود و هم کمتر خسته می‌شدند. یا در تبریز، حوله‌ای که خیلی هم در ایران باب شده بود. به نام برق لامع، یک نوع دستگاههای ژاکار داشت که با گونه‌ای کارتهای سوراخ شده مشخص می‌کرد که چه نوع نقشی را به تار و پود بدهند که این حوله‌ها تولید بشود و اصل ۴ به کارگران تبریزی یاد داده بود که که چگونه این ماشینها را بسازند. از این گونه چیزها خیلی دیدم. واقعا بی‌هیچ تردید، اینها خدمتهای بزرگی بوده که کردند، به غیر از کارهای اساسی که در سطح روستا و غیره کردند.

تربیت کادر

از این گذشته، نمایندگان اصل ۴ در تربیت کادر، منحصر به فرد بودند. به این معنی که برای جوانهای ایرانی که تحصیل کرده بودند این امکان را فراهم کردند که در مرحله اول به جای اینکه به سازمانهای اداری سنتی ایرانی بروند به اصل ۴ بروند و در واقع با سبک اداری آمریکائی یا فرنگی آشنائی پیدا کنند و بعد آن چیزی را که فرا گرفتند منتقل بکنند در دستگاههای اداری ایران. و این هم که اینها چرا از آمریکا رفته‌ها استفاده می‌کردند خیلی جوابش روشن است، به خاطر اینکه زبان انگلیسی می‌دانستند. اینکه چه نتیجه‌ای از این کار می‌توانستند بگیرند، و آیا این کار به نفوذ آمریکا کمک می‌کرد یا نه، جوابش این است که بله کمک می‌کرد. ولی اگر یک کشوری می‌آید دانش فنی خود را در اختیار شما می‌گذارد و پول می‌گذارد و در عین حال توقع دارد نسبت به آن کشور احترام و سمپاتی داشته باشید، من هیچ ایرادی در این کار نمی‌بینم. از آن طرف هم ایرانیانی که در اصل ۴ کارکردند، و بعضی از آنها از همکاران بسیار عزیز ←



ویلیام وارن رئیس اصل ۴ ترومن در ایران

توانست کمک بگیرد همین اصل ۴ بود. یعنی اصل ۴ فعالیت اساسی‌اش در همان زمان انجام شد با همین آقای وارن. خود من هم در جاهای مختلف کشور دیده بودم که مشاوران اصل ۴ به خاطر داشتن دانش فنی توانسته بودند به صاحبان صنایع کوچک محلی چیزهایی را یاد بدهند که تا آن موقع نمی‌دانستند. مثلاً در رفسنجان من روبرو شدم با اینکه کشاورزان برای پوست کندن پسته از یک گونه سانتریفوژی استفاده می‌کردند که آن را در همان محل یک کارگاه کوچک آهنگری می‌ساخت. این سانتریفوژها به خوبی پسته‌ها را پوست می‌کنند به تولیدکنندگان که در ضمن صادرکننده هم بودند اجازه می‌داد که پسته را بسته بندی بکنند و بفروستند

شخصا با او صحبت کرد و کاملا معلوم بود که می‌خواهند ریشه‌های نارضایتی را از دلمان در بیاورند.

این کار را کردند، ولی متأسفانه با خود ارمین ما بر رابطه من سرد بود. می‌دانستم که او از رابطه‌ای که ما با دولتهای شرق ایجاد کرده‌ایم خیلی ناراحت است. چندی پیش هم مدارکی از بایگانی ملی آمریکا به دستم رسید که نشان می‌داد پاره‌ای از مقامهای سفارت آمریکا در ایران کاملا یقین پیدا کرده بودند که من اصولا تمایلات شدید دست چپی دارم. ولی خوب خوشبختانه در مورد کشوری مثل آمریکا نظرسفیر و یا بعضی از دولتی‌هایشان هر چه باشد، چندان تأثیری در رابطه اقتصادی با شرکتهای آمریکائی ندارد. برای این که این کشور بوسیله بخش خصوصی و مردمان با صلاحیتش در رشته‌های مختلف می‌گردد و در همان موقع ما توانستیم رابطه فوق‌العاده خوبی با صنایع گوناگون آمریکائی داشته باشیم. از جمله، در مورد آلومینیوم، که با مشارکت شرکت رینولدز توانستیم آلومینیوم ارک را به راه بیندازیم. بعد هم پروانه‌های صنعتی مختلفی توانستیم از آمریکا خریداری کنیم. همچنین بانک توسعه صنعتی با بخش خصوصی آمریکا روابط خوبی برقرار کرد. من همیشه اعتقاد داشتم که ایده آل ما باید این باشد که یک روز جامعه‌ای درست بکنیم که شبیه این جامعه‌های پیشرفته آمریکا یا اروپای غربی یا ژاپن باشد. بنابراین به رغم این برخوردهای فردی نظر کلی مثبتی نسبت به آمریکا داشتم.

● **امریکائیه فشار خاصی روی اینکه شما با آمریکا مبادلاتتان را افزایش بدهید نمی‌آوردند؟ مساله شوروی را می‌گذاریم کنار، به خاطر اینکه آن بُعد سیاسی خاص دارد، ولی مثلا در مقایسه با اروپا یا ژاپن؟**



جلسه اصل چهار در تهران؛ ویلیام وارن، ابوالحسن ابتهاج، احمد ابراهیمی‌زنگنه، اردشیر زاهدی، خلیل طالقانی

— نه. برای آنکه در آن زمان هنوز آن درآمد عجیب و غریب نفت پیدا نشده بود که آنها اولویتهای خودشان را در مورد اقتصاد آزاد و اقتصاد بازار و تعیین قیمتها و یا شیوه خرید و فروش بوسیله بازار فراموش کنند. در دهه ۷۰ سهم نفتشان را می‌خواستند. در دهه ۶۰ چنین چیزی وجود نداشت. در نتیجه ما با همه آنها یک رابطه خیلی معمولی داشتیم. هیچوقت هم توقع بیجائی از ما نداشتند و نمی‌توانستند داشته باشند. به‌هرحال، اگر هم می‌داشتند، جوابشان منفی بود. ولی من کاملا آگاه بودم که آنها از وزارت اقتصاد و سیاست شرقی که در پیش گرفته بودیم گله‌مند بودند.

(ادامه دارد)

برخورد، به خاطر اینکه هیچ کشوری حق ندارد به یک وزیر ایرانی صدفه بدهد و دعوتش بکند که به این صورت به آن کشور برود. بعد هم آن وزیر ایرانی که می‌تواند یک ماه وقت خودش را برای بازدید از آمریکا بگذراند بهتر است که اصلا در مقام وزارت باقی نماند. این بود که به هویدا نخست وزیر وقت گفتم که می‌بایست این کاغذ را به وزارت خارجه بدهید و آنها کاردار سفارت آمریکا را بخواهند و او را توبیخ بکنند که چنین توهینی کرده. گفتم اگر به این کار توهین‌آمیز توجه نکنید، من از وزارت خارجه خودمان درخواست می‌کنم که من یک نامه می‌نویسم برای وزیر بازرگانی آمریکا، روزی ۲۰۰ دلار برای اقامتش در هتل در ایران و ۴۰۰ دلار برای هر روزی که سفر می‌کند، یک ماه بیاید اینجا ماند.

اگر به او بر نمی‌خورد، من حرفی ندارم. البته هویدا حرف خوبی زد. گفت تو این قدر ناراحت می‌شوی، خیلیها بودند که در گذشته خوشحال می‌شدند چنین نامه‌ای دریافت بکنند. گفتم به هرحال آن روزگار گذشته.

در ضمن باید بگویم که وزارت خارجه ما متأسفانه آن طوریکه من توقع داشتم دنبال این کار را نگرفت. ولی به هرحال آن طرف فهمید که دعوت او به من برخوردده است، ولی به جای اینکه جبران اشتباه خود را بکند خیلی به او برخوردده بود که چرا جوابش را ندادم. یک بار که او را دیدم، گفتم شما چرا جواب مرا ندادید. گفتم جوابتان را شما از وزارت خارجه باید بگیرید نه از من. فقط بدانید که این نامه‌نگاریها را دیگر نباید بکنید. این بود که وقتی سفیر بعدی آمریکا ارمین ما بر به ایران آمد، برای اینکه جبران این کار را بکنند، یک کارت دعوت رسمی خیلی قشنگی از

من شدند، آنها را من جزو مردان خدمتگزار و میهن پرست و متعصب ایرانی می‌شناسم، که احيانا بعضی از آنها با امریکائیان زمان خودشان هم سر شاخ شدند، و تعارض پیدا کردند. یعنی شما بین دو کشور می‌توانید سمپاتی داشته باشید و در ضمن هم برخورد پیدا کنید به صورت فردی. بنابراین اصل ۴ در آن موقع نقش خیلی مفیدی داشت و آمریکا تنها کشوری بود که در زمان ملی شدن نفت ایران به ایران کمک کرد. بر خلاف شوروی که به شدت مخالف بود با ملی شدن نفت ایران و انگلستان که وضعیت خیلی روشن بود.

اما چیزی که این میان پیش آمد این بود که پس از ۲۸ مرداد مقامهای آمریکائی یک غرور بی‌اندازه پیدا کردند و دچار این توهم شدند که آنها هستند که باید بگویند چه برای ایران خوب است یا چه برایش بد است، و این خواه ناخواه در هر ایرانی میهن پرستی واکنشی ایجاد می‌کرد. این بی‌سلیقگی شاید یک مقداری اثر آن کارهای خوبی را که کردند خنثی کرد. این بود که من از بعضیها شکایت می‌شنیدم در باره اینکه مداخلاتی می‌کنند و امر و نهی هائی می‌کنند که خوششان نمی‌آمد. ولی خوب، باز هم من خودمان را مسئول می‌دانم. خاطر می‌آید، همان سالهای اولی که به ایران برگشته بودم یک دفعه یک عکسی دیدم که واقعا زنده بود به من خیلی برخورد، ولی مثل اینکه مقامات مسئول توجهی به آن نمی‌کردند. آن هم یک عکسی بود که یک عده سرباز ایرانی ایستاده بودند و شاه هم از آنها بازدید می‌کرد و معلوم بود لباسها را امریکائیها به عنوان کمک نظامی می‌داده‌اند و روی کمر بندها علامت US Army به چشم می‌خورد. خوب، این خیلی زنده بود. یعنی مملکت بهتر است که از یک هزینه دیگرش صرف نظر کند و لباس سربازان کشور را خودش تهیه کند و کمربندی را که در آمریکا رویش می‌نویسند US Army نگیرد. ارتش کشور که گونه استقلال کشور است که به این صورت نباید خودش را نشان بدهد. خوب اینها غفلتهائی است و نمادی است از یک نوع بی‌توجهی به مسائل. به هرحال یک مقداری حالت تیختر شاید در امریکائیها ایجاد شده بود، ولی این امر به موازات چیزهای دیگر و کارهای مثبتی بود که آنها می‌کردند.

امریکا کشوری بود که بهترین تکنولوژیهای جهان را داشت و ما هم به این کشور احتیاج زیاد داشتیم، خارج از اینکه از نقطه نظر سیاسی من همیشه معتقد بودم که ما باید با آمریکا رابطه نزدیکی نه فقط از نظر اقتصادی، بلکه از نظر دفاعی هم داشته باشیم. چون آن طرف با خطر شوروی روبرو بودیم و می‌بایست یک جائی پشت خودمان را محکم نگهداریم. شوروی هم فقط مستقیم ما را تهدید نمی‌کرد، بلکه از راه عربها و عبدالناصر و دست چپی هائی که درخاورمیانه به وجود آورده بودند واقعا از چندین سو مزاحم ما می‌شد. پس نزدیکی با آمریکا کاملا قابل توجیه، مفید و لازم بود برای کشور.

چرا دعوت به آمریکا را بی‌پاسخ رد کردم

اما خوب، آن بی‌سلیقگیها هم بود و من هم در یک موردی با آن روبرو شدم. روزی در دفترم دیدم دعوتنامه‌ای آمده از کاردار سفارت آمریکا روی کاغذ خیلی معمولی و پلی‌کپی جوهری که به سختی خوانا بود. نوشته بود آقای وزیر اقتصاد، ما از شما دعوت می‌کنیم یک ماه بیائید به آمریکا و از آمریکا بازدید بکنید. هر روزی که سفر می‌کنید روزی ۱۰۰ دلار به شما هزینه سفر می‌دهیم و هر روزی که یک جائی اقامت دارید ۵۰ دلار می‌دهیم، ولی هزینه هتلتان و هواپیمااتان جداگانه پرداخت می‌شود. به من فوق‌العاده

نمایش مجموعه خصوصی هنری شهبانو فرح پهلوی در پاریس



با توجه به محدودیت‌های مکانی و با استفاده از سه سطح موجود، آنها را در دسته‌های مجزا سازماندهی کردم. طبقه اول قطعات کوچکتر و آثاری که در پشت شیشه هستند، در حالی که نقاشی‌های دیگر در دو سطح زیرین نمایش داده می‌شوند.

به دلیل کمبود فضای کافی برای نمایش مجسمه‌ها، تصمیم گرفتم از ۷۰ مجسمه عکاسی کنم و تصاویر آنها را روی تقریباً ده صفحه نمایش در اتاقی جداگانه در معرض دید بازدیدکنندگان قرار داده و از گنجاندن آنها در نمایشگاه اطمینان حاصل نمایم.

● برخی از چالش‌ها یا ملاحظات کلیدی در ارائه این مجموعه به مخاطبان بین‌المللی که با بافت پیچیده سیاسی-اجتماعی ایران پس از انقلاب آشنا نیستند، چه بود؟

از زمان افتتاح نمایشگاه، با بازدیدکنندگان مختلفی از سراسر جهان ارتباط برقرار کردم و خود به اهمیت این نمایشگاه پی بردم. این نمایشگاه برای ایرانیان، از طریق هنر به عنوان پیوندی تحسین برانگیز با ملکه محبوب خود عمل کرده در حالی که برای خارجی‌ها، فرصتی را جهت احیای مجدد ارتباط از دست رفته در ۴۵ سال گذشته فراهم نموده است. بازدیدکنندگان نه تنها به دنبال بینش‌های سیاسی بودند، بلکه روایت‌هایی از زندگی که در آثار هنری یافته شده را نیز جستجو می‌کردند. دیدار و گفتگو با آنان به اندازه خود آثار هنری جذاب بود.

● آیا می‌توانید در مورد هرگونه همکاری یا مشارکتی که برای به ثمر رساندن این نمایشگاه در داخل و خارج از جامعه هنری نقش دارد صحبت کنید؟

ما از همکاری ارزشمند فیاپ ژان مونه بی‌نهایت سپاسگزاریم که حمایت سخاوتمندانه او راه را برای تحقق این رویداد هموار کرد.

شهبانو فرح پهلوی از این مکان پر جنب و جوش، که مرکزی برای جوانان بسیاری از سراسر جهان است و شاید یادآور کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان که علیاحضرت در سال ۱۹۶۵ در ایران بنیان گذاشته بودند، قدردانی می‌کنند.

این نمایشگاه در پاریس تأثیر گذاشته است؟

همکاری با تأسیس بنیاد شهبانو فرح پهلوی در به ثمر رساندن این نمایشگاه نقش اساسی داشت. تصمیم علیاحضرت برای اهدای سخاوتمندانه بخش قابل توجهی از مجموعه خصوصی ایشان، از جمله آثار هنری، هزاران کتاب و عکس، به بنیاد کمک شایانی کرد.

دانشگاه لیسبون در پرتغال با مهربانی پیشنهاد نگهداری و برگزاری دائمی نمایشگاه این گنجینه‌های هنری را تا هنگامی که شرایط ایران، جایی که متعلق به آن است، برای نمایش این آثار ارزشمند مناسب شود، پردازد. علیاحضرت قبل از نقل مکان آنها به پرتغال، پاریس را به عنوان مکانی برای نمایش مجموعه خصوصی‌شان انتخاب کردند. شهری که هم به قلب ایشان و هم به دنیای هنر نزدیک است.

این تصمیم بر ارتباط عمیق بین علیاحضرت، پاریس و جامعه هنری تأکید می‌کند و مقدمه‌ای تلخ برای سفر این مجموعه به پرتغال است.

● آیا می‌توانید قطعات برجسته‌ای را در مجموعه که دارای اهمیت خاصی هستند یا داستان‌های جذابی را روایت می‌کنند، برگزینید؟

در حالی که با نام برخی از هنرمندان بزرگ آشنا بودم، هرگز فرصت ملاقات حضوری با آنها را نداشتم. با دیدن آثار هنری آنها از نزدیک، من واقعاً شگفت‌زده شدم. خلاقیت هنرمندان مطرحی چون سهراب سپهری، بهمن محمص، رضا صمیمی و حسین کاظمی نفسم را حبس کرد.

آنچه واقعاً قلب مرا تحت تأثیر قرار داد، سخنان و حرکات صمیمانه صدها هنرمند بین‌المللی بود که همگی برای ادای احترام به علیاحضرت فرح پهلوی بود.

از فرصتی که شخصاً برای شناخت علیاحضرت پیدا کردم و اعتمادی که ایشان به من داشتند، احساس سپاسگزاری فوق‌العاده‌ای دارم. گویی همه هنرمندان معاصر، چه زنده و چه از دنیا رفته، ناظر این رویداد مهم بودند، روح آنان در آثار هنریشان آغشته بود و جوهر خلاقانه شان مرا محسوس و احاطه کرده بود.

● با توجه به طیف متنوع هنرمندانی که در نمایشگاه حضور دارند، چگونه به ایجاد تعادل بین سبک‌ها و دیدگاه‌های فردی آنها در ارائه کلی برخورد کردید؟

● کلکسیون نقاشی‌ها و دیگر آثار هنری علیاحضرت فرح پهلوی برای تماشای دوستداران این هنرها در فیاپ ژان مونه در پاریس برپا می‌شود و تا ۲۴ ماه مه ادامه خواهد داشت. ● بیش از ۷۰ اثر ارزشمند و دیدنی که غالب آنها کار نقاشان ایرانی از جمله بهمن محمص و سهراب سپهری در پیش از انقلاب ۱۹۷۹ (۱۳۵۷) است در این نمایشگاه در معرض تماشای دوستداران هنر نقاشی گذاشته شده است.

کتایون شاهنده (کیهان لایف) - ملکه فرح که همواره حامی و مشوق هنرمندان با استعداد است، بنیانگذار چند موزه و موسسات فرهنگی متعدد از جمله موزه نگارستان و موزه هنرهای معاصر تهران پیش از انقلاب ۱۳۵۷ است. کلکسیون ایشان شامل حدود ۵۰۰ اثر از ۲۸۰ هنرمند است. شصت و پنج نفر از این هنرمندان حداقل یک پرتره از ملکه را به نقش کشیده‌اند.

این نمایشگاه همچنین کارهای بنیاد شهبانو فرح پهلوی را برجسته می‌کند که بسیاری از آثار به آن اهدا شده و به حمایت از هنرمندان و حفظ میراث فرهنگی ایران اختصاص دارد.

کیهان لایف برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد برگزاری این نمایشگاه با وانچا رودبارکی مدیر نمایشگاه که خود نیز نقاش است گفتگو کرده است.

● ممکن است به عنوان مسئول این نمایشگاه نظر خود را در مورد روند برگزاری و انتخاب آثار هنرمندان از مجموعه هنری ملکه بگوئید؟

این روند به دلیل اهمیت ارائه اولین نمایشگاه کلکسیون چشمگیر علیاحضرت فرح پهلوی اقدامی بسیار گسترده بود. نظر به نقش و تأثیر عمیق ایشان بر هنر معاصر ایران طی چندین دهه، توجه بسیار دقیق به جزئیات، لازم و مهم بود. ابتدا، یک فهرست جامع تهیه کردیم و هر اثر هنری و خالق آن را در آن جا دادیم. سپس با دقت قطعاتی را برای نمایش در نمایشگاه انتخاب کردیم. ایجاد تعادل بین هنرمندان ایرانی و بین‌المللی برای نمایش طیف متنوعی از صدا و دیدگاه هنری این نقاشان امری ضروری بود.

ما با وجود چالش‌های ذاتی تلاش کردیم در انتخاب‌هایمان آثاری از هنرمندان مطرح و همچنین استعدادهای نوین را بگنجانیم تا نمایشی غنی و متنوع را تضمین کنیم.

● شما خودتان هنرمندی با استعداد هستید که آثارش نیز در نمایشگاه گنجانده شده است، چطور شد که این مجموعه را مدیریت کردید؟

من خود را فوق‌العاده خوش شانس می‌دانم که ده‌ها اثر از کارهایم در میان مجموعه ارزشمند علیاحضرت فرح پهلوی به نمایش درآمده‌اند. این لحظه اوج در سفر هنری من است.

برای اولویت دادن به گنجاندن استعدادهای نوین و نوظهور، آگاهانه تصمیم گرفتم که پرتره ۲ متر در ۲ متری خود از شهبانو را به نمایش نگذارم. در عوض بنا به درخواست علیاحضرت، پرتره‌های کوچکتر و نقاشی از قله دماوند را انتخاب کردم.

● ماموریت بنیاد شهبانو فرح پهلوی برای حمایت از هنرمندان و حفظ این مجموعه چگونه بر رویکرد مدیریت

*منبع: کیهان لایف
ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

اعتصاب طلا فروشان در تهران، تبریز، اصفهان، همدان و چند شهر گسترده تر شد



اعتصاب بانکداران طلا در بازار تهران در اعتراض به افزایش مالیات‌ها



بازار طلا فروشان تبریز

این، بسیاری از فعالان صنفی بابت دریافت احتمالی مالیات بر عایدی در آینده نگران‌اند و این موضوع باعث شده به اجرایی شدن مجدد این سامانه واکنش نشان دهند.

رئیس اتحادیه طلا در ادامه افزود، «طی جلساتی که برگزار شد، قرار بود یکسری اصلاحات انجام شود اما هیچگونه تغییری در این سامانه صورت نگرفته و از هفتم فروردین استفاده از این سامانه را لازم‌الاجرا کرده‌اند و اعتراضات کسبه این صنف به همین دلیل است.»

پیش از این حمیدرضا نیکخواه رئیس اتحادیه تولیدکنندگان و فروشندگان طلا جواهر و نقره اصفهان نیز گفته بود «کارگاه‌های تولیدی اصفهان همه تعطیل هستند و تا تکلیف اجرای سامانه جامع تجارت معلوم نشود، فعالیت خود را آغاز نمی‌کنند.»

حق دولت است بدانند طلاها کجا می‌چرخد

طلا فروشان می‌گویند زیر بار ثبت سرمایه در سامانه نمی‌روند و این یک راز است اما محمد مهدی برادران معاون وزیر «صمت» می‌گوید، «از ابتدای سال ۱۴۰۲ نزدیک دو میلیارد دلار طلا وارد شده و این حق دولت است که بدانند این دو میلیارد دلار کجا دارد می‌چرخد؟ اگر کسی می‌خواهد بگوید که من نمی‌خواهم فاکتوری دست مشتری بدهم که میزان نگین طلا را از اصل طلا جدا کند، اجرت طلا را از اصل طلا جدا کند، اولین کسی که باید با این فرد برخورد کند خود اتحادیه است. طبق قانون بازرسی اتحادیه باید باشد، اینها باید بروند این را شفاف کنند.»

خرگزاری دولتی «ایرنا» وابسته به شهرداری تهران انتشار ویدیوها و تصاویر مربوط به اعتصاب طلا فروشان را به «رسانه‌های معاند» نسبت داده است و ادعا کرده پاساژها و طلا فروش‌ها در سطح کشور باز هستند و «در برخی از شهرها و شهرستان‌ها در ساعات ظهر طلا فروش‌ها و سایر بازار به مدت چند ساعت (معمولاً از ساعت ۱۳ تا ۱۶) تعطیل می‌کنند که فیلم‌های منتشر شده در رسانه‌های معاند بیشتر در این زمان‌ها بوده است.»

شهرهای بزرگ فعالیت طلا فروشان در شهرهای کوچک‌تر مثل ارومیه، قم، اراک و زنجان را نیز تحت تأثیر قرار داده است.

در تهران طلا فروش‌ها باز هستند اما معامله نمی‌کنند. در همین ارتباط روزنامه «دنیای اقتصاد» روز سه‌شنبه ۱۱ اردیبهشت گزارش داد طلا فروش‌ها در میدان فردوسی و خیابان کریم‌خان تهران تمایلی به فروش ندارند زیرا معتقدند روند کاهشی نرخ ارز و طلا باعث می‌شود در صورت فروش دارایی‌هایشان دچار ضرر شود.

این رسانه نوشت با اینکه اکثر بنگاه‌های فروش سکه در این محدوده شهر باز هستند اما چون فروشندگان معتقدند نرخ‌ها در حال حاضر محل مناسبی برای تبدیل ارز و طلا به ریال نیست، بنگاه‌های خود را به حالت غیرفعال درآورده‌اند و از عرضه کلان خودداری می‌کنند.

نادر بذرافشان رئیس اتحادیه طلا، سکه و جواهر تهران با تأیید «نیمه تعطیل شدن» بازار طلا در تهران به «تجارت نیوز» گفت، «فعالان صنفی به اجرایی شدن مجدد سامانه جامع تجارت و بی‌تفاوتی به درخواست‌هایی که صنف طلا درباره ایجاد اصلاحات در مسئله مذکور داشته‌اند اعتراض دارند زیرا بعد از گذشت سه ماه هیچ تغییری حاصل نشده است.»

وی با اشاره به اینکه رسماً اعلام شده ثبت سرمایه در سامانه جامع تجارت بی‌کم و کاست لازم‌الاجراست اظهار داشت: «طلا فروش‌ها نیز نسبت به بی‌توجهی به اعتراضات‌شان و اصلاح نشدن مواردی از این سامانه واکنش نشان داده‌اند.»

بذرافشان تأکید کرد: «در خصوص شرایط صنف طلا و چرخه تولید و توزیع، جلسات متعددی برگزار شده است زیرا در بسیاری از مسائل این سامانه برای صنف طلا قابل اجرا نیست.»

اعتراض به ثبت سرمایه و دریافت مالیات بر عایدی

بذرافشان موضوع ثبت سرمایه در سامانه جامع تجارت را غیرقابل اجرا دانست و افزود: «صنعت و صنف طلا و جواهر فرایند خاصی در چرخه تولید و توزیع دارد. علاوه بر

بررسی‌ها نشان می‌دهد اعتصاب طلا فروشان در تهران، اصفهان، همدان، تبریز، مشهد و چند شهر دیگر که در اعتراض به افزایش مالیات‌ها و همچنین مصوبات مجلس شورای اسلامی از جمله ضرورت «ثبت سرمایه» از یکشنبه نهم اردیبهشت آغاز شده بود تا روز پنجشنبه ۱۳ اردیبهشت‌ماه گسترده‌تر شده است.

در بازار تهران طلا فروشان در کوچه «تکیه دولت» و مغازه‌های طلا فروش‌ها در پاساژهای «احسان» و «شمس‌العماره» به اعتصاب پیوستند. تعطیلی بازار طلا در شهرهای بزرگ فعالیت طلا فروشان در شهرهای کوچک‌تر مثل ارومیه، قم، اراک و زنجان را نیز تحت تأثیر قرار داده است.

نادر بذرافشان رئیس اتحادیه طلا، سکه و جواهر تهران با تأیید «نیمه تعطیل شدن» بازار طلا در تهران به «تجارت نیوز» گفت، «فعالان صنفی به اجرایی شدن مجدد سامانه جامع تجارت و بی‌تفاوتی به درخواست‌هایی که صنف طلا درباره ایجاد اصلاحات در مسئله مذکور داشته‌اند اعتراض دارند زیرا بعد از گذشت سه ماه هیچ تغییری حاصل نشده است.»

طلا فروشان می‌گویند زیر بار ثبت سرمایه در سامانه نمی‌روند و این یک راز است اما محمد مهدی برادران معاون وزیر «صمت» می‌گوید، «از ابتدای سال ۱۴۰۲ نزدیک دو میلیارد دلار طلا وارد شده و این حق دولت است که بدانند این دو میلیارد دلار کجا دارد می‌چرخد؟»

بررسی‌ها نشان می‌دهد اعتصاب طلا فروشان در تهران، اصفهان، همدان، تبریز، مشهد و چند شهر دیگر که در اعتراض به افزایش مالیات‌ها و همچنین مصوبات مجلس شورای اسلامی از جمله ضرورت «ثبت سرمایه» از یکشنبه نهم اردیبهشت آغاز شده بود تا روز پنجشنبه ۱۳ اردیبهشت‌ماه گسترده‌تر شده است.

در بازار تهران طلا فروشان در کوچه «تکیه دولت» و مغازه‌های طلا فروش‌ها در پاساژهای «احسان» و «شمس‌العماره» به اعتصاب پیوستند. تعطیلی بازار طلا در

واکنش‌ها به گزارش تکاندهنده جزییات قتل نیکا شاکرمی دختر نوجوانی که تا آخرین نفس پایداری کرد و تسلیم نشد



عدلیه برای مقابله با برهم زندگان امنیت روانی جامعه، ضمن اعلام جرم، برای این افراد پرونده قضایی تشکیل داد و جهت ارائه توضیحات به دادسرای تهران احضار شدند.» سردار پاسدار احمد وحیدی وزیر کشور جمهوری اسلامی نیز گزارش بی‌بی‌سی را «دروغ و عملیات روانی دشمن» خواند و گفت این گزارش تلاش کرده «توجه‌ها را از اعتراضات دانشجویی در آمریکا در حمایت از فلسطین» دور کرده و «عملیات وعده صادق را مخدوش کنند.»

وزیر کشور جمهوری اسلامی افزوده که «آنها آمدند و یک سوژه بسیار مضحک که همه ابعاد آن روشن است را مطرح کردند که پاسخ آنهم داده شد و مشخص شد؛ دشمن و رسانه‌های آنها به گزارش‌های دروغ و دور از واقع متوسل شده اند تا عملیات روانی انجام دهند.»

به گزارش شبکه بی‌بی‌سی جهانی، اسناد قتل نیکا شاکرمی با مهر «بسیار محرمانه» و حاوی اسامی مأموران قاتل نیکا شاکرمی و فرماندهان ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است که تلاش کردند تعرض جنسی به نیکا شاکرمی و چگونگی قتل او را مخفی کردند.

این اسناد جزییات تکاندهنده‌ای از آزار و تعرض جنسی به نیکا شاکرمی پشت یک وانت یخچال‌دار بدون آرم توسط مأموران قاتل او را شرح داده است. بی‌بی‌سی جهانی تأکید کرده ماه‌ها برای این اسناد راست‌آزمایی کرده و از دولت و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی توضیح خواسته که بی‌پاسخ مانده است.

بخشی از این اسناد توضیح داده پس از آنکه نیکا شاکرمی در شامگاه ۲۹ شهریور ۱۴۰۱ بازداشت شد، سه مأمور او را به پشت یک وانت یخچال‌دار انتقال داده و یکی از مأموران روی نیکا نشسته و او را مورد آزار و اذیت جنسی قرار داد. در ادامه آمده با اینکه دستان نیکا با دستبند بسته شده بود تا مهار شود و نتواند حرکت کند اما این دختر نوجوان همچنان با لگد و دادن فحش به مأموران تلاش در

نشان داده‌اند. فاطمه حیدری خواهر جواد حیدری از جانب‌اختگان اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ ساعاتی پس از انتشار گزارش بی‌بی‌سی نوشت: «تمام جرثوم رو جمع کردم که بتونم با مامان نیکا حرف بزنم؛ با اندوه انبوه همراه با خجالت و شرمندگی پرسیدم: حالتون خوبه؟ گفت: «اینجا الان داره بارون میاد فاطمه‌جان و انگار تموم غم‌های عالم داره می‌باره روی سر من؛ نیکا عاشق بارون بود...»

برخی کاربران مشخص شدن نام قاتلان نیکا را برجسته می‌کنند. سعید قاسمی‌نژاد پژوهشگر ارشد بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها در واشنگتن نوشته «اسامی قاتلین مشخص است و راست راست دارن راه میرن.»

علی کریمی ستاره فوتبال ایران و از چهره‌های فعال مخالف جمهوری اسلامی با انتشار متنی نوشته «شماها مزدوران خامنه‌ای به دختران ایران تجاوز نکنید، نمی‌خواهید برای پهلوی شکسته و فرق شکافته و واقعه کربلا گریه کنید.»

بسیاری از کاربران بر اساس متن اسناد بازسازی شده توسط بی‌بی‌سی جهانی در لابلای خطوط به شرح جزئیات دیگری از جمله شمار پیکر کشته شدگان در همان روز در پایگاهی که نیکا را نپذیرفت می‌پردازند. برخی کاربران مخالف جمهوری اسلامی نیز تأکید کرده‌اند که خشونت علیه زنان از جمله تعرض جنسی از نخستین روزهای پس از انقلاب ۵۷ همواره وجود داشته است.

مرکز رسانه قوه قضائیه روز چهارشنبه ۱۲ اردیبهشت اعلام کرد علیه تعدادی از خبرنگاران و فعالان رسانه‌ای که این گزارش را منتشر کرده و یا درباره آن مطلبی نوشته‌اند اعلام جرم کرده است.

مرکز رسانه قوه قضائیه اعلام کرده برخی از فعالان رسانه‌ای که با استناد به گزارش جعلی و پر از اشتباه بی‌بی‌سی، با همراهی گروه‌های ضد انقلاب اقدام به انتشار مطالب کذب در رابطه با پرونده نیکا شاکرمی کرده‌اند احضار شده‌اند. «میزان» افزوده «دادستانی تهران در راستای وظیفه قانونی

هشتگ «نیکا شاکرمی» با بیش از ۱۴۰ هزار بار انتشار توسط کاربران در شبکه ایکس تریند شده است. کاربران مقاومت نیکای نوجوان در برابر تعرض جنسی سه مرد تا آخرین نفس و تسلیم نشدن او را مورد توجه قرار داده‌اند. شاهزاده رضا پهلوی: «مرتکبان جنایت علیه نیکا شاکرمی و مسئول اصلی آن علی خامنه‌ای به دست عدالت سپرده خواهند شد. در کنار مادر گرامی نیکا و خواهر شجاعش آیدا شاکرمی که با وجود همه تهدیدها و فشارها، مبارزه او برای آزادی را ادامه داده‌اند، هستیم.»

بسیاری از کاربران بر اساس متن اسناد بازسازی شده توسط بی‌بی‌سی جهانی در لابلای خطوط به شرح جزئیات دیگری از جمله شمار پیکر کشته شدگان در همان روز در پایگاهی که نیکا را نپذیرفت می‌پردازند. برخی کاربران مخالف جمهوری اسلامی نیز تأکید کرده‌اند که خشونت علیه زنان از جمله تعرض جنسی از نخستین روزهای پس از انقلاب ۵۷ همواره وجود داشته است.

انتشار گزارش تکاندهنده بی‌بی‌سی جهانی درباره چگونگی جان باختن نیکا شاکرمی نوجوان کشته شده در اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ با واکنش‌های گسترده‌ای روبرو شده است.

بر اساس گزارش بی‌بی‌سی جهانی سه مأمور سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که پس از بازداشت نیکا شاکرمی با او در پشت یک ون یخچال‌دار بودند، به او تعرض جنسی کرده و پس از مقاومت نیکا او را با ضربات باتوم و شوکر برقی به قتل رساندند.

این گزارش با واکنش گسترده فعالان و چهره‌های سیاسی و مدنی و روزنامه‌نگاران، و کاربران شبکه‌های اجتماعی روبرو شده است.

شاهزاده رضا پهلوی در مطلبی به دو زبان فارسی و انگلیسی به این گزارش واکنش نشان داد. وی نوشت: «مرتکبان جنایت علیه نیکا شاکرمی و مسئول اصلی آن علی خامنه‌ای به دست عدالت سپرده خواهند شد. در کنار مادر گرامی نیکا و خواهر شجاعش آیدا شاکرمی که با وجود همه تهدیدها و فشارها، مبارزه او برای آزادی را ادامه داده‌اند، هستیم.» شاهزاده رضا پهلوی افزوده «از همه مردم ایران به ویژه مردان سرزمینم می‌خواهم که، امروز بیش از هر زمان دیگری در کنار خواهران و مادران و دختران و همسران و همه زنان ایران بایستید و از آنان دفاع کنید. آنکه در این تجاوز سازمان‌یافته، زنان ایران را می‌آزارد دشمن است؛ دشمن شما و دشمن ایران. دفاع از زنان میهن‌مان یک وظیفه انسانی و ملی‌ست. در این مسیر، آنها که به دفاع از زنان ایران برمی‌خیزند، پا جای پای سلسله بلندی از جاویدانمان در درازنای تاریخ پرشکوه‌مان می‌گذارند؛ دلاورانی که در برابر متجاوزان ایستادند، گارد جاویدان ایران بودند تا خاک و نام ایران جاویدان بماند.»

هشتگ «نیکا شاکرمی» تا عصر چهارشنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۳ با بیش از ۱۴۰ هزار بار انتشار توسط کاربران در شبکه ایکس تریند شده است. کاربران مقاومت نیکای نوجوان در برابر تعرض جنسی سه مرد تا آخرین نفس و تسلیم نشدن او را مورد توجه قرار می‌دهند. شماری از خانواده‌های دادخواه نیز به این گزارش واکنش

نگرانی کارشناسان سازمان ملل از صدور حکم اعدام علیه توماج صالحی، خواننده رپ و ترانه‌سرا



مبنی بر نقض حکم اولیه، آزاد شد. با این حال، این هنرمند بار دیگر در ۳۰ نوامبر ۲۰۲۳ به دلیل ابراز عقیده در مورد حکومت ایران و افشای شکنجه و ۲۵۲ روز بسر بردن در سلول انفرادی پس از دستگیری در اکتبر ۲۰۲۲ مجدداً دستگیر و به زندان دستگرد اصفهان منتقل شد. او به اتهام «تبلیغ علیه نظام» متهم و اخیراً به اعدام محکوم شده است.

محکومیت شدید توماج صالح بر زمینه‌ی محدودیت‌های شدید آزادی هنری و دیگر اشکال آزادی بیان در کشور صورت می‌گیرد. این کارشناسان گفتند: «ما ادعاهایی دریافت کرده‌ایم مبنی بر اینکه دستگیری و بازداشت هنرمندان، فعالان و روزنامه‌نگاران به اتهاماتی مانند «نشر اخبار کذب» یا «تبلیغ علیه نظام» بطور فزاینده‌ای رایج است.»

آنها افزوده‌اند: «ما از جرم‌انگاری فعالیت‌های مشروع بیان هنری از طریق اتهامات مشکوک و واهی بسیار نگران هستیم. همچنین اعدام‌های پس از محاکمه‌های ناعادلانه، محرومیت خودسرانه شهروندان از زندگی است.»

آنها از [رژیم] ایران خواستند تا با هدف لغو مجازات اعدام، احکام اعدام را تعلیق کند. بر اساس قوانین بین‌المللی، مجازات اعدام تنها برای جرایمی قابل اعمال و اجراست که شرایط «جدی‌ترین جنایات» در مورد آنها احراز شده باشد، مانند مواردی که شامل قتل عمد است و می‌بایست در احراز آنها از یک روند قانونی که ضامن تمام شرایط دادرسی عادلانه باشد پیروی شود.

به گفته این کارشناسان، همه افراد حق دارند در اطلاع‌رسانی به اشکال متنوع شرکت کنند، در بیان هنری مشارکت داشته باشند، و در زندگی فرهنگی و توسعه جامعه خود، از جمله از طریق بحث‌های سیاسی و ابراز عقیده و مخالفت، بدون ترس از زندان و شکنجه و انتقام و یا حتا اعدام مشارکت نمایند.

کارشناسان سازمان ملل از زمان بازداشت توماج صالحی در سال ۲۰۲۲ به مناسبت‌های مختلف پرونده وی را با مقامات جمهوری اسلامی ایران مطرح کرده‌اند.

● بر اساس گزارشی که از سوی دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد در ژنو منتشر شده، کارشناسان سازمان ملل از جمله جاوید رحمان گزارشگر ویژه وضعیت حقوق بشر در ایران روز پنجشنبه ۶ اردیبهشت ۱۴۰۳ خواستار آزادی فوری توماج صالحی، خواننده رپ و ترانه‌سرا شدند و از مقامات جمهوری اسلامی ایران خواستند تا از تصمیم خود مبنی بر محکومیت او به اعدام صرف نظر کنند.

بر اساس گزارشی که از سوی دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد در ژنو منتشر شده، کارشناسان سازمان ملل از جمله جاوید رحمان گزارشگر ویژه وضعیت حقوق بشر در ایران روز پنجشنبه ۶ اردیبهشت ۱۴۰۳ خواستار آزادی فوری توماج صالحی، خواننده رپ و ترانه‌سرا شدند و از مقامات جمهوری اسلامی ایران خواستند تا از تصمیم خود مبنی بر محکومیت او به اعدام صرف نظر کنند.

در این گزارش آمده است که انتقاد از سیاست‌های دولت، از جمله از طریق بیان هنری، جزو حقوق محافظت شده شهروندان و آزادی بیان و حق مشارکت در زندگی فرهنگی است و نباید جرم محسوب شود: «هنر باید اجازه داشته باشد که در هر جامعه‌ای دست به انتقاد بزند، شهروندان را برانگیزد و مرزها را جابجا نماید.»

این کارشناسان گفتند: «ما از صدور حکم اعدام و بدرفتاری ادعایی با توماج صالحی که به نظر می‌رسد صرفاً به استفاده از حق آزادی بیان هنری و خلاقیت مربوط می‌شود، نگران هستیم.»

آنها گفتند: «ترانه‌های توماج صالحی همانطور که برای دولت تند است، مظهر آزادی هنری و حقوق فرهنگی است.»

در ادامه گزارش کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد به سابقه بازداشت توماج صالحی پرداخته شده و آمده است که وی ابتدا به دلیل نقش داشتن در اعتراضات مربوط به مهسا امینی در سال ۲۰۲۲ به شش سال زندان محکوم شد اما پس از حکم دیوان عالی کشور

دفاع از خود داشته است.

بر اساس این گزارش، نیکا در محدوده پارک لاله بازداشت شد. او با سه عضو «تیم ۱۲» به نام‌های آرش کلهر، صادق منجزی و بهروز صادقی در قسمت عقب و بخش یخچال این ون در حال انتقال به یک بازداشتگاه بود. مرتضی جلیل سرپرست «تیم ۱۲» با راننده در قسمت جلوی ون نشسته بودند. او بعد به یک پایگاه موقت پلیس برده می‌شود. ظرفیت این ایستگاه اما تکمیل بوده و در نتیجه نیکا ۳۵ دقیقه بعد به یک مرکز دیگر که بازداشتی‌ها را به آنجا منتقل می‌کردند برده شد اما رئیس این پایگاه نیز چند دقیقه پس از قبول پذیرش نیکا، از این تصمیم منصرف شد.

بر اساس اسنادی که در اختیار بی‌بی‌سی جهانی قرار گرفته، رئیس این ایستگاه پلیس به بازپرس پرونده نیکا گفته «متهم [نیکا] مدام فحش می‌داد و شعار می‌داد. در آن زمان ۱۴ زن بازداشتی دیگر در بازداشت بودند و تصور من این بود که او ممکن است بقیه را تحریک کند و نگران بودم باعث شورش شود.»

پس از عدم پذیرش نیکا در دومین بازداشتگاه، مرتضی جلیل سرپرست «تیم ۱۲» با ستاد فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تماس گرفته و به او گفته می‌شود که نیکا را به زندان اوین منتقل کنند. سه مأمور بار دیگر نیکا را به پشت ون منتقل می‌کنند و اصل ماجرای تکانه‌دهی که به قتل سازمانیافته نیکا منتهی می‌شود آغاز می‌شود.

بهروز صادقی گفته «نیکا پس از اینکه بازداشتگاه او را پذیرفت و او را به داخل وانت برگرداندند، شروع به فحاشی و داد و فریاد کرد. آرش کلهر با جو‌رابطش دهان وی را بست. اما همچنان به سمت ما لگد می‌زد. آخر صادق [منجزی] او را کف یخچال خواباند و رویش نشست. جو کمی آرام شد. اما چند دقیقه بعد نمی‌دانم چه شد که او شروع کرد به دست و پا زدن و فحاشی. واقعا من نمی‌دیدم؛ فقط صدای زد و خورد می‌شنیدم.»

آرش کلهر مأمور دیگری که در قسمت یخچال ون بوده گفته برای چند لحظه چراغ موبایلش را روشن کرده و به سمت نیکا و صادق منجزی گرفته و دیده صادق منجزی همانطور که روی نیکا نشسته، دستش در شلوار نیکا است. آرش کلهر گفته پس از این لحظه بوده که او ضلع از دست همه ما خارج شد. او گفته نمی‌داند کدامیک از همکارانش اما صدای خوردن ضربات باتوم به نیکا و دیواره‌های ون را شنیده است. آرش کلهر گفته خودش هم در حال زدن مشت و لگد بوده اما نمی‌دانسته ضربات او به نیکا می‌خورده یا به دو مأمور همکارش.

صادق منجزی که بر اساس این گزارش تعرض جنسی به نیکا را او مرتکب می‌شد، اتهام بردن دستش در شلوار نیکا را رد کرده و ناشی از «حسادت» همکارانش دانسته است. با اینهمه می‌گوید: «اما منکر نمی‌شوم که وقتی روی او نشسته بودم تحریک شدم و یکبار به باسن او دست زدم.» در حالی که گفته شده دستان نیکا پشتش با دستبند بسته شده بود و در نتیجه او قادر به حرکت دستانش نبوده، اما صادق منجزی ادعا کرده نیکا او را چنگ زده و منجزی تعادلش بهم خورده و افتاده و نیکا شروع کرده به لگد زدن به او. منجزی گفته «ناچار» شده از خودش دفاع کند.

آرش کلهر اما گفته حاضر به سوگند خوردن درباره مشاهداتش است.

این در حالیکه بر اساس اسنادی که در دست بی‌بی‌سی جهانی است در ضرب و جرح نیکا «از سه باتون و سه شوکر استفاده شده» و البته مشخص نیست «کدام ضربه باعث مرگ شده است.»

شرکت‌های صوری ملایان در آلمان؛ «مپنا یورپ» هم با تأسیسات صنعتی تجارت می‌کند و هم مواد غذایی یخ‌زده!



ابراهیم رئیسی و عباس‌علی‌آبادی وزیر «صمت»

این مسائل را با آن مطرح کرد. خانم ث. حدود ۵۰ سال سن با موهای بلوند که بالای سرش جمع کرده بود در را باز کرد. او حجاب نداشت. در دوسلدورف ملایان تظاهر می‌کنند که باز هستند.

مدیر شرکت درباره معاملاتش سکوت می‌کند

خانم منشی در حال بررسی حساب‌ها بود و فهرستی از حساب‌های بانکی روی میزش دیده می‌شد: هیپوفرانس بانک، فولکس‌بانک در شامبورگ و بانک هندی هیندوجا. هومن آ. مدیر شرکت ملایان (۶۷ ساله) از اینکه از دفترش بیرون بیاید امتناع می‌کند و فقط پیام می‌فرستد که «علاقه‌ای به گفتگو ندارد.»

بر اساس عکسی که روزنامه «بیلد» منتشر کرده، گزارشگر تلاش می‌کند در خانه‌ی هومن آ. با وی صحبت کند اما او با پیژامه و زیرپیراهن و پابرهنه از پشت در که کمی آن را باز کرده، از هر صحبتی خودداری می‌کند.

بر اساس تحقیقات «بیلد»، «مپنا یورپ» با یک شرکت حمل و نقل بین‌المللی در ایالت نوردراین وستفالن در غرب آلمان همکاری می‌کند. عجیب اینجاست که این شرکت گاهی با تأسیسات صنعتی تجارت می‌کند و گاهی با مواد غذایی یخ‌زده! اطلاعات دقیقی درباره معاملات این شرکت وجود ندارد. «مپنا یورپ» مستقر در دوسلدورف حتی یک وبسایت هم ندارد. اداره کنترل صادرات آلمان (بافا) و اداره گمرگ این کشور نخواهند به پرسش‌های مربوطه در این زمینه پاسخ بگویند.

مپنا ترور علیه اسرائیل را تأمین مالی می‌کند

«بیلد» در پایان گزارش خود به «شورای ملی مقاومت» [سازمان مجاهدین] اشاره کرده و می‌نویسد که جواد دبیران (۶۲ ساله) در برلین به این روزنامه می‌گوید: «شرکت مپنا در دوسلدورف منافع اقتصادی رژیم ملایان را در آلمان نمایندگی می‌کند. شرکت مادر آن در تهران شدیداً به بنیاد آستان قدس رضوی وابسته است که بیش از همه تروریسم حزب‌الله را در لبنان تأمین مالی می‌کند.»

*منبع: روزنامه «بیلد»

*نویسندگان: یان ث. و مایر، هارتموت واگنر

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

واگذار کرد ولی در پشت صحنه همچنان فعال است. شرکت یادشده به شرکت مادر «مپنا»، یکی از ستون‌های اصلی اقتصاد ایران، در تهران تعلق دارد. «مپنا» نیروگاه و تأسیسات استخراج نفت تولید می‌کند و ۱۵ هزار تن در آن به کار مشغولند و در سال دو میلیارد فروش دارد و به بنیاد مذهبی آستان قدس رضوی وابسته است. بنیادی که تحت نظارت و کنترل علی‌خانم‌های ۸۵ ساله قرار دارد.

کارشناسان درباره این شرکت در دوسلدورف هشدار می‌دهند

کارشناسان مسائل ایران مانند امانوئل اتولنگی کارشناس علوم سیاسی درباره شرکت «مپنا» در دوسلدورف هشدار می‌دهند. وی چند سال پیش در یک جلسه استماع در مجلس نمایندگان آمریکا در همین ارتباط چنین توضیح داده بود: این شرکت تحریم‌های اقتصادی علیه [رژیم] ایران را دور می‌زند و به انجام معاملات مشکوک در دوی، ترکیه و چین مشغول است.

دولت بریتانیا حتی ظن بسیار شدیدتری نسبت به «شرکت مپنا» دارد و شرکت «مپنا یورپ» را در لیست شرکت‌های بین‌المللی قرار داده که به تولید و یا تهیه سلاح‌های کشتار همگانی مشکوک‌اند.

بر اساس نظر کارشناسان، بیش از همه در دوسلدورف و هامبورگ شبکه‌های شرکتی وجود دارند که رژیم ایران از طریق آنها تلاش می‌کند تحریم‌ها را دور بزند. نقش شبکه «مپنا» به دلیل افراد شاخص نیز برجسته می‌شود: در کنار نام علی‌آبادی وزیر صمت، اسم افشین رضایی نیز روی صندوق پست دیده می‌شود. وی که شرکت مپنا را در دوی مدیریت می‌کند، سال‌ها پیش در آمریکا به دلیل نقض قوانین ضد ترور به شش ماه حبس محکوم شد.

علاوه بر اینها، طهماسب مظاهری رئیس سابق بانک مرکزی ایران نیز در «مپنا یورپ» اشتغال داشته است. او حتی در سال ۲۰۱۸ معاملات در دوسلدورف انجام داد. ده سال پیش مظاهری در آلمان به تیتراهای خبری راه یافت چرا که در فرودگاه دوسلدورف با یک چک ۵۴ میلیون یورویی گیر افتاد.

گزارشگر «بیلد» با مراجعه به این شرکت در دوسلدورف

در یک مجموعه‌ی اداری بین ایستگاه مرکزی راه آهن و شهرکهنه‌ی دوسلدورف شرکت «مپنا یورپ» با مسئولیت محدود مستقر است با یک ورودی ساده و پله‌های تاریک. اصلاً جایی نیست که بتوان وجود یک شرکت هدایت شده‌ی دولتی را حدس زد. تنها یک اسم روی صندوق پست پر از خط و خراش نشان می‌دهد که چه کسی در اینجا مشغول است: «عباس‌علی‌آبادی» - وزیر صنعت، معدن و تجارت جمهوری اسلامی!

در کنار نام علی‌آبادی وزیر صمت، اسم افشین رضایی نیز روی صندوق پست دیده می‌شود. وی که شرکت مپنا را در دوی مدیریت می‌کند، سال‌ها پیش در آمریکا به دلیل نقض قوانین ضد ترور به شش ماه حبس محکوم شد.

طهماسب مظاهری رئیس سابق بانک مرکزی ایران نیز در «مپنا یورپ» اشتغال داشته است. ده سال پیش مظاهری در آلمان به تیتراهای خبری راه یافت چرا که در فرودگاه دوسلدورف با یک چک ۵۴ میلیون یورویی گیر افتاد.

دولت بریتانیا حتی ظن بسیار شدیدتری و فراتر از دور زدن تحریم‌ها نسبت به «شرکت مپنا» دارد و شرکت «مپنا یورپ» را در لیست شرکت‌های بین‌المللی قرار داده که به تولید و یا تهیه سلاح‌های کشتار همگانی مشکوک‌اند. بر اساس تحقیقات «بیلد»، «مپنا یورپ» با یک شرکت حمل و نقل بین‌المللی در ایالت نوردراین وستفالن در غرب آلمان همکاری می‌کند. عجیب اینجاست که این شرکت گاهی با تأسیسات صنعتی تجارت می‌کند و گاهی با مواد غذایی یخ‌زده! اطلاعات دقیقی درباره معاملات این شرکت وجود ندارد.

روی صندوق پست شرکت «مپنا یورپ» با مسئولیت محدود در دوسلدورف نام وزیر صنعت، معدن و تجارت (صمت) جمهوری اسلامی عباس‌علی‌آبادی دیده می‌شود. گزارشگران روزنامه آلمانی «بیلد» در گزارشی که یکشنبه ۲۸ آوریل منتشر شده به شرکت‌های صوری و کاذب رژیم جمهوری اسلامی در آلمان پرداخته‌اند.

این روزنامه می‌نویسد، ملایان در ایران برای ساختن بمب اتمی تلاش می‌کنند، می‌خواهند اسرائیل را نابود کنند و با اینهمه معاملات میلیونی در آلمان انجام می‌دهند. یکی از شرکت‌های صنعتی مشکوک آنها بر اساس تحقیقات «بیلد» یک شعبه نامرئی در دوسلدورف دارد.

در یک مجموعه‌ی اداری بین ایستگاه مرکزی راه آهن و شهرکهنه‌ی دوسلدورف شرکت «مپنا یورپ» با مسئولیت محدود مستقر است با یک ورودی ساده و پله‌های تاریک. اصلاً جایی نیست که بتوان وجود یک شرکت هدایت شده‌ی دولتی را حدس زد. تنها یک اسم روی صندوق پست پر از خط و خراش نشان می‌دهد که چه کسی در اینجا مشغول است: «عباس‌علی‌آبادی» - وزیر صنعت، معدن و تجارت [رژیم] ایران، افسر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و فرد مورد اعتماد ملایان. وی در سال ۲۰۲۳ به عنوان وزیر «صمت» مشغول به کار شد اما تا پیش از آن او یکی از مدیران شرکت «مپنا» در دوسلدورف بود.

علی‌آبادی سال‌ها مدیر این شرکت مستقر در دوسلدورف بود و چند ماه پس از آنکه در ایران به وزارت رسید، بر اساس مدارک ثبت تجاری، مسئولیت خود را در این شرکت

عملیات تروریستی «هفت اکتبر» و «وعده صادق» نتیجه نادیده گرفتن تحریم‌های جمهوری اسلامی است



نمایش خیابانی موشک‌های بالستیک سپاه پاسداران

موشک‌های خود تا ۱۲ هزار کیلومتر را هم دارد اما خامنه‌ای گفته با آن موافقت نکرده است.

اودی لویی رئیس سابق بخش مالی سازمان جاسوسی موساد به «تایمز اسرائیل» گفته رژیم ایران یک شبکه مالی جهانی برای دور زدن تحریم‌ها ایجاد کرده و موفق شده ۸۰ میلیارد دلار درآمد اندوخته جدید داشته باشد. وی با اشاره به اینکه «رژیم ایران تحریم‌های غرب را با کمک غرب دور می‌زند» تأکید کرد که تحریم‌های غرب علیه رژیم ایران ساختگی و بی‌اثر است.

این تحلیلگر امنیتی توضیح می‌کند، «چنانچه شرکای اسرائیل قصدی جدی برای تضعیف رژیم ایران دارند باید زیرساخت‌های نقل و انتقالات پولی آن را هدف قرار دهند.» برای دولت‌های غربی تنها گزینه مهار با مقابله با جمهوری اسلامی تحریم‌ها بوده اما تجربه نشان داد نادیده گرفتن تحریم‌ها طیف گسترده‌ای از تهدیدات تهران و شرکای آن از جمله حمله تروریستی «هفت اکتبر» حماس و عملیات «وعده صادق» سپاه پاسداران را در پی داشت. در واقع عملیات تروریستی «هفت اکتبر» و «وعده صادق» نتیجه مداخلات دولت بایدن و اروپایی‌ها با جمهوری اسلامی است.

بعد از حمله موشکی و پهپادی از خاک ایران به اسرائیل دولت‌های آمریکا، بریتانیا و اتحادیه اروپا تحریم‌های جدید علیه جمهوری اسلامی اعمال کرده‌اند. آنها به همان روال قبلی تحریم‌ها را همچنان به عنوان تنها گزینه در قبال جمهوری اسلامی به کار می‌گیرند. اما واقعیت این است که در همین روال یعنی «مداخلات- تحریم» رژیم ایران مرحله به مرحله تیغ تهدیدات خود را تیزتر کرده است.

در مورد حمله پهپادی و موشکی سپاه پاسداران به اسرائیل یک واقعیت آشکار نیز وجود دارد. درست است که این حملات از نظر نظامی یک اقتضای بود زیرا نه اصل «غافلگیری» در آن رعایت شد و نه موشک‌ها به هدف خوردند، اما گیلعاد اردان سفیر اسرائیل در سازمان ملل، یکشنبه ۱۴ آوریل (۲۶ فروردین‌ماه) احتمالی را اعلام کرد که حتا فکر کردن به آن نیز می‌بایست برای همه کشورهای جهان وحشت‌انگیز باشد: «فقط تصور کنید پهپاد و موشک‌های رژیم ایران کلاهک هسته‌ای حمل کنند.»

نظامی مفید و متقابل با ایران است.» اینها همه در شرایطی مطرح می‌شود که رافائل گروسی دبیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هشدار داده که ایران می‌تواند ظرف چند هفته به اورانیوم غنی شده‌ی کافی برای ساخت بمب اتمی دست یابد.

وی هشدار داد، جمهوری اسلامی بدون هیچ توجیه معتبری غنی‌سازی اورانیوم را در سطح نزدیک به ساخت سلاح ادامه می‌دهد و همچنین گفت، «هی‌توان مستقیماً به این نتیجه رسید که جمهوری اسلامی از سلاح اتمی برخوردار است یا در هفته‌های آینده به آن دست خواهد یافت.» اینک جمهوری اسلامی فاصله کمی با ساخت بمب اتم دارد حتا در داخل ایران نیز با صراحت مطرح می‌شود هرچند که برخی مقامات نظام بر اساس فتوای علی خامنه‌ای مبنی بر «حرام بودن ساخت بمب اتم» ادعا می‌کنند سلاح هسته‌ای در دکترین دفاعی جمهوری اسلامی جایی ندارد اما جریان‌های دیگری هستند که تهدید می‌کنند ممکن است فتوا و نظر خامنه‌ای مبنی بر حرام بودن ساخت بمب اتم تغییر کند.

تولید اورانیوم ۹۰ درصدی در یک «نصف روز»
در همین ارتباط محمودرضا آقامیری رئیس دانشگاه «بهشتی» ۲۰ فروردین‌ماه در یک برنامه زنده تلویزیونی گفت، «طبق فتوای رهبر انقلاب ساخت بمب اتم حرام شرعی است، اما اگر نظر و فتوای ایشان تغییر کند ما توانایی ساخت بمب اتم هم داریم. با توانایی که درحوزه هسته‌ای داریم، ساخت بمب اتم برای ما خیلی راحت‌تر از نساختن بمب اتم است.»

پاسدار جواد کریمی‌قدوسی نماینده مجلس شورای اسلامی اخیراً با اشاره به توان ساخت سلاح اتمی و امکان افزایش برد موشک‌های بالستیک تا ۱۲ هزار کیلومتر تهدید کرد، کارشناسان اتمی ایران قادرند با تغییراتی در تأسیسات اتمی در یک «نصف روز» میزان غنی‌سازی اورانیوم را از ۶۰ درصد، به ۹۰ درصد که مورد نیاز استفاده در سلاح اتمی است برسانند.

وی سپس توضیح داده که ایران توانایی افزایش برد

● روزنامه «وال استریت ژورنال» روز یکشنبه ۲۸ آوریل (نهم اردیبهشت‌ماه) در گزارشی نوشت حمله مستقیم موشکی و پهپادی سپاه پاسداران به اسرائیل نگرانی‌ها در مورد برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی و خطر دستیابی آنها به سلاح اتمی را افزایش داده است.

● پایگاه خبری «بلومبرگ» نیز جمعه ۲۶ آوریل (هفتم اردیبهشت) با اشاره به حمله جمهوری اسلامی به اسرائیل گزارش داد همکاری نظامی روسیه و جمهوری اسلامی باعث نگرانی اسرائیل و متحدانش شده است.

● محمودرضا آقامیری رئیس دانشگاه «بهشتی» ۲۰ فروردین‌ماه در یک برنامه زنده تلویزیونی گفت، «طبق فتوای رهبر انقلاب ساخت بمب اتم حرام شرعی است، اما اگر نظر و فتوای ایشان تغییر کند ما توانایی ساخت بمب اتم هم داریم. با توانایی که درحوزه هسته‌ای داریم، ساخت بمب اتم برای ما خیلی راحت‌تر از نساختن بمب اتم است.»

● اودی لویی رئیس سابق بخش مالی سازمان جاسوسی موساد به «تایمز اسرائیل» گفته رژیم ایران یک شبکه مالی جهانی برای دور زدن تحریم‌ها ایجاد کرده و موفق شده ۸۰ میلیارد دلار درآمد اندوخته جدید داشته باشد. وی با اشاره به اینکه «رژیم ایران تحریم‌های غرب را با کمک غرب دور می‌زند» تأکید کرد که تحریم‌های غرب علیه رژیم ایران ساختگی و بی‌اثر است.

● درست است که حمله نظامی جمهوری اسلامی علیه اسرائیل از نظر نظامی اقتضای بود زیرا نه اصل «غافلگیری» در آن رعایت شد و نه موشک‌ها به هدف خوردند، اما گیلعاد اردان سفیر اسرائیل در سازمان ملل، یکشنبه ۱۴ آوریل (۲۶ فروردین‌ماه) احتمالی را اعلام کرد که حتا فکر کردن به آن نیز می‌بایست برای همه کشورهای جهان وحشت‌انگیز باشد: «فقط تصور کنید پهپاد و موشک‌های رژیم ایران کلاهک هسته‌ای حمل کنند.»

روزنامه «وال استریت ژورنال» روز یکشنبه ۲۸ آوریل (نهم اردیبهشت‌ماه) در گزارشی نوشت حمله مستقیم موشکی و پهپادی سپاه پاسداران به اسرائیل نگرانی‌ها در مورد برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی و خطر دستیابی آنها به سلاح اتمی را افزایش داده است.

برخی تحلیلگران بر این باورند رهبران ارشد جمهوری اسلامی محاسبه کرده‌اند که هزینه‌های ساخت بمب اتمی بیشتر از منافع آن است. آنها هشدار دادند، جمهوری اسلامی در آستانه تبدیل به یک «قدرت هسته‌ای» با قابلیت‌های تسلیحاتی در دسترس قرار داد و در حال حاضر از قدرت بازدارندگی قابل توجهی برخوردار است، بدون خطر جنگی که ممکن است در صورت شناسایی تلاش برای ساخت بمب رخ دهد.

پیش از این پایگاه خبری «بلومبرگ» نیز جمعه ۲۶ آوریل (هفتم اردیبهشت) با اشاره به حمله جمهوری اسلامی به اسرائیل گزارش داد همکاری نظامی روسیه و جمهوری اسلامی باعث نگرانی اسرائیل و متحدانش شده است.

سرگئی شویگو وزیر دفاع روسیه در دیدار با محمدرضا آشتیانی وزیر دفاع جمهوری اسلامی در شهر آستانه، پایتخت قزاقستان گفته بود، «مسکو آماده گسترش همکاری‌های

خودداری شهردار تهران از ارائه اطلاعات درباره «قرارداد ۲/۷ میلیارد یورویی» با چینی‌ها

● قرارداد ۲۰۰ هزار میلیارد تومانی (دو میلیارد و ۶۸۱ میلیون یورو) شهرداری تهران با چینی‌ها برای توسعه، نوسازی و برقی کردن ناوگان حمل و نقل عمومی تهران که شامل واردات وسایل نقلیه و تجهیزات برقی، راه‌سازی و دوربین مدار بسته است به اختلاف جدی میان شهرداری و شورای اسلامی شهر تهران تبدیل شده است.

● منابع غیررسمی می‌گویند عوامل و دلایل وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پشت این قرارداد هستند. اعضای شورای اسلامی شهر علنی عنوان می‌کنند این قرارداد شفاف نیست و شهرداری از ارائه اطلاعات دقیق درباره آن خودداری می‌کند.

قرارداد ۲۰۰ هزار میلیارد تومانی (دو میلیارد و ۶۸۱ میلیون یورو) شهرداری تهران با چینی‌ها برای توسعه، نوسازی و برقی کردن ناوگان حمل و نقل عمومی تهران که شامل واردات وسایل نقلیه و تجهیزات برقی، راه‌سازی و دوربین مدار بسته است به اختلاف جدی میان شهرداری و شورای اسلامی شهر تهران تبدیل شده است.

قرارداد شهرداری تهران با شرکت‌های چینی اسفندماه ۱۴۰۲ امضاء شد اما طی دو ماه اختلاف به حدی بالا گرفت که هفت نفر از اعضای شورای اسلامی شهر که بعضی از آنها از سوپرانقلابی‌های نظام نیز هستند نهم اردیبهشت‌ماه حین ارائه توضیحات شهردار تهران درباره این قرارداد در اقدامی بی‌سابقه جلسه مربوطه را ترک کردند.

منابع غیررسمی می‌گویند عوامل و دلایل وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پشت این قرارداد هستند. اعضای شورای اسلامی شهر علنی عنوان می‌کنند این قرارداد شفاف نیست و شهرداری نیز از ارائه اطلاعات دقیق درباره آن خودداری می‌کند. جعفر شریانی عضو هیات رئیسه شورای اسلامی شهر تهران به وبسایت «دیده‌بان ایران» گفت، «ابهاماتی» درباره قرارداد با طرف‌های چینی وجود دارد که حتماً باید برای رعایت اصل شفافیت و پرهیز از ایجاد شائبه در افکار عمومی برطرف شود.

وی توضیح داد، «قرارداد ۲/۷ میلیارد یورویی (نزدیک ۲۰۰ هزار میلیارد تومانی) از منابع مالی و اقتصادی شهر است. حال اگر بر اساس درآمد حاصل شده شهرداری در سال ۱۴۰۲ محاسبه کنیم و آن را معادل صد هزار میلیارد تومان در نظر بگیریم و فرض کنیم که هزینه و خرج شهر تهران در دو سال آتی صفر ریال باشد و نرخ تورم هم صفر باشد، اگر معادل سال ۱۴۰۲ درآمد داشته باشیم، مبلغ این قرارداد دقیقاً معادل دو سال تمام درآمد شهرداری تهران است. در انتهای سال گذشته، شهرداری با این استدلال که زمانی کافی در اختیار مجموعه اجرایی مدیریت شهری قرار ندارد، لایحه‌ای را به شورا آورد و شورا هم در یک اقدام همدلانه و برای رفع مشکلات درازمدت حوزه حمل و نقل شهر تهران پذیرفت که این قرارداد کلان بدون تشریفات و با ترک تشریفات مناقصه منعقد شود، اما حالا شاهد ایجاد شائبه‌هایی درباره

دیوید کامرون: تروریستی خواندن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به نفع بریتانیا نیست



دیوید کامرون در کمیته روابط بین‌الملل و دفاع مجلس اعیان بریتانیا

که باید انجام دهیم تا بر جمهوری اسلامی فشار بیاوریم و مطمئن شویم در جایی که آنها غیرقانونی عمل می‌کنند می‌توانیم علیه‌شان عمل کنیم، از طریق تحریم‌ها که تقویت کرده‌ایم، صورت پذیرفته است.»

وزیر خارجه بریتانیا در ادامه اظهاراتش عنوان کرد، «ما سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را بطور کامل تحریم کرده‌ایم و وقتی از پلیس و سازمان‌های اطلاعاتی و سایرین می‌پرسیم آیا این اقدام اضافی تروریستی خواندن سپاه پاسداران ضرورت دارد، پاسخ منفی است.»

وی با بیان اینکه تروریستی خواندن سپاه پاسداران به روابط دیپلماتیک لندن با تهران پایان می‌دهد، گفت که «ما می‌توانیم این سطح گفتگو را حفظ کنیم و تروریستی خواندن سپاه پاسداران نه تنها رویکرد ما را تقویت نمی‌کند، بلکه از بسیاری جهات آن را تضعیف می‌کند.»

بیش از ۱۰۰ نماینده مجلس بریتانیا اواسط بهمن‌ماه ۱۴۰۲ از ریشی سوناک نخست وزیر این کشور خواستند تا در مقابل «جنگ‌طلبی» رژیم ایران با قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی اقدام متناسب انجام دهند. این نمایندگان به نخست وزیر محافظه‌کار بریتانیا هشدار دادند: «ما در قبال رژیم ایران به یک استراتژی جدید نیاز داریم.»

نمایندگان در بیانیه‌ای هشدار دادند در میان درگیری‌های رو به افزایش در خاورمیانه، رژیم تهران «سر مار» است و از سپاه پاسداران برای گسترش «تروریسم» و جلوگیری از صلح استفاده می‌کند.

دولت بریتانیا بر این باور است که تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران تهدید علیه بریتانیا را افزایش می‌دهد و نه تنها هیچ نیروی مؤثری بر توان این کشور برای مقابله با سپاه اضافه نمی‌کند بلکه به دیگر اقدامات بریتانیا، اروپا، ایالات متحده و سایر متحدان علیه تهدیدات رژیم ایران آسیب نیز می‌رساند.

● به گزارش «اسکای نیوز» دیوید کامرون وزیر خارجه بریتانیا روز سه‌شنبه ۳۰ آوریل (۱۱ اردیبهشت) در کمیته روابط بین‌الملل و دفاع مجلس اعیان بریتانیا حضور پیدا کرد و ضمن مخالفت با قرار گرفتن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی، تأکید کرد این اقدام به نفع بریتانیا نیست. وی حفظ روابط سیاسی با جمهوری اسلامی را «ضروری» خواند.

● وزیر خارجه بریتانیا عنوان کرد، «ما سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را بطور کامل تحریم کرده‌ایم و وقتی از پلیس و سازمان‌های اطلاعاتی و سایرین می‌پرسیم آیا این اقدام اضافی تروریستی خواندن سپاه پاسداران ضرورت دارد، پاسخ منفی است.»

● وی با بیان اینکه تروریستی خواندن سپاه به روابط دیپلماتیک لندن با تهران پایان می‌دهد، گفت که «ما می‌توانیم این سطح گفتگو را حفظ کنیم و تروریستی خواندن سپاه پاسداران نه تنها رویکرد ما را تقویت نمی‌کند، بلکه از بسیاری جهات آن را تضعیف می‌کند.»

دیوید کامرون وزیر خارجه بریتانیا تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را کرد با این توضیح که لندن می‌خواهد روابط دیپلماتیک خود را با تهران حفظ کند.

به گزارش «اسکای نیوز» کامرون روز سه‌شنبه ۳۰ آوریل (۱۱ اردیبهشت) در کمیته روابط بین‌الملل و دفاع مجلس اعیان بریتانیا حضور پیدا کرد و ضمن مخالفت با قرار گرفتن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی، تأکید کرد این اقدام به نفع بریتانیا نیست. وی حفظ روابط سیاسی با جمهوری اسلامی را «ضروری» خواند.

نمایندگان مجلس عوام و عیان بریتانیا مدت‌هاست دولت این کشور را برای قرار دادن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی زیر فشار قرار داده‌اند اما مقامات دولت می‌گویند «ضروری» نیست.

دیوید کامرون به اعضای کمیته گفت: «همه کارهایی

اردوغان استفاده از رادارهای ترکیه در مقابله با موشک‌پرانی سپاه پاسداران به اسرائیل را رد کرد



رجب طیب اردوغان رئیس جمهوری اسلامی ترکیه

آمریکا، بریتانیا، فرانسه و اردن کشورهایی بودند که در رهگیری و سرنگونی پهپادها موشک‌هایی که سپاه به اسرائیل شلیک کرد، فعال بودند. پس از آن بود که منابع غیررسمی داخل ایران از جمله کانال‌های تلگرامی وابسته به سپاه ادعا کردند ترکیه با همکاری پایگاه راداری ناتو در جنوب شرقی این کشور برای رهگیری موشک‌ها همکاری کرده است.

روزنامه «تایمز اسرائیل» جمعه ۲۷ آوریل (هفتم اردیبهشت) به نقل از آسوشیتدپرس گزارش داد که اردوغان در یک برنامه تلویزیونی در حمایت از فلسطین در واکنش به این ادعاها گفت: «مرکز رادار در [پایگاه راداری] کورجیک [استان مالاتیا] با هیچ کشوری غیر از امنیت ترکیه و در راستای اتحاد ما هیچ رابطه، پیوند یا تماسی ندارد و نمی‌تواند داشته باشد.»

وی همچنین تأکید کرد که ترکیه روابط دیپلماتیک و تجاری با اسرائیل را قطع کرده و محدودیت‌های تجاری بیشتری را اعمال خواهد کرد.

اردوغان همچنین عنوان کرد، «از نظر تجاری، تنها کشوری که محدودیت‌های صادراتی را در ۵۴ گروه کالایی بر اسرائیل اعمال می‌کند، ترکیه است.»

دولت ترکیه منتقد سرسخت اقدامات نظامی اسرائیل در نوار غزه است و واردات آلومینیوم، فولاد، محصولات ساختمانی، سوخت هواپیما و کودهای شیمیایی از اسرائیل را ممنوع کرد و در مقابل اسرائیل نیز ورود محصولات ترکیه را ممنوع اعلام کرد.

پیش از این حامیان جمهوری اسلامی به پادشاه اردن به دلیل همکاری با اسرائیل در رهگیری موشک‌ها و پهپادهای سپاه حمله کرده بودند.

در روزهای اخیر گزارش شد که قرار است شماری از رهبران سازمان تروریستی حماس از قطر به ترکیه نقل مکان کنند.

● رجب طیب اردوغان رئیس جمهوری اسلامی ترکیه در یک برنامه تلویزیونی در حمایت از فلسطین گفت، «مرکز رادار در [پایگاه راداری] کورجیک [استان مالاتیا] با هیچ کشوری غیر از امنیت ترکیه و در راستای اتحاد ما هیچ رابطه، پیوند یا تماسی ندارد و نمی‌تواند داشته باشد.»

● آمریکا، بریتانیا، فرانسه و اردن کشورهایی بودند که در رهگیری و سرنگونی پهپادها موشک‌هایی که سپاه به اسرائیل شلیک کرد، فعال بودند. پس از آن بود که منابع غیررسمی در ایران از جمله کانال‌های تلگرامی وابسته به سپاه ادعا کردند ترکیه با همکاری پایگاه راداری ناتو در جنوب شرقی این کشور برای رهگیری موشک‌ها همکاری کرده است.

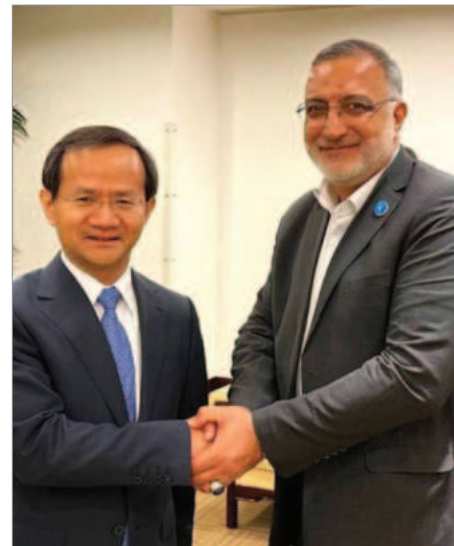
● پس از حمله ناموفق سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به خاک اسرائیل با پرتاب بیش از ۳۵۰ فروند موشک و پهپاد، ناصر کنعانی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی، چهارم اردیبهشت‌ماه در یک نشست خبری ادعا کرد، «ظاهراً بیش از ۲۰ کشور در حوزه‌های اطلاعاتی و امنیتی» به اسرائیل در خنثی کردن عملیات جمهوری اسلامی کمک کردند.

رجب طیب اردوغان رئیس جمهوری ترکیه، همکاری در رهگیری پهپادها و موشک‌های سپاه پاسداران را که ۱۳ آوریل (۲۶ فروردین‌ماه) از خاک ایران به اسرائیل پرتاب شدند، رد کرد.

پس از حمله ناموفق سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به خاک اسرائیل با پرتاب بیش از ۳۵۰ فروند موشک و پهپاد، ناصر کنعانی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی، چهارم اردیبهشت‌ماه در یک نشست خبری ادعا کرد، «ظاهراً بیش از ۲۰ کشور در حوزه‌های اطلاعاتی و امنیتی» به اسرائیل در خنثی کردن عملیات جمهوری اسلامی کمک کردند.

→ قرارداد مذکور هستیم.»

شریبانی در ادامه افزود، «بعد از گذشت چند ماه به صورت جسسته و گریخته اخبار متناقض و گاهی مسئله‌دار درباره این قرار داد به بیرون منعکس می‌شد و اعضای شورا در بزنگاه‌های مختلف در مظان پرسش رسانه‌ها و افکار عمومی قرار می‌گرفتند و طبعاً و واقعاً پاسخی برای گفتی نداشتند.»



پاسدار علیرضا زاکانی شهردار تهران سال ۱۴۰۲ دو مرحله به چین سفر کرد تا قرارداد نجومی برای واردات تجهیزات حمل و نقل و دوربین‌های کنترل ترافیک وارد کند

شریبانی با تأکید بر اینکه به نظر می‌رسد شهرداری تهران اراده‌ای برای ارائه اطلاعات دقیق و پاسخ به پرسش‌های اعضای شورا درباره قرارداد با طرفین چینی را ندارد، اظهار داشت: «شهردار تهران در جلسه دیروز در صحن شورا اعتراف کرد که قرارداد صرفاً به یک عضو شورا داده شده است و مابقی از آن مطلع نبوده‌اند. اساساً شهرداری تهران، صحن شورای شهر را نه به عنوان جایگاهی برای پاسخگویی و پذیرش نظارت نمایندگان مردم، بلکه تریبونی یکطرفه برای تبلیغات رسانه‌ای خود می‌داند. دقیقاً همین ذهنیت باعث می‌شود که مسئولان شهرداری به تریبون شورای شهر به عنوان تریبون سخنرانی‌های تبلیغاتی نگاه کنند و هرگونه انتقاد، سؤال و تقاضا برای شفاف‌سازی توسط اعضای شورا حتی به صورت صد درصد درست و محقانه، بابدترین شکل‌ها و روش‌ها توسط مدیران شهرداری پاسخ داده می‌شود.»

کارمزد تأمین‌کننده مالی و مکان امضای قرارداد نیز مشخص نیست

پایگاه خبری «تجارت نیوز» گزارش داد، با وجود رقم بسیار بالا و بی‌سابقه قرارداد شهرداری تهران با یک شرکت خصوصی چینی برای خرید وسایل حمل و نقل عمومی برقی و تجهیزات دیگری در حوزه هوشمندسازی، دوربین‌های کنترل ترافیک و دستگاه زباله‌سوز، شورای اسلامی شهر تهران ایرادات مهمی را به نحوه عقد قرارداد با طرف چینی وارد کرده است. نرجس سلیمانی رئیس کمیسیون نظارت و حقوقی شورای اسلامی شهر نیز نحوه انتخاب شرکت تأمین‌کننده مالی این قرارداد را دارای ابهام دانست و از مسئولان شهرداری پرسید که «چرا از میان اینهمه تأمین‌کننده منابع مالی در چین، شرکتی با مسئولیتی محدود در جایگاه تأمین‌کننده مالی در نظر گرفته شده است؟ همچنین کارمزد تأمین‌کننده مالی و مکان امضای قرارداد به شکل مکتوب مشخص نشده است که بی‌توجهی به اصول بدیهی حقوقی در قراردادهای بین‌المللی است.»

گزارش «اسکای نیوز» درباره «طرح سراسری نور» شعله انقلاب روشن است و مبارزه مدنی ادامه دارد



عمیق‌تر از قبل است و بعید است مردم دست از مبارزه بردارند.

او با اشاره به زنانی که با وجود خطر بازداشت و زندان، همچنان در خیابان از پوشش آزاد استفاده می‌کنند گفته این زنان حاضرند به زندان بروند اما با تحقیر و زیر سلطه مأمورانی که وحشیانه در خیابان‌ها جولان می‌دهند زندگی نکنند.

در بخش دیگری از این گزارش به هشتگ‌های مورد استفاده کاربران در شبکه‌های اجتماعی که در رابطه با حجاب اجباری و برخورد حکومت با زنانی که از پوشش اختیاری استفاده می‌کنند، تا زمان گزارش مربوطه، پرداخته شده است.

بر اساس این گزارش از ۲۴ فروردین [یک روز پیش از آغاز «طرح سراسری نور»] استفاده از عبارت «حجاب اجباری» به زبان فارسی در فیس‌بوک، ایکس و اینستاگرام افزایش یافته است. عبارت «حجاب اجباری» در ۲۳ فروردین فقط ۵۸۵ بار استفاده شده بود، اما بر اساس پلتفرم پایش اجتماعی «تاکواکر» این عبارت تا سوم اردیبهشت در حدود ۱۰ هزار پُست استفاده شده است.

همچنین در همین روزها هشتگ «IRGC Terrorists» نیز بارها برای همراهی پست‌هایی با محتوای تبعیض علیه زنان توسط جمهوری اسلامی منتشر شده است. استفاده از این هشتگ در ۲۸ فروردین به اوج خود رسید و در بیش از ۲۳۴ هزار پست منتشر شد.

هشتگ «جنگ علیه زنان» نیز از ۲۹ فروردین ماه مورد توجه کاربران فارسی‌زبان قرار گرفته و حدود ۳۰ هزار بار استفاده شده است.

نکته قابل توجه اینکه حدود ۴۲ درصد از پست‌هایی که از این هشتگ‌ها استفاده کرده‌اند از داخل ایران ارسال شده‌اند. این در حالیست که مقامات مختلف حکومتی بارها «دشمن»، «سرویس‌های اطلاعاتی غرب» و رسانه‌های فارسی‌زبان خارج کشور را عامل موضع‌گیری علیه حجاب اجباری معرفی می‌کنند.

عده‌ای از شهروندان را برای سرکوب دیگر شهروندان به کار می‌گیرد، گفته که این مأموران زن غالباً مسلح نیستند و وظیفه دارند با تذکری ظاهراً مودبانه و هم‌دلانه زنانی را که از پوشش اختیاری استفاده می‌کنند بترسانند تا حجاب اجباری را رعایت کنند و البته در صورت بی‌توجهی شهروندان زن، به مأموران نیروی انتظامی خبر بدهند.

بخشی از زنان چادری مورد اشاره «اسکای نیوز» مأموران «حجاب‌بان» هستند که تحت استخدام شهرداری در ایستگاه‌های مترو مستقر شده و بخشی دیگر نیز «سفیران مهر» هستند که از سوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در «طرح سراسری نور» به کار گرفته شده‌اند.

گزارشگران «اسکای نیوز» با اشاره به اینکه ون‌های گشت ارشاد پس از قتل حکومتی مهسا امینی به دست مأموران گشت ارشاد در شهریور ۱۴۰۱ از خیابان‌ها جمع شده بودند، نوشته‌اند اکنون بعد از حدود دو سال ماشین‌های گشت ارشاد بر اساس مصوبه «حجاب و عفاف» در مجلس شورای اسلامی به خیابان‌ها بازگشته‌اند.

«اسکای نیوز» با اشاره به اعتراضات جنبش ملی که پس از قتل حکومتی مهسا امینی آغاز شد، نوشته موج اعتراضات خیابانی فروکش کرده اما پایداری شهروندان در برابر سیاست‌های جمهوری اسلامی همچنان پابرجاست.

«اسکای نیوز» درباره دختر جوانی با نام مستعار مینا نوشته که اوتومبیل‌اش مدتی پیش برای سه هفته از سوی نیروی انتظامی و به دلیل رعایت نکردن حجاب اجباری توقیف بوده است.

مینا با تأکید بر اینکه همچنان نافرمانی مدنی خود را ادامه می‌دهد گفته «ما نه تنها برای داشتن حق انتخاب نوع پوشش، بلکه برای داشتن حق انتخاب سبک زندگی مبارزه می‌کنیم.» مینا تأکید کرده که «شعله انقلاب هنوز روشن است.» وی گفته که خشم مردم نسبت به جمهوری اسلامی شدیدتر و

«اسکای نیوز» در گزارش تأکید کرده که گروهی از زنان چادری در سرکوب زنانی که از پوشش اختیاری استفاده می‌کنند همکاری فعالانه‌تری نسبت به گذشته با جمهوری اسلامی دارند.

این گزارش با اشاره به اعتراضات جنبش ملی که پس از قتل حکومتی مهسا امینی آغاز شد، نوشته موج اعتراضات خیابانی فروکش کرده اما پایداری شهروندان در برابر سیاست‌های جمهوری اسلامی همچنان پابرجاست.

«اسکای نیوز» با انتشار یک گزارش درباره ربودن زنانی که پوشش آزاد دارند توسط مأموران حکومتی نوشته جمهوری اسلامی زنان را به دلیل عدم رعایت حجاب اجباری مطابق با قوانین شرعی تحت فشار و پیگرد قرار می‌دهد.

در گزارش «اسکای نیوز» که که روز چهارشنبه اول مه ۲۰۲۴ برابر با ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۳ منتشر شده آمده که جمهوری اسلامی همزمان با روزی که با حملات موشکی و پهپادی اسرائیل را هدف قرار داد، نبردی را نیز در داخل کشور آغاز کرد که کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

این گزارش با اشاره به یکی از ویدئوهای منتشر شده از خشونت مأموران گشت ارشاد علیه یک زن در حوالی میدان «انقلاب» و پتوپچ کردن و بازداشت او، نوشته در میدان «انقلاب تهران دو زن چادری سراغ زنی می‌روند که شلوار جین، پیراهن آستین بلند و روسری بر سر دارد. او سعی می‌کند فرار کند، اما یکی از زنان چادری آستین‌اش را می‌گیرد و او را به عقب می‌کشد. زنان چادری در حالی که این زن روی زمین افتاده، همچنان او را می‌کشند، محاصره‌اش می‌کنند، او را در یک پتو می‌پیچند و داخل یک ون سفید می‌اندازند.»

این گزارش تأکید کرده که گروهی از زنان چادری در سرکوب زنانی که از پوشش آزاد استفاده می‌کنند همکاری فعالانه‌تری نسبت به گذشته با جمهوری اسلامی دارند.

لیلا نام مستعار زنی ۲۰ و ساکن تهران است که در گفتگو با «اسکای نیوز» توضیح می‌دهد «پیش از شروع این موج جدید حملات، قصد داشتم از شر برخی لباس‌های بلندترم خلاص شوم، زیرا با آنها احساس راحتی نمی‌کنم اما حالا با اینکه از این لباس‌ها متنفرم مجبورم آنها را بپوشم.»

لیلا تأکید کرده «تصور اینکه به خاطر پوشیدن یک لباس جانم را دست بدهم یا دستگیر شوم باعث می‌شود برای بیرون رفتن از خانه احساس امنیت نداشته باشم.»

حضور زنانی با چادر مشکی در کنار مأموران انتظامی مورد توجه «اسکای نیوز» نیز قرار گرفته است؛ لیلا به «اسکای نیوز» گفته چند وقت پیش در خیابان یک ماشین نیروی انتظامی به او نزدیک شده و او موهایش را با روسری پوشانده است؛ زنی چادری به او نزدیک شده و گفته «از خدا بترس، نه از مأموران نیروی انتظامی!»

این دختر جوان به «اسکای نیوز» گفته هر بار در خیابان یک زن چادری می‌بیند وحشت می‌کند که شاید این زن از مأموران «طرح سراسری نور» باشد.

«اسکای نیوز» از قول هادی قائمی مدیر مرکز حقوق بشر ایران نوشته که نه تنها در این دور از سرکوب زنان تعدادی ون‌های سفید گشت ارشاد در معابر عمومی افزایش یافته بلکه تعداد مأموران زنی که در بازداشت‌های معتراضان و مخالفان حجاب اجباری به کار گرفته می‌شوند نیز افزایش یافته است. هادی قائمی با «هولناک» خواندن اینکه جمهوری اسلامی

عفو بین‌الملل خواستار لغو حکم اعدام رضا رسایی شد

شکنجه‌های جسمی و جنسی یک شهروند برای اعترافات اجباری



رضا رسایی

شدن این اعتراضات، با حمله نیروهای امنیتی و انتظامی، کشته شد.

رضا رسایی ۳۴ ساله دارای مدرک کارشناسی مدیریت بازرگانی است که پیش از بازداشت و زندانی شدن به حرفه زنبورداری و فروش عسل اشتغال داشت.

او در مهر ماه ۱۴۰۲ از سوی شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان کرمانشاه به اتهام قتل عمد به قصاص نفس محکوم شده بود. این حکم بعدتر در روزهای پایانی آذرماه سال گذشته توسط شعبه ۱۷ دیوان عالی کشور تأیید شد.

اوایل دی‌ماه سال گذشته «دادبان» گزارش داد که حکم اعدام رضا رسایی به بخش «اجرای احکام» ارجاع شده است. هفته گذشته نیز گروه حقوقی «دادبان» که به شهروندان معترض و خانواده‌های دادخواه مشاوره حقوقی ارائه می‌کند، به نقل از یک منبع آگاه خبر داد که خطر اجرای حکم اعدام «رضا رسایی» از هر زمان دیگری جدی‌تر است.

این منبع مطلع به «دادبان» گفت: «حکم قطعی شده اعدام پیشتر توسط شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان کرمانشاه به اجرای احکام دادگستری کرمانشاه فرستاده شده و کارهای اداری مربوط به آن نیز انجام شده است.» به گفته این منبع «خانواده مقتول تأکید کرده‌اند که دنبال قصاص نیستند و اصلاً برایشان روشن نیست که قاتل رضا رسایی است. با این حال می‌گویند دست ما نیست و رضایت ما فایده‌ای ندارد، با سپاه صحبت کنید.»

این منبع مطلع به «دادبان» گفت که «اعتراض ماده ۴۷۷ و وکلا داده نمی‌شود. حکم قطعی شده اعدام پیشتر توسط شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان کرمانشاه به اجرای احکام دادگستری کرمانشاه فرستاده شده و کارهای اداری مربوط به آن نیز انجام شده است.»

جنسی قرار دادند؛ از جمله اینکه در حالی که او آویزان بود، او را در مقابل دیگر بازداشتی‌ها برهنه کرده و روی اندام جنسی او بیخ گذاشتند.

همچنین اشاره شده او از حق برخورداری از خدمات درمانی در دوران بازداشت و برای مثال پس از شکسته شدن انگشتان دست و پا و دیگر جراحات وارد شده بر اثر شکنجه محروم بوده است.

عفو بین‌الملل نوشته که مأموران سپاه پاسداران چند وکیل انتخابی که از سوی خانواده برای پذیرش وکالت رضا رسایی هماهنگ شده بودند را مورد فشار و تهدید قرار دادند تا وکالت رضا را قبول نکنند. رضا رسایی چهار ماه بعد از بازداشت و پس از پایان مراحل بازجویی و گرفته شدن اعترافات اجباری به زندان «دیزل آباد» کرمانشاه منتقل و اجازه یافت برای نخستین بار با وکیل انتخابی ملاقات کند.

در ادامه آمده پس از آنکه رضا رسایی در دادگاه از اعترافات زیر شکنجه شدید گفت، قاضی از او خواست تا کبودی ناشی از آثار شکنجه را نشان دهد و ثابت کند شکنجه شده است! این در حالی بود که جلسه دادگاه شش ماه پس از پایان مراحل بازجویی برگزار شده بود و دیگر کبودی بر بدن رضا رسایی وجود نداشت. در همین جلسه دادگاه، قاضی حتی نپذیرفت رضا رسایی برای معاینه درباره شکنجه‌هایی که متحمل شده بود به پزشکی قانونی اعزام شود.

(غلام) رضا رسایی متولد ۵ اسفند ۱۳۶۷، فرزند آخر یک خانواده یارسانی در شهرستان صحنه استان کرمانشاه به اتهام قتل سرهنگ پاسدار نادر بیرامی فرمانده اطلاعات سپاه شهرستان صحنه به قصاص نفس محکوم شده است.

نادر بیرامی رئیس اداره اطلاعات شهرستان صحنه در تاریخ ۲۷ آبان ۱۴۰۱ در جریان یکی تجمعات اعتراضات جنبش ملی در شهرستان صحنه و در جریان به خشونت کشیده

● عدم دسترسی به وکیل، شکنجه برای گرفتن اعترافات اجباری، ناپدیدسازی قهری در چهار ماه نخست بازداشت، عدم برخورداری از روند دادرسی عادلانه در دادگاه صالح و بی‌طرف بخشی از ایرادهای حقوقی در پرونده رضا رسایی است.

● ضرب و جرح، کشیدن پلاستیک روی سر با هدف خفه کردن، شوک الکتریکی و آزار جنسی و نگهداری درازمدت در سلول انفرادی از جمله شکنجه‌های رضا رسایی است.

● مأموران اطلاعات سپاه در بازداشتگاه دست و پای رضا رسایی را بستند و او را برای طولانی از سقف آویزان کردند و در حالی که آویزان بود، او را در مقابل دیگر بازداشتی‌ها برهنه کرده و روی اندام جنسی او بیخ گذاشتند.

● رضا رسایی در پرونده‌ای ساختگی و سازمانیافته متهم شده در جریان اعتراضات مردمی ۲۷ آبان ۱۴۰۱ شهرستان صحنه، نادر بیرامی رئیس اداره اطلاعات سپاه این شهرستان را به قتل رسانده است.

سازمان عفو بین‌الملل با هشدار درباره احتمال اعدام قریب‌الوقوع رضا رسایی خواستار توقف حکم اعدام این شهروند معترض بازداشت شده در اعتراضات جنبش ملی شد.

سازمان عفو بین‌الملل روز چهارشنبه اول مه ۲۰۲۴ برابر با ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۳ در نامه‌ای خطاب به غلامرضا محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضاییه جمهوری اسلامی با «ناعادانه» خواندن صدور حکم اعدام برای رضا رسایی خواستار توقف حکم اعدام او شد.

سازمان عفو بین‌الملل در این نامه تأکید کرده رضا رسایی چه در هنگام بازداشت و چه در روند دادرسی از حقوق خود محروم بوده و در دوران بازداشت نیز با شکنجه‌های جسمی و روانی از او اعترافات اجباری گرفته شده است.

رسایی در پرونده‌ای ساختگی و سازمانیافته متهم شده در جریان اعتراضات مردمی ۲۷ آبان ۱۴۰۱ شهرستان صحنه، نادر بیرامی رئیس اداره اطلاعات سپاه این شهرستان را به قتل رسانده است.

عفو بین‌الملل تأکید کرده رضا رسایی بارها هرگونه دست داشت در قتل این مقام امنیتی را رد کرده و در دادگاه نیز تأکید کرده زمانی که بدون دسترسی به وکیل در سلول انفرادی بازداشت بود مأموران با توسل به انواع شکنجه و سایر رفتارهای خشونت‌آمیز از او اعتراف اجباری گرفته‌اند.

عدم دسترسی به وکیل، شکنجه برای گرفتن اعترافات اجباری، ناپدیدسازی قهری در چهار ماه نخست بازداشت، عدم برخورداری از روند دادرسی عادلانه در دادگاه صالح و بی‌طرفی از جمله ایرادهای حقوقی پرونده رضا رسایی است که عفو بین‌الملل به آنها اشاره کرده است.

در نامه عفو بین‌الملل به بخشی از شکنجه‌هایی که رضا رسایی در بازداشت داشته از جمله ضرب و جرح، کشیدن پلاستیک روی سر با هدف خفه کردن، شوک الکتریکی و آزار جنسی و نگهداری درازمدت در سلول انفرادی اشاره شده است.

در این نامه آمده که بر اساس اطلاعاتی که عفو بین‌الملل به دست آورده است، مأموران اطلاعات سپاه در بازداشتگاه دست و پای رضا رسایی را بستند و او را برای مدت طولانی از سقف آویزان کردند و در همین حال او را مورد آزار

حسین شریعتمداری: شورای نگهبان لایحه «عفاف و حجاب» را کنار بگذارد؛ «طرح نور» کافی است!



اعتراض دختر دانشجو بدون حجاب در مدرسه عالی دختران (دانشگاه الزهرا) - چهارشنبه ۳۰ شهریور ۱۴۰۱

وی در بخش پایانی این یادداشت گفته است: «از شورای محترم نگهبان انتظار می‌رود که تمامی مفاد لایحه عفاف و حجاب را با دقت نظر بررسی کند و همانگونه که روش پسندیده این شورا بوده و هست اجازه ندهد کمترین تخلفی از مبانی شرعی، اصول قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام در طرح یاد شده جای داشته باشد... اگرچه با توجه به شرحی که درباره تهیه این لایحه ارائه شد، بهتر آن است که طرح یاد شده از اساس کنار گذاشته شود.»

اینهمه در حالیست که آنچه کیهان تهران به عنوان «توطئه» و «شک‌برانگیز» ارزیابی می‌کند، با چراغ سبز خامنه‌ای در نماز «عید فطر» (۲۲ فروردین‌ماه) شکل گرفت! بر اساس سخنان وی بود که دور جدیدی از برخوردهای توهین‌آمیز و خشونت‌های فیزیکی از سوی مأموران نیروی انتظامی، «آمران به معروف» و بسیجی‌ها علیه زنان آغاز شده است. شدت این خشونت‌ها آنقدر است که حتی برخی مسئولان و کارشناسان نسبت به پیامدهای آن هشدار می‌دهند. ضمن اینکه فضای اجتماعی به بهانه «طرح سراسری نور» بیش از پیش بسته شده و این محدودیت‌ها به دانشگاه‌ها نیز رسیده است.

در همین ارتباط مرتضی آقائهرانی رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی ادعا کرده است که «عفاف و حجاب وجهه سیاسی، اخلاقی و اجتماعی و شرعی و دینی دارد بنابراین هیچ توجیهی برای کوتاه آمدن از آن وجود ندارد.»

رئیس کمیته انضباطی دانشگاه آزاد اسلامی نیز در سخنانی هشدار داده است که «موقتاً از ورود موارد خاص و هنجارشکنانه در حوزه آراستگی به واحدها جلوگیری شود و پرونده افراد خاطی مستقیماً به کمیته انضباطی ارسال گردد.» حسین شریعتمداری مدیرمسئول روزنامه «کیهان» چاپ تهران بیشتر نیز در یادداشتی که ۲۶ فروردین منتشر

جمهوری اسلامی همواره وجود داشته و نخستین اعتراضات علیه رژیم کمتر از یک ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی علیه حجاب اجباری در تاریخ ۱۷ اسفند ۱۳۵۷ بود که حکومت و رهبرش خمینی را به عقب‌نشینی واداشت.

مدیرمسئول روزنامه کیهان چاپ تهران اقدام اخیر نیروی انتظامی در قالب «طرح نور» را نه فقط طرح موقتی تا کنون دانسته بلکه این طرح را «تنها طرح و اقدام موفق و کارساز طی یکسال اخیر» قلمداد کرده است.

«طرح سراسری نور» که از ۲۵ فروردین‌ماه اجرای آن آغاز شده و دومین هفته خود را پشت سر گذاشته، هزاران مأمور رسمی و غیررسمی جمهوری اسلامی را در سراسر کشور به کار گرفته تا به جان زنان و دختران در کوچه و خیابان‌های به ویژه شهرهای بزرگ بیفتند. این طرح زن‌ستیز و ضدبشری که نام بی‌مسئله‌ی «نور» را بر آن گذاشته‌اند، تنها یکی از طرح‌های مرتبط با تحمیل حجاب اجباری در جمهوری اسلامی است که همزمان با «طرح حجاب و عفاف» که به صورت آزمایشی در حال اجرا است، بر مشکلات مردم افزوده است.

به گفته نماینده ولی فقیه در روزنامه کیهان تهران، «اولاً این طرح، کمترین ربطی به لایحه عفاف و حجاب ندارد بلکه اجرای قوانین موجود است که طی یک سال گذشته در حرکتی مشکوک، متوقف مانده بود و از این روی سند دیگری بر غیرضروری بودن لایحه حجاب و عفاف است و این پرسش را پیش می‌کشد که چرا و با چه توجیه قابل قبولی از اجرای قوانین موجود خودداری شده بود؟! و ثانیاً؛ در صورتی که لایحه عفاف و حجاب به گونه‌ای که در مجلس تهیه شده است به تصویب شورای نگهبان برسد، از ادامه اجرای طرح نور نیز جلوگیری خواهد شد و امید تازه‌ای که با اجرای این طرح در افق پیش‌روی ملت پدید آمده است هم بر باد خواهد رفت!»

● حسین شریعتمداری مدیرمسئول روزنامه کیهان چاپ تهران در یادداشتی که ۹ اردیبهشت در این روزنامه منتشر شد برای شورای نگهبان تعیین تکلیف کرد و خواست لایحه عفاف و حجاب را کنار بگذارد.

● شریعتمداری نماینده ولی فقیه که در سال گذشته مرتب از اینکه چرا لایحه «حجاب و عفاف» زودتر تصویب و تأیید نمی‌شود تا به اجرا درآید حالا آن را «توطئه» دانسته و نوشته است: «این را تحمیل کردند. کسانی نشستند نقشه کشیدند، برنامه‌ریزی کردند که حجاب بشود یک مسئله در کشور ما، در حالی که چنین مسئله‌ای در کشور وجود نداشت، مردم با شکل‌های مختلف داشتند زندگی می‌کردند!» وی سپس پرسش‌هایی را نیز در این رابطه مطرح کرده است از جمله: «آیا پیش کشیدن لایحه حجاب و عفاف بی‌آنکه ضرورتی داشته باشد، بخشی از پازل دشمن و کمک به این «چالش تحمیلی» نبوده است؟! آیا موارد یاد شده شک‌برانگیز نیست؟!»

● این ادعاها در حالیست که اعتراض علیه حجاب اجباری در جمهوری اسلامی همواره وجود داشته و نخستین اعتراضات علیه رژیم کمتر از یک ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی علیه حجاب اجباری در تاریخ ۱۷ اسفند ۱۳۵۷ بود که حکومت و رهبرش خمینی را به عقب‌نشینی واداشت.

حسین شریعتمداری مدیرمسئول روزنامه کیهان چاپ تهران در یادداشتی که ۹ اردیبهشت در این روزنامه منتشر شد برای شورای نگهبان تعیین تکلیف کرد و خواست لایحه عفاف و حجاب را کنار بگذارد.

در بخشی از این یادداشت آمده است: «چرا از هنگام تهیه لایحه عفاف تا کنون، ناهنجاری کشف از حجاب گسترده‌تر شده است؟! چرا برخلاف تاکید رئیس قوه قضائیه و رئیس جمهور بر اجرای قوانین موجود، از اجرای آن خودداری شده است؟! چرا لایحه‌ای با ۹ ماده از سوی قوه قضائیه و افزایش آن به ۱۵ ماده توسط قوه مجریه وقتی به مجلس می‌رود به ۷۱ ماده و در حجم انبوه ۳۳۴۲۱ کلمه تبدیل می‌شود و نزدیک به یک سال در کوچه پس‌کوچه‌های مجلس معطل می‌ماند?!»

شریعتمداری سپس در بخش دیگری از این یادداشت با اشاره به اینکه «مسئله حجاب تبدیل شده به یک چالش و بر کشور ما تحمیل شده» ادعا کرده است: «این را تحمیل کردند. کسانی نشستند نقشه کشیدند، برنامه‌ریزی کردند که حجاب بشود یک مسئله در کشور ما، در حالی که چنین مسئله‌ای در کشور وجود نداشت، مردم با شکل‌های مختلف داشتند زندگی می‌کردند.» وی سپس پرسش‌هایی را نیز در این رابطه مطرح کرده است از جمله: «آیا پیش کشیدن لایحه حجاب و عفاف بی‌آنکه ضرورتی داشته باشد، بخشی از پازل دشمن و کمک به این «چالش تحمیلی» نبوده است؟! آیا موارد یاد شده شک‌برانگیز نیست؟! و انگیزه تدوین و تهیه لایحه موسوم به حجاب و عفاف را با تردیدهای جدی روبرو نمی‌کند؟! و آیا اقدام به تهیه این لایحه همان «چالش حجاب» نیست که در غفلت و ساده‌اندیشی مسئولان، به نظام و توده‌های عظیم مردم متدین و پاک‌باخته کشورمان تحمیل شده است؟! این ادعاها در حالیست که اعتراض علیه حجاب اجباری در

محمد اسلامی: ۱۳۰ بازرسی آژانس مجاز به حضور در ایران هستند؛ رافائل گروسی به ایران می‌رود



محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی

وی درباره اظهارات گروسی در مورد برنامه تسلیحاتی جمهوری اسلامی، بیان کرد: «اینها موضع‌گیری نیست و سؤال خبرنگار است و جریان مغرب و صهیونیستی که مرتب سعی می‌کند به دنیا القاء کند که برنامه ایران صلح‌آمیز نیست، این سؤال را پرتکرار می‌پرسند. گروسی همواره گفته که هیچ نشانه‌ای از برنامه تسلیحاتی ایران وجود ندارد.»

گروسی یک هفته پیش از این در مصاحبه با بخش انگلیسی «دویچه وله» گفته بود، ایران فقط چند هفته با داشتن اورانیوم غنی‌شده کافی برای ساخت بمب هسته‌ای فاصله دارد.

آنطور که رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی می‌گوید قرار است رافائل گروسی هفته آینده برای حضور در یک همایش علمی به ایران سفر کند. وی بهمن‌ماه ۱۴۰۲ طی یک سخنرانی در مشهد گفته بود، «آژانس بین‌المللی فقط مزاحمت دارد!» برخی مقامات حکومت در داخل ایران معتقدند رافائل گروسی در حال توطئه است!

در جریان نشست فصلی شورای حکام در اواسط اسفند ۱۴۰۲ نماینده ایالات متحده با محکوم کردن فعالیت‌های غیرمجاز اتمی جمهوری اسلامی خواستار «رقیق‌سازی» تمامی ذخایر اورانیوم با غلظت ۶۰ درصد و توقف کامل غنی‌سازی با این غلظت توسط ایران شد. در واکنش به این اولتیماتوم، سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی گفت، ایالات متحده «صلاحیت» اظهار نظر درباره فعالیت هسته‌ای ایران ندارد.

هرچند که محمد اسلامی می‌گوید «۱۳۰ بازرسی آژانس مجاز به حضور در ایران هستند» اما مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفته بود که رژیم ایران بازرسانی را اخراج کرده که «تجربه زیادی به ویژه در غنی‌سازی [اورانیوم] و سایر ظرفیت‌ها دارند.»

● مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هشدار داده بود به علت عدم همکاری جمهوری اسلامی با بازرسان آژانس امکان راست‌آزمایی از صلح‌آمیز بودن برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی ممکن نیست، اما رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی می‌گوید، «ما ورود هیچ بازرسی را ممنوع نکردیم و ۱۳۰ بازرسی آژانس مجاز به حضور در ایران هستند.»

● وی درباره اظهارات گروسی در مورد برنامه تسلیحاتی جمهوری اسلامی، بیان کرد: «اینها موضع‌گیری نیست و سؤال خبرنگار است و جریان مغرب و صهیونیستی که مرتب سعی می‌کند به دنیا القاء کند که برنامه ایران صلح‌آمیز نیست، این سؤال را پرتکرار می‌پرسند.»

● آنطور که رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی می‌گوید قرار است رافائل گروسی هفته آینده برای حضور در یک همایش علمی به ایران سفر کند. وی بهمن‌ماه ۱۴۰۲ طی یک سخنرانی در مشهد گفته بود، «آژانس بین‌المللی فقط مزاحمت دارد!» برخی مقامات حکومت در داخل ایران معتقدند رافائل گروسی در حال توطئه است!

در شرایطی که مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هشدار می‌دهد که به علت عدم همکاری جمهوری اسلامی با بازرسان آژانس امکان راست‌آزمایی از صلح‌آمیز بودن برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی ممکن نیست، رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی می‌گوید، «ما ورود هیچ بازرسی را ممنوع نکردیم و ۱۳۰ بازرسی آژانس مجاز به حضور در ایران هستند.»

محمد اسلامی، چهارشنبه ۱۲ اردیبهشت‌ماه در حاشیه نشست هیأت دولت گفت، بازرسی‌های آژانس در حال انجام است و بارها ثابت کردیم که با آژانس همکاری می‌کنیم.

→ شد از اینکه هنوز لایحه «حجاب و عفاف» در حال رفت و آمد میان مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان است به شدت انتقاد کرده و گفته بود «اگر چه لایحه حجاب هنوز در کوچه پس‌کوچه‌های دستگاه قضایی و دولت و مجلس و شورای نگهبان چرخ می‌خورد و به تصویب نهایی نرسیده است، ولی با توجه به گسترش بدون مانع پدیده خائمان سوز کشف حجاب، این احتمال قوت بیشتری گرفته است که انگار هدف نهایی- و البته پنهان- لایحه یادشده، گسترش بی‌حجابی و برداشته شدن موانع پیش‌روی این پدیده پلشت بوده است!»

با اینهمه در شرایطی که اغلب مردم رهبر جمهوری اسلامی را عامل اصلی اذیت و آزار زنان و دختران می‌دانند، مهدی فضایی عضو دفتر خامنه‌ای در «ایکس» نوشت، «کشف حجاب هم حرام شرعی است، هم حرام سیاسی است. منتهی دشمن با برنامه و نقشه وارد این کار شده، ما هم باید با نقشه و برنامه وارد بشویم؛ کارهای بی‌قاعده و بدون برنامه نباید انجام بگیرد.» وی افزود: «به تازگی برخی مسئولان به دلیل کارهای بی‌قاعده تذکر دریافت کرده‌اند.»

حسین شریعتمداری مدیرمسئول «کیهان تهران» نیز خطاب به فضایی نوشت، «بیت رهبری «سخنگو» ندارد و چنانچه تذکری ضرورت داشته باشد، مستقیماً و با ذکر ماخذ «توسط آقایان گلپایگانی و حجازی» به اطلاع مخاطبان آن، اعم از مسئولان و یا مردم می‌رسد.»

با وجود انتقادات حسین شریعتمداری اما به نظر می‌رسد مقامات نظام حداقل در کلام مجبور به عقب‌نشینی شده‌اند زیرا حسن حسن‌زاده فرمانده سپاه تهران بزرگ روز یکشنبه دوم اردیبهشت از آغاز فعالیت گروه آموزش‌دیده «سفیران مهر» برای تذکر رعایت حجاب در اماکن عمومی خبر داد.

به گفته این مقام سپاهی، «سفیران مهر» گروه مردمی آموزش‌دیده هستند که در اماکن عمومی، اصناف، ادارات، بازار، معابر، بوستان‌ها، گردشگاه‌ها و حمل و نقل عمومی تهران ضوابط مربوط به حجاب و تذکر را با «روشنگری قاعده‌مند» پیگیری می‌کنند.

حسین شریعتمداری نماینده ولی فقیه اما در ماجرای لایحه عفاف و حجاب، بالاتر از اینها را می‌خواهد. خیلی پیش‌تر نیز او در یادداشتی که ۸ آذر ۱۴۰۲ در روزنامه کیهان چاپ تهران منتشر شد نوشته بود: «نزدیک به ۷ ماه است که لایحه عفاف و حجاب در مجلس شورای اسلامی می‌چرخد و... زنان و دختران مظلومی که اکثر آنها در بی‌خبری از عواقب خانواده‌برانداز و خائمانسوز کشف حجاب به دام افتاده‌اند، به حال خود رها شده‌اند!... و بالاخره تا کی باید منتظر تصویب نهائی قانون جدید عفاف و حجاب بود؟! و با کدام توجیه قانونی و منطقی و اسلامی مادام که قانون یاد شده از تصویب نهائی نگذشته است (که ظاهراً آش دهن‌سوزی هم نیست) از اجرای قوانین موجود خودداری می‌شود؟! لاف‌لاقی برای پیشگیری از پدیده خائمانسوز و خانواده‌برانداز کشف حجاب به قوانین موجود عمل کنید. طای قانون جدید پیشکش، مرحمت فرموده ما را مس کنید!»

طرح «حجاب و عفاف» بیش از یک سال است که از سوی قوه قضاییه تدوین و پس از تصویب در هیئت دولت به مجلس شورای اسلامی ارسال شده است. مجلس شورای اسلامی هرچند این طرح را به صورت ویژه مورد بررسی قرار داده اما چند ماه است ایرادهای شورای نگهبان سبب رفت و برگشت طرح میان این دو نهاد حکومتی شده است. نمایندگان مجلس شورای اسلامی تابستان گذشته به اجرای آزمایشی طرح «حجاب و عفاف» به مدت سه سال رأی مثبت دادند.

بحران مهاجران افغانستانی در ایران

وزیر کشور جمهوری اسلامی: دیگر قادر به پذیرش بیشتر اتباع نیستیم



جمهوری اسلامی بطور مستقیم مسئول مشکلاتی است که موج سیل‌آسای ورود مهاجران افغانستانی در کشور ایجاد کرده است. سال‌هاست میلیون‌ها مهاجر افغانستانی به صورت رسمی و غیررسمی به ایران وارد می‌شوند و هیچ اقدام مشخصی برای کنترل مرزهای ایران با افغانستان صورت نگرفته است.

بخشی از مهاجران افغانستانی ایران را مسیر عبور و راه رسیدن به اروپا می‌دانند و پس از مدتی ایران را ترک می‌کنند اما بخش زیادی از آنان بدون وجود ساختاری سازمانیافته از سوی دولت، در ایران ساکن و مشغول کار و زندگی می‌شوند.

جمهوری اسلامی نه تنها کنترلی بر مرزها و ورود مهاجران انجام نداده بلکه حتی برآوردی از ظرفیت بخش‌های مختلف کشور برای پذیرش این مهاجران و یا بررسی آثار منفی و یا احیانا مثبت حضور نیروی کار افغانستانی در کشور، و همچنین چگونگی روند تحصیل و آموزش فرزندان پرتعداد خانوارهای مهاجر نداشته است. فاجعه آنجاست که حتی سامانه‌ای کارآمد برای ثبت داده‌های مربوط به مهاجران قانونی و غیرقانونی هم وجود ندارد و با توجه به اظهارات ضد و نقیض مسئولان حتی مشخص نیست چه تعداد افغانستانی مهاجر در ایران حضور دارند!

در آنسو اما جمهوری اسلامی تلاش کرده همزمان با «واردات» سازمانیافته‌ی طرفدار از کشور همسایه، از مهاجرانی که به دلیل شرایط کشورشان به ایران می‌روند، برای پیشبرد اهداف ایدئولوژیک خود استفاده کند؛ حضور قابل توجه افغانستانی‌ها در تجمعات و تظاهرات حکومتی از جمله در روز قدس که ماه گذشته برگزار شد و همچنین انتشار تصاویری از حضور افغانستانی‌ها در میان نیروهای سرکوب حکومت نشان‌دهنده بهره‌برداری جمهوری اسلامی از مهاجران به سود خود است.

خبرگزاری فارس در ۲۹ بهمن ۱۴۰۱ تعداد مهاجران افغان در ایران را طبق اخبار منتشرشده ۸ میلیون نفر اعلام کرده که هرروز ۱۰ هزار نفر به تعداد آنها اضافه ←

بازگرداندن آنها خبر داده است.

کارشناسان ماه‌هاست درباره ورود بی‌ضابطه اتباع افغانستانی به ایران و رها شدن موضوعاتی چون اسکان و اشتغال آنها از سوی حکومت هشدار می‌دهند. در هفته‌های گذشته برخی اثرات نامطلوب ورود و اسکان و اشتغال میلیون‌ها مهاجر قانونی و غیرقانونی به کشور نمایان شده است. برخی محله‌ها به ویژه در کلانشهرها با تغییر بافت جمعیتی روبرو شده و جمعیت مهاجران افغانستانی بیش از اتباع ایرانی است.

داود بیگی‌نژاد نایب رئیس اتحادیه مشاوران املاک تهران با بیان اینکه درخواست اجاره مسکن از سوی افغان‌ها افزایش یافته، گفته که محل سکونت افغان‌ها در تهران عمدتاً اغلب در منطقه ۲۰ و همچنین انتهای منطقه ۱۹ بوده و در برخی مناطق از جمله حاشیه شهر جمعیت افغان‌ها بیشتر از جمعیت ایرانی‌ها است.

این در حالیست که به گفته داود بیگی‌نژاد هر نوع قرارداد با اتباع خارجی که غیرقانونی به کشور وارد شده‌اند و مدارک اقامتی در ایران ندارند ممنوع است و «درباره اتباع خارجی که اجازه اقامت دارند، دفتر املاک باید پس از انعقاد قرارداد مدارک و دلایل اجازه اقامت را به اداره اماکن ارائه دهند.»

او همچنین گفته در برخی مناطق به دلیل تقاضای بالای افغانستانی‌ها برای اجاره خانه، نرخ اجاره‌بها نیز افزایش یافته است. ناصر امانی عضو شورای اسلامی شهر تهران نیز با اعلام نگرانی ساکنان محله «جوادیه» از حضور پرشمار اتباع افغانستانی گفته «۶۰ درصد از ساکنان این محلات را اتباع تشکیل می‌دهند. ۱۰ تا ۳۰ درصد دانش‌آموزان مدارس این محله نیز از اتباع هستند.»

او همچنین گفته سکونت ده‌ها تن از اتباع افغانستانی در یک واحد مسکونی از جمله مسائلی است که ساکنان منطقه جوادیه به آن اعتراض دارند و حتی برخی مدیران مدارس خواستار راه‌اندازی مدارس جداگانه برای دانش‌آموزان افغانستانی شده‌اند.

● سردار پاسدار احمد وحیدی که چند ماه پیش حتی نمی‌دانست چند مهاجر افغانستانی در ایران هستند، اکنون گفته «دیگر قادر به پذیرش بیشتر اتباع نیستیم!»

● ناصر امانی عضو شورای اسلامی شهر تهران گفته ۶۰ درصد از ساکنان محله «جوادیه» را مهاجران افغانستانی تشکیل می‌دهند و ۱۰ تا ۳۰ درصد دانش‌آموزان مدارس این محله نیز از مهاجران هستند.

● جمهوری اسلامی نه تنها کنترلی بر مرزها و ورود مهاجران انجام نداده بلکه حتی برآوردی از ظرفیت بخش‌های مختلف کشور برای پذیرش این مهاجران و یا بررسی آثار منفی و یا احیانا مثبت حضور نیروی کار افغانستانی در کشور، و همچنین چگونگی روند تحصیل و آموزش فرزندان پرتعداد خانوارهای مهاجر نداشته است.

● سامانه‌ای کارآمدی نیز برای ثبت داده‌های مربوط به مهاجران قانونی و غیرقانونی وجود ندارد و با توجه به اظهارات ضد و نقیض مسئولان حتی مشخص نیست چه تعداد افغانستانی مهاجر در ایران حضور دارند!

● حضور قابل توجه افغانستانی‌ها در تجمعات و تظاهرات حکومتی و انتشار تصاویری از حضور افغانستانی‌ها در میان نیروهای سرکوب حکومت نشان‌دهنده بهره‌برداری جمهوری اسلامی از مهاجران به سود اهداف ایدئولوژیک است.

ورود بی‌رویه مهاجران افغانستانی به ایران از یکسو و «واردات» سازمانیافته اتباع آن کشور به عنوان طرفدار جمهوری اسلامی از سوی دیگر، سبب بروز بحران‌های جدی از جمله در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی شده است. جمهوری اسلامی بجای سازماندهی مهاجران تلاش کرده از آن مهاجرانی نیز که از شرایط ناپس‌امان سرزمین‌شان به ایران پناه آورده‌اند برای پیشبرد اهداف ایدئولوژیک خود استفاده کند. اینهمه جدا از «لشکر فاطمیون» است که حکومت از آنها در جنگ سوریه استفاده می‌کرده است. حالا با تشدید شرایط بحرانی، وزیر کشور گفته دیگر توان پذیرش اتباع خارجی وجود ندارد و استاندار تهران نیز از طرحی برای

تجاوز چهار مرد افغان به یک پسر ۱۶ ساله حضور روزافزون مهاجران غیرقانونی، آتش زیر خاکستر



اتباع افغانستان با لباس فرم نظامی و پرچم فاطمیون در مراسم «روز قدس»

رفتند، بر روی او چاقو کشیدند و با تهدید او را سوار موتور کردند؛ به باغی در حاشیه تهران بردند و به او تجاوز کردند.

به گزارش روزنامه «اعتماد»، عصر بیستم شهریور سال گذشته پسر ۱۶ ساله به نام «هانی» همراه پدرش به پلیس مراجعه کرد و گفت مورد تجاوز قرار گرفته است. او به مأموران گفت: «من در زمین فوتبالی در نزدیکی مصلای مشغول بازی بودم که چهار مرد جوان با موتور سراغم آمدند. آنها که به نظر می‌رسید افغان هستند روی من چاقو کشیدند و با تهدید مرا سوار موتور کردند و به باغی در حاشیه تهران بردند و تجاوز کردند. وقتی به خانه رفتم آنقدر حالم بد بود که پدرم متوجه همه چیز شد.»

وقتی پسر نوجوان در پزشکی قانونی مورد معاینه قرار گرفت تأیید شد که مورد تجاوز قرار گرفته است. مأموران به ردیابی چهار متهم پرداختند و با نشان‌هایی که پسر نوجوان از موتور آنها داده بود، دو نفر از متهمان ردیابی و بازداشت شدند، اما ادعا کردند پسر نوجوان را نمی‌شناسند و او را آزار ندادند.

در جلسه تحقیق که در شعبه ۱۱ دادگاه کیفری یک استان تهران برگزار شد پسر نوجوان که همراه پدرش به دادگاه آمده بود، گفت: «دو متهم حاضر در دادگاه همان کسانی هستند که بدون توجه به التماس‌هایم مرا آزار دادند. آنها تهدیدم کردند اگر به کسی حرفی بزنم بار دیگر سراغم می‌آیند و اینبار مرا می‌کشند.»

با این حال، دو متهم جرم‌شان را گردن نگرفتند و مدعی شدند دو همدست فراری‌شان مرتکب این تجاوز شده‌اند و آنها بی‌گناه هستند و حالا هم نشانی از آنها ندارند و نمی‌دانند به کجا فرار کرده‌اند.

با تکمیل تحقیقات قرار است پرونده دو متهم افغان در دادگاه کیفری یک استان تهران رسیدگی شود. این در حالیست که پسر ۱۶ ساله درخواست اعدام متهمان را مطرح کرده و گفته حاضر به گذشت نیست.

● چهار تبعه افغانستان به سراغ نوجوانی ۱۶ ساله که در زمین فوتبالی در نزدیکی مصلای تهران مشغول بازی بود رفتند، بر روی او چاقو کشیدند و با تهدید او را سوار موتور کردند؛ به باغی در حاشیه تهران بردند و به او تجاوز کردند. به گزارش روزنامه «اعتماد»، عصر بیستم شهریور سال گذشته پسر ۱۶ ساله به نام «هانی» همراه پدرش به پلیس مراجعه کرد و گفت مورد تجاوز قرار گرفته است.

● وقتی پسر نوجوان در پزشکی قانونی مورد معاینه قرار گرفت تأیید شد که مورد تجاوز قرار گرفته است. مأموران به ردیابی چهار متهم پرداختند و با نشان‌هایی که پسر نوجوان از موتور آنها داده بود، دو نفر از متهمان ردیابی و بازداشت شدند، اما ادعا کردند پسر نوجوان را نمی‌شناسند و او را آزار ندادند.

● «اعتماد» می‌نویسد: «با تکمیل تحقیقات قرار است پرونده دو متهم افغان در دادگاه کیفری یک استان تهران رسیدگی شود. این در حالیست که پسر ۱۶ ساله درخواست اعدام متهمان را مطرح کرده و گفته حاضر به گذشت نیست.»

● گذشته از جرائم کیفری، حضور اتباع افغانستانی در مراسم رسمی و راهپیمایی‌های حکومتی نشان می‌دهد که رژیم از حضور آنها که بخشی ناشی از مهاجرت بی‌رویه و بخشی دیگر «واردات» عمدی توسط خود حکومت است، به سوء استفاده‌های چندمنظوره می‌پردازد؛ از سیاهی لشکر و ابزاری در خدمت تبلیغات سیاسی و مذهبی گرفته تا نیروهایی که برای تقویت دستگاه سرکوب رژیم علیه مردم ایران به استخدام آن آمده‌اند. اعزام «کودک‌سربازان افغانستانی» به سوریه توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و «لشکر فاطمیون» نیز بخشی از این برنامه سازمانیافته به شمار می‌روند.

چهار تبعه افغانستان به سراغ نوجوانی ۱۶ ساله که در زمین فوتبالی در نزدیکی مصلای تهران مشغول بازی بود

می‌شود. بر این اساس، با ورود روزانه ۱۰ هزار نفر از افغانستان به ایران در طی ۷ ماه گذشته از اعلام این خبر تا آخر تابستان ۱۴۰۲ آمار اتباع افغانستان به بالای ۱۰ میلیون نفر رسیده است.

سردار پاسدار احمد وحیدی وزیر کشور جمهوری اسلامی اما تیرماه گذشته گفته بود آمار دقیقی از افغانستانی‌های ساکن ایران در دست نیست و برآورد رقمی معادل ۵ میلیون نفر را کرده بود!

برخی آمارها از تحصیل ۷۰۰ هزار دانش‌آموز افغانی در مدارس ایران حکایت دارد و رضا مراد صحرایی وزیر آموزش و پرورش نیز مهرماه سال گذشته شمار دانش‌آموزان افغانستانی را ۶۰۰ هزار نفر اعلام کرد.

آمار زایمان زنان افغانستانی در ایران نیز قابل توجه است؛ روزنامه «جمهوری اسلامی» شهریور سال گذشته گزارش داد که از ۳۰۰ زایمان و تولد شهر کوار در نزدیکی شیراز طی یک ماه، فقط ۳ مورد زایمان ایرانی بوده و ۲۹۷ مورد آن مربوط به اتباع افغانستان بوده است. در اوایل شهریور گذشته نیز یکی از پرستاران بیمارستان «فرقانی» قم گفته بود از ۲۸ زایمانی که در طی ۲۴ ساعت در آن بیمارستان رخ داده ۱۹ مورد مربوط به اتباع افغان بوده است. همزمان گزارش شد که ۳۰ تا ۳۵ درصد زایمان بیمارستان‌های قم مربوط به اتباع افغانستانی است.

در نبود آمارهای رسمی و قابل اتکا، برخی اظهارنظرها از فاجعه خاموشی زیر پوست جامعه ایران با حضور سازمانیافته مهاجران افغانستانی خبر می‌دهند. برای نمونه استانداری تهران اعلام کرده که تعداد اتباع غیرمجاز جمع‌آوری شده از تفرجگاه‌های استان در نوروز امسال نسبت به سال قبل سه برابر شده است.

اکنون بحران حضور میلیون‌ها مهاجر به کشوری که جمعیت خودش در انواع بحران‌ها از بیکاری و فقر تا نبود زیرساخت و امکانات رنج می‌برد آنقدر برجسته شده که مسئولان حکومتی نیز ناچار به واکنش شده‌اند.

سردار پاسدار احمد وحیدی که چند ماه پیش حتی نمی‌دانست چند مهاجر افغانستانی در ایران هستند، اکنون گفته «دیگر قادر به پذیرش بیشتر اتباع نیستیم!» وزیر کشور جمهوری اسلامی روز گذشته اعلام کرد که «ما واقعا ظرفیت میزبانی بیش از این نداریم و کشورمان اشباع شده است و بیش از این نباید وارد کشور شوند و اعلام کردیم که قادر به پذیرش بیشتر نیستیم.»

سردار پاسدار احمد وحیدی بدون اشاره به تعداد مهاجران افغانستانی در ایران گفته «تعدادی از اتباع نیز که داخل کشورند باید بستر برای بازگشت آنها فراهم شود و کسانی که غیرمجازند نیز به هیچ وجه مورد قبول ما نیستند.» او همچنین با اشاره به پر شدن فرصت‌های شغلی توسط اتباع افغانستانی گفته «هر مجموعه‌ای که این افراد را غیرمجاز به کار گرفته دارای تخلف است و نباید در کشور ما صنایع، ادارات و... این افراد را به کار بگیرند.»

او مدعی برنامه‌ای برای بازگرداندن مهاجرانی شد که به صورت قانونی در کشور هستند و گفته «اتباع مجاز نیز محدود به زمان هستند و باید در زمان مقرر به کشور خود بازگشته و برای اصلاح کشورشان کمک کنند؛ موضوع اتباع نباید در کشورمان وضعیتی سازمان‌نیافته و بی‌سامان داشته باشد و احياناً در برخی شهرها مردم نگران شوند لذا باید برنامه برای بازگشت این افراد آماده شود.»

بازگشت مهاجران افغانستانی از سوی علیرضا فخاری استاندار تهران نیز مورد توجه قرار گرفته است. او با اشاره به حضور ۵۰ درصدی اتباع خارجی کشور در این استان گفته «در تلاش هستیم که اتباع غیرمجاز دستگیر و از کشور خارج شوند.»

این نخستین بار نیست که یک شهروند ایرانی در ایران از سوی اتباع افغانستان مورد تجاوز قرار می‌گیرد. پیش از این خبرهای متعددی از موارد قتل، آزار جنسی، تجاوزهای فردی و گروهی و سرقت از شهروندان ایرانی توسط اتباع افغانستان ساکن شهرهای مختلف کشور در رسانه‌های داخلی منتشر شده است.

قتل داریوش مهرجویی فیلمساز، نویسنده و کارگردان ایرانی و همسرش وحیده محمدی‌فرد در شامگاه یکشنبه ۲۲ مهرماه ۱۴۰۲ توسط چهار تبعه افغانستانی، یکی از آخرین این موارد بود که در رسانه‌ها و افکار عمومی، رد پای پیامدهای حضور اتباع افغانستان را در پرونده‌های خشونت و قتل پررنگ‌تر کرد.

این مسائل بارها از زبان برخی مسئولان و نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز مطرح شده است. در همین ارتباط، روزنامه اینترنتی «فراز» در ۲۶ مرداد سال گذشته، روایت تکان‌دهنده‌ای از دزدیدن دختران و اموال مردم توسط افغان‌ها را به نقل از قربانعلی صلواتیان مدیر اجرایی بخشی از دیوار مرزی ایران و افغانستان منتشر کرد. وی در این گفتگو با بیان اینکه قبل از دیوارکشی در



این منطقه اتفاق‌های بدی در حال رخ دادن بود توضیح داده بود: «روز و شب از آن طرف مرز می‌آمدند و مردم را به اسارت می‌بردند و باج می‌گرفتند. تقریباً می‌توان گفت تمام پراپیادهای سرقتی ایران از مرز زابل، منطقه «میلک» به افغانستان می‌رفت و به رایگان فروخته می‌شد. حجم عظیمی از تردد کالای قاچاق از افغانستان به ایران و برعکس از ایران به افغانستان از این مسیر صورت می‌گرفت.»

صلواتیان در ادامه گفته بود: «در حال حاضر از بخش‌هایی که دیوارکشی است، نمی‌توانند بیابند. ما یک بخشی در آنجا داریم که قبلاً می‌آمدند از روستاها و شهرها مردم را گروگان می‌گرفتند، دخترهای مردم را می‌برند، اموال مردم را به سرقت می‌بردند؛ یک ناامنی غیرقابل وصفی وجود داشت. با وجود این دیوار حداقل امنیت این طرف دیوار ایجاد کرده است و آن بحران‌های بسیار بسیار بد و شرم‌آور دیگر وجود ندارد.»

از سوی دیگر، گذشته از جرائم کیفری، حضور اتباع افغانستانی در مراسم رسمی و راهپیمایی‌های حکومتی نشان می‌دهد که رژیم از حضور آنها که بخشی ناشی از مهاجرت بی‌رویه و بخشی دیگر «واردات» عمدی توسط خود حکومت است، به سوء استفاده‌های چندمنظوره می‌پردازد؛ از سیاهی لشکر و ابزاری در خدمت تبلیغات سیاسی و مذهبی گرفته تا نیروهایی که برای تقویت دستگاه سرکوب رژیم علیه مردم ایران به استخدام آن آمده‌اند. اعزام «کودک‌سربازان افغانستانی» به سوریه

توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و «لشکر فاطمیون» نیز بخشی از این برنامه سازمانیافته به شمار می‌روند. شواهد نشان می‌دهند مهاجران افغانستانی ساکن ایران و آندسته از اتباع افغانستان که برای پناهندگی یا کار یا عبور از ایران به هدف رفتن به کشورهای دیگر به ایران سفر کرده بودند بیشترین اعضای لشکر «فاطمیون» را تشکیل می‌داده‌اند.

اگرچه تعداد دقیق کودک‌سربازان عضو «فاطمیون» روشن نیست اما شواهد متقن و معتبری وجود دارد که نشان می‌دهند سپاه پاسداران از کودکان زیر ۱۸ سال و حتا زیر ۱۵ سال به عنوان سرباز برای پیوستن به «فاطمیون» و حضور در جنگ سوریه استفاده کرده است.

سیل عظیم مهاجران در سال‌های گذشته از افغانستان به ایران پیامدهای بسیاری داشته است. ازدواج اتباع افغان با دختران ایرانی فقط یکی از این پیامدهاست که حالا تا جایی پیش رفته که واکنش مسئولان را هم به دنبال داشته است.

تعداد مهاجران افغانستانی ساکن ایران به علت ورود غیرقانونی و قانونی این مهاجران به کشور، بطور دقیق، عملاً غیرممکن است. پیشتر در فروردین ۱۴۰۱ روزنامه «جمهوری اسلامی» در گزارشی انتقادی و براساس آمارهای میدانی، جمعیت اتباع افغانستانی در ایران را ۸ میلیون تن اعلام کرده و نوشته بود که هر روز حدود ۱۰ هزار نفر به صورت غیرقانونی و قانونی وارد مرزهای ایران می‌شوند. این روزنامه درباره تغییر ترکیب جمعیتی برخی استان‌ها و ورود وابستگان طالبان به ایران در پوشش مهاجران هشدار داده بود.

گفته می‌شود که در چند سال اخیر عده‌ای از اتباع برای گرفتن اقامت اقدام به ازدواج صوری با دختران ایرانی کرده‌اند. ازدواج‌هایی که سرنوشت تاریکی را برای دختران ایرانی رقم زده است. چرا که این این اتباع پس از ازدواج یا اقدام به ترک کشور کرده‌اند یا زنان ایرانی را همراه با فرزندان با خود به افغانستان بردند.

این همه در حالیست که چندی پیش طرح قسطی سپرده‌گذاری ۱۰۰ میلیون تومانی اتباع خارجی نیز بدون سر و صدا به اجرا درآمده است.

بر اساس این طرح، اتباع خارجی با سرمایه‌گذاری ۱۰۰ میلیون تومان (۱۶۰۰ یورو) در بانک ملی دو استان گلستان و «خراسان رضوی» و ۱۵۰ میلیون تومان در بانک ملی استان تهران دفترچه اقامت دریافت می‌کنند. مبلغی که با قسط‌های ۱۰ ماهه و ۲۰ ماهه ۱۰ میلیونی و ۵ میلیونی قابل پرداخت است.

انتشار گسترده ویدیویی از صف طولانی اتباع افغانستانی در ورامین برای سرمایه‌گذاری و اخذ اقامت، واکنش‌های بسیاری را برانگیخت. برخی از کاربران، فاصله معنادار این میزان سرمایه‌گذاری برای اخذ شهروندی را با کشورهای دیگر و حتی ترکیه مقایسه کرده بودند.

طی ماه‌های گذشته در شبکه‌های اجتماعی برخی کاربران ایرانی با هشتگ‌هایی چون «اتباع بیگانه» یا «اخراج افغان» ضمن مقایسه مهاجرت نخبگان از ایران با ورود اتباع افغانستان به ایران، از فعالیت آنها در مشاغل مختلف انتقاد می‌کنند. از سوی دیگر برخی رسانه‌های داخلی و مقامات جمهوری اسلامی نیز با عنوان «اتباع بیگانه» و هشدار در مورد تغییر کامل بافت جمعیتی، قومی و مذهبی ایران نسبت به پیامدهای امنیتی افزایش روند ورود افغانستانی‌ها به ایران پس از استقرار طالبان هشدار می‌دهند.

دختر کیومرث پوراحمد:

پدرم خودکشی نکرده خطر را حس کرده و می‌دانست چه بلایی می‌خواهد سرش بیاید

● پگاه پوراحمد: ما مطمئن هستیم و می‌دانیم پدرم خودکشی نکرده است. پدرم قرار بود برای تدوین فیلم «پرونده باز است» به تهران برگردد و برای آینده برنامه داشت. ● توران پوراحمد پیشتر اعلام کرده بود که «برادر من پایش به جایی گیر نکرد، ولی اول شکنجه‌اش کردند و بعد جسد بی‌جان‌ش را به دار آویختند.»

بیش از یک سال پس از درگذشت کیومرث پوراحمد نویسنده و کارگردان بنام ایران و در حالی که ادعا شده بود او خودکشی کرده، دخترش تأکید کرده پدرش خودکشی نکرده اما خطر را حس کرده بود و می‌دانست چه بلایی می‌خواهد سرش بیاید.

یک سال پیش در شانزدهم فروردین ۱۴۰۲ خبر خودکشی کیومرث پوراحمد منتشر شد. تصویری از پیکر بی‌جان او در حالی که حلق آویز شده بود در ویلایی در شمال ایران منتشر شد اما همان زمان آثار زخم بر روی صورت و دستان این هنرمند تردیدهایی درباره مرگ خودخواسته وی ایجاد کرد. پگاه پوراحمد دختر کیومرث پوراحمد اردیبهشت گذشته چند روز پس از درگذشت پدرش گفته بود خودکشی او را باور ندارد. او «بدن زخمی، کبود و آسیب‌دیده» پدرش را مشکوک خواند و از دادن هر توضیح بیشتری در آن روزها و تا کنون خودداری کرد.

توران پوراحمد خواهر کیومرث پوراحمد، چندی پیش در نخستین سالگرد جان باختن برادرش، در بخش نظرهای یک مطلب اینستاگرامی درباره جزئیات قتل حمیدرضا روحی از جانب‌باختگان اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ که توسط مأموران جمهوری اسلامی به قتل رسید، اعلام کرد برادرش کشته شده است. توران پوراحمد نوشته بود «عزیز دلم... برادر من پایش به جایی گیر نکرد، ولی اول شکنجه‌اش کردند و بعد جسد بی‌جان‌ش را به دار آویختند.»

همزمان با این اظهار نظر توران پوراحمد، تصویری از دیدار پیشین کیومرث پوراحمد با شهبانو فرح پهلوی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد. تصویری که این کارگردان را در حالی که دستان شهبانو را به گرمی گرفته و به نشانه قدردانی بر آنها بوسه می‌زند نشان می‌دهد.

مواضع انتقادی کیومرث پوراحمد در سال‌های پیش و تصاویر منتشر شده از او در دیدار با شهبانو فرح پهلوی، احتمال قتل سازمانیافته و حکومتی او را افزایش داده است. اکنون پگاه پوراحمد در گفتگو با روزنامه «اعتقاد» با اشاره به آنچه پوران پوراحمد چند روز پیش درباره کشته

به آنچه پوران پوراحمد چند روز پیش درباره کشته



بوده؟ خشایار الوند یک متناقض بوده چون مردم را می خنداند. خنده مکروه یا حرام است.»

او همچنین گفته بود «خنده یا مکروه بوده یا حرام! رقص و شادی یا مکروه بوده یا حرام! در طول ۴۰ سال ما فقط در برهه حساس کنونی بودیم و باید خفه خون می گرفتیم.» خبر خودکشی کیومرث پوراحمد در ۱۶ فروردین ۱۴۰۳ منتشر شد و ادعا شد او در نخستین ساعات بامداد همان روز در ویلای شخصی اش بندر انزلی به مرگ خودخواسته تن داده است. مجله «فیلم» به سردبیری هوشنگ گلمکانی گزارش داد که کیومرث پوراحمد «از سر اسفردگی، ناامیدی، بی‌آیندگی و بیهودگی» به زندگی خود پایان داده است.

خرگزاری «فارس» هم در خبری مدعی شده که این کارگردان «دچار عارضه عصبی بوده و اواخر عمرش نیز برای این عارضه به مصرف دارو روی آورده بود.»

در پی درگذشت کیومرث پوراحمد، مهدی فلاح میری دادستان گیلان گفته بود که «به محض دریافت گزارش، بازپرس ویژه قتل در محل حاضر شدند و با بررسی های اولیه نظر بر خودکشی این کارگردان سینما داشتند که واکاوی جزئیات، مستلزم رسیدگی دقیق قضایی است.»

مهدی فلاح میری افزوده بود که «کیومرث پوراحمد ساعت یک بامداد روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۲/۱/۱۶ در یکی از واحدهای دهکده ساحلی انزلی فوت کرده است.» همچنین رسانه‌های ایران گزارش دادند که کیومرث پوراحمد پیش از خودکشی ۸ صفحه یادداشت خداحافظی نوشته که در کنار پیکر او کشف شده و هم‌اکنون در اختیار نیروی انتظامی است.

کیومرث پوراحمد متولد ۲۵ آذرماه سال ۱۳۲۸ در نجف‌آباد استان اصفهان است که کارگردانی را با مجموعه تلویزیونی «تابستان سال آینده» در سال ۱۳۶۰ خورشیدی آغاز کرد.

«تیغ و ترمه»، «کفشهایم کو؟»، «۵۰ قدم آخر»، «اتوبوس شب»، «نوک برج»، «گل یخ»، «خواهران غریب»، «به خاطر هانیه» و «بی‌بی چلچله» از فیلم‌های سینمایی این کارگردان هستند. او در تلویزیون هم سریال‌های ماندگار «قصه‌های مجید» و «سرنخ» را ساخته بود.

«قصه‌های مجید» از جمله آثار ماندگار او بود که سال ۱۳۶۹ ساخته شد. پروین‌دخت یزدانپان مادر کیومرث پوراحمد در نقش «بی‌بی» و مهدی باقری‌بگی در نقش پسر نوجوانی به نام «مجید» بازیگران اصلی این سریال بودند.

پس از این اظهار نظر پوراحمد، روزنامه کیهان چاپ تهران در مطلبی به این هنرمند حمله کرده و او را «کارگردانی در سرازیری» نامید. کیهان تهران نوشت: «از پوراحمد خاطراتی چون «قصه‌های مجید» و سریال سرنخ داریم اما به نظر می‌رسد او با دو فیلم فارسی گل یخ و نوک برج بدجوری در سرازیری قرار گرفت و با فیلم‌هایی چون «کفش‌هایم کو»، «۵۰ قدم آخر» و «تیغ و ترمه»، فاتحه سینمایش را خواند. فیلم آخر او به نام «پرونده باز» هم هیچ حرفی برای گفتن ندارد. یک قتل ناخواسته و مسئله قصاص و شعر و شعارهای گل درشت و غلط‌های تصویری و دادگاه باسماه‌ای و پایان لنگ در هوا.»

خالق فیلم سینمایی «شب یلدا» پیشتر در گفتگو با یک خبرنگار در مراسم یادبود علی معلم با به کار بردن عنوان «دولتمردان فاسد» برای مسئولان جمهوری اسلامی گفته بود «آنها سراپا کثافتند». این کارگردان منتقد در بخش دیگری از این گفتگو توضیح داده بود که «در نظامی که ذاتا با هنر دشمنی دارد همین است که هست، این نظام با هنر و هنرمند سر سازگاری ندارد.»

در زمان حیات کیومرث پوراحمد رمانی با عنوان «همه ما شریک جرم هستیم» با نام مستعار «حمید حامد» منتشر شد که به روزهای خوش و آبادانی و عمرانی در یک روستای کویری می‌پردازد که با ورود یک سرباز «سپاه‌دانش»، به همت او و یاری اهالی ده آغاز می‌شود.

وی در این کتاب، دیدگاه انتقاد آمیزش به انقلاب ۱۳۵۷ و عملکرد نظام جمهوری اسلامی را بیان کرده بود. ناشر این کتاب پس از انتشار خبر درگذشت کیومرث پوراحمد فاش کرد که نویسنده واقعی این رمان، کیومرث پوراحمد بوده است. کیومرث پوراحمد همواره از هر تریبونی برای انتقاد به تمیزی‌های گسترده سینما و نابسامانی وضعیت فرهنگ و هنر در جمهوری اسلامی انتقاد می‌کرد.

او در سال ۱۳۹۶ در مراسم یادبود هنرمندان درگذشته گفته بود: «ما به طرز ظالمانه‌ای پیر می‌شویم. حذف‌ها ما را دق‌مرگ می‌کند و ما را می‌میراند. ما اگر در ۹۰ سالگی هم بمیریم، جواهرگ شده‌ایم. بیشتر مرگ و میرهای هنرمندان در میانسالی بوده، همه پیر می‌شوند و می‌میرند.»

وی در اسفند ۱۳۹۷ در اسفند ۹۷ در مراسم تشییع خشایار الوند طنزنویس و فیلمنامه‌نویس گفته بود «امروز روز بدی است ولی در چهل سال گذشته کدوم روز ما روز خوبی

شدن برادرش نوشته، گفته «هرچه عمه‌ام نوشته، درست است. اما در مورد رسیدگی به پرونده و جزییاتش فعلا اصلا صحبت نخواهیم کرد تا زمان مناسب فرا برسد.»

پگاه پوراحمد گفته «ما مطمئن هستیم و می‌دانیم پدرم خودکشی نکرده است. پدرم قرار بود برای تدوین فیلم «پرونده باز است» به تهران برگردد و برای آینده برنامه داشت.»

دختر کیومرث پوراحمد گفته «پدرم اکثرا هر چند وقت یک بار از شخصی که در شمال می‌شناخت ویلا اجاره می‌کرد و به شمال می‌رفت، چون می‌خواست بنویسد و خلوت کند. معمولا هم تنها به آنجا می‌رفت؛ یعنی اولین بار نبود که تنها به شمال رفته بود. قرار بود به تهران برگردد، چون قرارهای مختلف داشت، اما ناگهان آن اتفاق افتاد؛ روز حادثه صاحب ویلا به آنجا رفت و با آن صحنه روبه‌رو شد و به پلیس اطلاع داد. همه خانواده هر کدام به نوع خودمان بر این موضوع تاکید داریم که پدرمان شمال نرفت که خودش را بکشد.»

او می‌گوید قبل از آنکه پدرش کشته شود قرار سفر به زاهدان را گذاشته بود: «قبل از حادثه با خواهرش و شوهرخواهرش صحبت کرده بود و قرار بود به زاهدان سفر کند. خلاصه هزار برنامه داشت و با چندین نفر قرار کاری گذاشته بود.»

پگاه پوراحمد حتی گفته پدرش کتاب‌هایی زیر چاپ در لندن داشته است: «کتاب‌هایش در مرحله چاپ بود و قرار بود نشر «مهری» که داخل لندن است کتاب‌های او را به چاپ برساند، اما ناشر نشر «مهری» آدم فرصت‌طلبی بود و ما نمی‌دانیم پدرم با این آقا قرارداد داشته یا نداشته؟ وکیلی که در ایران می‌شناختیم، توانست پیگیر این موضوع باشد. به هر حال پدرم باید در چاپ این کتاب‌ها سهیم بوده باشد، اما خب دست کسی به ناشر داخل لندن نمی‌رسد، چون ایران نیست. حتی ما تلفنی با آن ناشر صحبت کردیم و قرار بود قراردادها را برای‌مان ارسال کند، اما تا الان هیچی برای ما ارسال نکرده است.»

در سال‌های اخیر، نام این کارگردان پای بسیاری از بیانیه‌های اعتراضی هنرمندان سینما دیده می‌شد؛ از جمله اعتراض به جان باختن بکتاش آبتین نویسنده زندانی، سرکوب مردم معترض خوزستان در تابستان ۱۴۰۰، اعتراض به امضای سند همکاری ایران و چین، اعتراض به سانسور ادبیات و سینما و اعتراض به زندانی کردن فعالان محیط زیست.

آخرین فیلم سینمایی کیومرث پوراحمد، «پرونده باز است» نام داشت که با وجود مخالفت او با شرکت فیلم‌اش در جشنواره فیلم «فجر» در حمایت از اعتراضات مردم، این فیلم در این جشنواره‌ی حکومتی به نمایش درآمد.

پوراحمد در واکنش به اعلام حضور این فیلم در جشنواره اعلام کرده بود «تهیه‌کننده و بعضی عوامل فیلم مایل بوده‌اند فیلم «پرونده باز است» در جشنواره باشد، اما من، نویسنده و کارگردان... با اینهمه داغی که بر دل داریم دیگر چه جشنی، چه جشنواره‌ای؟!»

وی پس از آغاز جریان خیزش انقلابی ۱۴۰۱ در اعتراض به کشتار وسیع معترضان، از حضور در نشست خبری جشنواره فیلم فجر آن سال امتناع کرد و در حساب شخصی‌اش در اینستاگرام نوشت: «چندسال است که جشنواره فیلم فجر دیگر جشن سینمای ایران نیست که جشن دو سه ارگان خاص است. در این چند ساله جشنواره برای من، هیچ ارزش و اهمیتی نداشته، به خصوص در این سال خونبار و دردناک. اما مالک فیلم، تهیه‌کننده است. مثل همه جای دنیا فقط او می‌تواند درخواست حضور یا عدم حضور در جشنواره را داشته باشد. تهیه‌کننده و بعضی عوامل فیلم مایل بوده‌اند فیلم «پرونده باز است» در جشنواره باشد، اما من، نویسنده و کارگردان... با اینهمه داغی که بر دل داریم دیگر چه جشنی، چه جشنواره‌ای؟!»

فرقه شهادت: میراث ننگین جمهوری اسلامی و حماس



امروز، وضعیت عوض شده است: اعضای حماس کسانی هستند که توسط رژیم اسلامی آموزش دیده و مسلح شده‌اند. شیوه عملیاتی که حماس دنبال می‌کند یادآور سازمان‌هایی مانند حزب کمونیستی توده و فداییان خلق، فداییان اسلام، یا مجاهدین خلق است که خمینی را به قدرت رساندند. باید اشاره کرد آتش‌سوزی جنایتکارانه در سینما رکس در آبادان در سال ۱۹۷۸ که توسط نیروهای اسلامی با هدف اتهام زدن به دولت شاهنشاهی و ساواک (سازمان اطلاعات و امنیت کشور) انجام شد، بیش از ۴۵۰ نفر که در سینما مسدود شده بودند، کشته شدند. و یا قتل سیاستمداران و نیروهای نظامی شریف از سال ۱۹۷۹؛ کشتار غیرقابل توجه غیرنظامیان؛ نمایش خیابانی با جسد های قطع عضو شده یا سوخته؛ گروگان‌گیری سفارت ایالات متحده در تهران؛ تبلیغات بی‌پایه و اساس، مضحک [۲] و بی‌انتهای، و بیشتر از همه تبلیغات ضدپهلوی و اطلاعات نادرست. برای رژیم اسلامی مانند حماس، قربانی کردن زندگی انسان‌ها یک وسیله موجه برای دستیابی به مأموریت‌شان است که نشان می‌دهد که ایدئولوژی بر زندگی انسان غلبه می‌کند. تبلیغ و گسترش طلبی اسلامی شعار رژیم در ایران است. منشأ آن در کتاب خمینی «ولایت فقیه: حکومت اسلامی (۱۹۷۰)» نهفته است که بنیان ایدئولوژیک جمهوری اسلامی است و همانطور که در بالا گفته شد شامل تئوری‌های توطئه ضدیهودی است. این متن سپس با سپردن یک «مأموریت عقیدتی» به نیروهای مسلح در قانون اساسی موسوم به جمهوری اسلامی ۱۳۵۷ گنجانده شد: «جهاد» (جنگ مقدس) و «مبارزه در مسیر گسترش حاکمیت قانون خدا در دنیا (مطابق با آیه هشتم، سوره ۶۰ قرآن)» است. در ذهنیت رژیم، تنها یک قانون وجود دارد، قانون الله، یا تفسیر بنیادگرایانه آنها از آن که موظف به تبلیغ آن از طریق مبارزه ای است که «با استفاده از تمام قوا» و «میان دشمن ایجاد رعب و وحشت می‌کند». واقعیت همین است: جمهوری اسلامی یک رژیم سیاسی عادی نیست. ایران پایگاه نظامی آن و سکوی پرتاب خلافت اسلامی شیعی است. طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی، وظیفه رژیم،

بسیار آشکارا عقاید خود را بیان می‌کرد [۱]. عرفات در آن رویداد سرنوشت‌ساز، فرصتی استراتژیک برای برهم زدن توازن قدرت در خاورمیانه و پیوستن به یک جنبش اسلامی جدید در مبارزه با دولت اسرائیل دید و گفت «امروز ایران، فردا فلسطین». او با مخالفان ایران شاهنشاهی، شامل سازمان‌های چریکی مارکسیست و گروه‌های اسلامی، متحد بود. با هدایت توسط ایدئولوژی‌های ویرانگر، این مخالفان به اردوگاه‌های آموزشی پی‌ال‌او در یمن، اردن، و لبنان می‌پیوستند. با وجود این همکاری، عرفات بعدها در جنگ ایران و عراق به خمینی پشت کرد تا از دست دادن حمایت جهان عرب از فلسطین جلوگیری کند.

با این حال، عرفات همچنان یکی از همدستان اصلی در توطئه‌ای است که منجر به سرنوشتی شاهنشاهی پهلوی، یکی از متحدان قابل اعتماد ایالات متحده، که استحکام خاورمیانه را تضمین می‌کرد، شد. در سال ۱۹۷۷، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، جیمی کارتر، در سفر رسمی به تهران، ایران شاهنشاهی را به عنوان «جزیره ثبات در یکی از ناامن‌ترین مناطق دنیا» توصیف کرد. رونالد ریگان شاه ایران را «متحد وفادار» نامید. با این حال، شاه ایران مانعی غیرقابل عبور برای اهداف عرفات بود. در یک مصاحبه در سال ۱۹۷۶ در یک شبکه تلویزیونی آمریکایی، شاه ضمن همدردی با مردم فلسطین اظهار کرد: «دوستان خوب فلسطینی‌مان باید بدانند که ترساندن جهان با تروریسم و باج‌گیری حد و مرزی دارد». شاه در آن زمان در حال تلاش برای عادی ساختن تدریجی روابط دیپلماتیک بین جهان اسلام و اسرائیل بود، به ویژه در چارچوب روابط اسرائیل و مصر تحت ریاست انور سادات که به لطف پیمانی بین توسط اسرائیل با مراکش و ایران پیش می‌رفت. همان دیدگاهی که امروز در ارتباط با «پیمان ابراهیم» دیده می‌شود. در واقع، ریچارد نیکسون شاه را «تنها دوست اسرائیل» در منطقه توصیف کرد. بدون شک، اگر شاهنشاهی پهلوی در ایران در قدرت باقی می‌ماند، وضعیت امروز کشور و منطقه بسیار متفاوت می‌بود. سازمان تروریستی حماس بخشی از شبکه شبه‌نظامی است که توسط رژیم اسلامی در ایران تشکیل شده است.

● رژیم جمهوری اسلامی و رهبران فلسطینی بطور مشترک بخشی از تاریخ اخیر ایران را نوشته‌اند. یاسر عرفات رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین (پی‌ال‌او) اولین نماینده رسمی بود که بلافاصله بعد از تصاحب قدرت توسط اسلامگرایان در سال ۱۹۷۹ به ایران سفر کرد. به نظر می‌رسد او در طول فرآیند طولانی حمله مشترک به ایران توسط روح‌الله خمینی و همکارانش، فعالانه شرکت داشته است. ● در حالی که ایران زمانی کوروش کبیر، بنیانگذار امپراتوری ایران- پادشاه سکولار و آزادیبخش قوم یهود، که الهام‌بخش توماس جفرسون بود- را می‌شناخت، ظهور رژیم جمهوری اسلامی، این صفحه سیاه در تاریخ سه هزار ساله ایران، کمک زیادی به پیشرفت بین‌المللی اسلامگرایی کرده است. اولین قربانیان آن مسلمانان و یهودیان هستند. اما اسلامگرایی تنها نیست. کمونیسم و اسلامگرایی، یا آنطور که شاه ایران در کتاب «پاسخ به تاریخ» نامیده است، «اتحاد ارتجاع سرخ و سیاه» هنوز وجود دارد، البته به شکل دیگری. گسترش آن در جهان آزاد در شش ماه گذشته مشهود بوده و عمدتاً در مدارس و دانشگاه‌ها لانه می‌کند، جایی که جوانان بیشتر وقت خود را در آنجا می‌گذرانند، جایی که مغزسویی به راهروها، کلاس‌ها و کافه‌ها نفوذ می‌کند.

مایلی کیت جلالی - «درخت اسلام باید بطور مداوم با خون شهدا تغذیه شود». این عبارت تکان‌دهنده‌ای است که توسط روح‌الله خمینی بنیانگذار رژیم اسلامی که از سال ۱۹۷۹ بر ایران حاکم است بیان شده. امروز استفاده از شهدا، سپر انسانی و قربانی‌ها توسط گروه تروریستی حماس، به راستی، یادآور شیوه و عمل رژیم خمینیست است. رژیم جمهوری اسلامی و رهبران فلسطینی بطور مشترک بخشی از تاریخ اخیر ایران را نوشته‌اند. یاسر عرفات رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین (پی‌ال‌او) اولین نماینده رسمی بود که بلافاصله بعد از تصاحب قدرت توسط اسلامگرایان در سال ۱۹۷۹ به ایران سفر کرد. به نظر می‌رسد او در طول فرآیند طولانی حمله مشترک به ایران توسط روح‌الله خمینی و همکارانش، فعالانه شرکت داشته است. خمینی ذاتاً یهودستیز بود و نشردهنده تئوری توطئه در این موارد

جایگاه المپیک برای حفظ کرامت انسانی بی نظیر است



جنسیتی در کشورهای خود رنج می‌برند و در موارد بسیاری نیز از خفقان‌های سیاسی و مذهبی رایج در زادگاه خود به ستوه آمده و چاره‌ای جز پناه بردن به کشورهای امن و دموکراتیک ندارند. برای نخستین بار در سال ۲۰۱۶ قبل از آغاز المپیک ریو، یازده ورزشکار پناهنده با بیانیه رسمی توماس باخ با این مضمون که «ورزشکاران پناهنده چه غنیمی برای المپیک به شمار می‌آیند و می‌توانند در المپیک شرکت کنند» زیر پرچم المپیک فرصت شرکت در بازی‌های تابستانی ریو را به دست آوردند. دستاوردی که علاوه بر انعکاس بحران پناهندگان، توانسته بود از حق ورزش کردن آنها نیز حمایت نماید. پس از آن، با وجود محدودیت‌های همه‌گیری کرونا بر تعداد ورزشکاران تیم پناهندگان در المپیک ۲۰۲۰ توکیو افزوده شد. اینبار ۲۹ ورزشکار در ۱۲ رشته ورزشی به ژاپن رفتند و در المپیک شرکت کردند.

امسال تیم پناهندگان در المپیک پاریس نیز حضور خواهند داشت و انتظار می‌رود بر تعداد آنها افزوده شود.

المپیک می‌تواند در ساختن جهانی بهتر نقش ایفا کند
 نقش آموزش در ارتقای سطح زندگی و رفاه نسبی ورزشکاران بسیار حائز اهمیت است. ورزشکاران با آگاه شدن از حقوق انسانی و اجتماعی خود قادر خواهند بود در کمال آرامش فکری، موفقیت‌های ورزشی خود را ارتقاء بخشند. علاوه بر آن هرچه میزان آگاهی ورزشکاران از فلسفه المپیک و علم ورزش افزایش یابد به همان نسبت از میزان تخلفاتی چون دوپینگ‌های سیستماتیک و فسادهای مدیریتی که در برخی نهادهای زیرمجموعه المپیک و فدراسیون‌های بین‌المللی ورزش نهادینه شده است، کاسته خواهد شد. این بدین مفهوم است که با ارتقاء سطح کیفی آموزش می‌شود حس مسئولیت‌پذیری افراد را در تمام سطوح ورزش افزایش داد.

از این حیث نقش athlete365 و سایر کمیسیون‌های مرتبط با امور ورزشکاران بسیار اهمیت می‌یابد و اینجاست که این کمیسیون‌ها می‌توانند با ورود به اموری چون آزادی فردی ورزشکاران، کمیته‌های ملی المپیک را ملزم به رعایت حقوق فردی ورزشکاران بکنند و بر آن تاکید داشته باشند.

● **توقع علاقمندان المپیک از برگزارکنندگان این بازی‌ها در روزگاری که تجاوز، ترور، سرکوب و کشتار همچنان در بخش‌هایی از نقاط دنیا قربانی می‌گیرد اینست که بازی‌ها نه تنها از حضور گسترش‌دهندگان نفرت و خشونت محفوظ بماند بلکه شرایط برای حضور ورزشکاران و مربیان چنان مهیا گردد که آنها فارغ از هرگونه تبعیض در فضایی مملو از نشاط به رقابت بپردازند.**

● **کم نیستند ورزشکاران و مربیانی که از تفکیک و تبعیض جنسیتی در کشورهای خود رنج می‌برند و در موارد بسیاری نیز از خفقان‌های سیاسی و مذهبی رایج در زادگاه خود به ستوه آمده و چاره‌ای جز پناه بردن به کشورهای امن و دموکراتیک ندارند.**

فرزاد یوشانلو - برای همه آنهایی که وقایع سیاسی و اجتماعی را از نگاه انسانی و مبتنی بر آنچه در منشور جهانی حقوق بشر آمده پی می‌گیرند، به المپیک ۲۰۲۴ که پاریس به زودی میزبان آن خواهد بود، به مثابه سکوی نجاتی می‌نگرند که می‌شود از آن برای جلب توجه افکار جهانی به لزوم ساختن جهانی امن و عاری از هرگونه تجاوز و نفرت‌پرانی استفاده کرد.

از این رو به نظر می‌رسد که توقع علاقمندان المپیک از برگزارکنندگان این بازی‌ها در روزگاری که تجاوز، ترور، سرکوب و کشتار همچنان در بخش‌هایی از نقاط دنیا قربانی می‌گیرد اینست که بازی‌ها نه تنها از حضور گسترش‌دهندگان نفرت و خشونت محفوظ بماند بلکه شرایط برای حضور ورزشکاران و مربیان چنان مهیا گردد که آنها فارغ از هرگونه تبعیض در فضایی مملو از نشاط به رقابت بپردازند.

از طرفی با توجه به مواضع صریح و واکنش‌های موقعی که توماس باخ رییس کمیته بین‌المللی المپیک نسبت به رخدادهای ضد انسانی که طی این سال‌ها در حواشی ورزش رخ داده گرفته است این اطمینان را می‌شود داشت که آی.اوس.سی (IOC) با ناقضین منشور المپیک در این دوره از بازی‌ها نیز مداخلات نخواهد داشت.

شرکت پناهندگان در بازی‌های المپیک و دستاوردهای آن کم نیستند ورزشکاران و مربیانی که از تفکیک و تبعیض

→ **تداوم «انقلاب اسلامی در داخل و خارج کشور» به ویژه در «گسترش روابط بین‌المللی با دیگر جنبش‌های اسلامی [و نه دولت‌ها]» است که سعی دارد «راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند».** چگونه این کار را انجام خواهد داد؟ مانند اخوان المسلمین، با تأمین مالی و نفوذ در مراکز اسلامی، مساجد، سازمان‌های غیردولتی، و موسسات آموزشی، جایی که ممکن است توانایی جذب پیروان، افراطی کردن مسلمانان میانه‌رو را داشته باشد و در دنیای آزاد به تبلیغ آن بپردازد آنهم در حالی که از انفعال سیاسی در غرب سوء استفاده می‌کند (که حتی توسط امارات متحده عربی نیز مورد انتقاد قرار گرفته). با این حال، برای اتحاد با «جنبش‌های اسلامی»، باید یک هدف مشترک وجود داشته باشد. جمهوری اسلامی از مرگ، تراژدی کودکان جنگ، خون شهید، و بدبختی دیگران تغذیه می‌کند. رژیم خمینیت از مرگ فلسطینیان تجلیل می‌کند و از آن ابزاری می‌سازد برای تبلیغات جهادی خود و از این طریق سپاهی از حامیان خود را گرد می‌آورد که آماده برافروختن جمعیتی از شورشیان هستند که ساده‌لوحانه معتقدند برای صلح و برای مظلومان راهپیمایی می‌کنند.

در حالی که ایران زمانی کوروش کبیر، بنیانگذار امپراتوری ایران- پادشاه سکولار و آزادیبخش قوم یهود، که الهام‌بخش توماس جفرسون بود- را می‌شناخت، ظهور رژیم جمهوری اسلامی، این صفحه سیاه در تاریخ سه هزار ساله ایران، کمک زیادی به پیشرفت بین‌المللی اسلامگرایی کرده است. اولین قربانیان آن مسلمانان و یهودیان هستند. اما اسلامگرایی تنها نیست. کمونیسم و اسلامگرایی، با آنطور که شاه ایران در کتاب «یاسخ به تاریخ» نامیده است، «اتحاد ارتجاع سرخ و سیاه» هنوز وجود دارد، البته به شکل دیگری. گسترش آن در جهان آزاد در شش ماه گذشته مشهود بوده و عمدتاً در مدارس و دانشگاه‌ها لانه می‌کند، جایی که جوانان بیشتر وقت خود را در آنجا می‌گذرانند، جایی که مغزشویی به راهروها، کلاس‌ها و کافه‌ها نفوذ می‌کند، زیرا آنچه در خیابان‌های بروکسل، پاریس، نیویورک، برلین، لندن، مونترال یا تونو، می‌بینیم، به قول ولیعهد رضا پهلوی، «جنگ بین ارزش‌هاست». در شرایط فعلی جنگ با اسلامگرایی بنیادگرا نبرد همگانی است. در سال ۱۹۷۹ ایران را در یک حمله استراتژیک توسط همان تشکیلات گسترش‌طلبی که به گروه‌های تروریستی مانند حماس کمک مالی می‌کند، از دست دادیم. این درگیری وارداتی تا کجا پیش خواهد رفت؟ این موضوع تا حد زیادی به تصمیمات و سیاست‌های جهان آزاد بستگی دارد.

*مایلی کیت جلالی، کارآفرین و حقوقدان دارای مدرک لیسانس حقوق از دانشگاه اتاوا و مدرک دکترای حرفه‌ای حقوق از دانشگاه مونترال است. او در حال اتمام مدرک کارشناسی ارشد حقوق در دانشگاه مونترال است. تحقیقات او بر ایران دوره پهلوی و رژیم فعلی و قانون اساسی آن متمرکز دارد. [۱] در کتاب «ولایت فقیه»، خمینی ۱۸ بار از عبارت «یهودیان» استفاده کرده است. چند نمونه: «امروز می‌بینیم که یهودیان (خدا لعنت‌شان کند) به متن قرآن دخل می‌زنند و تغییراتی ایجاد می‌کنند»؛ «باید اعتراض کنیم و مردم را آگاه کنیم که یهودیان و حامیان خارجی آنها مخالف اصول بنیادی اسلام هستند و می‌خواهند سلطه یهود را در سراسر دنیا برقرار کنند».

[۲] همکاران اسلامی- مارکسیستی خمینی ادعا می‌کردند که ساواک از خرس برای تجاوز جنسی به زندانیان استفاده می‌کرده آنهم در حالی که زندانیان از یک پنکه سقفی در حال چرخش آویزان بودند!

*منبع: آپادانا تلگراف

*ترجمه این مطلب به فارسی در اختیار کیهان لندن گذاشته شده است.

خط و نشان علیه زنان در خطبه‌های نماز جمعه اختلاف میان مقامات حکومت در اجرای «طرح سراسری نور»؟



به دلیل خشونت گسترده علیه زنان در اجرای «طرح سراسری نور» دولت و دفتر علی خامنه‌ای تلاش کردند این طرح را به گردن نگیرند و به نظر می‌رسد اختلافاتی میان سران ارشد حکومتی در اینباره ایجاد شده است.

احمد خاتمی در بخشی از خطبه‌های نماز جمعه امروز در سخنانی بطور غیرمستقیم به این اختلافات اشاره کرده و گفته «دلسوزان حجاب هر سلیقه‌ای دارند در میدان هستند، انگ زدن به یکدیگر مصلحت نیست و مشکل بی‌حجابی را حل نمی‌کند، مجلس و شورای نگهبان پای کار هستند و مطمئن باشید ما از دین عبور نمی‌کنیم و مسئولان نظام اسلامی هر کجا باشند فدائی دین هستند.»

در حالی که نیروی انتظامی مجری «طرح نور» است و برخی ستاد امر به معروف و نهی از منکر را مسئول این طرح می‌دانستند اما اظهار نظر برخی مقامات نشان داد این طرح در رئوس نظام طراحی و وزارت کشور مسئول آن است.

محمدحسین طاهری آکردی دبیر ستاد امر به معروف و نهی از منکر، درباره «طرح نور» گفته این طرح با دستور ابراهیم رئیسی آغاز شده و ریاست ستاد اجرایی این طرح هم با وزارت کشور است.

محمدحسین طاهری آکردی گفته اردیبهشت ماه ۱۴۰۲ به دستور رئیس جمهور، ستاد عفاف و حجاب به ریاست احمد وحیدی وزیر کشور تشکیل شد و ستاد امر به معروف و نهی از منکر در کنار دیگر نهادها یکی از اعضای این ستاد است.

او افزوده که «مسئولیت‌های ستاد ما در حوزه حجاب بعد از تأسیس ستاد عفاف و حجاب به این نهاد واگذار شد و تا الان درخواستی از سوی این نهاد برای ورود ما به طرح نور صورت نگرفته است.»

غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضاییه جمهوری اسلامی هم از برنامه‌ریزی برای اجرای «طرح سراسری نور» در سال گذشته خبر داده و گفته «در اواخر سال

حجاب یک اصل قانونی است، امروز دشمن می‌خواهد برای ما چالش ایجاد کند؛ لذا سخنان مقام معظم رهبری حجت را برای ما تمام کرد و ما حمایت خود را از نیروی انتظامی و همه دستگاه‌ها اعلام می‌کنیم.»

موسی غضنفرآبادی رئیس کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی هم گفته ابهامات شورای نگهبان در لایحه حجاب برطرف شده و به زودی طرح حجاب و عفاف که مدت‌هاست بین مجلس و شورای نگهبان در رفت و آمد است تصویب می‌شود.

رئیس کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی افزوده که گشت ارشاد بر اساس قانون به خیابان‌ها برگشته و در پاسخ به این پرسش که بر اساس «کدام قانون» گفته «قانونی که مصوب کردند... (مکتب می‌کند) فکر می‌کنم شورای عالی انقلاب فرهنگی، دقیق یادم نیست.»

پس از بازگشت گشت ارشاد و مأموران حکومتی به خیابان‌ها از ۲۵ فروردین ۱۴۰۳، در ابتدا گفته شد این سازماندهی در پی اجرای طرح عفاف و حجاب صورت گرفته است.

طرح حجاب و عفاف بیش از یک سال است که از سوی قوه قضاییه تدوین و پس از تصویب در هیئت دولت به مجلس شورای اسلامی ارسال شده است. مجلس شورای اسلامی هرچند این طرح را به صورت ویژه مورد بررسی قرار داده اما چند ماه است ایرادهای شورای نگهبان سبب رفت و برگشت طرح میان این دو نهاد حکومتی شده است.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی تابستان گذشته به اجرای آزمایشی طرح حجاب و عفاف به مدت سه سال رأی مثبت دادند. طی روزهای گذشته در حالی که برخی اظهار نظر مسئولان این ذهنیت را ایجاد کرده بود که طرحی که از ۲۵ فروردین برای سرکوب زنان و دختران آغاز شده، بخشی از طرح حجاب و عفاف است اما پس از چند روز مشخص شد این طرح که با عنوان «طرح سراسری نور» اجرا می‌شود اواخر سال گذشته و در سطوح بالای حکومت برنامه‌ریزی شده است.

● احمد خاتمی امام جمعه تهران: به فضل خدا نظام اسلامی در مقابل بی‌حجابی خواهد ایستاد.

● در حالی که بازداشت و تشکیل پرونده قضایی برای زنان از بخش‌های برجسته «طرح سراسری نور» است و حتی دادستان کل کشور خواستار صدور احکام تنبیهی علیه زنان شده اما سردار رادان مدعی شده است این طرح فرهنگی و اجتماعی است!

● به دلیل خشونت گسترده علیه زنان در اجرای «طرح سراسری نور» دولت و دفتر علی خامنه‌ای تلاش کردند این طرح را به گردن نگیرند و به نظر می‌رسد اختلافاتی میان سران ارشد حکومتی در اینباره ایجاد شده است.

موضوع «حجاب» بار دیگر موضوع خطبه‌های این هفته نماز جمعه شهرهای مختلف بود. در پی بروز اختلافاتی درباره اجرای «طرح نور» و سرکوب گسترده زنان، جمهوری اسلامی تلاش دارد با حفظ ظاهر، هماهنگی میان نهادها و ارگان‌های مختلف در اجرای این طرح را به نمایش بگذارد.

احمد خاتمی که امروز خطبه‌های نماز جمعه تهران را به عهده داشت درباره «حجاب» گفت: «به فضل خدا نظام اسلامی در مقابل بی‌حجابی خواهد ایستاد.»

احمد خاتمی افزوده که «حجاب از ضروریات دین است، ده آیه در قرآن در مورد حجاب آمده است و صدها روایت در اینباره وجود دارد، مقام معظم رهبری فرموده‌اند: بی‌حجابی هم خلاف شرع است و هم خلاف قانون و به فضل خدا نظام اسلامی در مقابل این ناهنجاری خواهد ایستاد، کسی را به زور بهشت نمی‌بریم، اما نظام در برابر ناهنجاری می‌ایستد و عقب‌نشینی هم ندارد.»

هاشم حسینی بوشهری امام جمعه قم نیز در خطبه‌های نماز جمعه امروز به موضوع «حجاب» پرداخته و از لزوم حمایت از نیروی انتظامی گفته «از نیروی انتظامی کشور و همه کسانی که زخم زبان‌ها را به جان خریدند و برای حفظ ارزش‌ها به میدان آمدند و از پای ننشستند تشکر می‌کنیم؛ باید از نیروی انتظامی در مبارزه با بی‌حجابی حمایت کنیم؛

طراحی و ساختن هواپیمای جت ۱۰۰ نفره به دستور رئیسی!



بازدید رئیسی از کارخانه هواپیماسازی هسا وابسته به وزارت دفاع در اصفهان / شهریور ۱۴۰۱

جت هم بسته شده است.

بیش از دو دهه است که مقامات ارشد جمهوری اسلامی به ویژه رؤسای دولت وعده طراحی و ساخت هواپیمای مسافربری می‌دهند اما تا کنون عملی نشده است. حالا رئیسی دستور ساختن «جت» داده است!

محمد محمدی بخش رئیس سازمان هواپیمایی جمهوری اسلامی ۱۸ مهرماه سال ۱۴۰۱ وعده داده بود، «نخستین هواپیمای ساخت داخل تا سه سال آینده وارد چرخه پروازی می‌شود».

ابراهیم رئیسی شهریور ۱۴۰۱ پس از بازدید از کارخانه هواپیماسازی «هسا» وابسته به وزارت دفاع در اصفهان قول ساخت هواپیمای ۷۲ نفره مسافربری را داد. همان مقطع ادعا شده بود که قرار است هشت فروند هواپیمای ۷۲ نفره تا زمان سفر بعدی هیأت دولت به اصفهان ساخته شود!

بزرگترین کارخانه‌های هواپیماسازی دنیا از جمله بوئینگ و ایرباس که با سرمایه‌گذاری‌های کلان و برنامه‌ریزی‌های بلندمدت به همراه شرکای خود در سراسر دنیا فعالیت می‌کنند، تأمین‌کننده قوی‌ترین ناوگان‌های هواپیمایی منطقه از جمله امارات، قطر، و ترکیه هستند اما ناوگان هواپیمایی جمهوری اسلامی به دلیل تحریم‌های بین‌المللی فرسوده است و ده‌ها فروند هواپیمای به علت تأمین قطعات ضروری زمینگیر شده‌اند. این در شرایطی است که برخی مقامات حکومتی مدعی «خودکفایی ایران در ساخت قطعات هواپیمای مسافربری» هستند.

اسلامی دانش‌آموزان اشاره کرده و گفته «باید از تشکلهای دانش‌آموزی همچون اتحادیه انجمن‌های اسلامی تشکر کنیم؛ در حالی که امروز همه همه‌ها بر روی دختران عزیز ایران ماست؛ این تشکلهای پای کار آمدند. اگر ما وظایف خود را به خوبی انجام ندهیم؛ جامعه ایرانی به همان سرنوشت بی‌عفتی و بی‌حیایی دچار می‌شود که برخی از جوامع مسلمان امروز به آن دچار شدند».

● روح‌الله دهقانی فیروزآبادی معاون علمی و فناوری رئیس جمهوری اسلامی می‌گوید ابراهیم رئیسی کارگروه تخصصی برای طراحی و ساخت هواپیمای جت ۱۰۰ نفره تشکیل داده است.

● وی روز چهارشنبه ۱۲ اردیبهشت‌ماه در حاشیه جلسه هیات دولت توضیح داد، مسئولانی از وزارت دفاع، صمت، راه و شهرسازی، سازمان هواپیمایی و ایرلاین‌های معتبر در این جلسات شرکت کرده‌اند و پیش‌قراردادهای ۱۰ تا ۱۲ جت هم بسته شده است.

● رئیسی شهریور ۱۴۰۱ پس از بازدید از کارخانه هواپیماسازی «هسا» وابسته به وزارت دفاع در اصفهان قول ساخت هواپیمای ۷۲ نفره مسافربری را دارد. همان مقطع ادعا شده بود که قرار است هشت فروند هواپیمای ۷۲ نفره تا زمان سفر بعدی هیأت دولت به اصفهان ساخته شود! اما هنوز خبری نشده و حالا رئیسی دستور ساختن «جت» داده است!

روح‌الله دهقانی فیروزآبادی معاون علمی و فناوری رئیس جمهوری اسلامی می‌گوید ابراهیم رئیسی کارگروه تخصصی برای طراحی و ساخت هواپیمای جت ۱۰۰ نفره تشکیل داده است.

وی روز چهارشنبه ۱۲ اردیبهشت‌ماه در حاشیه جلسه هیات دولت توضیح داد، مسئولانی از وزارت دفاع، صمت، راه و شهرسازی، سازمان هواپیمایی و ایرلاین‌های معتبر در این جلسات شرکت کرده‌اند و پیش‌قراردادهای ۱۰ تا ۱۲

کنار آن هم ۱۶ طرح عفاف و حجاب در مدارس در حال اجرا است».

معاون وزیر آموزش و پرورش از طرحی با عنوان «دختر ایرانی» خبر داده که به گفته او این طرح بر اساس روایتگری است؛ «روایتی که بیان می‌کند اسلام چگونه به دختر نگاه می‌کند و چه جایگاهی برای او در نظر می‌گیرد».

محمد حسین پورنثانی به نقش ایدئولوژیک انجمن

گذشته، در جلسه مشترک بنده با رئیس‌جمهور تاکید شد که نمی‌شود مقوله عفاف و حجاب را رها کرد؛ فلذا در بهمن و اسفند ۱۴۰۲، جلساتی برگزار شد و از فراجا و برخی نهادهای دیگر و چندین وزارتخانه دعوت کردیم».

او گفته در آن جلسات «تاکید شد دشمن در حال تحریکات و تحرکات و پشتیبانی‌هایی در قضیه ترویج ناهنجاری اجتماعی و فرهنگی در حوزه عفاف و حجاب است؛ لذا باید سازوکاری منسجم و مدون برای شناسایی و برخورد با عوامل دشمن در این قضیه تدوین و تمهید شود».

رئیس قوه قضاییه افزوده که در آن جلسات و مباحث، تاکید شد که همه دستگاه‌های ذی‌ربط در قضیه عفاف و حجاب از جمله دستگاه‌های فرهنگی و تبلیغاتی، حوزه‌ها و مروجین و مبلغین دینی، دانشگاه‌ها، آموزش و پرورش و غیره فعال شوند. در همین راستا از فراجا نیز خواسته شد و خطاب به او تاکید شد که در این قضیه به میدان بیاید؛ حُب آیا اکنون می‌توان خود را کنار بکشیم و اصطلاحاً به تعبیر عامیانه بگوییم «کی بود کی بود؛ من نبودم»؟!

در این میان سردار احمدرضا رادان فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی هم گفته شهادت می‌دهم که رئیس قوه قضاییه در حمایت از طرح حجاب و عفاف مردانه کنار ما بوده و رئیس‌جمهور از ما حمایت کرده است.

فرمانده نیروی انتظامی گفته «رئیس قوه قضاییه در حمایت از طرح عفاف و حجاب در کنار ما قرار گرفته است، شهادت می‌دهم رئیس‌جمهور برای برگزاری این مراسم از ما حمایت کرده؛ معمولاً هیچ رئیس‌جمهوری از این کارها نمی‌کند چون اعتقاد دارد می‌بایست کاری بکند که رای داشته باشد حتی اگر رای‌اش ضربه به دین بزند اما رئیس‌جمهور ایستاده تا حیا، دین و عفت در جامعه جاری شود».

در حالیکه بازداشت و تشکیل پرونده قضایی برای زنان از بخش‌های برجسته «طرح سراسری نور» است و حتی دادستان کل کشور خواستار صدور احکام تنبیهی علیه زنان شده اما سردار رادان مدعی شده است طرح فرهنگی و اجتماعی است!

او گفته «موضوع حفاف و حجاب را کاملاً فرهنگی و اجتماعی می‌بینیم اصلاً امنیتی و انتظامی نمی‌بینیم آن کسی که این شبهه را می‌آورد می‌خواهد مردم را در برابر واژه‌ای قرار دهد که از اساس غلط و بی خود است».

جمهوری اسلامی همچنین جنبه‌های امنیتی به موضوع برخورد با پوشش اختیاری را نیز داده و استفاده زنان کشور از پوشش اختیاری را پروژه‌هایی از سوی «دشمن»، «سرویس‌های اطلاعاتی غرب» و «سازمان‌های معاند» خوانده است.

هفته گذشته نیز نشستی از سوی شماری از اصولگرایان تندرو از جمله صادق کوشکی، مهدی جمشیدی، مؤمن‌نسب و کامران غضنفری که مدت‌هاست خواستار برخورد شدید با زنان دارای پوشش اختیاری بودند با موضوع «عقب‌نشینی ممنوع» برگزار شد.

در پوستر این برنامه به وضوح اعلام شده بود که «لایحه فعلی حجاب، رسمیت‌بخشی به حجاب غیرشرعی و بازگشت به دوران تاریک پهلوی است».

اینهمه در حالیست که تحمیل حجاب اجباری و مبانی ایدئولوژیک حکومت به جامعه تنها در خیابان‌ها رخ نمی‌دهد و هم‌زمان طرح‌های دیگری نیز به طور موازی در حال اجرا است؛ از جمله در مدارس دخترانه!

محمد حسین پورنثانی معاون وزیر آموزش و پرورش هم از اجرای ۱۶ طرح عفاف و حجاب در مدارس کشور خبر داده و گفته «در ۶۰۰ هزار مدرسه دخترانه باید این وظیفه روایتگری پیشرفت ایران و دختر ایرانی را انجام دهیم. در

نان قرض دادن نمایندگان مجلس و فرمانده نیروی انتظامی به یکدیگر برای «سرکوب زنان ایران»!



گشت ارشاد

بتوانند بخشی از پایگاه اجتماعی بر باد رفته خود را بازیابند. روزنامه اصولگرای «جوان» در سرمقاله امروز خود به اصلاح‌طلبان حمله کرده و نوشته «آنچه اجرای طرح مقابله با موج شیخون فرهنگی بر بستر کشف حجاب را با مشکل مواجه ساخته است نه قدرت رسانه‌های دشمن بلکه عوام‌فریبی برخی جریان‌های غربگرا و فرصت‌طلب داخلی است که بقای خود را در حاشیه‌سازی و تهییج افکار عمومی با هدف فشار از سوی مردم و چانه‌زنی و امتیازگیری از نظام تعریف کرده‌اند.»

در حالیکه بارها مقامات حکومتی عنوان کرده‌اند بر اساس قوانین جمهوری اسلامی حتی زنان غیرمسلمان هم در ایران ناچار به رعایت حجاب اسلامی هستند اما همزمان با سرکوب گسترده زنان در خیابان طی روزهای گذشته، ششمین دوره نمایشگاه ایران اکسپو در تهران برگزار شده و زنان زیادی در غرفه‌های غیر ایرانی این نمایشگاه بدون رعایت حجاب اجباری حضور دارند.

در همین رابطه روزنامه «جمهوری اسلامی» نوشته «این روزها نمایشگاه ایران اکسپو در تهران با حضور تاجران ایرانی و خارجی در حال برگزاری است و دیده شده است برخی تاجران خارجی با پوشش‌های مورد نظر خود در این نمایشگاه حضور پیدا می‌کنند.»

در ادامه آمده «نکته قابل توجه این نمایشگاه، عدم فعالیت گشت ارشاد در این محیط است که به نظر می‌رسد علت آن حضور تاجران خارجی است. مشخص نیست اگر قصد برخورد قانونی با کشف حجاب وجود دارد، چرا گشت ارشاد در این مکان حضور ندارد؟»

این روزنامه تأکید کرده که «آیا جذب سرمایه و مصلحت‌اندیشی از رعایت قانون مهم‌تر است؟ یا اینکه خدای نکرده قرار است مسئولین تفاوتی بین بانوان ایرانی و خارجی قائل شوند؟»

مدعی شده «جنگ حجاب، جنگ رسانه است» و گفته «جاهایی بوده که طرح نور اجرا شده و مأمور، خیلی خوب هم بوده است» و «طرح نور از طرح‌هایی است که وضع حجاب را یک مقدار بهتر کرده است.»

منتقدان حکومتی اما نسبت به این شیوه برخورد با زنانی که از پوشش اختیاری استفاده می‌کنند انتقاد داشته و معتقدند این روش سبب ایجاد دو قطبی و ناراضی‌بیشتر در جامعه شده و حکومت را با دردسرهایی از جمله با خطر ایجاد اعتراضات سراسری روبرو می‌کند.

در همین‌باره احمد علی‌رضاییگی نماینده مجلس شورای اسلامی گفته «دوقطبی‌سازی حجاب که شاهد آن هستیم کاری است که دولت سبب آن شده است.»

او افزوده که «تجربه گذشته ما در برخورد با افرادی که حجاب را رعایت نمی‌کردند تجربه‌ای به طول چند دهه است که عملاً نتوانستیم از این مسیر پاسخ خوبی دریافت کنیم. به نظر من لایحه عفاف و حجاب هم در حال نهایی شدن است چون نگاهش به موضوع جرم‌انگارانه است طبیعتاً نخواهد توانست توفیق خاصی را به دست آورند.»

این نماینده مجلس شورای اسلامی تأکید کرده که «موضوعات زیادی باعث بی‌اعتمادی و رخت بستن امید در بین مردم شده است و متأسفانه امکان ابراز مخالفت برای خیلی‌ها وجود ندارد. حال کارکرد وزارت کشور، حجاب را به یک وسیله‌ای تبدیل کرده است که عده‌ای می‌خواهند با بی‌حجابی و بدحجابی ابراز مخالفت و لجاجت نسبت به رویه‌های دیگر داشته باشند.»

از سوی دیگر جناح اصولگرا و اصلاح‌طلب نیز موضوع حجاب را به عاملی برای رقابت تبدیل کرده‌اند. در حالیکه نخستین طرح حجاب و عفاف در دولت محمد خاتمی تصویب شده اما اصلاح‌طلبان این روزها خود را مخالف تحمیل حجاب و همراه با جامعه نشان می‌دهند تا شاید

● در بیانیه ۱۶۰ نماینده مجلس شورای اسلامی آمده که آنها «از مجاهدت‌های فرماندهی محترم فراجا و نیروهای تحت امر در انجام مأموریت‌ها به ویژه حفظ و گسترش فرهنگ عفاف و حجاب و سام‌سازی محیط‌های اجتماعی» عمیقاً تقدیر و تشکر می‌کنند.

● فرمانده انتظامی قم: فرزندان ملت در نیروی انتظامی با طرح نور در صحنه حاضر هستند تا نگذارند در حوزه حجاب، جوانان دوستدار اسلام و قرآن تحت الشعاع القایات دشمن قرار گیرند.

● احمد علی‌رضاییگی نماینده مجلس: تجربه گذشته ما در برخورد با افرادی که حجاب را رعایت نمی‌کردند تجربه‌ای به طول چند دهه است که عملاً نتوانستیم از این مسیر پاسخ خوبی دریافت کنیم.

در ادامه سرکوب زنان در خیابان‌های ایران به بهانه «حجاب» ۱۶۰ نماینده مجلس شورای اسلامی در بیانیه‌ای با «تقدیر از طرح جدید گشت ارشاد» خواستار حمایت مقامات دولتی و قضایی از فرماندهی انتظامی شدند.

در بیانیه‌ای که روز یکشنبه نهم اردیبهشت از سوی ۱۶۰ نماینده مجلس شورای اسلامی امضا شد آمده که آنها «از مجاهدت‌های فرماندهی محترم فراجا و نیروهای تحت امر در انجام مأموریت‌ها به ویژه حفظ و گسترش فرهنگ عفاف و حجاب و سام‌سازی محیط‌های اجتماعی» عمیقاً تقدیر و تشکر می‌کنند.

این بیانیه افزوده بود که «انتظار می‌رود اکنون که فراجا با دغدغه‌مندی در این مسیر گام برداشته است ضمن توجه به ادامه مسیر اصلاح در اقدامات اجرایی با حفظ کرامت زنان، با ایجاد ظرفیت‌های لازم، اقدامات خود را منطبق بر شرع مقدس و قانون و محیط مؤمنانه پیش برده و ضمن تجلیل از نیروهای دلسوز تحت امر اقدامات خلاف ضوابط را نیز متذکر شده و اصلاح کند.»

در مقابل احمدرضا رادان فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی در پیامی از نمایندگان مجلس برای «صدور بیانیه حمایت از اجرای طرح عفاف و حجاب» تشکر کرده است. اجرای «طرح سراسری نور» برای سرکوب زنانی که از حجاب اختیاری استفاده می‌کنند به نیمه‌ی هفته سوم رسیده و به نظر می‌رسد خشونت گسترده علیه زنان از سوی مأموران نیروی انتظامی و «آتش به اختیاران» سبب انتقاد برخی مقامات حکومت شده است. همین موضوع موجی از حمایت و تشویق از نیروی انتظامی را از سوی برخی دیگر از حکومتی‌ها در پی داشته است.

محمدرضا میرحیدری فرمانده انتظامی قم نیز با بیان اینکه «نیروی انتظامی برای حفظ اسلام جان خود را برکف دست گرفته»، گفته «فرزندان ملت در نیروی انتظامی با طرح نور در صحنه حاضر هستند تا نگذارند در حوزه حجاب، جوانان دوستدار اسلام و قرآن تحت الشعاع القایات دشمن قرار گیرند.»

حسین نوری همدانی مرجع تقلید، هم «طرح نیروی انتظامی برای مقابله با بی‌حجابی را ضروری دانست» و گفت: «ما نگران اقتصاد و معیشت مردم هستیم و به همان ترتیب هم درباره حجاب به شدت حساسیم» و «نباید از جلوگیری منکر بزرگ بی‌حجابی دست برداشت.»
طهورا نوروزی، مدیر عامل «بنیاد عفاف و حجاب» هم

تحریم ۲۵ نهاد و فرد آمریکایی و انگلیسی توسط جمهوری اسلامی به اتهام «نقض حقوق بشر» و حمایت از اسرائیل!



خط تولید جنگنده‌های F-35 در کارخانه لاکهید مارتین (تگزاس)

فرماندهی استراتژیک ارتش بریتانیا، شارون نسیمت معاون ستاد کل نیروهای مسلح، پائول رایموند گریفیتس دستیار ستاد کل نیروهای مسلح، آدریان برد مدیر اطلاعات دفاعی وزارت دفاع بریتانیا، ریچارد کمب فرمانده ناو ریچموند نیروی دریایی بریتانیا در دریای سرخ، سیمون کلاک فرمانده پایگاه هوایی آکروتیری بریتانیا در قبرس و پیتر ایوانس فرمانده ناو دیاموند نیروی دریایی بریتانیا در دریای سرخ در فهرست تحریم‌های جمهوری اسلامی قرار گرفتند.

این افراد و نهادها متهم به «اعمال تروریستی»، «نقض سازمان یافته (سیستماتیک) حقوق بشر، جنگ افروزی، استفاده از تسلیحات سنگین و سلاح‌های ممنوعه علیه غیر نظامیان، محاصره انسانی، آواره کردن مردم فلسطین، شهرک‌سازی غیرقانونی و ادامه اشغال سرزمین فلسطین شدند.

تحریم این افراد شامل «ممنوعیت صدور روادید و عدم امکان ورود به قلمرو جمهوری اسلامی ایران» و «مسدود شدن حساب‌های بانکی در نظام مالی و بانکی و توقیف اموال و دارایی در قلمرو تحت صلاحیت جمهوری اسلامی» خواهد بود.

شمار زیادی از فرماندهان بریتانیایی که نام آنها در فهرست تحریم‌های جمهوری اسلامی قرار داده شده مأموریت‌شان مقابل با حملات حوثی‌ها به کشتی‌های تجاری در دریای سرخ و باب‌المندب است.

اینکه برای وزیر دفاع بریتانیا یا فرماندهان ارتش ارتش انگلیس ویزا صادر نمی‌شود یا اموال آنها در ایران و «در قلمرو تحت صلاحیت جمهوری اسلامی» توقیف می‌شود بجای آنکه یک اقدام جدی باشد یک نمایش کم‌دی از سر استیصال است که بیشتر سبب تمسخر می‌شود تا تحریم!

همکاری با اسرائیل در استخراج چاه‌های گاز واقع در شرق مدیترانه و بهره‌برداری اسرائیل از منابع مالی حاصل از آن، شرکت اطلاعاتی خارون (Kharon Com-pany) به دلیل نقش آن در تحریم وزارت خزانه‌داری آمریکا علیه حماس و تلاش جهت قطع دسترسی حماس و جهاد اسلامی به شبکه انتقال ارز کریپتو به بهانه پولشویی تحریم شدند.

همچنین، جیسون گرینبلات مشاور ارشد دونالد ترامپ رئیس‌جمهور پیشین آمریکا، مایکل روبین تحلیلگر سیاسی عضو اندیشکده امریکن اینترپرایز (به دلیل حمایت از تداوم حمله به حماس تا نابودی کامل این گروه و حذف آن در غزه)، جیسون برادسکی مدیر اجرایی گروه «اتحاد علیه ایران هسته‌ای» به دلیل طرح ایده‌های ضد فلسطینی و انتشار گزارش غیرواقعی در مورد جمهوری اسلامی در عملیات «طوفان الاقصی»، کلیفورد می‌رئیس «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها»، ژنرال برایان فنتون فرمانده نیروهای عملیات ویژه ارتش آمریکا (به دلیل کمک اطلاعاتی و امنیتی به اسرائیل)، براد کوپر فرمانده ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا و گرگ هایز مدیرعامل شرکت تسلیحاتی RTX را تحریم کردند.

تحریم‌ها نهادها و اشخاص بریتانیا

همچنین ۱۳ فرد و نهاد انگلیسی نیز به دلیل آنچه «اقدامات عامدانه در حمایت و تسهیل اقدامات اسرائیل» خوانده شد در فهرست تحریم‌های جمهوری اسلامی قرار گرفتند.

پایگاه هوایی آکروتیری پادشاهی بریتانیا در قبرس، ناو «دیاموند» نیروی دریایی انگلیس در دریای سرخ، شرکت «الیت سیستم»، «مگیت پارکر»، شرکت «رافائل»، گرت شاپس وزیر دفاع انگلیس، جیمز هاکنهایل فرمانده

● جمهوری اسلامی در اقدامی مضحک و خنده‌دار ولی ظاهراً به زعم خودش متقابل، هفت شخص و پنج نهاد آمریکایی را به دلیل «حمایت و تأمین مالی رژیم صهیونیستی در ارتکاب اقدامات تروریستی و ترویج و حمایت از تروریسم و نقض فاحش حقوق بشری در جنگ علیه مردم فلسطین به ویژه مردم غزه» تحریم کرد.

● غول‌های بزرگ صنایع نظامی از جمله شرکت لاکهید مارتین، جنرال داینامیک و الیت در فهرست تحریم‌های جمهوری اسلامی قرار گرفتند!

● این تحریم‌ها شامل چند نویسنده و تحلیلگر و پژوهشگر سیاسی از جمله جیسون گرینبلات مشاور ارشد دونالد ترامپ، مایکل روبین تحلیلگر سیاسی عضو اندیشکده امریکن اینترپرایز، جیسون برادسکی مدیر اجرایی گروه «اتحاد علیه ایران هسته‌ای» و کلیفورد می‌رئیس «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» نیز می‌شود.

● شرکت اطلاعاتی «خارون» به دلیل نقش آن در تحریم حماس و تلاش جهت قطع دسترسی حماس و جهاد اسلامی به شبکه انتقال ارز کریپتو و جلوگیری از «پولشویی» تحریم شده است.

● همچنین ۱۳ فرد و نهاد انگلیسی نیز به دلیل آنچه «اقدامات عامدانه در حمایت و تسهیل اقدامات اسرائیل» خوانده شد در فهرست تحریم‌های جمهوری اسلامی قرار گرفتند.

● علاوه بر گرت شاپس وزیر دفاع انگلیس چند مقام بلندپایه ارتش بریتانیا نیز در فهرست تحریم‌های جمهوری اسلامی قرار گرفته‌اند.

● تحریم این افراد شامل «ممنوعیت صدور روادید و عدم امکان ورود به قلمرو جمهوری اسلامی ایران» و «مسدود شدن حساب‌های بانکی در نظام مالی و بانکی و توقیف اموال و دارایی در قلمرو تحت صلاحیت جمهوری اسلامی» است!

● اینکه برای وزیر دفاع بریتانیا یا فرماندهان ارتش ارتش انگلیس ویزا صادر نمی‌شود یا اموال آنها در ایران و «در قلمرو تحت صلاحیت جمهوری اسلامی» توقیف می‌شود بجای آنکه یک اقدام جدی باشد یک نمایش کم‌دی از سر استیصال است که بیشتر سبب تمسخر می‌شود تا تحریم!

● جمهوری اسلامی در اقدامی مضحک و خنده‌دار ولی ظاهراً به زعم خودش متقابل، روز پنجشنبه ۱۳ اریبهشت‌ماه هفت شخص و پنج نهاد آمریکایی را به دلیل «حمایت و تأمین مالی رژیم صهیونیستی در ارتکاب اقدامات تروریستی و ترویج و حمایت از تروریسم و نقض فاحش حقوق بشری در جنگ علیه مردم فلسطین به ویژه مردم غزه» تحریم کرد.

طبق اعلام وزارت خارجه جمهوری اسلامی، شرکت تسلیحاتی لاکهید مارتین به دلیل اسال تسلیحات به اسرائیل، شرکت جنرال داینامیک به دلیل تهیه گلوله‌های ۱۵۵ میلی‌متری برای اسرائیل، شرکت اسکایدیو (Skydio) به دلیل ارسال پهپاد به اسرائیل، شرکت شورون (Chevron Corporation) به دلیل

گزارش‌ها در مورد ترور «رامین یکتاپرست» از عوامل سپاه پاسداران در داخل ایران



رامین یکتاپرست

● رسانه‌های اسرائیلی به نقل از خبرنگار شبکه «ایران اینترنشنال» گزارش دادند که اسرائیل یکی از نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را که گفته می‌شود در هدف قرار دادن یهودیان در آلمان دست داشت، ترور کرده‌اند.

رسانه‌های اسرائیلی به نقل از خبرنگار شبکه «ایران اینترنشنال» گزارش دادند که اسرائیل یکی از نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را که گفته می‌شود در هدف قرار دادن یهودیان در آلمان دست داشت، ترور کرده‌اند.

پوریا زراعتی مجری شبکه «ایران اینترنشنال» دوشنبه دهم اردیبهشت به نقل از «برخی منابع» مدعی شد، وی در داخل ایران به ضرب چند گلوله کشته شده است.

برخی منابع غیررسمی می‌گویند این فرد «رامین یکتاپرست» بود که «بابک ج.» را اجیر کرد تا کنسبه یهودیان در منطقه «رور» واقع در غرب آلمان (اسن) را به آتش بکشد. بابک که شهروند دوتابعیتی آلمان است ۲۷ آبان ۱۴۰۱ به دلیل پرتاب کوکتل مولوتوف به مدرسه‌ای در کنار کنسبه یهودیان در شهر بوخوم آلمان دستگیر شد. او توسط یکی از اقوام نزدیکش لو رفته بود. روزنامه «واشنگتن پست» اواسط اسفند ۱۴۰۱ به نقل از چند مقام امنیتی آلمان گزارش داد فردی به نام رامین یکتاپرست از رهبران گروه موتورسیکلت‌سواری «فرشته‌های جهنم» مظنون اصلی سازماندهی حمله به مرکز فرهنگی یهودیان در اسن آلمان بود. یکتاپرست مدتی مدیر یک روسپی‌خانه در شهر لورکوزن بود و منابع امنیتی گفته بودند او به دلیل آشنایی با باندهای تبهکار در آلمان از طرف سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مأمور این عملیات شد.

یکتاپرست پس از این اتفاقات در حالی که تحت تعقیب پلیس آلمان بود به ایران فرار کرد. وزارت خارجه آلمان طی یک سال و نیم اخیر در چند نوبت کاردار سفارت جمهوری اسلامی در برلین را برای توضیح در مورد نقش حکومت ایران در اقدام علیه یهودیان آلمان احضار کرده است.

ترور عوامل جمهوری اسلامی توسط اسرائیل در داخل خاک ایران دارای پیشینه است اما معمولاً در مورد آن سکوت می‌کنند. خبر ترور یکتاپرست در چند رسانه داخل ایران نیز بازتاب پیدا کرد.

برخی منابع می‌گویند او در شلیک چهار گلوله به یک خاخام یهودی در نوامبر ۲۰۲۲ در شهر اسن نقش داشته است. گفته می‌شود رامین یکتاپرست در تهران هدف حمله قرار گرفته اما تأیید یا رد این خبرها بصورت مستقل ممکن نیست.

حمایت مکارم شیرازی از رادان برای سرکوب زنان: «سست نشوید و محکم ادامه دهید!»



دیدار احمدرضا رادان با مکارم شیرازی در قم / مهرماه ۱۴۰۲

۲۵ فروردین‌ماه نیروی انتظامی با همکاری سپاه، بسیج و شهرداری‌ها وارد عمل شد و مرحله جدیدی از برخوردهای توهین‌آمیز و فیزیکی را علیه زنان آغاز کردند.

احمدرضا رادان که نامش در فهرست ناقضان حقوق بشر قرار دارد، در یک سخنرانی ضمن حمایت از برخوردهای مأموران با زنان و دختران به بهانه حجاب گفت، «چشم مردم وقتی به بی‌حیایی عادت کند، آرام آرام غیرت گرفته می‌شود، محیط برای فرد بیننده عادی می‌شود وقتی محیط برای مردان و زنان با غیرت ما عادی شد یعنی یک ارزش شکل می‌گیرد در جایی که بی‌ارزش‌ترین، ارزش‌ها از منظر دین و قرآن و اسلام است.»

وی با اشاره به اینکه نیروی انتظامی خواسته خامنه‌ای را اجرا می‌کند هشدار داد، «دشمنان تلاش دارند دو بال از ما گرفته بشود؛ اولین بال، بال حیا و عفت است و دومین بال، بال غیرت است!»

رفتار توهین‌آمیز و برخوردهای فیزیکی عوامل حکومت با زنان، واکنش‌های زیادی به همراه داشته است. در همین ارتباط شاهزاده رضا پهلوی دور جدید لشکرکشی اوباش رژیم را ناشی از «هراس، درماندگی و شکنندگی روزافزون این رژیم در سطح داخلی و بین‌المللی» دانست و عامل آن را شکست در «سیرک انتخابات»، «افتضاح موشک‌پرانی ناموفق به اسرائیل»، «نا توانی در دفاع از حریم هوایی کشور» و فلاکت اقتصادی ناشی از فساد و بی‌کفایتی دانست.

وی در پیامی کم‌سابقه خطاب به «مردان میهن» نوشت، «امروز بیش از هر زمان دیگری در کنار خواهران و مادران و دختران و همسران و همه زنان ایران بایستید و از آنان دفاع کنید. آنکه در این تجاوز سازمانیافته، زنان ایران را می‌آزارد دشمن است: دشمن شما و دشمن ایران. دفاع از زنان میهن‌مان یک وظیفه انسانی و ملی‌ست. در این مسیر، آنها که به دفاع از زنان ایران برمی‌خیزند، یا جای پای سلسله بلندی از جاویدان‌مان در درازنای تاریخ پرشکوه‌مان می‌گذارند؛ دلاورانی که در برابر متجاوزان ایستادند، گارد جاویدان ایران بودند تا خاک و نام ایران جاویدان بماند.»

با اینهمه حتا در داخل حکومت برخی افراد نسبت به برخورد با زنان و «دوقطبی شدن» فضای جامعه هشدار می‌دهند. هرچند فعلاً گوش شنوایی برای آن نیست اما حمایت روحانیون از سرکوب‌ها خشم و انزجار مردم را علیه آنها افزایش داده است.

● رفتارهای توهین‌آمیز و برخوردهای فیزیکی مأموران حکومت با زنان و دختران به بهانه حجاب بر اساس طرحی که نام بی‌مسئمی «نور» را بر آن گذاشته‌اند همچنان ادامه دارد.

● مکارم شیرازی از مراجع تقلید بلندپایه قم از مجریان سرکوبگر «طرح نور» تشکر کرد و در پیامی خطاب به پاسدار رادان گفت، «با قوت این برنامه را ادامه دهید! حاشیه‌سازی نشود و احترامات رعایت شود؛ سست نشوید و محکم ادامه دهید!» وی تأکید کرد برای «موفقیت نیروی انتظامی» دعا می‌کند.

● طلاب قم روز جمعه هفتم اردیبهشت ۱۴۰۳ با عمامه و یونیفرم نظامی در حرم تجمع کردند تا حمایت خود را از برخورد نیروی انتظامی علیه زنان و دختران ایران نشان دهند. ناصر مکارم شیرازی از مراجع تقلید قم در پیامی به احمدرضا رادان فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی (فراجا) از سرکوب زنان و دختران در ایران به بهانه حجاب حمایت کرده است.

همزمان با اجرای «طرح نور»، حکومت روز جمعه هفتم اردیبهشت‌ماه شماری از هواداران خود را به همراه ده‌ها نفر از اتباع افغانستان در قم بسیج کرد تا از برخورد مأموران «گشت ارشاد» با زنان و دختران به بهانه حجاب حمایت کنند. در همان روز، پاسدار رادان با شماری از مدیران استانی و مدیران حوزه علمیه دیدار کرد و به تشریح جزئیات اجرای «طرح نور» پرداخت.

یکی از افرادی که در این دیدار حضور داشت محی‌الدین مکارم شیرازی فرزند ناصر مکارم شیرازی بود که از طرف پدرش حامل پیامی برای فرمانده نیروی انتظامی بود.

وی «سلام» پدرش را به رادان رساند و گفت، «سربازی حضرت ولیعصر ارواحنا فداه مخصوص ملبسین به لباس روحانیت نیست و افراد دیگری مانند سردار رادان شایستگی این مقام را دارند.» طبق این پیام مکارم شیرازی از طرحی که نام بی‌مسئمی «نور» را بر آن گذاشته‌اند، حمایت کرده و خواسته «با قوت» این برنامه را ادامه دهند. وی تأکید کرد، «حاشیه‌سازی نشود و احترامات رعایت شود، سست نشوید و محکم ادامه دهید!» وی همچنین گفته «برای موفقیت نیروی انتظامی» دعا می‌کند.

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی چهارشنبه ۲۲ فروردین ۱۴۰۳ در خطبه‌های نماز «عید فطر» دستور برخورد با «هنجارشکنی دینی» را صادر کرد. پس از آن از

حکم اعدام بابک زنجانی با موافقت علی خامنه‌ای لغو شد



بابک زنجانی

زنجانی دو میلیارد دلار از درآمد حاصل از فروش نفت را به این وزارتخانه باز نگردانده است.

بابک زنجانی چند ماه بعد و در نهم دی‌ماه سال ۱۳۹۲ به اتهام اختلاس و کلاهبرداری از دولت و وزارت نفت بازداشت، و رقم بدهی او حدود ۲ میلیارد و ۸۰۰ میلیون اعلام شد.

یک سال پیش از دستگیری بابک زنجانی، اتحادیه اروپا او را به دلیل «کمک به دور زدن تحریم‌ها و داشتن نقش کلیدی در تجارت نفت تحریمی ایران و انتقال پول مربوط به فروش نفت به جمهوری اسلامی» تحریم کرده بود. پس از آن ایالات متحده آمریکا نیز نام او را به فهرست افراد ناقض تحریم‌های جمهوری اسلامی افزوده بود.

غلامحسین محسنی اژه‌ای که آن زمان سخنگوی وقت قوه قضائیه بود اسفند ۱۳۹۴ اعلام کرد که دادگاه بدوی بابک زنجانی و دو متهم دیگر این پرونده را به اعدام محکوم کرده است. همچنین این سه متهم به رد مال مربوط به شرکت ملی نفت و جزای نقدی معادل یک چهارم پولشویی نیز محکوم شده‌اند. اتهامات بابک زنجانی فساد فی‌الارض، اختلال در نظام اقتصادی کشور، کلاهبرداری گسترده از شرکت ملی نفت و پول‌شویی اعلام شده بود.

احمد مرتضوی مقدم رئیس دیوان عالی کشور تیرماه ۱۴۰۰ در یک برنامه تلویزیونی در صداوسیما جمهوری اسلامی اعلام کرده بود که اگر بابک زنجانی همکاری کند و اموال را برگرداند، احتمال دارد «مورد عفو و تخفیف قرار گیرد».

رئیس دیوان عالی کشور با اشاره به اینکه حکم اعدام بابک زنجانی تیرماه سال ۹۵ صادر شده، گفته بود که این حکم «قطعی» بوده اما در اجرای آن «مسائلی هست که باید مصالح کشور را در نظر بگیریم!»

پرونده بابک زنجانی یکی از پیچیده‌ترین و غیرشفاف‌ترین پرونده‌های اختلاس و فساد در ایران بوده است. امیرعباس سلطانی، نماینده مجلس و عضو کمیته پیگیری پرونده «بابک زنجانی» چندین ماه بعد از بازداشت او در مهر ۱۳۹۳ به رسانه‌ها گفت که بسیاری از مقامات بلندپایه دولت احمدی‌نژاد از جمله چند وزیر ازجمله وزیر دارایی، رئیس بانک مرکزی و وزیر نفت در تخلفات وی سهیم بوده‌اند.

او روابط گسترده‌ای با شخصیت‌های حکومتی و هنرمندان و ورزشکاران داشته و به نظر می‌رسد همچنان آنقدر صاحب نفوذ است که روند پرونده‌ای که یک دهه پیش تشکیل و در آن به اعدام محکوم شده بود را تغییر دهد.

روز گذشته حجت الاسلام و المسلمین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضائیه درباره شناسایی اموال بابک زنجانی در خارج و انتقال آن به تهران تأکید می‌گردد که اموال بازگردانده شده این فرد، دارایی‌های ارزی است و تماما به خزانه بانک مرکزی منتقل شد.»

همزمان با اعلام خبر بازگردانده شدن اموال بابک زنجانی، وکیل او خواستار عفو و آزادی این متهم به فساد کلان اقتصادی شده است. رسول کوهپایه‌زاده وکیل بابک زنجانی با تأکید بر اینکه موکلش، بابک زنجانی از ابتدا هم تمایل داشته که بدهی خود را به دولت پرداخت کند، گفته مطابق دادنامه قطعی صادره از سوی دیوان عالی کشور موکلش امکان استفاده از ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی و درخواست عفو و بخشش را دارد.

وکیل بابک زنجانی تأکید کرده که او بیش از رقم بدهی به دولت پرداخت کرده است: «نه تنها کلیه دیون و بدهی موکل بدین ترتیب تسویه و پرداخت گردید بلکه با توجه به اینکه قبلاً اموال ایشان در ایران به شرکت نفت منتقل شده بود بیش از آنچه که در حکم به عنوان رد مال ذکر شده است از سوی موکل پرداخت گردیده است و کاری که انجام شد در شرایط بین‌المللی کار بزرگ و خطیری است.»

یکی از ابهامات درباره تسویه بدهی بابک زنجانی اینست که آیا نرخ ریالی این بدهی با قیمت دلار روز حساب شده است یا نه؟!

این موضوع اسفندماه گذشته مورد توجه روزنامه «اعتماد» قرار گرفت. «اعتماد» نوشته بود «مشخص نیست که آیا در جریان بازگشت دارایی‌های بابک زنجانی به کشور بدهی وی با تورم موجود همسان‌سازی شده است یا نه؟ چرا که با قیمت دلار ۳ هزار و ۵۰۰ تومان سال ۱۳۹۲، رقم بدهی زنجانی حدود ۹ هزار و ۸۰۰ میلیارد تومان می‌شد و با دلار بیش از ۵۰ هزار تومانی امروز، ۱۴۰ هزار میلیارد تومان می‌شود.»

بابک مرتضی زنجانی معروف به بابک زنجانی مالک مجموعه شرکت‌های «سورینت» شامل بیش از ۷۰ شرکت با ۲۲ میلیارد یورو سرمایه شرکت و مجموعه بانکی در کشورهای مختلف جهان، و از مهره‌های دور زدن تحریم‌های نفتی بوده است. بیژن نامدار زنگنه وزیر نفت دولت حسن روحانی شهریور سال ۱۳۹۲، و تنها چند هفته پس از آغاز بکار به عنوان وزیر نفت دولت یازدهم، اعلام کرد بابک

● سخنگوی قوه قضائیه: درخواست عفو بابک زنجانی از سوی دادگستری استان تهران مطرح و با تأیید رئیس قوه قضائیه و موافقت رهبر انقلاب حکم اعدام بابک زنجانی نقض و تبدیل به ۲۰ سال حبس شد.

● رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی آخر بهمن‌ماه گذشته اعلام کرده بود که «محموله از اموال شناسایی شده «بابک زنجانی» در خارج از کشور که به تهران منتقل شده است. ● بابک زنجانی دی‌ماه سال ۱۳۹۲ به اتهام اختلاس و کلاهبرداری از دولت و وزارت نفت بازداشت و در نهایت به اعدام محکوم، و رقم بدهی او حدود ۲ میلیارد و ۸۰۰ میلیون اعلام شد.

قوه قضائیه جمهوری اسلامی از لغو حکم اعدام بابک زنجانی از مفسدان اقتصادی که در دور زدن تحریم‌ها دست داشت خبر داد. رئیس قوه قضائیه بهمن‌ماه سال گذشته نیز از بازگشت اموال بابک زنجانی به ایران خبر داده بود.

سخنگوی قوه قضائیه اعلام کرد «درخواست عفو بابک زنجانی از سوی دادگستری استان تهران مطرح و با تأیید رئیس قوه قضائیه و موافقت رهبر انقلاب حکم اعدام بابک زنجانی نقض و تبدیل به ۲۰ سال حبس شد.»

اصغر جهانگیر سخنگوی جدید قوه قضائیه جمهوری اسلامی در نشست خبری امروز سه‌شنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۳ توضیح داده که «رای این پرونده در سال ۹۵ از شعبه ۲۸ دیوان عالی صادر شد و پیش‌بینی شده بود که در صورت استرداد اموال و جبران خسارت وارده و اظهار ندامت و توبه محکوم علیه می‌تواند استحقاق برخورداری از تخفیف و عفو شود.»

سخنگوی قوه قضائیه با اشاره به اینکه بابک زنجانی در طول دوره ۱۰ ساله زندان «همکاری‌هایی» داشته، گفته «اموال این فرد در خارج کشور شناسایی شد و با اعزام کارشناسان مربوطه ارزیابی‌ها انجام شد و پس از بازگشت اموال به کشور و با گزارش مقامات ذی صلاح در خصوص استرداد اموال درخواست عفو محکوم علیه بابک زنجانی توسط دادگستری مطرح شد و از ریاست قوه در اجرای دادنامه درخواست شد.»

او گفته در نهایت غلامحسین محسنی اژه‌ای و علی خامنه‌ای با لغو حکم اعدام بابک زنجانی موافقت کرده و حکم اعدام او تبدیل به حبس شده است.

غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی آخر بهمن‌ماه گذشته اعلام کرده بود که «محموله از اموال شناسایی شده «بابک زنجانی» در خارج از کشور که به تهران منتقل شده بنا بر کارشناسی‌های اولیه، تکافوی بدهی‌ها و خسارات نامبرده خواهد بود؛ حالا اگر اموال بازگشته قبلی را هم اضافه کنیم؛ اضافه می‌آید البته من تأکید کرده‌ام که باز هم کارشناسی در این خصوص صورت بگیرد.» محسنی اژه‌ای افزوده بود که اموال مصادره شده بابک زنجانی حتی بیش از بدهی او بوده است: «محموله از اموال شناسایی شده «بابک زنجانی» در خارج از کشور که به تهران منتقل شده بنا بر کارشناسی‌های اولیه، تکافوی بدهی‌ها و خسارات نامبرده خواهد بود؛ حالا اگر اموال بازگشته قبلی را هم اضافه کنیم؛ اضافه می‌آید البته من تأکید کرده‌ام که باز هم کارشناسی در این خصوص صورت بگیرد.»

محمدرضا فرزین رئیس‌کل بانک مرکزی نیز یک روز پس از اظهارات رئیس قوه قضائیه بازگشت بدهی ارزی بابک زنجانی به خزانه بانک مرکزی را تأیید کرد: «پیرو مصاحبه

شاهنامه فردوسی، خیال یا واقعیت؟

● دکتر امیرعباس ورشوی: محققان دو رویکرد به شاهنامه و اساطیر ایرانی داشته‌اند. یا آنها را مثنی دروغ و زاییده تخیلات ایرانی‌ها دانسته‌اند. یا اینکه بر این باور بوده‌اند که این اساطیر مربوط به دوره‌ای هستند که هخامنشیان امپراتوری خود را دیگر بنیان گذاشته‌اند و بر بابل هم مسلط شده‌اند. بر این مینا باید بگردیم و ببینیم که مثلاً فریدون، جمشید و تهمورث با کدام یک از پادشاهان هخامنشی مطابقت دارند.

● تا کنون شاهنامه‌پژوهان ما بیشتر شاهنامه می‌خواندند و نه باستان‌شناسی. باستان‌شناسان ما هم اغلب کاری با شاهنامه و اساطیر نداشتند. ما پژوهشی از این جنس را کمتر در فرهنگ شاهنامه‌پژوهی خودمان داشته‌ایم. من در اینجا باید اضافه کنم که کتاب ما مملو از اطلاعاتی است که محققان ما از خود بجا گذاشته‌اند. ولی در مجموع شاهنامه‌پژوهی ما در حیطه فرهنگ بوده است.

نخستین نشست اندیشه، هنر و ادب در روز پنجشنبه ۲۵ آوریل در شمال لندن برگزار شد. در ابتدای جلسه عباس فیض هدف از برگزاری جلسات این محفل را روشن ساخت. او گفت که جلسات نشست اندیشه از دو بخش تشکیل می‌شود. در بخش نخست، اندیشمندان و فعالان در زمینه‌های فلسفی هنری و علمی از طریق ارائه پژوهش‌های خود سعی در کمک به اعتلای فرهنگ فارسی‌زبانان برون درون مرز می‌کنند.

عباس فیض ادامه داد که بخش دوم این نشست‌ها عرصه و فرصتی است برای دوستانی که در زمینه‌های هنری، ادبی فعال هستند تا شمه‌ای از هنر خود را ارائه دهند. هدف در اینجا دریافت بازخوردهای حاضران است تا این هنرمندان بتوانند برای اعتلای کار فردی خود و نیز بطور کلی در جهت اعتلای فرهنگ ایران و فارسی‌زبانان کوشا تر باشند.

به دنبال این مقدمه، عباس فیض سخنان جلسه امیرعباس ورشوی را معرفی کرد. دکتر امیرعباس ورشوی هرچند در زمینه ریاضیات و فیزیک تحصیل کرده و در ایران سابقه تدریس دارد، ولی در عین حال علاقه ویژه‌ای به پژوهش‌های تاریخی و فرهنگی دارد و تحقیقات گسترده‌ای در مورد شاهنامه انجام داده است.

ورشوی خود را مختصر اینگونه معرفی کرد: یکی از اساتید دانشگاه‌های ایران که در جریان اتفاقات چند سال اخیر از «بهشت» رانده شده است.

او گفت که عنوان سخنرانی او «شاهنامه فردوسی، خیال یا واقعیت؟» عنوان کتاب پژوهشی اثر مشترک وی و همسرش سایا (سمیه) ضیایی است. کار روی این پروژه مدت هفده سال به درازا کشیده و قبل از خروج این زوج از ایران نگارش آن به پایان رسیده است. سخنران افزود آنان به دنبال ناشری هستند که کتاب را منتشر کند.

سخنران ادامه داد که عنوان این پروژه شاید بنیادی‌ترین پرسش در مورد هویت ایرانی باشد زیرا شاهنامه فردوسی شناسنامه هویتی ماست. انگاره‌های زیادی وجود دارند مبنی بر اینکه اساطیر موجود در شاهنامه افسانه‌های دروغین و زاییده خیال قوم آریایی هستند. اما عده‌ای دیگر بر این باورند که شاهنامه تاریخ حقیقی قوم ایرانی است. بنابراین باید بدانیم که هویت ایرانی به چه معناست و این قوم در تاریخ چه مفهوم و تعبیری داشته است.

دکتر امیرعباس ورشوی در ادامه گفت که در زمانه ما تلاش می‌شود که با کمک انگاره‌های زبان‌شناسی به این



مجسمه فردوسی در حالی که شاهنامه در دست دارد همراه با زال کوچک؛ میدان فردوسی تهران (سال ساخت و نصب و پرده‌برداری: ۱۳۳۸)

و اساطیر ایرانی داشته‌اند. یا آنها را مثنی دروغ و زاییده تخیلات ایرانی‌ها دانسته‌اند. یا اینکه بر این باور بوده‌اند که این اساطیر مربوط به دوره‌ای هستند که هخامنشیان امپراتوری خود را دیگر بنیان گذاشته‌اند و بر بابل هم مسلط شده‌اند. بر این مینا باید بگردیم و ببینیم که مثلاً فریدون، جمشید و تهمورث با کدام یک از پادشاهان هخامنشی مطابقت دارند.

اما شاهنامه و هیچکدام از اسناد ملی ایرانیان چنین چیزهایی را تایید نمی‌کنند زیرا به صراحت در مورد هخامنشیان صحبت کرده‌اند. از جمله دارا و داراب پادشاهان هخامنشی هستند که در آخر فهرست پادشاهان نام برده در شاهنامه قرار دارند. دقیق‌تر آنکه اگر فهرست پادشاهان پیشدادی و کیانی در شاهنامه را جلو خود بگذاریم، سی پادشاه داریم که دو نفر آخر آنها از خاندان هخامنشی هستند. بنابراین اگر می‌خواهیم تصویر واقعی از فریدون، جمشید و تهمورث داشته باشیم باید احتمالاً جایی دیگر به جستجو پردازیم.

ورشوی گفت که محققان دوست دارند فریدون را به نوعی به کوروش نسبت دهند و با او برابر بدانند. کوروشی که در برابر استیلاک پادشاه ماد قیام کرد و پادشاهی هخامنشی را بنیان نهاد و فریدونی که علیه اژدهاک یا ضحاک قیام کرد و امپراتوری خودش را بنیان گذاشت.

ولی سخنران گفت که آنها در این کتاب و پژوهش

پرسش پاسخ داده شود. انگاره‌های زبان‌شناسی، ایرانیان را مردمی از شاخه هند و اروپایی‌زبان می‌دانند که در شرق فلات ایران و آسیای مرکزی از دره پنجاب تا دریاچه آرال در هزاره دوم قبل از میلاد سکونت داشته‌اند و بعدها به فلات ایران مهاجرت کردند. سخنران ادامه داد که او این انگاره‌های زبان‌شناسی را درست می‌داند هرچند که به نظر می‌رسد که آنها کامل نیستند زیرا تمامی منابع تاریخ ایران که در مورد هویت ایرانی سخن گفته‌اند، تصویر دیگری از هویت ایرانی در هزاره‌های قبل از میلاد ارائه داده‌اند. یعنی از اوستا تا خدای‌نامه‌ها و شاهنامه و تا تمامی اسناد مکتوبی که مورخین ایرانی به زبان‌های پهلوی و نیز زبان‌های فارسی و عربی (بعد از اسلام) از خود بجا گذاشته‌اند، هویت ایرانی را نه مرتبط با آسیای مرکزی بلکه مرتبط با بابل و بین‌النهرین (میان‌رود) دانسته‌اند. تقریباً هیچ سند تاریخ ملی ایرانیان، از طبری گرفته تا مکتوبات ابوریحان بیرونی تا «طبقات» ناصری تا شاهنامه «یساولی» تا نوشته‌های مسعودی و یاقوت حموی را نمی‌توانید بیابید که خاستگاه پیدایش هویت ایرانی را جایی بحز بابل و بین‌النهرین دنظر گرفته باشند.

سخنران ادامه داد که پادشاهی‌های تهمورث، جمشید، فریدون، ایرج، منوچهر و تمامی پادشاهان کیانی همه تاریخ بابل استوار هستند. در توضیح بیشتر این نکته سخنران گفت چنانکه اشاره کرده محققان دو رویکرد به شاهنامه



کتیون شاهنده در گفتگو با کیهان لندن از برنامه‌های دانشگاه سواس برای معرفی فرهنگ و ادبیات ایران می‌گوید



خواهد یافت. اکران فیلمی از رخشان بنی‌اعتماد با حضور این کارگردان که از تهران به لندن سفر خواهد کرد نیز در نیمه ماه مه در برنامه گنجانده شده است. نمایش آهنگین «رستاخیز شهیراران ایران» میرزاده عشقی را سوملاز نراقی و حسین حدیثی ۴ ماه مه در این دانشگاه روی صحنه خواهند برد. احمد رأفت با کتیون شاهنده گفتگویی در ارتباط با این برنامه‌ها انجام داده است.

یعنی تفسیر ما از تاریخ باید منطبق بر اسناد و یافته‌های باستان‌شناسی باشد. باستان‌شناسی اگر تفسیری را تایید نکند باید آن را بگذاریم کنار.

من در اینجا اضافه کنم که هرچند مبنای واقعی اساطیر شاهنامه فردوسی رویدادهای بین‌النهرین و بابل می‌دانیم و کتاب ما از این تز دفاع می‌کند ولی به یاد داشته باشیم که اساطیر ریشه در غرب فلات ایران به محض ورود به درون فلات ایران گسترش یافته‌اند و افزوده‌هایی یافته‌اند. از جمله اینکه بخش مهمی از رویدادهای شاهنامه در آناتولی کنونی و فلات ارمنستان اتفاق افتاده است که نمی‌توان آنها را به بین‌النهرین نسبت داد. یا منطقه لوانت متشکل از سوریه، لبنان و فلسطین کنونی هم جایگاه مهمی در شاهنامه دارد. در پایان اضافه کنم که اگر می‌بینیم گهگاه ادعا می‌شود فرهنگ‌های مختلف به نوعی وام‌گرفته از فرهنگ ایرانیست، یکی از دلایلی که این تفکر را القاء کرده آنست که طبق شاهنامه تاریخ ایران، تاریخ سراسر آسیای غربی است و اقوام زیادی را در برمی‌گیرد. اسناد تاریخی زیادی وجود دارد که این ادعا را تایید می‌کنند. بسیاری از رویدادهای تاریخ آشور و اورارتو که روایت اساطیری آنها در شاهنامه آمده است در کتیبه‌های این اقوام ثبت شده است.

کتیون شاهنده مدیر «انجمن ایرانیان» دانشگاه سواس در گفتگو با کیهان لندن از اهمیت برگزاری نشست‌های فرهنگی، هنری و ادبی برای شناساندن فرهنگ ایران می‌گوید. این کانون که اخیراً فعالیت‌های خود را گسترش داده است، در هفته‌های آینده برنامه‌های زیادی برگزار خواهد کرد از جمله جشنواره‌ای از فیلم‌های بهمن مقصدولو. این کارگردان و پژوهشگر سینما ساکن نیویورک در ماه ژوئن در اکران دو فیلم آخر در این جشنواره حضور

اینجا باید اضافه کنم که کتاب ما مملو از اطلاعاتی است که محققان ما از خود بجا گذاشته‌اند. ولی در مجموع شاهنامه‌پژوهی ما در حیطه فرهنگ بوده است. یعنی اگر قرار بوده داستان فریدون و ضحاک مطالعه شود از جنبه‌های فرهنگی و اساطیرشناسی انجام شده است. انگار شاهنامه‌پژوهان ما چندان علاقه‌ای به یافتن هسته تاریخی آن در گذشته‌ها نداشته‌اند.

شاید یکی از دلایل این امر آنست که اساطیر بقدری ماوراءطبیعی در قالب کلام هستند که به نوعی ذهن خواننده را از اینکه بتواند یک هسته واقعی تاریخی در درون آنان پیدا کند، ناامید می‌کنند. مانند غذایی است که آماده شده که از آن به زحمت می‌توان به فکر باغی افتاد که مواد اولیه تشکیل‌دهنده غذا محصول آن هستند. ولی می‌دانیم هر غذایی از مواد طبیعی تشکیل شده و فقط کافی است که درست تجزیه و تحلیل شود.

رشته من چون ریاضی و فیزیک است، باستان‌شناسی جایگاه مهمی در دیدگاه من دارد زیرا فاکت‌های علمی به پژوهنده می‌دهد. البته می‌توان مثلاً در مورد گفته‌های هرودت شک کرد ولی در مورد کتیبه بیستون که هنوز پابرجاست و خواننده و فهمیده شده نمی‌توان تردید کرد.

سعی کرده‌اند نشان دهند که سعی در مطابقت پادشاهان پیشدادی با هخامنشان به احتمال خیلی زیاد اشتباه است و حق با مورخین ایرانی از جمله طبری، مسعودی، محمد سعالی است که آنان را باید به پادشاهان باستانی بین‌النهرین نسبت داد. فردوسی هم در این مورد همین را می‌گوید.

اشتباه از ما ایرانی‌هاست که وقتی به علوم نوین دست پیدا کرده‌ایم آنقدر دست و پایمان را گم کرده‌ایم که گمان کرده‌ایم همه چیز با اتکاء به علوم جدید قابل حل است. این در حالیست که ایرانیان در مورد خودشان صحبت کرده‌اند و بیوگرافی از خود بجا گذاشته‌اند. فردوسی بر مبنای قواعد زبان‌شناسی نمی‌گفته که ایرانی کیست. فردوسی درک خاصی از هویت ایرانی داشته است. ما نمی‌توانیم قواعد علمی زبان‌شناسی را برای درک تاریخ به کار ببریم زیرا در آنصورت تفسیر درستی نخواهیم داشت. هویت ایرانی را باید بر مبنای اتوبیوگرافی خود ایرانیان مشخص کرد.

به دنبال این قسمت از گفتار، سخنران وارد جزئیات بحث خود شد. او بر مبنای شواهد تاریخی و مکتوب شباهت و نزدیکی و در نهایت تطبیق اسامی پادشاهان و اشراف‌زادگان نام برده در شاهنامه را با شاهان و اشراف‌زادگان واقعی بابل و بین‌النهرین نشان داد. او همین را هم در مورد اسامی مکان‌های جغرافیایی باستانی با نهایت دقت به کار برد.

کیهان لندن به منظور روشن‌تر شدن مسایل مطروحه در سخنرانی، دو پرسش درباره تزی که دکتر ورشوی در سخنرانی خود ارائه داد، با وی مطرح کرده است.

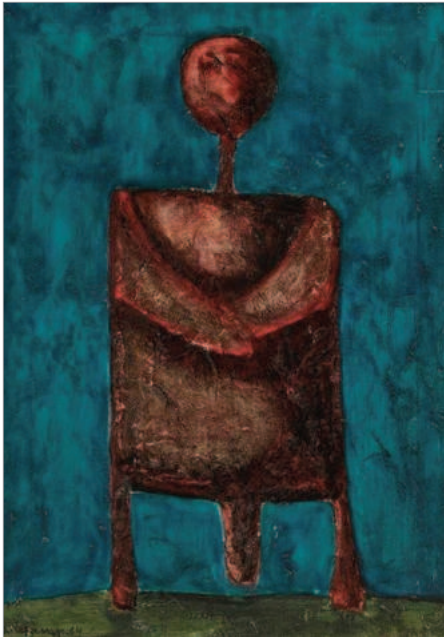
اگر قبول می‌کنیم که اساطیر شاهنامه مرتبط است با رویدادهای تاریخی بین‌النهرین و بابل و نه مناطق شرق فلات ایران، در اینصورت باید نشان داده شود که فردوسی چگونه و از چه طریق به رویدادهای تاریخی غرب فلات ایران و بین‌النهرین و بابل آگاهی داشته است؟

بطور خلاصه باید گفت که از حدود هزار سال قبل از برآمدن هخامنشیان در آسیای غربی، با ظهور «میتانی»ها که خاستگاه آنها در حاشیه شبه‌جزیره هند بوده و نیز ظهور «کاستی»ها که خاستگاه آنها داخل فلات ایران بوده، ارتباط عمیقی بین کل فلات ایران و بین‌النهرین به وجود می‌آید زیرا میتانی‌ها در شمال و کاستی‌ها در جنوب بین‌النهرین به قدرت می‌رسند و پیوندی قوی و عمیق فرهنگی بین کل فلات ایران و بین‌النهرین به وجود می‌آورند. این ارتباط فرهنگی چنان قوت می‌یابد که بعد از آن دوره ما کل هویت ایرانی را در سراسر فلات ایران با اتکاء به این پیوند فرهنگی باید ببینیم. بعد از آن هم با ایران بزرگی روبرو می‌شویم که حوزه فرهنگی وسیعی دارد که از کوه‌های توروس در آناتولی تا سند هند امتداد دارد. فردوسی هم در چنین فضایی که تا بعد از اسلام نیز تداوم دارد رشد یافته و آشنایی ژرفی از آن داشته است.

شما در برابر روایت حاکم از تعلق جغرافیایی اساطیر شاهنامه به شرق ایران، روایت جدیدی را ارائه می‌دهید. روایت شما روایت نهادینه شده را به چالش می‌گیرد. هرچند شما در طی سخنرانی‌تان به دقت سعی کردید شواهد تاریخی را ارائه دهید و برشمارید؛ عزیزم‌تگه شما در پیگیری این پژوهش چه بوده و چگونه در صدد به چالش گرفتن روایت مسلط و جاافتاده برآمدید؟

تا کنون شاهنامه‌پژوهان ما بیشتر شاهنامه می‌خواندند و نه باستان‌شناسی. باستان‌شناسان ما هم اغلب کاری با شاهنامه و اساطیر نداشتند. ما پژوهشی از این جنس را کمتر در فرهنگ شاهنامه‌پژوهی خودمان داشته‌ایم. من در

فروش شش رقمی دو اثر از بهمن محمص نقاش و مجسمه‌ساز مشهور به «پیکاسوی ایرانی» در ساتبیز



برای دیدن تصاویر بیشتر لطفاً به کیهان لایف مراجعه کنید



محمص را برجسته‌ترین هنرمند ایرانی قرن گذشته می‌دانند. وی در سال ۱۹۳۱ در رشت، شمال ایران به دنیا آمد و تحصیلات خود را در دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران به پایان رساند و پس از سرنگونی محمد مصدق نخست‌وزیر وقت در سال ۱۹۵۳، ایران را به قصد رُم ترک نمود. در پایتخت ایتالیا، او یکی از نخستین دانشجویان ایرانی بود که در آکادمی هنرهای زیبا ثبت نام کرد. جایی که با کوبیسم و سوررئالیسم بیشتر آشنا شد و ذهن هنری وی به زودی این تأثیرات را منعکس نمود.

این هنرمند پس از چند سال زندگی در میهن، از سال ۱۹۶۸ کم و بیش به طور دائم در رُم اقامت گزید. او که ده‌ها سال در یک هتل زندگی می‌کرد، با شخصیتی منزوی و مرموز به تخریب نقاشی‌ها و مجسمه‌های خود عادت داشت. محمص در سفری به تهران در سال ۲۰۰۶، بسیاری از آثار خود را که هنوز در آتلیه‌اش در آنجا باقی مانده بود، از بین برد. مجسمه‌های بزرگ دیگری که در دهه ۱۹۶۰ برای میادین عمومی ایران سفارش داده شده بودند، در جریان انقلاب اسلامی نابود شدند.

بهمن محمص در سال ۲۰۱۰ در رُم درگذشت. گفتنی است که Sotheby's (ساتبیز) یک موسسه چندملیتی تأسیس شده توسط بریتانیاست و با یک دفتر مرکزی در شهر نیویورک در ایالات متحده آمریکا، یکی از بزرگترین دلالان هنرهای زیبا و تزئینی، جواهرات و کلکسیون در جهان است. این مؤسسه دارای ۸۰ شعبه در ۴۰ کشور است و حضور قابل توجهی در بریتانیا دارد. ساموئل بیکر، ساتبیز را در ۱۱ مارس ۱۷۴۴ در لندن بنیان گذاشت.

*منبع: کیهان لایف

*نویسنده: نازنین نوری

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

چهره‌های فرانسویس بیکن شباهت دارند. محمص زمانی توضیح داده بود که در آثارش «هیچ» را نشان می‌دهد، «چهره‌هایی بی دست، بی پا و بی دهان.» او گفته بود که هر آنچه تظاهر به زندگی داشت، از این اشکال گرفته شده است.

خانگی‌ها در دهه ۱۹۶۰ هنگامی که در سنین بیست سالگی زندگی خود بودند، خرید آثار هنری در فضای خلاقانه و پررونق تهران را آغاز کردند. شیرین مهدوی-خانگی مورخ مشتاق و محقق مستقلی است که آثار فراوانی درباره تاریخ قرن نوزدهم ایران نوشته است.

او در انگلستان تحصیل کرده و زمانی که با یک زوج معمار مشهور انگلیسی زندگی می‌کرد، با هنر آشنا شد. همسرش رضا یک آرشیست ایرانی است که قبل از بازگشت به وطن در آمریکا تحصیلات خود را به پایان رساند.

یکی از اولین خاطرات رضا پس از بازگشت، شبنم گوش دادن به سخنرانی محمص در مورد هنر در یک مؤسسه ایتالیایی بود. رضا با این هنرمند دوست شد و پس از بازدید از استودیوی او، دو اثر محمص را که در حراج ساتبیز فروخته می‌شد، به دست آورد.

هنگامی که وی برای نخستین بار تابلوی «فیفی با گیتار» را دید، برایش مانند عشق در نگاه اول بود. او می‌گوید: «وقتی برای اولین بار به این نقاشی نگاه می‌کنید، چنان تصویر اثرگذاری می‌بینید که به وضوح هنر و کاری استادانه در آن مشهود است. شیرین نیز وقتی این اثر هنری به خانه رسید به آن علاقمند شد.»

از آن پس، این زوج با بهمن محمص دوستی صمیمانه‌ای پیدا کردند که به ویژه بین سال‌های ۱۹۶۴-۱۹۶۸، دوره‌ای که این هنرمند بطور دائم در ایران زندگی می‌کرد، اغلب به دیدار آنها می‌رفت.

● پرفروش‌ترین آثار این حراج از مجموعه شیرین و رضا خانگی بودند که شامل آثاری از منصور قندریز، سهراب سپهری، ناصر عصار، صادق تبریزی، غلامحسین نامی، میرعبدالرضا دریابیگی، ژازه طباطبایی و ناصر اویسی می‌شد.

● محمص را برجسته‌ترین هنرمند ایرانی قرن گذشته می‌دانند. وی در سال ۱۹۳۱ در رشت، شمال ایران به دنیا آمد و تحصیلات خود را در دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران به پایان رساند. در دهه پنجاه میلادی در پایتخت ایتالیا، او یکی از نخستین دانشجویان ایرانی بود که در آکادمی هنرهای زیبا ثبت نام کرد. جایی که با کوبیسم و سوررئالیسم بیشتر آشنا شد و ذهن هنری وی به زودی این تأثیرات را منعکس نمود.

● محمص که از اواخر دهه شصت میلادی تقریباً بطور دائم ساکن رُم بود، در سفری به تهران در سال ۲۰۰۶، بسیاری از آثار خود را که هنوز در آتلیه‌اش در آنجا باقی مانده بود، از بین برد. مجسمه‌های بزرگ دیگری که در دهه ۱۹۶۰ برای میادین عمومی ایران سفارش داده شده بودند، در جریان انقلاب اسلامی نابود شدند.

نازنین نوری (کیهان لایف) - یکی از کارهای برجسته بهمن محمص نقاش و مجسمه‌ساز مشهور به «پیکاسوی ایرانی» در حراج دو ساله ساتبیز با عنوان «خاورمیانه مدرن و معاصر» که به صورت آنلاین برگزار گشت و در ۲۵ آوریل ۲۰۲۴ پایان یافت، به قیمت ۳۰۴,۸۰۰ پوند (۳۸۰ هزار دلار) به فروش رسید.

از دو اثری که از بهمن محمص برای فروش در نظر گرفته شده بود، یکی «فیفی با گیتار» (در اصل بدون عنوان) در سال ۱۹۶۴ بود و دیگری نیز از همان سال به نام «فیفی» (در اصل بدون عنوان) که به قیمت ۱۵۲,۴۰۰ پوند (۱۹,۰۰۰ دلار) فروخته شد.

پرفروش‌ترین آثار این حراج از مجموعه شیرین و رضا خانگی بودند که شامل آثاری از منصور قندریز، سهراب سپهری، ناصر عصار، صادق تبریزی، غلامحسین نامی، میرعبدالرضا دریابیگی، ژازه طباطبایی و ناصر اویسی می‌شد. خانگی دو تابلوی محمص را مستقیماً از خود این هنرمند در سال ۱۹۶۷ به دست آورده بود.

همچنین در حراج ساتبیز اثری دیگر از منصور قندریز «بدون عنوان» (۱۹۶۲) به محمد افخمی مجموعه‌دار ایرانی‌تبار و حامی هنرمندان فروخته شد. به گفته ساتبیز، این تابلو به مبلغ ۶۰۰,۱۰۱ پوند (حدود ۱۳۰ هزار دلار) به فروش رسید. این یکی از خریدهای متعدد افخمی بود. افزون بر اینها، ساتبیز سه عکس از آثار عباس کیارستمی از گالری زلدا چیتل لندن، آثاری از رضا درخشانی و هاوی قهرمان از مجموعه‌های خصوصی در دوبی و اثری از صادق تیرافکن از کلکسیون خصوصی در نیویورک را به حراج گذاشته بود.

دو اثر محمص (بدون نام) «فیفی» و «فیفی با گیتار» یک شخصیت زن بدون چهره و ساختگی به نام فیفی را نشان می‌دهد که بارها در آثار وی ظاهر می‌شود. این هنرمند بیشتر به خاطر به تصویر کشیدن چنین شخصیت‌های آن‌تروپومورفیک و آندروژنی معروف است که غالباً به

آغاز تحقیقات دادستانی لهستان در مورد ارتباط احتمالی میان مدیرعامل سابق شرکت نفت «اورلن» با حزب الله

ضرر کرده است.

این تحقیقات آخرین مورد از یک رشته تحقیقات در مورد اقدامات ادعایی با انگیزه سیاسی اورلن است که از زمان روی کار آمدن دونالد توسک نخست وزیر لهستان در اواخر سال گذشته آغاز شده است. با فشارهای او در ماه فوریه (بهمن ماه ۱۴۰۲) دانیل اوبایتک برکنار شده بود.

یاکوف لیونه سفیر اسرائیل در ورشو با قهرمانی از مقامات لهستانی برای آغاز تحقیقات گفت: «تروریست‌های حزب الله و رژیم ایران تهدیدی بزرگ برای امنیت جهانی هستند.» البته رئیس سابق «اورلن تریدینگ» سوئیس هرگونه تخلف را رد می‌کند. وی روز چهارشنبه به «فایننشال تایمز» گفت: «من بطور کامل هرگونه تماس با حزب الله و هر گروه سیاسی دیگر را تکذیب می‌کنم.»

وی همچنین به «رادایو آرام‌اف» لهستان گفته بود، «من بارها به لهستان سفر کرده‌ام، شهروند لهستانی‌ام، گذرنامه لهستانی دارم ولی مقامات کشور با من مثل یک شهروند درجه دو رفتار می‌کنند.» وی افزود گرچه در حال حاضر در خارج کشور بسر می‌برد ولی خود را از نهادهای مجری قوانین لهستان پنهان نکرده است.

دادستان کل ورشو توضیح داده، در حال بررسی تمام اطلاعات موجود است. وی با اشاره به این موضوع که دفتر سوئیس اورلن بدون نظارت مناسب، مستندسازی و ممیزی پیمانکاران فعالیت می‌کرد، افزوده «این نشان می‌دهد که سامر ای. نباید به عنوان مدیرعامل منصوب می‌شد... فردی که بدون تکمیل اولین بخش تحویل، بیعانه می‌پردازد مدیرعامل خوبی نیست و نباید مدیرعامل این شرکت یا هر شرکت دیگری باشد.»



دانیل اوبایتک، مدیرعامل سابق اورلن

بزرگترین الیگارشی‌های پوتین» توصیف کرده بود.

دادستان لهستان می‌خواهد مشخص کند که آیا مدیرعامل سابق اورلن هشدارهای تیم امنیت داخلی خود درباره ارتباط با حزب الله را نادیده گرفته است یا نه.

وبسایت اونت (Onet) لهستان پیش از این گزارش داده بود که واحد امنیتی داخلی اورلن مشکوک است که مدیرعامل سابق این شرکت، که نامش در پرونده «سامر. ای» ذکر شده، با حزب الله لبنان ارتباط داشته یا نه. شرکت اورلن در اوایل آوریل اعلام کرده بود که ۴۰۸ میلیون دلار

تحقیقات درباره این اتهام پس از آن آغاز شد که دونالد توسک نخست وزیر لهستان با دادستان کل این کشور و نهادهای امنیتی در مورد «زیان چند میلیارد دلاری شرکت اورلن و ارتباط احتمالی با حزب الله» تماس گرفت. پیش از این نخست وزیر لهستان، دانیل اوبایتک را «یکی از بزرگترین الیگارشی‌های پوتین» توصیف کرده بود.

وبسایت اونت (Onet) لهستان پیش از این گزارش داده بود که واحد امنیتی داخلی اورلن مشکوک است که مدیرعامل سابق این شرکت، که نامش در پرونده «سامر. ای» ذکر شده است، با حزب الله لبنان ارتباط داشته یا نه. شرکت اورلن در اوایل آوریل اعلام کرد که ۴۰۸ میلیون دلار ضرر کرده است. یاکوف لیونه سفیر اسرائیل در ورشو با قهرمانی از مقامات لهستانی برای آغاز تحقیقات گفت: «تروریست‌های حزب الله و رژیم ایران تهدیدی بزرگ برای امنیت جهانی هستند.»

دادستان‌های لهستان در حال بررسی این موضوع هستند که آیا شرکت نفت و گاز دولتی سوئیس «اورلن تریدینگ» از طریق شرکت تجاری تابعه خود با شبه‌نظامیان حزب الله لبنان ارتباط داشته است یا نه.

برخی منابع امنیتی لهستانی گزارش دادند مدیرعامل پیشین «اورلن تریدینگ» مظنون به ارتباط با گروه تروریستی حزب الله لبنان است.

تحقیقات درباره این اتهام پس از آن آغاز شد که دونالد توسک نخست وزیر لهستان با دادستان کل این کشور و نهادهای امنیتی در مورد «زیان چند میلیارد دلاری شرکت اورلن و ارتباط احتمالی با حزب الله» تماس گرفت. پیش از این نخست وزیر لهستان، دانیل اوبایتک را «یکی از

دو شهروند ایرانی در حمله پهپادی ترکیه به مناطق مرزی عراق کشته شدند

نماینده مهاباد در مجلس شورای اسلامی در واکنش به کشته شدن دو ایرانی پرسیده، «دولت ترکیه چرا باید به نیروهای نظامی خود اجازه دهد به افراد عادی و در داخل خاک کشور دیگری حمله پهپادی انجام بدهند؟»

وی تأکید کرد، «ضروری است از طریق مجامع بین‌المللی و سایر مجاری قانونی ضمن برخورد قانونی مطابق قوانین بین‌المللی با دولت متجاوز و جنایتکار ترکیه، جهت دریافت حق و حقوق خانواده این عزیزان بی‌گناه از دولت ترکیه اقدام لازم صورت گیرد.»

مشخص نیست آیا پهپادهای ترکیه وارد حریم هوایی ایران شدند یا نه! وزارت خارجه جمهوری اسلامی هنوز واکنش رسمی به این خبر نشان نداده است.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش ترکیه بارها علیه شهروندان غیرنظامی در مناطق کردنشین دست به عملیات نظامی زده‌اند.

منابع محلی اشنویه ۱۱ اردیبهشت‌ماه گزارش دادند دو نفر از شهروندان مهابادی که چند روز پیش برای جمع‌آوری گیاهان کوهی عازم نقطه صفر مرزی ایران با اقلیم کردستان (از سمت اشنویه) شده بودند مفقود شده‌اند. در این گزارش آمده آنها «نادانسته» با عبور از مرز وارد منطقه خواکورک در خاک اقلیم کردستان شده بودند.



ارتفاعات مرزی آذربایجان غربی و اقلیم کردستان عراق

جهت امرار معاش در آن منطقه حضور داشتند. شهرستان مهاباد یکی از شهرستان‌های استان آذربایجان غربی است که فاصله کمی با مرز ایران و عراق دارد. جلال محمودزاده

منابع گُردی گزارش دادند در حمله پهپادی ارتش ترکیه به مناطق مرزی ایران و اقلیم کردستان عراق که دهم اردیبهشت ۱۴۰۲ صورت گرفت، دو شهروند ایرانی کشته شدند.

وبسایت حکومتی «گُرد پرس» روز چهارشنبه ۱۲ اردیبهشت گزارش داد که کشته‌شدگان این حمله پهپادی، شهروندان مهاباد بودند که برای جمع‌آوری گیاهان بهاری جهت امرار معاش در آن منطقه حضور داشتند. شهرستان مهاباد یکی از شهرستان‌های استان آذربایجان غربی است که فاصله کمی با مرز ایران و عراق دارد.

جلال محمودزاده نماینده مهاباد در مجلس شورای اسلامی در واکنش به کشته شدن دو ایرانی پرسیده، «دولت ترکیه چرا باید به نیروهای نظامی خود اجازه دهد به افراد عادی و در داخل خاک کشور دیگری حمله پهپادی انجام بدهند؟»

منابع گُردی گزارش دادند در حمله پهپادی ارتش ترکیه به مناطق مرزی ایران و اقلیم کردستان عراق که دهم اردیبهشت ۱۴۰۲ صورت گرفت، دو شهروند ایرانی کشته شدند.

وبسایت حکومتی «گُرد پرس» روز چهارشنبه ۱۲ اردیبهشت گزارش داد که کشته‌شدگان این حمله پهپادی، شهروندان مهاباد بودند که برای جمع‌آوری گیاهان بهاری

ثبت ۱۰ هزار و ۲۶۴ مورد مالاریای وارداتی در سال گذشته و افزایش ابتلا در سال جاری

افزایش آمار مبتلایان به مالاریا

در همین ارتباط خبرگزاری مهر ۶ اردیبهشت به نقل از رییس بخش عفونی بیمارستان «مسیح دانشوری» نوشت: «روند ریشه‌کنی مالاریا در چند سال گذشته به دلیل همسایگی با کشورهای مالاریاخیز در حاشیه جنوب شرقی کشور (افغانستان و پاکستان)، شیوع کرونا و اختصاص تمام ظرفیت شبکه‌های بهداشتی به کنترل کرونا دچار اختلال شد به نحوی که امسال آمار مبتلایان به مالاریا افزایش داشته است.»

پیام طبرسی ویواکس و فالسیفارم را دو نوع مهم بیماری مالاریا عنوان کرد که ویواکس معمولاً باعث بروز بیماری خفیف‌تری می‌شود اما فالسیفارم معمولاً باعث ایجاد بیماری خیلی شدید و حتی گاهی کشنده می‌شود.

استاد بیماری‌های عفونی دانشگاه علوم پزشکی «بهشتی» با اشاره به انتقال مالاریا از طریق پشه آنوفل گفت: «پشه آنوفل در آب‌های راکد و مناطقی که دارای وضعیت نامناسب بهداشتی هستند، تکثیر می‌یابد.»

به گفته وی، پس از گزش فرد مبتلا به مالاریا توسط پشه آنوفل، انگل بیماری وارد بدن پشه می‌شود و این پشه با گزش سایر افراد می‌تواند بیماری را به آنان منتقل کند و به این ترتیب باعث گسترش بیماری می‌شود.

وی انتقال بیماری را تنها از طریق پشه آنوفل دانست و تأکید کرد: «بیماری فرد به فرد مبتلا نمی‌شود به این معنا که در مناطقی که این پشه وجود ندارد حتی اگر فرد مبتلا به

آمار بیماری مالاریا در آن‌ها بیشتر از بسیاری از کشورهای منطقه است.»

وی در ادامه به پیشتازی ایران در منطقه در تشخیص مالاریا اشاره کرد و گفت: «ایران هم‌راستا با نهضت مبارزه جهانی با مالاریا موفق شد طی ۴ سال ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۰ گزارش صفر موارد بومی مالاریا را در کشور گزارش کند، که نشان‌دهنده پیشرفت قابل توجه برنامه کنترل مالاریا بعد از ۶ دهه مبارزه با بیماری در کشور است.»

فرشیدی به تلاش به ویژه در دانشگاه‌های علوم پزشکی جنوب و جنوب شرقی کشور در استان‌های سیستان و بلوچستان، هرمزگان و بخش جنوبی استان کرمان، محدوده تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی جیرفت اشاره کرد و افزود: «این تلاش‌ها سبب شده که در کنار کشور به شدت آلوده‌ای مثل پاکستان با تخمین بیش از دو میلیون مورد سالیانه مالاریا، چنین دستاورد بزرگی داشته باشیم.»

در ۵ اردیبهشت نیز رئیس اداره کنترل بیماری‌های منتقله توسط ناقلین وزارت بهداشت با بیان اینکه تمام موارد بیماری مالاریا، وارداتی و از مرزهای جنوب و جنوب‌شرقی کشور به ویژه از کشور پاکستان وارد کشور شده‌اند اعلام کرده بود: «برای اولین بار مواردی از مالاریا در استان‌های همدان، خراسان‌شمالی، چهارمحال و بختیاری، محدوده دانشگاه علوم پزشکی سبزوار و برخی دیگر از مناطق پاک کشور ثبت شده است که همگی مالاریای وارده و غیربومی بوده‌اند و همگی مسافرت‌های مرزی به مناطق جنوب

مالاریا بار دیگر و اینبار در ۴ استان و برخی مناطق پاک کشور شیوع پیدا کرده است.»

معاون بهداشت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی: «در دو سال گذشته پس از نزدیک به ۱۰ سال کاهش موارد مالاریا، افزایش مواردی را شاهد بودیم که همه این موارد، موارد وارده از مرزهای جنوب و جنوب شرقی کشور بیشتر از کشور پاکستان بوده و به هرحال برنامه ما را متاثر خواهد ساخت. نگرانی ما و همکاران این است که موارد وارده از کشورهای افغانستان و پاکستان تبعاتی برای برنامه ایران در مهار و حذف مالاریا به همراه داشته باشد.»

با وجود افزایش موارد ابتلا به این بیماری در کشور، مقامات وزارت بهداشت نه تنها اطلاعاتی از میزان مبتلایان در استان‌های آلوده اعلام نکرده‌اند بلکه تا کنون از انتشار موارد منجر به فوت این بیماری در رسانه‌ها خودداری کرده‌اند. اغلب مسئولان وزارت بهداشت ادعا می‌کنند که موارد ابتلا به مالاریا در کشور کشنده نیست.

مالاریا بار دیگر و اینبار در ۴ استان و برخی مناطق پاک کشور شیوع پیدا کرده است: «سال گذشته پرونده موارد مالاریای کشور با حدود ۱۰ هزار مورد بیماری بسته شد که همه این موارد، اعم از داشتن ملیت ایرانی، افغان یا پاکستانی ورودی از خارج از کشور بوده‌اند.»

خبرگزاری ایرنا به نقل از معاون بهداشت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با اعلام این مطلب نوشت: «به دلیل افزایش بار بیماری در سال ۱۴۰۱ به دنبال وقوع سیل در پاکستان و افزایش بیش از حد تصور موارد وارده مالاریا از پاکستان و افغانستان و افزایش ریسک برقراری مجدد چرخه انتقال، مالاریا در داخل شهرستان‌های مرزی استان سیستان و بلوچستان به شکل قابل توجهی افزایش یافت که با وجود عدم مشاهده شواهد اثبات شده مبنی بر برقراری چرخه انتقال محلی مالاریا، سازمان جهانی بهداشت بر موارد اندکی از انتقال بیماری در داخل مرزهای کشور، نظر دارد.»

حسین فرشیدی افزود: «در دو سال گذشته پس از نزدیک به ۱۰ سال کاهش موارد مالاریا، افزایش مواردی را شاهد بودیم که همه این موارد، موارد وارده از مرزهای جنوب و جنوب شرقی کشور بیشتر از کشور پاکستان بوده و به هرحال برنامه ما را متاثر خواهد ساخت. نگرانی ما و همکاران این است که موارد وارده از کشورهای افغانستان و پاکستان تبعاتی برای برنامه ایران در مهار و حذف مالاریا به همراه داشته باشد.»

به گفته وی، این افراد همگی مسافرت‌های مرزی به مناطق سیستان بلوچستان به ویژه شهرهای سرباز، چابهار و سراوان داشته‌اند، و بیشتر مربوط به نیروهای نظامی و انتظامی شاغل در منطقه و کسانی که در امر جابجایی سوخت بین مناطق مرزی ما و پاکستان اشتغال داشته‌اند، هستند.

وی با اشاره به اینکه کشورهایی نظیر امارات و مراکش در سال‌های گذشته و دو کشور آذربایجان و تاجیکستان در سال گذشته گواهی حذف مالاریا را دریافت کردند اضافه کرد: «ما بیش از ۸۰ میلیون جمعیت داشته و در جوار کشورهایی مانند پاکستان و افغانستان قرار داریم که



شرقی داشته‌اند.»

مالاریا وجود داشته باشد بیماری منتقل نمی‌شود.» وی مناطق آندمیک مالاریا در ایران را محدود به استان‌های جنوب شرقی کشور هم مرز با افغانستان و پاکستان معرفی کرد که شیوع و عدم کنترل مناسب مالاریا در این کشورها و وجود مراودات با ایران باعث انتقال مالاریا در استان‌های جنوب شرقی کشور شده است.

به گفته طبرسی، در صورت عدم شناسایی به موقع، شدید شدن بیماری و افزایش میزان درصد انگل در خون فرد

احمد رئیس‌ی با بیان اینکه طی دو سال گذشته، پس از حدود یک دهه کاهش بیماری مالاریا شاهد افزایش موارد ابتلا بودیم درباره میزان ابتلا به مالاریا در سال ۱۴۰۲ گفت: «پرونده موارد مالاریای کشور با ۱۰ هزار و ۲۶۴ مورد در سال گذشته بسته شد. تمام این موارد اعم از داشتن ملیت ایرانی، افغان یا پاکستانی، جزو موارد وارده به کشور هستند.»



ابراز خرسندی امیر عبداللهیان از پیشرفت روابط ایران و بورکینافاسو!



دیدار وزیر خارجه جمهوری اسلامی و نخست وزیر بورکینافاسو در تهران / اردیبهشت ۱۴۰۳

به گزارش «ایرنا»، امیر عبداللهیان با ابراز خرسندی از پیشرفت‌های صورت گرفته در روند روابط دو کشور از جمله تعیین نقشه راه روابط، پیگیری مشترک توافقات صورت گرفته بین ایران و بورکینافاسو در عرصه‌های تجاری، صنعتی، علمی و فناوری، گردشگری و سایر موضوعات مورد علاقه را حائز اهمیت دانست.

در شرایطی که با سیاست‌های علی خامنه‌ای، ایران تبدیل به یک کشور منزوی شده است، ارتقاء روابط با کشورهای آفریقایی که از نظر سیاسی و اقتصادی حرفی برای گفتن ندارند به محور توسعه روابط خارجی جمهوری اسلامی تبدیل شده است. در همین ارتباط نشست تجاری مشترک نمایندگان اقتصادی جمهوری اسلامی، غنا، کامرون، بورکینافاسو و موریتانی روز چهارشنبه در اتاق ایران برگزار شد. تمام این کشورها در ردیف کشورهای ضعیف آفریقایی قرار دارند.

پیش از این محمداصق قنادزاده، معاون ارتقای کسب و

● حسین امیر عبداللهیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی روز چهارشنبه ۱۲ اردیبهشت‌ماه با کیلم دو تامبلا نخست وزیر بورکینافاسو دیدار کرد.

● به گزارش «ایرنا»، امیر عبداللهیان با ابراز خرسندی از پیشرفت‌های صورت گرفته در روند روابط دو کشور از جمله تعیین نقشه راه روابط، پیگیری مشترک توافقات صورت گرفته بین ایران و بورکینافاسو در عرصه‌های تجاری، صنعتی، علمی و فناوری، گردشگری و سایر موضوعات مورد علاقه را حائز اهمیت دانست.

● در شرایطی که با سیاست‌های علی خامنه‌ای، ایران تبدیل به یک کشور منزوی شده است، ارتقاء روابط با کشورهای آفریقایی که از نظر سیاسی و اقتصادی حرفی برای گفتن ندارند، به محور توسعه روابط خارجی جمهوری اسلامی تبدیل شده است. در همین ارتباط نشست تجاری مشترک نمایندگان اقتصادی جمهوری اسلامی، غنا، کامرون، بورکینافاسو و موریتانی روز چهارشنبه در اتاق ایران برگزار



هیأت همراه نخست وزیر بورکینافاسو در سفر به تهران

کارهای بین‌المللی سازمان توسعه تجارت ایران گفته بود، «ایران و آفریقا از پتانسیل‌های یکدیگر آگاه نیستند.» وی مدعی است ظرفیت تجارت ایران و آفریقا به ۱۰ میلیارد دلار می‌رسد. اینهمه در حالیست که برخی تجار و صاحبان صنایع در ایران روی صادرات به آفریقا حساب باز کرده‌اند. کارخانه «سایپا» که بی‌کیفیت‌ترین ماشین‌ها را تولید می‌کند یا شرکت‌های تولیدکننده روغن موتور به دنبال بازار فروش در آفریقا می‌گردند.

شد. تمام این کشورها در ردیف کشورهای ضعیف آفریقایی قرار دارند.

حسین امیر عبداللهیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی روز چهارشنبه ۱۲ اردیبهشت‌ماه با کیلم دو تامبلا نخست وزیر بورکینافاسو دیدار کرد.

تامبلا و هیأت همراه او برای شرکت در دومین اجلاس ایران و آفریقا و همچنین نمایشگاه دستاوردهای صادراتی جمهوری اسلامی به تهران سفر کرده است.

بیماری خطرناک و کشنده شده و با عوارض زیادی همراه خواهد بود.

اگرچه شایع‌ترین راه انتقال مالاریا گزش پشه آلوده است اما در موارد نادر احتمال انتقال از راه دریافت خون آلوده، استفاده از سرنگ مشترک و از مادر به جنین وجود دارد.

خوش‌خیالی درباره دریافت گواهی حذف مالاریا

با وجود افزایش موارد ابتلا به این بیماری در کشور، مقامات وزارت بهداشت نه تنها اطلاعاتی از میزان مبتلایان در استان‌های آلوده اعلام نکرده‌اند بلکه تا کنون از انتشار موارد منجر به فوت این بیماری در رسانه‌ها خودداری کرده‌اند. اغلب مسئولان وزارت بهداشت ادعا می‌کنند که موارد ابتلا به مالاریا در کشور کشنده نیست.

در این ارتباط خبرگزاری تسنیم تنها به موارد ابتلای این بیماری در استان سیستان و بلوچستان پرداخته و به نقل از رئیس دانشگاه علوم پزشکی ایران شهر نوشته است: «از ابتدای سال تا کنون ۲۷۰ مورد بیمار مبتلا به مالاریا در شهرستان‌های تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی ایران شهر شناسایی شده که ۱۱۳ مورد آن مربوط به شهرستان راسک بوده است.»

اینهمه در حالیست که از مجموع ۱۰ هزار و ۲۶۴ مورد مالاریای وارداتی در سال گذشته ۶۶۲۹ مورد از ابتدای سال ۱۴۰۲ تا پایان مهرماه همان سال ثبت شده بود که از این تعداد، ۴۴۴۸ مورد مالاریای ویواکس، ۲۰۸۲ مورد مالاریای فالسیپاروم و میکس گزارش شده بود. تازه این تعداد مربوط به مبتلایان ثبت شده و بیمارانی است که امکان دسترسی به مراکز درمانی داشته‌اند.

با وجود ثبت این آمارها و افزایش ابتلا به این بیماری در سال گذشته مسئولان وزارت بهداشت اعلام کرده بودند که در انتظار دریافت گواهی حذف این بیماری از سوی سازمان بهداشت جهانی هستند!

رئیس اداره کنترل و مبارزه با مالاریا وزارت بهداشت در ۴ مرداد سال گذشته با بیان اینکه «چرخه زنجیره انتقال محلی مالاریا را از حدود ۴ سال قبل قطع کرده‌ایم و این دستاورد تداوم داشته است» به خبرگزاری ایسنا گفته بود: «در این راستا منتظر هستیم گروه کارشناسان ارشد سازمان بهداشت جهانی برای تایید این موضوع به کشور بیایند و پس از بررسی‌های بیشتر کشور و مناطق مرزی با پاکستان، گواهی حذف مالاریا از کشور را صادر کنند.»

در مهرماه ۱۳۹۹ یک مسئول مرکز بهداشت سراوان استان سیستان و بلوچستان از شناسایی پنج مبتلای جدید به ویروس مالاریا خبر داده بود که شمار مبتلایان را به ۱۲۷ تن از ابتدای آن سال تا مهر ماه را افزایش داده بود.

همچنین در همین ارتباط سعید نمکی وزیر وقت بهداشت در مردادماه سال ۹۸ گفته بود: «ما در سرزمینی مالاریاخیز هستیم ولی می‌توانیم اعلام کنیم که امسال و سال دیگر [یعنی سال ۹۹] بیماری مالاریا در ایران ریشه‌کن می‌شود!» آنگونه که رئیسی مسئول وزارت بهداشت اعلام کرده بود، عمده‌تا ۵ درصد موارد ثبت مالاریا در ایران شامل موارد بومی است و ۹۵ درصد شامل افرادی است که از پاکستان و افغانستان در استان‌های سیستان بلوچستان، هرمزگان و بخش جنوبی استان کرمان تردد می‌کنند.

عمده‌ترین راه انتقال بیماری مالاریا از طریق نیش پشه آنوفل ماده است که حدود شش‌گانه‌ی آن در جنوب و جنوب شرقی ایران و شمال زاگرس وجود دارد. برخی مطالعات دانشگاه آکسفورد حاکیست تغییرات اقلیمی در ایران به عنوان عامل مهم افزایش شمار پشه آنوفل، خطر شیوع دوباره مالاریا را در کشور افزایش داده است.

موج خودکشی و مهاجرت کادر درمان، بیمارستان‌های فرسوده، ساختار درمان پربحران، و توهّمات یک وزیر بهداشت

پرستاران را مجبور به اضافه‌کار اجباری کنند. کار در شرایط سخت و ساعات طولانی اولین نتیجه‌اش می‌شود بالا رفتن خطا و پایین آمدن کیفیت خدماتی که به بیماران ارائه می‌شود. چطور ممکن است انتظار داشته باشیم یک پرستار به سه شیفت متوالی بتواند بدون خطا عمل کند. از یک طرف کمبود نیروی پرستار و از طرف دیگر مشکلات معیشتی پرستاران را وادار می‌کند در شیفت‌های متوالی کار کنند و نتیجه‌اش می‌شود خسارت دیدن مردم. او افزوده که «فشار کاری در نهایت یا باعث مرگ ناگهانی پرستاران می‌شود؛ به عنوان نمونه همان اتفاقی که برای پرستار بابلی چند روز پیش رخ داد و البته از این دست مرگ‌ومیرها در کادر پرستاری به وفور اتفاق می‌افتد اما کسی در مورد آن حرفی نمی‌زند؛ یا اینکه باعث می‌شود این افراد به دلیل نداشتن هیچ امیدی به بهبود وضعیت کاری و زندگی خود به مرگ خودخواسته دست بزنند.» ساختار درمانی کشور در دیگر محورها نیز وضعیتی بحرانی را تجربه می‌کند؛ به تازگی گزارشی درباره عفونت‌های بیمارستانی به دلیل فرسودگی بیمارستان‌ها منتشر شده است. روزنامه اینترنتی «فراز» در گزارشی نوشته که هرچند که آمارهای دقیقی از مرگ‌ومیر ناشی از عفونت بیمارستانی وجود ندارد، اما برخی مطالعات شیوع آن را در ایران ۰/۳۲ تا ۱/۹ درصد برآورد کردند. این آمار وقتی نگران کننده می‌شوند که بدانیم حدود ۷۰ درصد بیمارستان‌های کشور فرسوده هستند و همین فرسودگی از عوامل اصلی ابتلا به عفونت بیمارستانی است. این همان چالشی است که نظام سلامت ایران را تهدید می‌کند و جان‌های بسیاری را در سال‌های آتی به خطر خواهد انداخت. این گزارش افزوده به گفته معاون وزارت بهداشت حدود ۱۵۵ هزار تخت بیمارستانی در ایران وجود دارد که بیش از ۷۰ درصد آن فرسوده است. براساس برآوردها تامین اعتبار فقط ۵۰ هزار تخت فرسوده نیاز به ۱۵۰ هزار میلیارد تومان اعتبار دارد و باید دست‌کم سالانه ۳۰ هزار میلیارد تومان بودجه برای آن در نظر گرفته شود. موضوعی که با توجه به کسری بودجه دولت مغفول مانده و باعث عقب‌ماندگی در این حوزه شده است. بخش دیگری از این گزارش تأکید کرده که بر اساس شاخص HSI که ابزاری برای سنجش ایمنی بیمارستان‌ها است، در سال‌های اخیر شاخص ایمنی بیمارستان‌های ایران ۳۶ از ۱۰۰ بوده است. آماری که خود گویای برای به صدا درآوردن زنگ خطر کافی است. آشفتگی در ساختار درمان و سلامت ایران در حالی مرزهای هشدار را نیز پشت سر گذاشته که وزیر بهداشت جمهوری اسلامی مدعی است ایران قوی‌ترین حوزه نظام سلامت در منطقه را دارا است. بهرام عین‌اللهی وزیر بهداشت جمهوری اسلامی گفته «امروزه نظام سلامت ایران قوی‌ترین حوزه نظام سلامت منطقه است. از اهداف مهم ما با تشکیل دفتر نمایندگی مقام رهبری در ستاد وزارت بهداشت، اسلامی شدن دانشگاه‌های علوم پزشکی به عنوان آرمان و ایده بوده و ما به افراد دانشمند و متعهد نیاز داریم.»

وزیر بهداشت جمهوری اسلامی فارغ از بحرانی که در حوزه درمان و سلامت کشور گسترش می‌یابد، گفته «پیگیری مصوبات مقام رهبری، گفت‌وگو سازی، هماهنگی نظام سلامت با حوزه‌های علمیه، تقویت نیروهای انقلابی و غیره از مهمترین موارد هدف‌دار در دفتر نمایندگی مقام رهبری در ستاد وزارت بهداشت است.»



اعزام بیش از ۷۰ آخوند به بیمارستان‌های اصفهان در موج پنجم کرونا

«شهادت تجریش» آمده «با توجه به اعتراضات بسیار و در پی پیگیری‌های مکرر و عدم رسیدگی به مطالبات بر حق این قشر زحمت کش و عدم پاسخ به کاستی‌ها، بی‌عدالتی‌ها و با توجه به اهمیت والا و حساسیت کار این گروه و مورد کم لطفی قرار گرفتن از سوی مسئولین این مرکز به دلایل فوق‌قادر به همکاری با این مجموعه نبوده و عدم همکاری خود را اعلام می‌کنیم.» این گروه از پرستاران دلایل خود را به این شرح اعلام کرده‌اند: «نرخ کم و توهین آمیز اضافه کاری، حقوق و نرخ پایین کارانه و عدم پرداخت تعرفه طبق دستورالعمل مصوب، حق اشعه و حق لباس و حق مسکن مصوب وزارت کار، شیفت‌های بدون توافق اضافه و سنگین، کمبود نیروی کار انسانی و فشار کار زیاد وارده بر پرسنل، فقدان احترام در محیط کار، انجام کارهای نامرتب و خارج از شرح وظایف مانند کارهای مرتبط با داروخانه، منشی، کمک بپیار و...»

به گزارش وبسایت «تجارت نیوز» یکی از پرستاران امضاکننده طومار استعفا گفته «مشکل ما پرداخت نشدن مطالبات و میزان پرداختی‌ها بابت کارانه و تعرفه‌گذاری است؛ ضمن اینکه از اضافه‌کار اجباری، شیفت‌های طولانی و حق الزحمه ناچیز اضافه‌کاری به ستوه آمده‌ایم.»

این پرستار افزوده که «ما بارها مطالبه‌گری و پیگیری کردیم اما چون راه به جایی نبردیم و مورد بی‌مهری فراوان واقع شدیم، تصمیم به استعفا گرفتیم...»

همزمان محمد شریفی‌مقدم دبیر کل خانه پرستار با اشاره به استعفای دسته‌جمعی ده‌ها تن از کادر درمان بیمارستان «شهادت تجریش» از وضعیتی فوق‌بحرانی گفته که دیگر به بهبود آن هم امیدی نیست!

او گفته «متأسفانه وضعیت فوق‌بحرانی است. بارها در این باره به مسئولان وزارت بهداشت و درمان هشدار داده شده اما هیچ‌وقت این هشدارها را جدی نگرفته‌اند. مساله اینجاست که تجمعات پرستاری نشانه خوبی به حساب می‌آید چراکه حاکی از امید آنها به اصلاح وضعیت بود اما وقتی پرستاران استعفا می‌دهند یا ترک کار می‌کنند، یعنی دیگر امیدی نیست.» به گفته دبیر کل خانه پرستار آمارهای رسمی نشان می‌دهد ۱۵ درصد نیروی پرستار کشور ترک خدمت کرده‌اند که با توجه به تعداد ۱۵۰ هزار نفری پرستاران شاغل یعنی ترک کار ۲۰ هزار پرستار را نشان می‌دهد.

محمد شریفی مقدم گفته «کمبود پرستار باعث شده

● آمار خودکشی رزیدنت‌ها و دستیاران تخصصی پزشکی ۱۰ برابر خودکشی جمعیت عمومی کشور است.

● چهل نفر از پرستاران و کادر اتاق عمل بیمارستان «شهادت تجریش» در شمال تهران با امضای یک طومار به صورت دستجمعی استعفا کرده‌اند.

وزیر بهداشت جمهوری اسلامی در حالی مدعی است که ایران قوی‌ترین حوزه نظام سلامت در منطقه را دارا است که در عمل ساختار درمان و سلامت ایران با بحران‌های جدی روبروست. فرسودگی بیمارستان‌ها و خالی شدن ساختار درمانی از نیروی کار با خودکشی و استعفا و مهاجرت کادر درمان از جمله مشکلات مهمی است که بخش درمان در ایران را با تهدیدهای جدی دست به گریبان کرده است.

روز گذشته بار دیگر خبر خودکشی یک پزشک متخصص دیگر منتشر شد. سمیرا آل سعیدی، پزشک فوق تخصص روماتولوژی و استاد دانشگاه تهران، و مادر یک کودک خردسال در پی خودکشی جان باخت.

دکتر مهدی عبدوس، پزشک، در صفحه «ایکس» نوشت که سمیرا آل سعیدی یک روز پیش از خودکشی، «برنامه دارویی خودکشی خود را با رزیدنت‌ها مطرح کرده؛ آنها موضوع را جدی نگرفته و سر به سر ایشان هم می‌گذارند.»

دکتر مهدی عبدوس نوشته «پزشکان بیشتر از سایر اقشار جامعه در معرض تنش و استرس‌های فراوان کاری هستند آنها سرمایه کشور هستند؛ احترام را حفظ کنید؛ تنهای‌شان نگذارید.» مطهره گون‌های دانشجوی محروم از تحصیل رشته دندانپزشکی دانشگاه تهران هم با انتشار خبر خودکشی سمیرا آل سعیدی در «ایکس» نوشته: «این خون‌ها و جان‌های عزیز که از بین می‌روند بر دوش وزارت بهداشت جمهوری اسلامی است.» خودکشی سمیرا آل سعیدی کمتر از یک ماه پس از خودکشی دکتر پرستو بخشی، متخصص ۳۵ ساله قلب در بیمارستان ابن‌سینا در شهرستان دلفان، گویای اینست که خودکشی کادر درمان به «پدیده» مهمی تبدیل شده که گویا برای وزارت بهداشت جمهوری اسلامی اصلا اهمیتی ندارد.

خودکشی دانشجویان ترم‌های آخر پزشکی که دوران انترنی یا رزیدنتی خود را سپری می‌کنند و همچنین پزشکان تازه فارغ‌التحصیل شده به یک پدیده در ایران تبدیل شده بطوری که آمار خودکشی رزیدنت‌ها و دستیاران تخصصی پزشکی ۱۰ برابر خودکشی جمعیت عمومی کشور است.

در نیمه دی‌ماه و تنها در طول یک هفته خبر خودکشی سه عضو کادر درمان شامل یک رزیدنت چشم‌پزشکی، یک رزیدنت روانپزشکی و یک دندانپزشک تازه فارغ‌التحصیل منتشر شد. در آنسو موج مهاجرت و به تازگی موج استعفا کادر درمان به ویژه پرستاران نیز یکی دیگر از زنگ خطرها برای ساختار درمانی ایران است که در این مورد نیز وزارت بهداشت نسبت به پیامدهای این روند بی‌تفاوت بوده و است.

در روزهای گذشته چهل نفر از پرستاران و کادر اتاق عمل بیمارستان «شهادت تجریش» در شمال تهران با امضای یک طومار به صورت دستجمعی استعفا کرده‌اند. برخی گزارش‌ها تأکید دارند شمار کادر درمان شاغل در این بیمارستان که قصد داشتند این طومار را امضا کرده و استعفا دهند بیشتر بوده اما کادر حراست و مدیریت بیمارستان با تهدید اجازه بیشتر شدن تعداد امضاها را ندادند.

در طومار امضا شده توسط ده‌ها تن از کادر درمان بیمارستان

نرخ فرونشست زمین در اصفهان ۴۵ برابر نرخ جهانی تا سال ۱۴۱۵ اصفهان تبدیل به بیابان می‌شود

آقای وزیر در حال انجام چه کاری است؟ وضعیت دیگر استان‌ها هم بهتر از استان اصفهان نیست و علی‌بیت‌الهی رئیس بخش خطرپذیری مرکز تحقیقات راه و شهرسازی می‌گوید حدود ۴۹ درصد جمعیت کل ایران روی پهنه‌های فرونشست یا در مجاورت آن سکونت دارند.

به گفته این مقام وزارت راه و شهرسازی، گزارشی از نقشه‌های فرونشست و سکونتگاه‌های جمعیتی شهری و روستایی تهیه شده که نشان می‌دهد محدوده‌های جمعیتی عمده و کلان کشور مانند تهران، مشهد، شیراز، کرمان و از همه مهمتر اصفهان و چند کلانشهر دیگر دقیقاً در محدوده فرونشست قرار دارند یا مجاورت و حاشیه «زون»‌های [نواحی] فرونشست واقع شده‌اند.

علی‌بیت‌الهی افزوده که «خصلت فرونشست زمین این است که هر روز ادامه دارد و استنباط می‌شود که اگر همین روال ادامه پیدا کند این زون‌های مجاورت فرونشست هم جزو پهنه‌های فرونشست خواهند شد و به این پهنه می‌پیوندند و وسعت فرونشست افزایش پیدا می‌کند».

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی اواخر آذرماه ۱۴۰۲ گزارشی به فرونشست زمین در ایران پرداخت و هشدار داد که بر اساس اطلاعات سال ۱۳۹۸، ۱۸ استان کشور دارای محدوده‌هایی با خطر بالای فرونشست زمین هستند و فرونشست در ایران با نرخ بیش از ۵ برابر متوسط جهانی رخ می‌دهد.

انتشار گزارش نتایج یک پژوهش مشترک از سوی محققین دانشگاه کلرادو و دانشگاه فنی هامبورگ درباره پدیده فرونشست در جهان که اسفندماه گذشته منتشر شد نشان می‌داد ایران در رتبه دوم نرخ فرونشست و در رتبه سوم از نظر مساحت با این پدیده روبروست.

فرونشست در دنیا دو عامل طبیعی و انسانی دارد و بطور میانگین ۷۷ درصد فرونشست‌های جهان به دلیل عوامل انسانی رخ می‌دهد. از این ۷۷ درصد، ۶۰ درصد آن به علت برداشت بی‌رویه آب از سفره‌های زیرزمینی است، اما در ایران بیش از ۹۵ درصد فرونشست‌ها به دلیل برداشت از سفره‌های زیرزمینی رخ می‌دهد. همچنین در ایران گستردگی دیده فرونشست در حالیکه حدود نیمی از جمعیت کشور در مناطق درگیر با پدیده فرونشست زندگی می‌کنند.

آمارهای ارائه شده وضعیت خشکی منابع آب زیرزمینی در ایران نشان می‌دهد کاهش حجم آب‌های زیرزمینی کشور که از سال ۱۳۵۵ در کشور بطور محسوس شروع شده با گذشت ۴۷ سال، میزان کسری آن به ۱۳۵ کیلومترمکعب رسیده است.

کاهش سطح آب در تمامی حوضه‌های آبریز کشور محسوس و به تبع آن «فرونشست زمین» در تمامی استان‌های کشور در حال رخ دادن است. نسبت به سال ۱۳۵۵ و دهه ۵۰، تعداد چاه‌های آب در ایران بیش از ۱۷ برابر شده است و از ۴۵ هزار حلقه به بیش از ۸۰۰ هزار رسیده است.

همچنین تعداد دشت‌های ممنوعه و بحرانی از ۲۲ دشت در سال ۱۳۴۵ به ۴۰۵ دشت (۲۷۰ دشت ممنوعه و ۱۳۵ دشت ممنوعه بحرانی، گزارش شرکت مدیریت منابع آب فروردین ۱۳۹۸) در آخر سال ۱۳۹۷ رسیده است.



فرونشست با طول ۸ متر و عرض ۴ متر شامگاه نهم اردیبهشت در اصفهان سبب شکستگی لوله آب و بلیعده شدن یک درخت تومنشد

و ۲.۵ میلیون جمعیت دارد، این پدیده داخل شهر هم رخ داده است. وقتی به کاشمر می‌روید، فرونشست در اطراف شهر است.»

او افزوده «در جنوب شیراز هم تمرکز جمعیتی آنقدر بالا نیست اما در جنوب شهر تهران فرونشست داخل شهر آمده است. یک زمان استان همدان رکورد دار فرونشست بود اما تحقیقات جدید سازمان زمین‌شناسی نشان داد که به لحاظ مساحت درگیر، استان اصفهان اول است. به لحاظ نرخ فرونشست، استان فارس رکورددار فرونشست است و ۴۵۰ میلیمتر در سال، یعنی صد برابر نرخ جهانی فرونشست داریم. به لحاظ ریسک بالا، شهر اصفهان پریسک‌ترین شهر فرونشست است. ۷۶۰ هزار واحد مسکونی با پلاپاشگاه و فرودگاه و شهرک‌های صنعتی در اصفهان خطر فرونشست را جدی‌تر می‌کند. راه آهن اصفهان شیراز که از منطقه‌ی مپهار رد می‌شود، کنار ریل ترک‌های فرونشست داریم.»

همزمان با آمارهای تکانه ارائه شده از سوی این کارشناس، شامگاه گذشته یک فرونشست هشت متری زمین در یکی از خیابان‌های اصفهان سبب شکستگی لوله آب و سقوط یک درخت در گودال حاصل از فرونشست شد.

محمد شریعتی سخنگوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری اصفهان درباره این فرونشست گفته این فرونشست به طول ۸ متر و عرض ۴ متر باعث شکستگی لوله آبرسانی ۳۰۰ میلیمتری چدنی از دو نقطه شد که باعث آبگرفتگی خیابان، پیاده رو و تعدادی از مغازه‌های مجاور محل فرونشست شد.

به گفته سخنگوی سازمان آتش‌نشانی این حادثه ساعت ۲۱:۰۱ شامگاه ۹ اردیبهشت ۱۴۰۳ به ستاد فرماندهی آتش‌نشانی اصفهان گزارش شد و بلافاصله اکیپ‌های عملیاتی از ایستگاه‌های ۴ و ۹ به همراه سرتآشپار دادفر افسر آماده وقت به محل حادثه اعزام شدند.

عباس مقتدایی نماینده اصفهان در مجلس شورای اسلامی روز چهارم اردیبهشت هشدار داد وضعیت فرونشست زمین در اصفهان به اندازه‌ی جدی است که ساختمان‌های تاریخی این شهر را تهدید می‌کند. نماینده اصفهان در مجلس شورای اسلامی با اشاره به تغییرات پی در پی مدیریت میراث فرهنگی اصفهان خطاب به عزت‌الله ضرغامی، وزیر میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری گفت: «در این شرایط،

رضا اسلامی کارشناس زمین‌شناسی: در ۱۴۱۵ دیگر آبی در آبخوان‌های اصفهان وجود نخواهد داشت؛ این تازه در حالیکه دیگر هیچ چاه تازه‌ای حفر نشود. اگر باز هم چاه حفر شود در سال ۱۴۰۹ آبی وجود نخواهد داشت. طبق استاندارد جهانی ۴ میلی‌متر فرونشست در یک سال به معنای بحران است. فرونشست زمین در اصفهان تا ۱۸۴ میلی‌متر در سال افزایش داشته و ۴۵ برابر نرخ جهانی است.

رئیس بخش خطرپذیری مرکز تحقیقات راه و شهرسازی می‌گوید حدود ۴۹ درصد جمعیت کل ایران بر روی پهنه‌های فرونشست یا در مجاورت آن سکونت دارند. یک کارشناس زمین‌شناسی تکنونیک با اشاره به رکورد ۱۸۴ میلی‌متری فرونشست زمین در اصفهان طی یک سال گفته در صورت تداوم این وضعیت اصفهان بین سال‌های ۱۴۰۹ تا ۱۴۱۵ به بیابان تبدیل می‌شود.

فرونشست زمین در ایران سال‌هاست هشدار کارشناسان را در پی داشته و ایران دومین نرخ فرونشست زمین در جهان را دارد. بحران به حدی گسترده است که به گفته کارشناسان نیمی از جمعیت کشور بر روی پهنه درگیر با فرونشست زندگی می‌کنند.

طبق استاندارد جهانی ۴ میلی‌متر فرونشست در یک سال به معنای بحران است. فرونشست زمین در اصفهان تا ۱۸۴ میلی‌متر در سال افزایش داشته و ۴۵ برابر نرخ جهانی است. رضا اسلامی کارشناس زمین‌شناسی تکنونیک در گفتگو با وبسایت «رویداد ۲۴» گفته «ما ۴۵ برابر نرخ جهانی در اصفهان فرونشست داریم. خرداد ۱۴۰۰ تا خرداد ۱۴۰۱ به وسیله جی‌پی‌اس‌های دو فرکانس ۲۴ ایستگاه در اصفهان نشان داد که نرخ فرونشست در شمال غرب تا شمال شرق اصفهان سرعت بیشتری پیدا کرده و ۱۵۸ میلیمتر را نشان داد.»

این کارشناس زمین‌شناسی توضیح داده که «ما وقتی بخواهیم سرعت را کنترل کنیم، باید برداشت را از آبخوان کم کنیم. شما یک اسفنج را در نظر بگیرید، با چند سرنگ از آن آب بکشید، وقتی آب تمام شد، آن اسفنج مجاله می‌شود. برای بازگشت به شرایط عادی یا باید آب تزریق کنید یا آب برداشت نکنید. آبخوان اصفهان هم توسط چاه‌های کشاورزی و صنعتی و شهری درگیر مشکل است. زاینده‌رود هم که تغذیه‌کننده اصلی آبخوان اصفهان بوده است، سالانه بیست روز باز است.»

رضا اسلامی با تأکید بر اینکه در صورت تداوم این وضعیت اصفهان بین سال‌های ۱۴۰۹ تا ۱۴۱۵ به بیابان تبدیل می‌شود افزوده که در صورت ادامه این روند «در ۱۴۱۵ دیگر آبی در آبخوان‌های اصفهان وجود نخواهد داشت؛ این در حالیکه هیچ چاه تازه‌ای حفر نشود. اگر باز هم چاه حفر شود در سال ۱۴۰۹ آبی وجود نخواهد داشت. آبی هم که الان از عمق ۲۰۰ متری می‌کشند وضعیت خوبی ندارد.»

به گفته این کارشناس «۶۰۰ دشت در ایران داریم؛ بیش از ۴۰۰ دشت تحت تأثیر فرونشست است. کاشمر، نیشابور، سمنان، دامغان، سرخس، دریاچه ارومیه و... درگیر فرونشست است. از ۳۱ استان و فقط یک استان درگیر فرونشست نیست. اما برخی نقاط شرایط حادتر است. چون اصفهان در دشت اصفهان-برخوار بنا شده

۱۶ سال پس از تولید «قلیان اکسیژن»؛ اظهارات ضد و نقیض مسئولان و آزمایش بی‌سر و صدای آن در بین جوانان



● مجری طرح تحقیقاتی «قلیان اکسیژن» یا «دستگاه پاک‌دم» در حالی ادعا می‌کند این طرح هنوز به «تایید نهایی» نرسیده است که این محصول بدون اطلاع‌رسانی عمومی ظاهراً برای کاهش مصرف دخانیات در میان جوانان از ۱۰ سال پیش در ۱۰ استان کشور در حال اجرا است.

● یک مقام مسئول در فراجا درباره قلیان اکسیژن و اجازه سرو آن با مجوز وزارت بهداشت در سطح کافه‌های شهر تهران و دیگر شهرها اعلام کرده است: «هیچ ابلاغیه‌ای در این ارتباط نه از طرف وزارت بهداشت و نه وزارت کشور به پلیس ابلاغ نشده است! درواقع رسماً به پلیس اطلاع داده نشده است که با استعمال قلیان‌های اکسیژن برخورد شود یا نشود!»

● با اظهارات متناقض و مبهم مقامات و مسئولان مربوطه هنوز مخاطبان و کسانی که به دود کردن این قلیان‌ها می‌پردازند نمی‌دانند که آیا آنچه مصرف می‌کنند مانند دیگر دودهایی که به عنوان «دخانیات» شناخته می‌شوند برای آنها زیان دارد یا نه!

مدتی است که موضوع عرضه و عوارض نوع خاصی از قلیان با عنوان «قلیان اکسیژن» در برخی کافی شاپ‌ها و قهوه‌خانه‌های کشور خرساز شده است.

مجری طرح تحقیقاتی «قلیان اکسیژن» یا «دستگاه پاک‌دم» در حالی ادعا می‌کند این طرح هنوز به «تایید نهایی» نرسیده است که این محصول بدون اطلاع‌رسانی عمومی ظاهراً برای کاهش مصرف دخانیات در میان جوانان از ۱۰ سال پیش در ۱۰ استان کشور در حال اجرا است. دکتر غلامرضا حیدری عوارض خطرناک مصرف این قلیان مانند «ایجاد وابستگی»، «اعتیادآوری» و «گازهای خنده‌آور» را نادرست و یک بازی رسانه‌ای دانسته است.

پیگیری‌های «اقتصادنیوز» از یکی از کافی شاپ‌هایی که قلیان اکسیژن را برای مشتریان خود سرو می‌کند، بیانگر آن است که این قلیان برای مشتریان خود ساعتی حدود ۳۵۰ هزار تومان هزینه دارد.

مجری طرح مطالعاتی بررسی «قلیان اکسیژن» در واکنش به اخبار منتشر شده درباره این طرح مطالعاتی، با تأکید بر اینکه «قلیان اکسیژن» استانداردهای وزارت بهداشت را دارد، ادعا کرده: «مقدار گازهای اکسیژن و نیتروژن موجود در «قلیان اکسیژن» تنظیم شده و استاندارد است و حدود ۱۰ سال از زمان ثبت اختراع رسمی این دستگاه در کشور می‌گذرد.» دکتر غلامرضا حیدری با اشاره به طرح مطالعاتی قلیان اکسیژن با نظارت وزارت بهداشت و با هدف کاهش مصرف قلیان دخانی به خبرگزاری ایسنا گفت: «دستگاه قلیان اکسیژن هنوز «تایید نهایی» را نگرفته و نتایج تحقیقات ملایک تصمیم‌گیری در اینباره خواهد بود.»

به گفته وی، این طرح از ۱۰ سال پیش در ۳ استان تهران، البرز و آذربایجان شرقی آغاز شده، امور مربوط به این طرح تحقیقاتی در استان بوشهر و شهر جیرفت در استان فارس در حال انجام است. همچنین استان‌های مازندران، زنجان، هرمزگان نیز به این طرح تحقیقاتی اضافه می‌شوند.

حیدری درباره جزئیات اجرای طرح تحقیقاتی «قلیان اکسیژن» افزود: «مراکز که قلیان‌های دخانی ارائه می‌دهند به صورت داوطلبانه در طرح تحقیقاتی شرکت می‌کنند. بر اساس استانداردهای وزارت بهداشت، درصد گازهای اکسیژن

«انتونوکس» از مسائلی مانند «ایجاد وابستگی»، «اعتیادآوری» و «گازهای خنده‌آور» تهی است. با توجه به ویژگی‌های انتونوکس، ادعاهای مطرح شده در ارتباط با قلیان اکسیژن، یک بازی رسانه‌ای است.»

وی با بیان اینکه در این طرح مطالعاتی افرادی که از قلیان اکسیژن استفاده می‌کنند مورد نظرسنجی قرار می‌گیرند، افزود: «هدف از اجرای نظرسنجی این است که مصرف‌کنندگان قلیان اکسیژن را ارزیابی کنیم. این ارزیابی‌ها به منظور بررسی مشکلات و عوارض احتمالی ناشی از مصرف قلیان اکسیژن است. با توجه به مشکلات و عوارض احتمالی ناشی از استعمال قلیان اکسیژن برای آینده این دستگاه تصمیم می‌گیریم.»

وی با بیان اینکه در حال حاضر، قلیان اکسیژن در برخی استان‌ها مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته است افزود: «پاسخ به پرسش‌های «آیا قلیان اکسیژن عوارض دارد؟» و «آیا قلیان اکسیژن می‌تواند به عنوان یک دستگاه بی‌ضرر معرفی شود؟» به گذر زمان نیاز دارد؛ این پروژه تحقیقاتی باید به مدت یک یا دو سال انجام شود که بتوان به پرسش‌های مطرح شده پاسخ داد.»

حیدری با بیان اینکه «سال‌ها است علیه دخانیات مبارزه می‌کنیم و با اقداماتی در نظر داریم میزان مصرف دخانیات را کنترل و محدود کنیم» گفت: «برنامه‌هایی با هدف کنترل دخانیات طی سال‌های گذشته مطرح شده اما شکست خورده‌اند. همچنین ممنوعیت‌های استعمال دخانیات اثربخش نبوده‌اند و جرائم مربوط به تخلفات دخانیاتی به خوبی اجرا نشده‌اند.»

در همین ارتباط خبرگزاری «تسنیم» با انتشار گزارشی در ۵ اردیبهشت نوشت: «در تبلیغات قلیان اکسیژن ادعا شده که یک قلیان شادی‌آور است که از ترکیب گاز اکسیژن و گاز بی‌هوشی N2O تشکیل شده است؛ تا امروز بر اساس مشاهدات میدانی، عوارض متعدد و بعضاً بسیار خطرناک در پی استعمال این قلیان در مراکز عرضه آن

و نیتروژن قلیان اکسیژن تنظیم می‌شود.» وی با اشاره به اینکه طرح مطالعاتی «قلیان اکسیژن» در شهر تهران انجام شده و مصرف‌کنندگان این دستگاه با «تست تنفسی» مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند تأکید کرد: «نتایج تست تنفسی مصرف‌کنندگان قلیان اکسیژن نشان می‌دهد وضعیت تنفسی آنها نسبت به افراد عادی، کاملاً بالاتر است. نتایج به دست آمده می‌تواند ما را به مسیری هدایت کند که قلیان اکسیژن، مشکلات سلامتی ندارد. البته بطور قطع اظهار نظر نهایی درباره قلیان اکسیژن به بررسی‌های کامل‌تر نیاز دارد.»

وی با اشاره به اینکه دستگاه قلیان اکسیژن «تایید نهایی» را نگرفته است تأکید کرد: «اگر نتایج تحقیقات و شرایط طوری باشد که این دستگاه جایگزین قلیان‌های دخانی شود، یک گام موثر در جهت حفظ سلامتی جامعه به حساب خواهد آمد.»

رئیس مرکز تحقیقات پیشگیری و کنترل دخانیات دانشگاه علوم پزشکی «بهشتی» با اشاره به اخبار منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی درباره قلیان اکسیژن گفت: «ادعای استفاده از «گاز خنده» در قلیان اکسیژن در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده که در پاسخ به ادعاهای مطرح شده باید گفت، استفاده از گاز خنده در قلیان اکسیژن صحت ندارد.» وی سهم اکسیژن از ترکیب گازهای بی‌کار گرفته شده در قلیان اکسیژن را حدود ۸۰ درصد دانست و افزود: «نیتروژن می‌تواند به میزان ۵ درصد به ترکیب گازها اضافه شود.»

مجری طرح مطالعاتی بررسی «دستگاه پاک‌دم» ادعا کرد: «اکسید نیتروژن» که با «گاز خنده» شناخته می‌شود در قلیان اکسیژن وجود ندارد. «انتونوکس» یک گاز بی‌ضرر به شمار می‌آید که در قلیان اکسیژن استفاده می‌شود. پژوهش‌های متعددی درباره «انتونوکس» در سطح جهان انجام شده، یافته‌های این مطالعات از بی‌ضرر بودن این گاز حکایت می‌کند.»

حیدری درباره اعتیادآور بودن انتونوکس تأکید کرد:

این گزارش افزوده «باید از مسئولان این وزارتخانه که متولی اصلی سلامت مردم است، پرسید سرو قلیان اکسیژن از سال ۹۵ در تهران و استان‌های دیگر شروع شده است و در زمان حاضر حداقل ۸ سال از سرو و عرضه آزادانه قلیان اکسیژن می‌گذرد! آیا هنوز و بعد از ۸ سال همچنان عرضه و مصرف این قلیان در «حالت مطالعاتی» قرار دارد و نتایج مخرب و اعتیادآور آن هنوز هم برای وزارت بهداشت احراز نشده است؟!»

برخلاف ادعای مجری طرح مطالعاتی بررسی «قلیان اکسیژن» که ادعا کرده ۱۰ سال از زمان ثبت رسمی اختراع «قلیان اکسیژن» می‌گذرد، ۱۶ سال پیش در ۲۵ فروردین ۱۳۸۷ برای نخستین بار موضوع «قلیان اکسیژن» در رسانه‌های داخلی مطرح شد.

آن زمان دبیر وقت کمیته گردشگری سلامت در مراسمی ادعا کرده بود: «قلیان‌های اکسیژن که توسط نادر مظفری مخترع ایرانی ساخته شده، نه تنها ضرر ندارند بلکه برای بدن نیز مفیدند و برای سلامت بدن توصیه می‌شوند.»

سه روز پس از انتشار این خبر، رئیس وقت مرکز سلامت محیط و کار وزارت بهداشت در پاسخ به این ادعا که قلیان اکسیژن کارکرد درمانی دارد، اعلام کرده بود: «اکسیژن درمانی تنها باید زیر نظر پزشک متخصص انجام شود و کارکرد قلیان اکسیژنی به عنوان وسیله درمانی هنوز تایید نشده است.»

۳۰ فروردین همان سال دبیر کمیته گردشگری سلامت سازمان میراث فرهنگی و گردشگری در گفتگو با خبرنگاری فارس ادعا کرده بود: «قلیان اکسیژن به رغم اظهارات وزیر بهداشت از وزارت بهداشت تأییدیه و مجوز دارد و تأییدیه این وزارتخانه موجود و قابل ارائه است.»

به این ترتیب با اینهمه اظهارات متناقض و مبهم مقامات و مسئولان مربوطه هنوز مخاطبان و کسانی که به دود کردن این قلیان‌ها می‌پردازند نمی‌دانند که آیا آنچه مصرف می‌کنند مانند دیگر دودهایی که به عنوان «دخانیت» شناخته می‌شوند برای آنها زیان دارد یا نه!

سطح بسیاری از موادی که مرسوم است نیست.»
در ۴ اردیبهشت نیز خبرنگاری «تسنیم» به نقل از رئیس دبیرخانه ستاد کشوری کنترل دخانیات وزارت بهداشت درباره ترکیب موجود در قلیان اکسیژن نوشت: «در این دستگاه، گاز N2O به عنوان گاز خنده و شادی‌آور در ترکیب با اکسیژن مورد استفاده قرار گرفته است و احتمال می‌رود که این ترکیب بتواند جایگزین اعتیاد به نیکوتین و تنباکو باشد.»
به گفته وی، «شواهد تا کنون نشان داده است افرادی که این وسیله را مصرف کرده‌اند پس از مصرف قلیان اکسیژن تمایل چندانی به مصرف مواد دخانی ندارند؛ البته باید نتایج آزمایش بطور قطعی مشخص شود. انتظار داریم که با پایان یافتن مرحله آزمایشی این طرح، علاوه بر مشخص شدن اثرات مرتبط با سلامتی، درباره بحث جایگزینی آن با مواد اعتیادآوری مانند نیکوتین و تنباکو نیز به نتیجه برسیم.»

روزنامه «فرهیختگان» به نقل از یکی از متخصصان بیهوشی تأکید می‌کند که استفاده از گاز N2O خالص باعث کاهش اکسیژن در خون و پس از چند ساعت مرگ فرد خواهد شد، بنابراین مصرف این گاز یا باید ترکیب شده با اکسیژن باشد یا با دوز کنترل شده مورد استفاده قرار بگیرد. همچنین اکسیژن خالص نیز همین حالت سرخوشی را ایجاد می‌کند، اما باز هم استنشاق اکسیژن خالص باعث فیروز ریه خواهد شد و امکان عرضه آن به صورت عمومی وجود ندارد؛ بنابراین ایده متخصصان بیهوشی این است که N2O که در حال عرضه توسط کافی‌شاپ‌ها و قهوه‌خانه‌هاست، قاطی شده با اکسیژن یا هوای فشرده است.

در ادامه گزارش «تسنیم» آمده است: «اینکه وزارت بهداشت بر اساس کدام مستندات علمی، کار آزمایشگاهی یا بالینی اقدام به صدور مجوز برای سرو گسترده قلیان اکسیژن در تهران و ۱۰ استان کشورمان کرده است، در حاله‌ای از ابهام قرار دارد و تا امروز هیچ سند و نتایج تحقیقات بالینی و علمی که دال بر بی‌عوارض بودن و خطرناک نبودن استعمال این نوع قلیان باشد از سوی وزارت بهداشت ارائه نشده است!»

مشاهده شده است و در اعتیادآور بودن آن تقریباً تردیدی وجود ندارد.»
در ادامه این گزارش آمده است: «تا کنون گزارش‌های مختلفی از مسمومیت و حالت بیهوشی موقت برای مصرف‌کنندگان این قلیان منتشر شده است که در صورت عدم مراجعه به مراکز درمانی، ممکن است اتفاقات تلخی برای استعمال‌کنندگان روی دهد.»

بر اساس «مشاهدات میدانی خبرنگار تسنیم» در یکی از کافه‌های غرب تهران، دخترخانم جوانی پس از حدود نیم ساعت استعمال قلیان اکسیژن، به یکباره شروع به خنده‌های بلند و غیرعادی کرد و سپس با همان حالت غیرطبیعی، اقدام به سفارش دادن مقدار بسیار زیادی از اقلام خوراکی و نوشیدنی که در این کافه فروخته می‌شد کرد و در ادامه مشغول به خوردن دیوانه‌وار این اقلام شد!

این دختر جوان بعد از چند دقیقه به صورت ناگهانی به روی زمین افتاد و از حال رفت! پس از تماس حاضران در کافه با اورژانس و حضور تکنیسین اورژانس در محل این کافه، اقدامات درمانی اورژانسی به روی این دختر انجام شد؛ تکنیسین اورژانس ادعا داشت که اغلب افرادی که قلیان اکسیژن مصرف می‌کنند، این حالت را تجربه می‌کنند! این دختر برای دریافت خدمات پزشکی بیشتر به بیمارستان منتقل شد و تا لحظه آخر خارج کردن این دختر به وسیله برانکار از کافه همچنان در حالت بیهوشی بود!

بر اساس گزارش «تسنیم» این وسیله ثبت اختراع شده و بعد از اینکه تأییدیه آن از سازمان غذا و دارو گرفته شد به عنوان تجهیزات پزشکی ثبت شده و در سازمان غذا و دارو استانداردهایی برای آن در نظر گرفته شده است. در این وسیله از ترکیب گازهای اکسیژن و N2O با رعایت حدود تعیین شده در سازمان غذا و دارو برای اطمینان از اینکه ضرری برای سلامتی افراد نداشته باشد استفاده می‌شود.

با این حال، یک مقام مسئول در فراجا درباره قلیان اکسیژن و اجازه سرو آن با مجوز وزارت بهداشت در سطح کافه‌های شهر تهران و دیگر شهرها اعلام کرده است: «هیچ ابلاغیه‌ای در این ارتباط نه از طرف وزارت بهداشت و نه وزارت کشور به پلیس ابلاغ نشده است! درواقع رسماً به پلیس اطلاع داده نشده است که با استعمال قلیان‌های اکسیژن برخورد شود یا نشود!»

اینهمه در حالیست که کیانوش جهانپور سخنگوی اسبق وزارت بهداشت با اشاره به اینکه برخی ایالت‌های آمریکا نیز مصرف شخصی آن (گاز N2O) را آزاد اعلام کرده‌اند به روزنامه «فرهیختگان» گفته است: «در کشور ما نیز جدید نیست و حداقل چندسالی می‌شود که در قالب الگوی مصرفی با عنوان قلیان، مصرف آن شروع شده است.»

این مسئول ارشد سابق سازمان غذا و دارو درباره عوارض خطرناک قلیان اکسیژن گفته است: «در اصل چیزی که در ایران به عنوان قلیان اکسیژن شناخته می‌شود و به نوعی الگوبرداری و تغییر فرم چیزی است که در کشورهای دیگر تحت عنوان «اکسیژن کلاب» شناخته می‌شود؛ این یک اسم شبهه‌ناک است.»

به گفته وی، ماده مورد استفاده در این دستگاه، گاز اکسیژن نیست و ماده دیگری به نام N2O یا نیتروز اکسید است که به عنوان گاز خنده نیز شناخته می‌شود.

همچنین کیانوش جهانپور در ارتباط با این گاز به خبرنگاری «ایسنا» گفته است: «این گاز کاربردهایی در حوزه پزشکی و صنایع غذایی و شیمیایی داشت، پس اصل موضوع جدید نیست. اما الگوی مصرف به سمت استفاده نابجا رفته به عنوان سرگرمی و تا حدودی به عنوان مخدر رفته است؛ البته باید در نظر داشت اثر تخریبی و روانگردان آن مشابه و در

منشی زن ممنوع!



استاندار کرمانشاه: استفاده از منشی خانم برای مدیران در ادارات دولتی ممنوع شد!

۱۳ استان گرفتار سیل؛ مردم جور مسئولان را می‌کشند



● رئیس سازمان امداد و نجات جمعیت «هلال احمر» با اشاره به وقوع سیل و آبگرفتگی در ۱۳ استان در ۵ روز گذشته، از حضور ۷۷۰ امدادگر برای امدادسانی به افراد آسیب‌دیده خبر داده است.

● بیشتر روستاها سیل‌زده در استان سیستان و بلوچستان برق ندارند و وضعیت امدادسانی دست‌کم از اسفندماه ندارد. هم‌اکنون از میان تمام شهرها و روستاهای آسیب‌دیده، نام شهرستان «زرآباد» است که به عنوان خسارت‌دیده‌ترین منطقه مطرح می‌شود.

● مسئولان استانی سیستان و بلوچستان اعلام کرده‌اند که جاری شدن سیلاب، شبکه آبرسانی ۲۵۲ روستای جنوب استان را تخریب کرده است. تخریب شبکه آبرسانی در حالیست که مهم‌ترین مشکل جنوب سیستان و بلوچستان، تامین آب آشامیدنی بوده و این منطقه سال‌هاست که با تبعات خشکسالی و سوء مدیریت در دریافت حقایق هیرمند از افغانستان مواجه است.

۱۳ استان کشور همچنان درگیر سیل و آبگرفتگی هستند. در این میان وقوع سیل‌های مکرر در سیستان و بلوچستان وضعیت به شدت نامطلوبی برای ساکنان این استان ایجاد کرده است. اخباری که طی روزهای گذشته درباره خسارات جدید سیلاب در ۶ شهر جنوب این استان منتشر شده، نشان می‌دهد که در این بازه دو ماهه هیچ اقدام پیشگیرانه‌ای انجام نشده است.

اهالی مناطق سیل‌زده سیستان و بلوچستان می‌گویند حجم بارش‌های ۲۷ فروردین‌ماه که باعث شد سیل دوباره برگردد، بی‌سابقه بوده؛ بی‌سابقه بودن آن را گزارش‌های سازمان هواشناسی هم تأیید می‌کند: «از ۲۸ تا ۳۰ فروردین‌ماه امسال در پنج ایستگاه باران‌سنجی بارش‌های بالای ۲۰۰ میلی‌متر ثبت شد؛ ایستگاه زرآباد بیش از ۲۷۰ میلی‌متر بارش دریافت کرد که پیش از آن سابقه نداشته است.»

بر اساس اعلام مدیرکل مدیریت بحران سیستان و بلوچستان، این بارندگی‌ها علاوه بر اینکه باعث شد سیل در ۳۰۰ روستا جاری شود، ۴۵ مسیر ارتباطی روستایی، ۱۲ مسیر فرعی و یک مسیر اصلی را هم در جنوب این استان مسدود کرد.

فعالان محلی و مردم منطقه به روزنامه «هم‌میهن» گفته‌اند: «راه‌ها به اندازه سیل اسفندماه خسارت دیده، نمی‌توان به راحتی کمک‌ها را به منطقه رساند و فعلاً ماشین‌های سنگین و لودرها مهم‌ترین نیاز مناطق سیل‌زده‌اند.»

بیشتر روستاها سیل‌زده برق ندارند و وضعیت امدادسانی دست‌کم از اسفندماه ندارد. هم‌اکنون از میان تمام شهرها و روستاهای آسیب‌دیده، نام شهرستان «زرآباد» است که به عنوان خسارت‌دیده‌ترین منطقه مطرح می‌شود.

در همین ارتباط مولوی یونس نهنکی رئیس شورای اسلامی شهرستان زرآباد در منطقه بلوچستان گفته است: «از غرق شدن قایق‌های مردم در اسکله بگویم یا از زیرآب رفتن مزارع، از پر آب شدن خانه‌ها و قطعی آب، برق و تلفن بگویم یا قطع شدن چندین روزه ارتباط برخی از روستاها، محور بندرعباس به چابهار که دو بندر مهم هستند، بسته شده، زرآباد کانون توسعه مکران است و رهبری هم روی آن تأکید کردند، اما کوچک‌ترین دستگاه و ماشین‌آلات حتی یک ماشین راهداری شاسی‌بلند که بتواند خودش را به روستاها برساند، ندارد. اگر شهرداری و مردم نبودند، اینجا فاجعه اتفاق می‌افتاد.»

شهرستان زرآباد منطقه‌ای است که در سیل هفته گذشته خسارت بسیار زیادی دیده، اما تا چهار روز بعد از آنهم

راه‌هایی است که با وجود بازشدن، تخریب شده است. در شرایطی که سیل ویرانگر خانه و زندگی بسیاری از شهروندان در استان سیستان و بلوچستان را نابود کرده، حکومت در امدادسانی و حمایت از سیل‌زدگان ناتوان است. ویدیویی روز جمعه هفتم اردیبهشت در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده که در آن کودکان سیل‌زده روستای خلیج‌آباد می‌گویند حت دمپایی برای پوشیدن ندارند. این خلیج‌آباد می‌گویند حت دمپایی برای پوشیدن ندارند. این در حالیست که میلیاردها دلار از منابع ملی از جیب مردم برداشته می‌شود تا صرف تقویت حزب‌الله و حماس و گسترش تروریسم در منطقه و جهان شود!

زیرساخت‌های نامناسب و غافلگیری مردم

رئیس سازمان امداد و نجات جمعیت «هلال احمر» با اشاره به وقوع سیل و آبگرفتگی در ۱۳ استان در ۵ روز گذشته، از حضور ۷۷۰ امدادگر برای امدادسانی به افراد آسیب‌دیده خبر داده است.

به گفته وی از ۴ اردیبهشت تا امروز ۹ اردیبهشت ۱۳ استان (اصفهان، البرز، تهران، خراسان جنوبی، سمنان، سیستان و بلوچستان، فارس، قم، گلستان، مازندران، کرمان، هرمزگان و یزد) ۵۷ شهرستان، نیاز به دریافت خدمات امدادی پیدا کردند. باران بهاری سیل‌آسا در روز ۵ اردیبهشت ۱۴۰۳ در شیراز، بار دیگر موجب آبگرفتگی معابر و خیابان‌ها به‌خصوص در مرکز شهر شد. این سیلاب ناگهانی که مردم را غافلگیر کرد، مشکلات زیادی را برای تردد و زندگی عادی شهروندان به وجود آورد.

اگرچه بارش‌های رگباری و سیل‌آسا در این شهر سابقه دارد، اما حجم بالای آب در این حادثه و عدم مدیریت صحیح آن، نشان از وجود مشکلات اساسی در زیرساخت‌های یکی از مشهورترین و شاخص‌ترین شهرهای تاریخی و فرهنگی ایران دارد که از مراکز توریستی کشور به شمار می‌رود.

بر اساس ویدئوهای منتشرشده از پارکینگ کارخانه خودروسازی ارگ جدید بم کرمان، صدها ماشین تولیدشده پس از وقوع سیل در حجم زیادی از آب گل‌آلود فرو رفته‌اند. بارندگی‌ها در استان کرمان با هشدار سطح نارنجی هواشناسی از حدود ۱۱ روز گذشته آغاز شده است.

به گفته محمد مهدی فداکار استاندار کرمان تا کنون

ماشین‌های سنگین و آذوقه زیادی دریافت نکرد. در بخشی از گزارش روزنامه «اعتقاد» نیز که ۴ اردیبهشت منتشر شد آمده است: «تخمین اولیه از خسارت ۱۲ هزار میلیارد ریالی به بخش کشاورزی شهرستان‌های زرآباد، دشتیاری، چابهار، قصرقند، نیکشهر، کنارک، راسک، فوج، سرباز، سیب و سوران و مهرستان حکایت داشت آنهم در حالی که معاش مردم این منطقه به کشت و زرع وابسته است.»

مسئولان استانی هم اعلام کردند که جاری شدن سیلاب، شبکه آبرسانی ۲۵۲ روستای جنوب استان را تخریب کرده است. تخریب شبکه آبرسانی در حالیست که مهم‌ترین مشکل جنوب سیستان و بلوچستان، تامین آب آشامیدنی بوده و این منطقه سال‌هاست که با تبعات خشکسالی و سوء مدیریت در دریافت حقایق هیرمند از افغانستان مواجه است.

اینهمه در حالیست که خبرگزاری دولتی «ایرنا» با انتشار گزارشی تصویری از وقوع سیلاب در منطقه دشتیاری نوشت: «سیلاب مکرر و خسارت‌زا در طول سال‌های گذشته، باعث ایجاد وضعیت نامطلوبی برای مردم در منطقه دشتیاری سیستان و بلوچستان شده است.»

این خبرگزاری در ادامه با طرح این مسئله که عدم ساخت و ساز مناسب مردم را با مشکلات جدی روبرو کرده است ادعا کرد: «بخشی از آنان خانه و محل زندگی خود را ترک کرده‌اند و آنها که باقی مانده‌اند به نوعی عادت کرده‌اند که با سیل همزیستی کنند.»

یکی از نگرانی‌های مهم اهالی مناطق سیل‌زده دشتیاری که از سال‌ها پیش آغاز شده و بعد از هر بار سیل تشدید می‌شود، فرسایش خندقی خاک است که به آن «گرگروک» می‌گویند؛ کانال‌هایی عمیق در زمین با عمق بیش از یک متر که جریان سیل را به مسیری غیر از رودخانه‌های فصلی می‌کشاند. این کانال‌ها در جریان سیل پیشروی می‌کنند و بحران بارندگی‌های بلوچستان را چند برابر می‌کنند.

به گفته مدیرکل راهداری جنوب استان سیستان و بلوچستان حجم خسارات وارد شده به راه‌های اصلی و روستایی بیش از ۳ هزار میلیارد تومان است. درخواست این روزه‌های مردم مناطق سیل‌زده بازگشایی راه‌های روستایی و مرمت و بازسازی

تجارت نیوز: رحم اجاره‌ای در ایران ۴۰۰ تا ۹۰۰ میلیون تومان؛ «دهه هفتادی‌ها روی بورس‌اند»



عکس: تسنیم

اینجاست که در این بین افرادی به عنوان واسطه حضور دارند که شرایط را سخت‌تر و پیچیده‌تر کرده و باعث می‌شوند تا برخی مشکلات در طول مدت بارداری خود را نشان دهند. دکتر میرزایی با اشاره به ضرورت در نظر گرفتن «سلامت» افرادی که حاضر به اجاره دادن رحم خود هستند گفت باید مسائلی مثل «اعتیاد» و «مشکلات دیگری مانند بیماری‌های مقاربتی و ارثی» نیز مورد بررسی قرار بگیرد اما متأسفانه در برخی موارد اتفاق افتاده که واسطه‌ها این برگه‌ها را به صورت تقبلی در اختیار خانواده خواهان رحم اجاره‌ای می‌گذارند و در نهایت هم ممکن است بارداری به شکل ناموفق تمام شود و یا اتفاقات دیگری رخ می‌دهد و افراد بعد از اینکه پول را پرداخت می‌کنند تازه متوجه می‌شوند که فرد داوطلب مشکلات سلامتی دارد یا معتاد است.

نظارتی بر این بازار وجود ندارد

در بخش دیگری از این گزارش به نقل از عاطفه رحیمی پرستار یکی از زایشگاه‌های خصوصی تهران آمده، «هیچ نظارتی بر این بازار وجود ندارد. همانطور که در زمینه فروش اعضای بدن همه چیز دست واسطه‌هاست در این زمینه هم باز واسطه‌ها هستند که شرایط را تعیین می‌کنند.»

او می‌افزاید: «در حال حاضر درمان‌های زیادی برای باروری افراد نابارور وجود دارد اما برخی افراد واقعاً به هیچ درمانی پاسخ نمی‌دهند و مجبورند از رحم اجاره‌ای استفاده کنند اما سودجویی دلان در این بین باعث می‌شود تا برخی از این خانواده‌ها به دلیل مشکلات مالی و عدم توانایی مبالغ درخواستی نتوانند به آرزوی خود برسند.»

رحیمی در مورد این موضوع که بیشتر چه رده سنی در این زمینه فعالیت می‌کنند می‌گوید: «در حال حاضر متولدين دهه ۷۰ بیشترین آمار را در بین افرادی که رحم خود را اجاره می‌دهند دارند... البته چند نمونه دهه هشتادی هم در بیمارستان ما بوده‌اند که زود ازدواج کرده و فرزند داشته‌اند و باز هم بنا به دلایل اقتصادی مجبور به این کار شده‌اند. به هر حال این مبلغی که دریافت می‌کنند می‌تواند حداقل تا مدتی مشکلات معیشتی آنها را رفع کند.»

● **وبسایت خبری «تجارت نیوز» هفتم اردیبهشت ۱۴۰۳ با اشاره به «رونق بازار رحم اجاره‌ای در ایران» گزارش داد، درخواست‌ها برای پیدا کردن «رحم اجاره‌ای» دیگر فقط شامل مادران نازا نمی‌شود و زنانی که دل‌شان نمی‌خواهد زیبایی و فرم بدن آنها به دلیل بارداری از دست برود ترجیح می‌دهند این کار را به فرد دیگری سپرده و با استفاده از رحم اجاره‌ای باردار [بچه‌دار] شوند و در نهایت هم تناسب و زیبایی خود را حفظ کنند.**

● **از مدت‌ها پیش قیمت رحم اجاره‌ای در ایران به ۴۰۰ میلیون تا ۹۰۰ میلیون تومان رسیده است و بیشترین کسانی که رحم خود را اجاره می‌دهند دختران دهه هفتادی هستند.**

● **طاهره میرزایی فوق تخصص زنان و زایمان در اینباره به «تجارت نیوز» می‌گوید: «اجاره رحم هم برای بسیاری از افرادی که داوطلب این کار می‌شوند مانند کسانی است که به دلیل مشکلات مالی و فقر اقتصادی حاضر به فروش اعضای بدن خود می‌شوند. در اکثر موارد زنان برای این کار داوطلب می‌شوند تا بتوانند مشکلات اقتصادی و معیشتی خود و خانواده‌هایشان را حل و فصل کنند.»**

● **عاطفه رحیمی پرستار یکی از زایشگاه‌های خصوصی تهران می‌گوید، «هیچ نظارتی بر این بازار وجود ندارد. همانطور که در زمینه فروش اعضای بدن همه چیز دست واسطه‌هاست در این زمینه هم باز واسطه‌ها هستند که شرایط را تعیین می‌کنند.»**

وبسایت خبری «تجارت نیوز» با اشاره به رونق بازار «رحم اجاره‌ای» در ایران گزارش داد، افرادی که به عنوان دلال در این بازار فعالیت می‌کنند سودهای کلانی به دست می‌آورند و «بیشترین کسانی که رحم خود را اجاره می‌دهند دختران دهه هفتادی‌ها هستند که روی بورس‌اند.»

بر اساس این گزارش که هفتم اردیبهشت ۱۴۰۳ منتشر شد درخواست‌ها برای پیدا کردن «رحم اجاره‌ای» دیگر فقط شامل مادران نازا نمی‌شود و زنانی که دل‌شان نمی‌خواهد زیبایی و فرم بدن آنها به دلیل بارداری از دست برود ترجیح می‌دهند این کار را به فرد دیگری سپرده و با استفاده از رحم اجاره‌ای باردار شوند و در نهایت هم تناسب و زیبایی خود را حفظ کنند. طبق گزارش «تجارت نیوز» قیمت رحم اجاره‌ای از ۴۰۰ میلیون تومان شروع می‌شود و بسته به شرایط فرد که شامل سن، سلامتی، زیبایی ظاهری و... می‌شود، گاهی به ۹۰۰ میلیون تومان هم می‌رسد. رقمی که برای خیلی از افراد با وجود مشکلات اقتصادی و معیشتی این روزها به مراتب بیشتر از قبل و سوسه‌انگیز خواهد بود.

مشکلات رحم اجاره‌ای از زبان یک فوق تخصص

طاهره میرزایی فوق تخصص زنان و زایمان، در اینباره به «تجارت نیوز» می‌گوید: «اجاره رحم هم برای بسیاری از افرادی که داوطلب این کار می‌شوند مانند کسانی است که به دلیل مشکلات مالی و فقر اقتصادی حاضر به فروش اعضای بدن خود می‌شوند. در اکثر موارد زنان برای این کار داوطلب می‌شوند تا بتوانند مشکلات اقتصادی و معیشتی خود و خانواده‌هایشان را حل و فصل کنند.»

وی در بخش دیگری از این مصاحبه عنوان کرد، «این اتفاق حداقل برای افرادی که واقعا نمی‌توانند بچه‌دار شوند و آرزوی فرزنددار شدن دارند بسیار هم خوب است اما مسئله

بیش از ۶۰ میلی‌متر یعنی دو برابر میانگین بارندگی نسبت به سال گذشته بارش باران در این استان رخ داده است. با وجود گزارش‌های متعدد از خسارت‌ها در استان فداکار مدعی شده است که «غیر از یکی دو مورد خسارت به دام و جاده‌ها، خسارت قابل توجهی در استان رخ نداد است.»

باران شدید چند روز اخیر در کاشان نیز منجر به جاری شدن سیل در معابر و خیابان‌های این شهر، به‌خصوص در مناطق شمالی و شمال شرقی و تخریب برخی خانه‌ها و خسارت به واحدهای تجاری شد.

گزارش‌ها حاکی از آن است که آتش‌نشانی کاشان با پیش‌بینی احتمال وقوع سیل، هشدارهای لازم را به ساکنان مناطق در معرض خطر اعلام کرده و از آنها خواستند تا خانه‌های خود را تخلیه کنند.

با توجه به هشدارهای داده شده، ساکنان مناطق در معرض خطر خانه‌های خود را تخلیه کردند و تلفات جانی در این سیلاب گزارش نشده است.

در شهرستان زواره نیز سیل سبب آبگرفتگی بافت تاریخی این شهر و تخریب شماری از خانه‌های قدیمی شده است. شرایط مشابه برای بافت تاریخی شهرهای دیگر در استان‌های یزد و کرمان نیز گزارش شده است.

در پی باران‌های شدید در شهر یزد دو فرونشست بزرگ در محدوده زیرگذر میدان «امام حسین» و چهارراه «ایرانشهر» در مرکز این شهر ایجاد شده است.

به دلیل بارندگی‌های شدیدی که طی هفته‌های اخیر در استان سیستان و بلوچستان رخ داد ۶۰ اثر و بنای تاریخی این استان تا ۹۰ درصد آسیب دیده‌اند.

غیبت کنکوری‌ها در مناطق سیل‌زده

روز پنجشنبه و جمعه ۶ و ۷ اردیبهشت ماه داوطلبان و دانش‌آموزان باید برای شرکت در آزمون سراسری کنکور که محل برگزاری آن در شهر حاجی‌آباد در خراسان جنوبی بود، حاضر می‌شدند. اما با توجه به آسیب وارد شده به زیرساخت‌ها و جاده‌ها عملاً امکان دسترسی برای برخی دانش‌آموزان و داوطلبان کنکور امکان‌پذیر نبود.

نرجس رخشانی فعال حوزه تعلیم و تربیت در گفتگو با خبرگزاری «ایسنا» در ارتباط با وضعیت بازماندگان از کنکور سراسری در این منطقه گفته است: «پس از جاری شدن سیل دسترسی‌ها به مرکز شهرستان زیرکوه یعنی شهر حاجی‌آباد که محل برگزاری کنکور بود از بین رفت و تخریب شد. قرار است در دو تا سه هفته آینده آزمون مجدد برگزار شود.»

به گفته وی ۱۳۷ تن از داوطلبان مناطق سیل‌زده شهرستان زیرکوه سر جلسه کنکور غایب بودند که از این تعداد ۹۵ درصد به دلیل سیل نتوانستند به آزمون برسند. چون این منطقه محروم محسوب می‌شود، یکی از امیدهای اصلی مردم این منطقه موفقیت در کنکور است.

همچنین بارش شدید باران و جاری شدن سیل در شهرستان زیرکوه استان خراسان جنوبی، راه‌های ارتباطی را تخریب کرد و مانع از حضور برخی از داوطلبان کنکور سراسری در جلسه امتحان شد.

به گزارش «خبرگزاری صداوسیما»، با تلاش‌های انجام شده توسط مسئولان، تعدادی از این دانش‌آموزان با استفاده از ماشین‌های کراس ارتش به حوزه‌های امتحانی انتقال داده شدند.

با این حال، شماری از داوطلبان به دلیل شرایط نامساعد جوی و انسداد راه‌ها، امکان حضور در کنکور را از دست دادند.

سازمان سنجش و آموزش کشور اعلام کرده است که برای این داوطلبان مهیبات لازم اندیشیده خواهد شد و در فرصتی مناسب، می‌توانند در کنکور سراسری شرکت کنند.

پدر مهسا امینی:

«توماج را اعدام نکنید! زخم مردم را تازه نکنید!»

امجد امینی پدر مهسا امینی در پیامی در اینستاگرام خواستار لغو حکم اعدام توماج صالحی خواننده رپ شد. پدر مهسا روز شنبه ۸ اردیبهشت ۱۴۰۳ نوشت که خبر صدور حکم اعدام توماج صالحی «دل تمام مردم ایران را لرزاند.» او از توماج صالحی به عنوان «جوانی» نام برد که «با حمایت از ملتش جایگاهش در قلب تک تک ایرانی‌هاست.» امجد امینی در پایان این پیام نوشت: «توماج را اعدام نکنید، زخم مردم را تازه نکنید، مردم ایران و جهان هنوز مرگ مهسا و مهساها را از یاد نبرده‌اند.»

مسئول اصلی و مرتکبان جنایت علیه

نیکا شاکرمی به دست عدالت سپرده

خواهند شد

پس از انتشار گزارشی از جزئیات دستگیری و تعرض جنسی و قتل فجیع نیکا شاکرمی ۱۶ ساله در جریان جنبش ملی ۴۰۱ که توسط بی‌بی‌سی بین‌المللی تهیه و پخش شد، شاهزاده رضا پهلوی با تأکید بر اجرای عدالت درباره مسئول و مرتکبان جنایت سازمانیافته علیه زنان و شهروندان معترض و در حمایت از مادر و خواهر نیکا نوشت:

«مرتکبان جنایت علیه نیکا شاکرمی، و مسئول اصلی آن علی خامنه‌ای به دست عدالت سپرده خواهند شد. در کنار مادر گرامی نیکا و خواهر شجاعش آیدا شاکرمی که با وجود همه تهدیدها و فشارها، مبارزه او برای آزادی را ادامه داده‌اند، هستیم.» وی با تکرار بخشی از پیامی که چندی پیش همزمان با سر گرفته شدن فشارهای وحشیانه و خشونت علیه زنان و دختران ایران در کوچه و خیابان به راه افتاده، خطاب به «مردان میهن» اعلام کرده بود، نوشت: «بار دیگر از همه مردم ایران به‌ویژه مردان سرزمینم می‌خواهم که:

«امروز بیش از هر زمان دیگری در کنار خواهران و مادران و دختران و همسران و همه زنان ایران بایستید و از آنان

سارا حقیقت جو بوکسور ایرانی تبار

قهرمان جدید جهان شد!

روز شنبه ۸ اردیبهشت ۱۴۰۳ در یک مبارزه نفس‌گیر و تماشایی، سارا حقیقت جو بوکسور ایرانی-کانادایی موفق شد رقیب مکزیکی خود ماریا باتیستا را شکست دهد و عنوان قهرمانی جهان در دسته کاهوزن WBA را از آن خود کند.

ایران ۱۱ میلیارد دلار پول بلوکه شده در

عراق دارد

طارق الهاشم الفیهان نایب رئیس اتاق بازرگانی عراق در همایشی که با هدف توسعه روابط اقتصادی و تجاری میان ایران و عراق نهم اردیبهشت‌ماه در تهران برگزار شد، گفت «ایران ۱۱ میلیارد دلار پول بلوکه شده در عراق دارد.»

وی همچنین تأکید کرد، «تبادلاتی با واحد پول ملی دو کشور و تهاثر صورت می‌گیرد تا بتوانیم تحریم‌ها را دور بزنیم.» مخالفان دموکراسی‌خواه جمهوری اسلامی هشدار می‌دهند حکومت از پول‌های آزاد شده برای تقویت ماشین سرکوب علیه مردم و همچنین پشتیبانی مالی از گروه‌های تروریستی منطقه استفاده می‌کند.

شهبانو فرح پهلوی:

سازمان ملل و نهادهای حمایت از حقوق بشر

باید در کنار هنرمندان آزادیخواه بایستند

شهبانو فرح پهلوی در پیامی که شنبه ۸ اردیبهشت ۱۴۰۳ در واکنش به صدور حکم اعدام از سوی دادگاه انقلاب علیه توماج صالحی هنرمند موسیقی و رپر معترض منتشر شده وی را «خواننده محبوب ایرانی» خواند که «به گناه سرودن و خواندن در ستایش آزادی و پشتیبانی از تلاش زنان ایرانی در دستیابی به آزادی محکوم به اعدام» شده است.

متن کامل این پیام چنین است:

«توماج صالحی خواننده محبوب ایرانی به گناه سرودن و

کیهان تهران:

مامحترمانه حجاب سر زنان می‌کنیم، اما رضاشاه

با ضرب و شتم حجابشان را برمی‌داشت!

روزنامه کیهان دهم اردیبهشت ۱۴۰۳ در ستون «کیهان و خوانندگان» به اظهارات احمد علی‌رضاییگی نماینده تبریز درباره حجاب واکنش نشان داد. این روزنامه در این بخش نوشت: یک نماینده درصالحیت شده این دوره از انتخابات بدون فهم فلسفه حجاب مدعی شده اگر نظام ستمشاهی توانست با زور و جبر چادر از سر زنان ما باز کند، اکنون هم می‌توان با الزام قانونی عکس آن را انجام داد. در ادامه این مطلب آمده، «مقایسه الزام حجاب همراه با اقبال فرهنگی و محترمانه زنان بی‌حجاب در جمهوری اسلامی با رفتارهای مخوف و ضرب و شتم بانوان محجبه توسط رژیم دیکتاتوری پهلوی از مبنا دچار اشکال است. حجاب یک قانون مثبت، سازنده و موافق با فطرت و متضمن کرامت انسانی بانوان است. اما بی‌حجابی و برهنگی در تضاد با فطرت انسان است و نتیجه‌ای جز افزایش خیانت و فساد و فروپاشی کانون خانواده ندارد.»

کوهنوردان اسرائیلی لاشه‌ی موشک‌های

سپاه پاسداران را پیدا کردند

دو هفته بعد از حمله موشکی و پهپادی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به اسرائیل همچنان لاشه‌ی تعدادی از این موشک‌ها در نقاط دورافتاده کشف می‌شود. وزارت دفاع اسرائیل ۲۶ آوریل (هفتم اردیبهشت) در گزارشی با انتشار تصاویری از سقوط لاشه‌ی یکی از موشک‌های پرتاب شده از ایران نوشت، «اثرات حمله [رژیم] ایران به اسرائیل هنوز چند هفته پس از وقوع آن قابل مشاهده است.» بقایای این موشک را ابتدا تعدادی کوهنورد پیدا کردند.

رضاشاه بزرگ:

موسیقدانان و آهنگسازان آهنگ‌های

شادتری بسازند تا مردم شاد شوند



این توصیه‌ای است که در اردیبهشت سال ۱۳۱۸ از سوی رضاشاه بزرگ بنیانگذار ایران نوین مطرح شد.

یک سال بعد فرستنده عمومی رادیو در ایران ساعت نوزده ۴ اردیبهشت ۱۳۱۹ در شیراز با نام «رادیو تهران» گشایش یافت تا بعدها سراسری و به رادیوتلویزیون ملی ایران تبدیل شود که حتا نسل‌های جوانی نیز خاطرات شیرینی با ترانه‌ها و برنامه‌های آن دوران داشته باشند.



خواندن در ستایش آزادی و پشتیبانی از تلاش زنان ایرانی در دستیابی به آزادی محکوم به اعدام است.

سازمان ملل متحد و تمام نهادهای حمایت از حقوق بشر در تمام کشورهای جهان باید در کنار هنرمندانی که ظنن صدای آنها در حمایت از آزادی بیان و هنر از سراسر جهان به گوش می‌رسد بایستند و از هیچ تلاشی برای آزادی این هنرمند بزرگ ایرانی فروگذار نکنند.»



دفاع کنید. آنکه در این تجاوز سازمان‌یافته، زنان ایران را می‌آزارد دشمن است: دشمن شما و دشمن ایران. دفاع از زنان میهن‌مان یک وظیفه انسانی و ملی‌ست. در این مسیر، آنها که به دفاع از زنان ایران برمی‌خیزند، با جای پای سلسله‌بلندی از جاویدنامان در درازنای تاریخ پرشکوه‌مان می‌گذارند؛ دلاورانی که در برابر متجاوزان ایستادند، گارد جاویدان ایران بودند تا خاک و نام ایران جاویدان بماند.»

اقدام غیرقانونی مدیر مدرسه ابتدایی کوئیک در تراشیدن موی دانش‌آموزان

گزارشی از اقدام غیرقانونی و غیرانسانی مدیر مدرسه ابتدایی روستای کوئیک در شهرستان جاسک منتشر شده است. بر اساس ویدئویی که توسط سازمان حقوق بشری «حال و ش» منتشر شده، مدیر این مدرسه به منظور اعمال فشار برای کوتاه کردن موهای دانش‌آموزان، اقدام به تراشیدن بخشی از موی سر آنها بصورت نامتعارف کرده است. پیش از این نیز شاهد انتشار اخباری از قیچی کردن موی دانش‌آموزان در برخی مدارس دیگر بودیم که با واکنش منفی و انتقاد گسترده والدین و افکار عمومی روبرو شده بود. مسئولین آموزش و پرورش در واکنش به این اتفاقات، ضمن تأکید بر عدم اجبار به کوتاه کردن موی سر دانش‌آموزان، قول برخورد با متخلفان را داده بودند.

بارندگی‌های اخیر در کرمان، یخچال تاریخی سیرجان و قلعه نماشیر را تخریب کرد

بارش‌های سیل‌آسا و بی‌سابقه در استان کرمان خسارات زیادی بجا گذاشت از جمله دو بنای تاریخی ارزشمند این استان که از این گزند در امان نماندند. گزارش‌ها حاکیست گنبد یخچال تاریخی سیرجان که یکی از مهم‌ترین بناهای تاریخی استان کرمان به شمار می‌رفت، بطور کامل فرو ریخت. این یخچال که قدمت آن به دوره قاجار می‌رسد، در سال‌های اخیر بطور خودسرانه و غیراصولی توسط مالک مرمت شده بود و همین امر احتمالاً در تخریب کامل آن نقش داشته است. همچنین بخش‌هایی از قلعه نماشیر در اثر بارندگی‌های اخیر تخریب شد. این قلعه تاریخی که بر فراز تپه‌ای در شهرستان نماشیر واقع شده از جمله آثار شاخص دوران ساسانیان و اوایل سلطه اسلام بر ایران در استان کرمان محسوب می‌شود.

مبارک دموکراسی آمریکا و همه دموکراسی‌های جهان باشد!

حقیقه و پرچم فلسطین بر گردن و شانه‌ی جرج واشنگتن از



مبارک دموکراسی آمریکا و همه دموکراسی‌های جهان باشد!

مسعود اسکویی مفسر پیشکسوت ورزش درگذشت

مسعود اسکویی مجری و مفسر قدیمی ورزش رادیو و تلویزیون روز چهارشنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۳ در سن ۸۵ سالگی درگذشت. اسکویی از سال ۱۳۴۵ به استخدام تلویزیون ملی ایران درآمد و حدود ۵۷ سال به عنوان مجری، گوینده و مفسر ورزشی فعالیت داشت. این پیشکسوت ورزش و رادیو دوره تخصصی گزارشگری را در BBC و دوره تهیه‌کنندگی را به مدت یک‌سال در تلویزیون TDF آلمان گذراند. اسکویی با گزارش بازی دوستانه فوتبال بین تیم‌های پرسپولیس و کویت در سال ۱۳۵۰ وارد کار گزارشگری ورزشی شد. او همچنین در سال ۱۳۷۱ در کلاس تخصصی گزارشگری فینگی، استاد استرالیایی، حضور یافت.

نصرالله شیرین‌آبادی نوازنده ویولن در ۸۰سالگی درگذشت

نصرالله شیرین‌آبادی شامگاه دوشنبه ۹ اردیبهشت ۱۴۰۳ در سن ۸۰سالگی درگذشت. او از شاگردان حبیب‌الله بدیعی بود و در ۱۷ سالگی آنقدر در نوازندگی ویولن مهارت پیدا کرد که حسین تهرانی لقب «صبا کوچولو» را به او اطلاق کرد. از جمله فعالیت‌های حرفه‌ای او می‌توان به همکاری با هنرمندانی همچون جلیل‌عندلیبی و شهرام ناظری در گروه مولوی به عنوان نوازنده قیچک آلتو و همچنین اجراهای دیگر او با همراهی محمدرضا لطفی و ناصر فرهنگ‌فر اشاره کرد.

ادامه خودکشی پزشکان در ایران!

دکتر زهرا ملکی قربانی به زندگی خود پایان داد

دکتر زهرا ملکی قربانی پزشک ۲۸ ساله در جاسک به زندگی خود پایان داد. از استوری‌ها و توئیتهای این



ادامه خودکشی پزشکان در ایران!
دکتر زهرا ملکی قربانی
به زندگی خود پایان داد

اقدام غیرقانونی مدیر مدرسه ابتدایی کوئیک در تراشیدن موی دانش‌آموزان

گزارشی از اقدام غیرقانونی و غیرانسانی مدیر مدرسه ابتدایی روستای کوئیک در شهرستان جاسک منتشر شده است. بر اساس ویدئویی که توسط سازمان حقوق بشری «حال و ش» منتشر شده، مدیر این مدرسه به منظور اعمال فشار برای کوتاه کردن موهای دانش‌آموزان، اقدام به تراشیدن بخشی از موی سر آنها بصورت نامتعارف کرده است. پیش از این نیز شاهد انتشار اخباری از قیچی کردن موی دانش‌آموزان در برخی مدارس دیگر بودیم که با واکنش منفی و انتقاد گسترده والدین و افکار عمومی روبرو شده بود. مسئولین آموزش و پرورش در واکنش به این اتفاقات، ضمن تأکید بر عدم اجبار به کوتاه کردن موی سر دانش‌آموزان، قول برخورد با متخلفان را داده بودند.

بازداشت برادرزاده علی شمخانی در آبادان

پایگاه خبری «صراط نیوز» روز یکشنبه نهم اردیبهشت‌ماه گزارش داد، موعود شمخانی معاون منطقه آزاد که برادرزاده علی شمخانی دبیر سابق شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی است، در آبادان بازداشت شد. علت دستگیری وی مشخص نیست. گفته می‌شود موعود شمخانی به تازگی در تهران در مراسم عروسی «سوپرلوکس» دخترعموی خود در هتل مجلل «اسپیناس پالاس» تهران شرکت کرده بود.

یک‌کارمند «پلیس امنیت اخلاقی» به‌زنان پشت فرمان اتومبیل:

روسی سیاه سر نکند تا اشتباهی جریمه نشوید!

در حالی که جمهوری اسلامی سعی می‌کند حجاب اجباری و تحمیل کردن آن به زنان و دختران ایران را با جریمه‌های مالی به منبع درآمد برای خود تبدیل کند، روزنامه «هم‌میهن» در گزارشی با عنوان «توقیف‌های پولساز» از قول یک کارمند «پلیس امنیت اخلاقی» نوشته که وی توصیه کرده برای جلوگیری از خطای دید جهت ارسال «پیامک حجاب»، زنان



یک کارمند «پلیس امنیت اخلاقی»
به زنان پشت فرمان اتومبیل:
روسی سیاه سر نکند تا اشتباهی
جریمه نشوید!

پشت فرمان روسی سیاه نپوشند! حالا چرا؟ چون نمی‌توان تشخیص داد روسی سیاه موی خانم‌هاست یا پارچه! فکرش را بکنید که اینهمه سرمایه و انرژی هزینه می‌شود تا مقرراتی ضدبشری را به جامعه تحمیل کنند بعد هم تازه به کسانی که مخالف این مقررات و حجاب اجباری هستند توصیه می‌کنند که چه رنگی بپوشند یا نپوشند تا تحمیل و سرکوب و جریمه کردن به خاطر آزادی، راحت‌تر شود!

پزشک جوان پیدا است که به شدت از شرایط سخت کار در بیمارستان ناراضی بوده است. پیش از این دکتر سمیرا آل سعیدی فوق تخصص روماتولوژی در بیمارستان «شریعتی» تهران، به زندگی خود پایان داده بود. خودکشی پزشکان و رزیدنت‌ها و انترن‌ها در شرایطی که جمهوری اسلامی بر کشور تحمیل کرده است، به یک پدیده وحشتناک با پیامدهای جبران‌ناپذیر در ایران تبدیل شده است.

بنیانگذاران آمریکا از این نظر طنز تلخی است که موضوع اصلا بر سر مردم فلسطین نیست و بر سر انواع مخالفان یهودستیز کشور اسرائیل است که در عمل از گروه‌های تروریستی مانند حماس و جهاد اسلامی حمایت می‌کنند. همان گروه‌هایی که جمهوری اسلامی پدروخوانده‌شان است و با صرف هزینه‌های میلیاردی از برقراری صلح در منطقه و امنیت و رفاه برای فلسطینی‌ها جلوگیری می‌کند.

KAYHANLIFE



KAYHAN LONDON
WWW.KAYHANLIFE.COM

SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN
COMMUNITY

www.kayhanlife.com



عکس هفته | آخرین لحظات نیکا نخستین لحظات جاودانگی دختر قهرمان ایران